



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



عمران
علیه السلام

www.ghaemiyeh.com
www.ghaemiyeh.org
www.ghaemiyeh.net
www.ghaemiyeh.ir



دنیا از منظر مولانا علی ابن ابیطالب

مجلس شورای اسلامی ایران

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

دنیا از منظر امام علی علیه السلام

نویسنده:

سید مهدی طباطبایی

ناشر چاپی:

نقش نگین

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۷	دنیا از منظر مولا علی ابن ابیطالب علیه السلام
۷	مشخصات کتاب
۷	اشاره
۱۱	فهرست موضوعی
۱۳	حقیقت دنیا
۱۶	نسخه شفابخش
۲۱	پایه های محکم اخلاق
۲۷	پیشگفتار
۲۸	۱. ویژگی های دنیا:
۲۹	۲. دنیا مثل:
۳۱	۳. اهل دنیا
۳۱	۴. مثل دنیا و آخرت
۳۲	بخش اول: دنیا
۳۲	فصل اول
۱۰۹	فصل دوم: دنیا: نامه های نهج البلاغه
۱۳۸	فصل سوم: دنیا: حکمت های نهج البلاغه
۱۴۰	مقدمه حکمتها
۱۵۶	فصل چهارم: دنیا: در کتاب غرر الحکم
۱۸۸	فصل پنجم: دنیا: در میزان الحکمه
۲۱۶	فصل ششم: دنیا: در برخی منابع دیگر
۲۵۴	بخش دوم: زهد
۲۵۴	فصل هفتم: زهد از کتاب میزان الحکمه
۲۵۶	مقدمه بخش زهد

۲۷۴ ----- فصل هشتم: زهد از کتاب غرر الحکم

۲۸۴ ----- فهرست موضوعی

۳۴۴ ----- درباره مرکز

دنیا از منظر مولا علی ابن ابیطالب علیه السلام

مشخصات کتاب

سرشناسه: طباطبایی، سید مهدی، 1330 -

عنوان و نام پدیدآور: دنیا از منظر مولا علی (علیه السلام) / سید مهدی طباطبایی.

مشخصات نشر: اصفهان: نقش نگین: کهن دژ، 1398.

مشخصات ظاهری: 304ص.؛ 5/14×5/21 س.م.

شابک: 350000 ریال 978 - 600 - 329 - 217 - 8

وضعیت فهرست نویسی: فاپا

یادداشت: چاپ دوم: 1399.

یادداشت: کتابنامه به صورت زیر نویس.

موضوع: علی بن ابی طالب (ع)، امام اول، 23 قبل از هجرت - 40ق. - - دیدگاه درباره دنیای فانی

موضوع: *Views on The Transitory world - - Ali ibn Abi - talib، Imam I، 600 - 661

رده بندی کنگره: BP38/09/د87 ط2 1398

رده بندی دیویی: 297/9515

شماره کتابشناسی ملی: 5601202

اطلاعات رکورد کتابشناسی: فاپا

ص: 1

اشاره

بسم الله الرحمن الرحيم

ص: 2

دنیا از منظر مولا علی علیه السلام

سید مهدی طباطبایی

ص: 3

امام علی علیه السلام:

دنیا خوب خانه ایست برای کسیکه آن را سرای همیشگی خود نپندارد

و جایی است که محل و وطن همیشگی او نیست.

همانا رستگاران دنیا در فردای قیامت کسانی هستند که امروز به آن دل نبسته و از آن گریزانند.

خطبه 223 نهج البلاغه

ناشر: نقش نگین / ناشر همکار: کهن دژ

مدیر تولید: مهدی نقش / صفحه آرا مهدی: نحوی

طرح جلد: امیر حسین ابطحی

نوبت چاپ: اول، 1398

تیراژ: 1000 نسخه / چاپ: حافظ

لیتوگرافی: طلوع / صحافی: سپاهان

شابک: 8 - 217 - 329 - 600 - 978

قیمت: 35000 تومان

کلیه ی حقوق محفوظ است

اصفهان / خیابان حکیم / ساختمان دقیق / پلاک 116

تلفن: 61 - 32236260 - 32204933

Email:Info@naghshnegin.com

www.naghshnegin.com

ص: 4

فهرست موضوعی

حقیقت دنیا ... 7

نسخه شفابخش ... 10

پایه های محکم اخلاق ... 15

پیشگفتار ... 21

1. ویژگیهای دنیا ... 22

2. دنیا مثل ... 23

3. اهل دنیا ... 24

4. مثل دنیا و آخرت ... 24

بخش اول: دنیا ... 25

فصل اول ... 25

فصل دوم: دنیا: نامه های نهج البلاغه ... 101

فصل سوم: دنیا؛ حکمت های نهج البلاغه ... 129

مقدمه حکمت ها ... 131

فصل چهارم: دنیا: در کتاب غرر الحکم ... 147

فصل پنجم: دنیا؛ در میزان الحکمه ... 179

ص: 5

فصل ششم: دنیا: در برخی منابع دیگر ... 207

بخش دوم: زهد ... 245

فصل هفتم: زهد از کتاب میزان الحکمه ... 245

مقدمه بخش زهد ... 247

فصل هشتم: زهد از کتاب غرر الحکم ... 265

ص: 6

سید ابوالحسن مهدوی

پروردگار علیم حکیم جهان هستی را به گونه ای آفرید که انسان بتواند با استفاده ی صحیح از آن به رشد و کمال نهایی خویش برسد.

استفاده ی صحیح منوط به سه چیز است

1. تحصیل دنیا از راه حلال

2. مصرف آن به مقدار کفاف در عمل و قناعت در نفس

3. هم تحصیل دنیا و هم مصرف آن قرین با انقطاع دل و زهد باشد

اگر می بینیم که در کلام وحی و کلام متصلان به وحی علیهم السلام گاهی مذمت از دنیا شده و گاهی تمجید از آن، همه به دلیل هشدار و تنبیه به استفاده ی صحیح از آن و دوری و اجتناب از تحصیل حرام یا مصرف به حدّ اسراف یا اتّصال دل به آن است و الاّ پروردگار هیچگاه دنیای بدی خلق نکرده تا مذمت آن شود آنچه مذموم است کیفیت ناصحیح استفاده ی انسان به اختیار خود از آن است.

آنچه واضح است خطر استفاده ناصحیح بشر از دنیا، بسیار بیشتر از استفاده ی صحیح آن است و از این جهت است که در کلام خالق

وحی و نیز در کلام گیرندگان وحی هشدارهای فراوانی از جهت غرور و فریبندگی دنیا داده شده است تا هر کسی با نگاه به این تابلوها و هشدارها

ص: 7

از خطرات دلبستگی به دنیا و شیفتگی و محبت به آن که ریشه‌ی همه‌ی خطاها و گناهان غفلت‌هاست بکاهد و با استفاده‌ی صحیح از آن (ولا تسبیک من الدنيا) بهترین توشه‌های آخرتی و کمال معنوی در رشد روحی را در همین دنیا تحصیل نماید.

مقام و منزلت مثل اعلاى خدای سبحان شدن و به جنب‌الله رسیدن و آینه‌ی و آیه‌ی تمام‌نمای او گردیدن خرق همه حجب نمودن به جز حجاب واجبیت، و مثل معصومین (علیهم‌السلام) شدن و معیت دائمی با آنها بودن.

يا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَكُونُوا مَعَ الصَّادِقِينَ

ای کسانی که ایمان آورده‌اید! از (مخالفت فرمان) خدا بپرهیزید و با صادقان باشید! (توبه 119)

و خلاصه آنکه، مهدی‌گونه‌گشتن همه و همه کاشف از مرتفع‌ترین قلّه‌ی روحی و هدف خلقت هر جن و بشری است که تجلی آن در دنیا به واجد اسم اعظم شدن و مقام کن‌فیکون است و در آخرت به مقام لقاء الهی و شنیدن ندای فدخلی عبادی وادخلی جنتی و تحصیل رضوان او که اکبر از جنت است.

وَعَدَ اللَّهُ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا وَمَسَاكِنَ طَيِّبَةً فِي جَنَّاتِ عَدْنٍ وَرِضْوَانٌ مِنَ اللَّهِ أَكْبَرُ ذَلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ

خداوند به مردان و زنان با ایمان باغ‌هایی از بهشت وعده داده که نهرها از زیر درختانش جاری است؛ جاودانه در آن خواهند ماند؛ و مسکن‌های پاکیزه‌ای در بهشت‌های جاویدان، (نصیب آنها ساخته)؛ و (خشنودی و) رضای خدا، (از همه اینها) برتر است؛ و پیروزی بزرگ، همین است! (توبه 72)

در این میان بیشترین هشدارهای صریح و ضرب المثل‌های نافع پیرامون حقیقت دنیا در کلام گهربار امیرمؤمنان و امیر بیان حضرت علی علیه السلام آمده است. که توجه و تدبّر در آنها حتی برای کسانی که بارها مطالعه کرده و دیده اند، باعث بصیرت بیشتر و تذکر زیادتر و حرکت سریع تر و ذخیره ی فراوان تر و رسیدن به مقام زلفی و قرب الهی و تحصیل نفس مطمئنه و آرامش دنیوی و کسب لقاء الهی و مقام عنداللهی می گردد.

در کتاب حاضر تلاش وافر صورت گرفته تا مجموعه ی سخنان آن امام همام بدون هیچگونه توضیحی جمع آوری گشته و با چینی نویی در اختیار شیعیان و محبّین آن حضرت قرار گیرد.

بهره گیری مؤلف محترم فاضل ارجمند جناب آقای سید مهدی طباطبائی (زید عوّه) از برخی اساتید نهج البلاغه نیز باعث شده تا این تلاش

بهرتر به سر منزل مقصود برسد.

خدای سبحان این زحمت و تلاش را به احسن وجه از ایشان قبول نموده و ایشان و همه ارادتمندان به ساحت مقدس آن حضرت را با ایشان محشور نماید. آمین.

سید ابوالحسن مهدوی

97/10/8

ص: 9

محمد علی صاعد اصفهانی

اهلاً و سهلاً، خوش آمدی و خوش آوردن شفابخش مرض مسری و غافلگیر کننده ی امروز جامعه ی فریفته ی دنیا و دلباخته ی تجملات فانی و زودگذر را و متأسفانه موهبت های الهی که برای کمک و تقویت و فراهم کردن و مصرف نمودن در راه تهیه سفر به خانه ی همیشگی آخرت که خداوند به ما ارزانی داشته است و ما و جامعه ی ما غافل از خانه ی ابدی آخرت شیفته و دلباخته شده ایم به این دار فانی و زودگذر. آه آه که از امام علی که بر او درود و سلام باد دم به دم از او دم میزنیم و او را ستایش و تمجید میکنیم و خود را پیرو او و او را امام و رهبر و مولای خود می دانیم اما افسوس و صد افسوس که پیر و جوان، عالی و دانی، همه و همه از تعلیمات و سخنان دُرربار او یا بی خبر و گاه بی توجه و سرسری از آنها رد میشویم.

درود و آفرین به این انتخاب و گردآوری این نسخه های شفابخش برای این بیماری مسری و جانگزا یعنی گرایش و آلوده شدن به مرض شیفتگی به دنیا و حرص بیشتر بهره بردن از لذت های زودگذر آن، و جمع آوری مال و منال خانه باغ ویلا و غیره و غافل شدن از اینکه انسان برای سرای آخرت آفریده شده است و این دنیای فانی سرای فراهم کردن

ص: 10

اسباب زندگانی برای پس از مرگ و سرای ابدی آخرت است صد وای و هزار وای به این آلودگی که همه گیر شده است.

اگر جامعه ی دنیا زده ی ما را به همین جمله فرمایش علی علیه السلام که در خطبه ی 223 ایراد فرموده اند (و در صفحه ی اول این کتاب مشاهده می کنید) و تعریف جامع و کاملی از دنیا در جمله ای کوتاه، همچون آینه ای روشن پیش روی جامعه ی ما برنهاده است توجه و پیگیری شود بی تردید اثر بخش خواهد بود و به راستی ملت مسلمان ایران که متأسفانه سخت مورد تعرض دولت های غارتگر و سرمایه ور حيله گر و فتنه انگیز قرار گرفته است به این نسخه ای ایمنی بخش محتاج است و شفای دردهای امروزی ما که مبتلای دنیا زدگی و شیفته ی تجمل گرایی و به هر در زدن و به هر وسیله متوسل شدن برای حداکثر استفاده از مادیات، اعم از خوراک پوشاک منزل و هرچه دلخواه و در توان است چنانکه گوئی ما برای همیشه در این دنیا خواهیم زیست و به جدّ از قیامت و سرای عافیت غافل مانده ایم! ...

درود بر مؤلف شریف که چه خوب و به مورد و به موقع مطالب مربوط به نسخه ی شفابخش را گردآوری و به دست نشر می سپارد، سپاس. زحمتی که مؤلف در جمع آوری گروهی از فرمایشات امیر مؤمنان و دیگر معصومین علیهم السلام درباره ی آلوده نشدن به دنیا و غفلت از سرای ابدی آخرت در عصر حاضر که مرض دنیا مداری بر همه شئون جامعه غلبه یافته است کاری گرانبها و سزاوار تمجید و آفرین است. جمع آوری کلمات قصار مربوطه و آنچه از سخنرانیها و خطبه های مفصل حضرت مولی الموالی علیه السلام در مورد دل نبستن به دنیا و استفاده ی بهینه از دنیای فانی برای فردای باقی انتخاب شده، دارویی است که

جامعه‌ی دنیا زده‌ی ما شدیداً به آن احتیاج دارد.

با اینکه ترجمه‌های آورده شده در این کتاب اکثراً از متأخرین از علماء دانشمند میباشد و بعضاً فاصله و برتریهای فراوانی با ترجمه‌های پیشین دارد مع الوصف هنوز جای تأمل و تدبیر بیشتر و بهتر و رساتر شدن ترجمه‌ها از فرمایشات امام علیه السلام وجود دارد و این کاری است مشکل و طاق فرسا اما سزاوار ستایش و ارج نهادن به آن.

در مقدمه‌ی فصل هفتم این کتاب در معنای زهد توجه شود که مرحوم علامه شهید مطهری چه گفته است؟ و این توجه به ترجمه و تعبیر معانی کلمه عربی به فارسی هنوز و هر روز استمرار دارد زبان فارسی پیوسته بهبود می‌یابد و برای ترجمه رساتر میشود.

بنابراین گام بلندی که نویسنده ارجمند کتاب برداشته است سزاوار پیگیری و ادامه و روشنگری را می‌طلبد که به نظر میرسد گروهی لازم

است. عمده‌ی این ترجمه‌ها برای نسل پیشین و نسلهای گذشته و زبان دوره‌های گذشته است و سزاوار است که سزاوار است که جمعی از ادیبان بخصوص جوانان که بر ادبیات معاصر اشراف دارند با گردهمائی و همکاری با همه‌ی علماء و دانشمندان بدون رقابت، بلکه با همدلی صمیمانه به فرمایشات گرانب‌های امام علی علیه السلام و دیگر معصومین و توجه ویژه به مفاهیم مورد نظر جملات و نقل از زبان عربی به فارسی امروزی با مراجعه به لغت هر دو زبان و انتخاب مناسب‌ترین و موجزترین و رساترین معنی کلمه‌ها را دریافت و با عبارت شیرین بیان کرد که جامعه‌ی ما فراتر از آنچه تصور میشود گرفتار بیماری دنیازدگی است و به این نسخه‌های شفابخش محتاج است. به گمان صاحب این قلم کاری مهم تر و مفیدتر اساسی تر حتی برای کمک به رشد علم و صنعت و تکنولوژی و آنچه جامعه‌ی در

حال پیشرفت ما در وضع فعلی جهان به آن احتیاج دارد، همین شیفته‌ی دنیا نشدن و هرکار و کوششی را برای خدا و پیشرفت جامعه برای سرفرازی ایران و کل جامعه و توجه داشتن به توجه نداشتن به نفع شخصی و فقط سود بردن فردی و شیفته‌ی مال و منال دنیا نشدن است.

آنچه در این کتاب از سخنان مولی امیرمؤمنان علی علیه السلام آورده شده است مؤثرترین یادآوری و شفا بخشترین دارو برای امت و ملت ایران است که به جای سودجویی فردی منافع کل جامعه پیوسته در نظر باشد و به جای من، ما مطرح باشند یعنی در هر کاری سود بردن برای همه باشد.

به نظر می‌رسد اشاره به موضوع های مطرح فوق شدت ضرورت گردآوری مطالبی درباره‌ی دنیا از منظر حضرت مولا علی علیه السلام تا چه اندازه ضروری و سزاوار تمجید و پیگیری می‌باشد.

نظر نویسنده این سطور این است که این مجموعه (کلام امام امیرمؤمنان علیه السلام درباره (زهد) شیفته‌ی دنیا و مواهب آن نشدن) که کم دارد متن عربی فرمایشات است که آوردن آنها بر اعتماد و اطمینان و تأثیر در نفس خواننده و جوینده می‌افزاید، اگرچه کتاب را قطورتر خواهد کرد، اما بی‌سختن آوردن متن سخنان امام علیه السلام علاوه بر اینکه بر اعتماد و قبولی آن می‌افزاید و لنگاری معاندان را هم خنثی و بی‌اثر می‌سازد.

به گمان صاحب این قلم کاری مهمتر و مفیدتر و اساسی‌تر از روشی که در این کتاب پیش گرفته شده است امروز نداریم و شایسته و سزاوار پیگیری است. ضرورت دارد که پیش از مطالعه کتاب نگاهی به خود و دل‌بستگی‌هایمان به دنیا و جامعه‌ای که در آن و به آنها زندگی می‌کنیم از منظر و خوی و الفتان به برخورداری‌هایمان از دنیا بیفکنیم و همچنین توجه کنیم برای چه آفریده شده ایم و سرانجام ما چه خواهد بود و به کجا و به

چه خواهد رسید.

موضوع این کتاب بهترین دارو و بهترین نسخه ی شفابخش و سزاوارترین یادآوری و تذکر به ما مردم دنیا زده و گرفتار خواهش های نفسانی و لذات زود گذر است.

توجه مؤلف محترم به مشکل جامعه ی امروز ما و به دنبال حل آن رفتن و نسخه شفابخش درد و گرفتاری امروز ما را به دست آوردن و جمع آوری و تدوین با مشغله هائی که همه ی ما با آنها دست به گریبان هستیم کاری است گرانبها و ارجمند خداوند بر توفیقات ایشان بیفزاید و لطف بیکران خود را شامل حال او قرار دهد. بنبیّه و اله الاطهار - والسلام

محمد علی صاعد اصفهانی

1397/9/21

ص: 14

مؤلف ارجمند و فاضل محترم جناب آقای طباطبائی (دام عزه العالی)

سلام علیکم

کتاب اخیر جنابعالی مربوط به دنیا و زهد از منظر امیرمؤمنان حضرت علی علا ملاحظه گردید. الحق تلاشی ارزشمند در جهت اصلاح فرهنگ جامعه میباید که صورت گرفته و به سبب ویژگی هائی که دارد کم نظیر می باشد.

الف - این دو موضوع از موضوعات اساسی جامعه ی ما و از پایه های محکم اخلاق است. زهد در دنیا از جمله عوامل اصلی برای انسانهای طالب کمال است که آنها را به سر منزل مقصود میرساند و شرطی است که خداوند متعال برای اولیاء خود مقرر فرموده است امروز جامعه ی بشری مخصوصاً جامعه اسلامی ما نیاز به الگو و اصلاح و در صورت لزوم تغییر رفتار دارد و به عبارتی سخت محتاج به اخلاق درست و در واقع اخلاق الهی است که در درجه اول فرهنگ جامعه تصحیح شود و این دو موضوع شرط است نحوه ی نگرش به دنیا و رعایت زهد.

ب - این مطالب از شخصیتی نقل قول میشود که (کلامه دون کلام الخالق و فوق کلام المخلوق) و صرف نظر از اینکه از لحاظ ادبی و بلاغت

بی نظیر است، در تبیین این دو موضوع کسی تا بحال مثل ایشان (مولا علی بن ابیطالب علیه السلام) پیدا نشده که بتواند حقیقت دنیا نحوه استفاده از دنیا و انواع دنیا را و شرط به رستگاری رسیدن در دنیا را اینطور بیان نماید که دنیا به خودی خود وسیله ایست و از تجلیات علم و قدرت خداوندیست که نحوه استفاده از آن مهم است که در این صورت دو دنیا می شود:

1. دنیای مذموم دنیا طلبان که (حَبِّ الدُّنْیَا رَأْسُ كُلِّ خَطِیئَةٍ) باید جامعه ما از این دنیای هدف و دنیای دنیا طلبان دوری نماید که بسیار در کلمات مولی تحقیر شده است.

2. دنیای ممدوح و آن دنیای خوبان و مصلحین میباشد. (متجر اولیاء الله - مسجد احباء الله - مهبط وحی الله) همین دنیاست که به شرط رعایت زهد موجب میشود بشر از حجاب های نورانی و ظلمانی گذشته و پس از رفع حجب به خدا برسد و نظر کند بوجه الله، که حائلی بین او و خداوند متعال نباشد و در این صورت نتیجه جامعه اخلاقی و افراد شایسته میباشد.

جنابعالی از اینکه صرفاً از کلمات مولی استفاده کرده اید و بدون بحث و در واقع دست نخورده است و از منابع مختلف استفاده نموده اید قابل امتنان است.

اینجانب به نوبه ی خود از این تلاش ارزشمند تشکر نموده امیدوارم هرچه سریع تر چاپ شده که همگان از آن بهره مند گردند.

دام الله توفیقاتکم

غلامرضا محمدی نجف آبادی

97/10/17

ص: 16

جز خداوند و پیامبرش امام علی علیه السلام را آنگونه که هست! دیگری را قدرت شناخت و درکش نیست و ورود به عرصه شناسائی علی علیه السلام برای

انسانهای ضعیف و درمانده ای چون ما که وابسته عالم مادی و گرفتار عوامل زیستن در این خاکدان هستیم میسر نیست.

علی علیه السلام را پس از خالق علی مربی علی علیه السلام یعنی رسول الله اعظم صلی الله علیه و آله و سلم معرفی تواند کرد که خود فرمود:

«من تربیت شده خدایم و علی علیه السلام تربیت شده من.»

خدای متعال برای سعادت بشریت و نجات انسان از وادی گمراهی به سر منزل نور و هدایت و رستگاری این الگوی کامل را آفرید و آنگاه به تمام ما سوی الله فرمود اگر طالب نجات از منیت و انانیت هستید به این انسان کامل نگاه کنید راه او را بپیمائید در صراط مستقیم من که رته علی علیه السلام است قرار گیرید تا به هدف آفرینش که برای شما ترسیم نموده ام و شالوده فطرت پاک شما براساس آن ریخته شده است برسید.

علی علیه السلام خود فرمود:

هرگز از من برائت نجوئید زیرا من براساس فطرت توحید تولد یافته ام. (نهج البلاغه خطبه 57)

اما براستی ما انسان ها که چند روزی کوتاه را در این دنیای پر از

گرفتاری و سختی سپری خواهیم کرد و باید زاد و توشه ای برای سفر آخرت و سکونت دائمی برداریم سزاوار است چگونه به دنیا نگاه کنیم؟ از دنیا چگونه بهره برداری نمائیم؟ چگونه فریب آن را نخوریم؟ مغلوب این جیفه و زرق و برق دنیا نشویم و از این فرصت که یا سعادت ما در آن کسب می شود و یا شقاوت چگونه استفاده کنیم؟ این موضوع مهم و سرنوشت سازی است که خرد ما حکم می کند توجه خود را به آن هدایتگر الهی و معلم انسانیت سوق دهیم و از نگاه و روش علی علیه السلام پیروی کنیم تا به اهداف عالی انسانیت که خدای علی برای ما ترسیم نموده برسیم.

دنیا از منظر مولا موضوع کتابی است که اینک در پیش روی شماست و امید است با بهره گیری از سخنان الهی و نورانی آن بزرگوار و عمل به آن، به رستگاری و سعادت جاوید نائل شویم. ان شاء الله.

کتاب حاضر مجموعه ای از کلمات گوهر بار امام المتقین امیرالمؤمنین حضرت علی علیه السلام است که در نهج البلاغه (خطبه ها، نامه ها، حکمت ها) غرر الحکم، میزان الحکمه، کافی، بحار الانوار و ... با موضوع دنیا آمده که نویسنده در حدّ بضاعت مزجاة خود از این کتب استخراج و دسته بندی نموده و آنگاه به زیور چاپ آراسته گردیده است.

برای کلمات حضرتش هیچ شرح و تفسیری نیاز نیست چون کلام امام، کلام فطرت است و برای هر انسانی با هرگونه گرایش حتی اگر اعتقاد به ماوراء الطبیعة نداشته باشد و قیامت باور هم نباشد تکان دهنده، بیدار کننده و مفید فایده خواهد بود زیرا «کلام الامام امام الکلام» است.

در تدوین این اثر از کتاب ارزشمند «پیام امام» شرح نهج البلاغه به قلم مولا علی علیه السلام حضرت آیت الله مکارم شیرازی بسیار بهره برده ام، خداوند وجود شریف ایشان را برای اسلام و مسلمین حفظ فرماید.

مخاطب این کتاب چون فارسی زبانان و بخصوص جوانان میباشند، متن عربی آورده نشده ولی در هر مورد نشانی کلام ذکر شده است. برخی از احادیث ممکن است بصورت تکراری ذکر شده باشد و یا در متن خطبه ها و نامه ها آمده و در بخش کلمات قصار (حکمت ها) نیز باشد که به دلیل اهمیت آنها و اینکه بسیار هشدار دهنده می باشد تکرار آنها را از لطف خالی ندیده و لذا حذف نشده بویژه اینکه علیرغم

کوتاهی، جملات دارای مفاهیم بسیار بلند است و در ذهن خواننده بهتر و بیشتر خواهد ماند.

امید است این تلاش ناقابل از این بنده ناچیز مورد قبول حضرتش قرار گیرد.

از سرکار خانم شقایق باخویش (محمدی) که در آماده سازی این اثر حوصله و تلاش زیادی بخرج دادند تشکر می کنم.

علامات اختصاری خطبه علیها السلام خ، نامه علیها السلام ن، حکمت علیها السلام ح، حدیث غرر الحکم علیها السلام غ، حدیث میزان الحکمة علیها السلام م

سید مهدی طباطبائی

محرم الحرام 1440

مهرماه 1397

ص: 19

دنیا مؤنث «ادنیعلیها السلام نزدیکتر» از ریشه (دنو) به معنای «نزدیک بودن» است و برای زندگی قبل از مرگ صفت واقع می شود، در مقابل «آخرت» که برای زندگی پس از مرگ صفت واقع می شود.

با تأمل در آیات و احادیثی که کلمه «دنیا» در آنها به کار رفته است روشن میشود که این واژه در احادیث اسلامی سه کاربرد دارد:

1. جهان پیش از مرگ و زندگی در آن (در مقابل جهان پس از مرگ و زندگی در آن) این کاربرد هماهنگ با معنای لغوی «دنیا» است.
2. بهره گیری از امکانات جهان پیش از مرگ در جهت تأمین نیازهای مادی و معنوی، و دنیوی و اخروی در کنار هم.
3. بهره گیری از امکانات جهان پیش از مرگ جهت تأمین خواسته های مادی به بهای از دست دادن ارزشهای معنوی و آسایش اخروی.

که در این صورت؛

- دنیای به معنای اول از آیات الهی و نشانه های حکمت و قدرت اوست.

- دنیای به معنای دوم دنیای ستوده است.

- و دنیای سوم دنیای نکوهیده می باشد.

نکته قابل توجه و مهم این است که:

آنچه در قرآن و احادیث اسلامی (بویژه در کلام امیر کلام حضرت

امیرالمؤمنین علی علیه السلام در تبیین حقیقت دنیا و آخرت و چگونگی برخورد با آنها آمده، حقیقتاً در حد اعجاز است. با تأمل میتوان به روشنی دریافت که اندیشه انسان، بدون ارتباط با مبدأ وحی نمیتواند چنین دقتی که در احادیث و بخصوص بیان امام علیه السلام دیده میشود میان دنیایی که مزرعه آخرت است و دنیایی که در برابر آخرت قرار دارد مرزبندی کند و راه نجات از دام دنیای نکوهیده را بشناسد و او را به آبادسازی سرای همیشگی در کنار آباد کردن سرای زندگی موقت وا دارد. (1)

پس شایسته است که بارها و بارها کلمات پندها و مواعظ امام را بخوانیم آنها را نصب العین خویش قرار دهیم در آن مسیر حرکت کنیم تا راه را از چاه تشخیص داده و فریب شیطان را نخوریم و از آبادی هر دو سرای موقت و دائم باز نماییم. ان شاء الله.

امام علی علیه السلام در بیانات ارزشمند و انسان ساز خویش از دنیا با این تعبیرات یاد کرده اند که خواننده محترم در حین مطالعه کتاب به آنها توجه خواهد کرد.

1. ویژگی های دنیا:

- سرای آزمایش

- محنت کده

- مصیبت کده

- غم کده

- از منظر عبرت کده

- سرای برخورداری محدود و اندک

ص: 22

- سرای کوچیدن

- سرای رفتن

- گذرگاه

- سرای جدائی

- سرای نابودی

- سرای زودگذر

- احاطه شده به شهوت ها

- سرائی که برای غیر خودش آفریده شده است.

- و تعابیر دیگری که در متن کتاب آمده است.

2. دنیا مثل:

- کشتزار بهاری

- پل برای گذر

- سایه و ابر

- رویا (خواب)

- سراب

- دریای ژرف

- جامه دریده

- سَمّ

- مار

- جیفه (لاشه)

- خوراک

- غول

ص: 23

- دام و تله

- آب دریا

- همه رذیلت ها

- و موارد دیگری که خواهید خواند

3. اهل دنیا

- مسافر

- میهمان

- مستأجر

و ...

4. مثل دنیا و آخرت

- دو هوو

- مشرق و مغرب

- دو کفه ترازو

- و موارد دیگر

ص: 24

بخش اول: دنيا

فصل اول

ص: 25

1. امام علیه السلام را روزی مشغول خواندن خطبه بود. که مردی از میان جمعیت عرض کرد:

«ای امیر مؤمنان! دنیا را برای ما توصیف کن»

امام علیه السلام فرمود: بدون مقدمه بگویم درباره سرایی که ابتدای آن سختی و مشقت و پایان آن فناست.

چگونه خانه دنیا را توصیف کنم که ابتدای آن سختی و مشقت، و پایان آن نابودی است در حلال دنیا حساب، و در حرام آن عذاب است. کسی که ثروتمند گردد فریب میخورد و آن کس که نیازمند باشد اندوهناک است و تلاش کننده دنیا به آن نرسد و به رها کننده آن، روی آورد.

کسی که با چشم بصیرت به دنیا بنگرد، او را آگاهی بخشد و آن کس که چشم به دنیا دوزد کور دلش می کند. (1) (خ 82)

ص: 27

1- در حدیثی از امام باقر علیه السلام نقل شده است که در عصر رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم مرد فقیری در میان اهل صفا بود به نام «سعد» که بسیار نیازمند و از ملازمین رسول خدا در تمام نمازها بود. هنگامی که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم نیاز شدید او را مشاهده می کرد، بسیار اندوهگین میشد؛ خداوند برای زدودن این غم و اندوه از قلب پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم جبرئیل را فرستاد و به پیامبر عرض کرد آیا دوست داری که او را بی نیاز کنی؟ پیامبر فرمود: «آری» جبرئیل دو درهم به پیامبر داد تا برای امر تجارت به «سعد» بدهد. پیامبر «سعد» را دید و فرمود: آیا به روش تجارت آشنا هستی؟ عرض کرد چیزی نداشتم که با آن تجارت کنم. فرمود: این دو درهم را بگیر و با آن طلب روزی کن سعد مشغول شد و چیزی نگذشت که کار و کسب او بالا گرفت و ثروتمند شد محل کسب و کار او نزدیک مسجد بود، هنگامی که بلال اذان میگفت او سرگرم تجارت خویش بود پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم به او می فرمود: «مثل اینکه دنیا تو را به خود مشغول ساخته و از نماز باز مانده ای؟ عرض می کرد میفرمایید چه کنم؟ اموالم را ضایع کنم؟ این مرد را که ببینید چیزی از من خریده میخواهم پول آن را بگیرم میفرمایید نگیرم؟! آن دیگری چیزی به من فروخته باید ثمن معامله را به او بپردازم میفرمایید نپردازم؟!» پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم بسیار اندوهناک شد، اندوهی بیش از زمان فقر «سعد»؛ در این هنگام جبرئیل نازل شد عرض کرد: خداوند از اندوه تو درباره «سعد» آگاه است کدام را بیشتر دوست داری حالت سابقش را یا امروزش را؟ فرمود: «حالت سابقش را! چرا که دنیا آخرتش را بر باد داد» جبرئیل عرض کرد: آری دنیا و اموال دنیا مایه فتنه و سردرگمی و بازماندن از آخرت است به سعد دستور ده، دو درهمی را که روز اول به او دادی به تو بازگرداند در این صورت به حالت اول باز میگردد! پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم سعد را ملاقات کرد فرمود: نمی خواهی دو درهم ما را بدهی؟ عرض کرد: «دو درهم چیزی نیست دو بیست درهم میدهم! فرمود: «نه! همان دو درهم را باز گردان» «سعد» دست کرد و دو درهم را داد و از همان روز دنیا به او پشت کرد و تمام آنچه را گردآورده بود از دست داد و به حالت اول بازگشت» (وسائل الشیعه ج 12 ص 297 - پیام امام ج 3 ص 319)

2. امام علی علیه السلام در خطبه ای که از معروف ترین خطبه های نهج البلاغه است و به گفته شیخ مفید در ارشاد یکی از سخنانی است که از آن حضرت به یادگار مانده و ارباب فهم و عقل و خرد آن را حفظ کرده اند می فرماید:

پس از حمد و ستایش الهی همانا دنیا روی گردانیده، و وداع خویش را اعلام داشته است و آخرت به ما روی آورده و پیشروان لشکرش نمایان

شده است.

آگاه باشید امروز، روز تمرین و آمادگی و فردا روز مسابقه است پاداش برندگان بهشت و کیفر عقب ماندگان آتش است.

آیا کسی هست که پیش از مرگ از اشتباهات خود توبه کند آیا کسی هست که قبل از فرا رسیدن روز دشوار قیامت اعمال نیکی انجام دهد. آگاه باشید هم اکنون در روزگار آرزوهایید که مرگ را در پی دارد پس هر کس در ایام آرزوها پیش از فرا رسیدن مرگ، عمل نیکو انجام دهد، بهره مند خواهد شد و مرگ او را زبانی نمی رساند و آن کس که در روزهای آرزوها، پیش از فرارسیدن مرگ کوتاهی کند، زیانکار و مرگ او زینبار است.

آگاه باشید همانگونه که به هنگام ترس و ناراحتی برای خدا عمل می کنید، در روزگار خوشی و کامیابی نیز عمل کنید.

ص: 28

آگاه باشید هرگز چیزی مانند بهشت ندیدم که خواستاران آن در خواب غفلت باشند و نه چیزی مانند آتش جهنم، که فراریان آن چنین در خواب فرو رفته باشند.

آگاه باشید آن کس را که حق منفعت نرساند، باطل به او زیان خواهد رساند و آن کس که هدایت راهنمای او نباشد، گمراهی او را به هلاکت خواهد افکند.

آگاه باشید به کوچ کردن فرمان یافتید و برای جمع آوری توشه آخرت راهنمایی شدید.

همانا، وحشتناک ترین چیزی که بر شما می ترسم، هواپرستی، و آرزوهای دراز است.

پس از این دنیا توشه بگیرید تا فردای خود را با آن حفظ نمایید. (1) (خ 28)

ص: 29

1- این خطبه بحق از خطبه های تکان دهنده ای است که انسان را به سوی زهد در دنیا و بی اعتنائی به زرق و برق آن و توجه به امر آخرت سوق میدهد و تعبیراتش آن چنان صریح و دقیق است که فصل اول هر کس را که کمترین شایستگی داشته باشد از خواب غفلت بیدار میکند و در هر قسمت تحلیل منطقی جالبی را همراه با تعبیرات خطابی ارائه میدهد. (که ما بخشی از آن را اینجا آورده ایم)

3. امام علیه السلام در جای دیگری ستمگری زمانه را وصف کرده و مردم را به پنج دسته تقسیم می نماید: همچنین از زهد دنیا سخن به میان آورده است و می فرماید:

ای مردم، در روزگاری کینه توز، و پر از ناسپاسی و کفران نعمتها صبح کرده ایم که نیکوکار، بدکار به شمار می آید، و ستمگر بر تجاوز و سرکشی خود می افزاید نه از آنچه میدانیم بهره می گیریم و نه از آنچه نمیدانیم، می پرسیم، و نه از حادثه مهمی تا بر ما فرود نیاید، می ترسیم.

آنگاه در تقسیم بندی مردم می فرماید:

در این روزگاران، مردم چهار گروه اند:

گروه اول: اگر دست به فساد نمیزند برای این است که، روحشان ناتوان و شمشیرشان کند و امکانات مالی، در اختیار ندارند.

گروه دوم: آنان که شمشیر کشیده و شرّ و فسادشان را آشکار کرده اند، لشکرهای پیاده و سواره خود را گرد آورده و خود آماده کشتار دیگرانند. دین را برای به دست آوردن مال دنیا تباه کردند که یا رئیس و فرمانده گروهی شوند یا به منبری فرارفته خطبه بخوانند چه بد تجارتی است که دنیا را بهای جان خود بدانی و با آنچه که در نزد خداست معاوضه نمایی.

گروه سوم: با اعمال آخرت دنیا را می طلبند، و با اعمال دنیا در پی کسب مقام های معنوی آخرت نیستند خود را کوچک و متواضع جلوه دهند. گام ها را ریاکارانه و کوتاه بر میدارند دامن خود را جمع کرده، خود را همانند مؤمنان واقعی می آریند و پوشش الهی را وسیله نفاق و دورویی و دنیا طلبی خود قرار می دهند

و اما گروه چهارم: با پستی و ذلّت و فقدان امکانات، از به دست آوردن قدرت محروم مانده اند که خود را به زیور قناعت آراسته و لباس زاهدان را پوشیده اند. اینان هرگز در هیچ زمانی از شب و روز از زاهدان راستین نبوده اند.

سپس به وصف پاکان، در جامعه مسخ شده اشاره کرده، می فرماید:

در این میان گروه اندکی باقی مانده اند که یاد قیامت، چشمهایشان را بر همه چیز فرو بسته و ترس رستاخیز اشک هایشان را جاری ساخته است، برخی از آنها از جامعه رانده شده و تنها زندگی می کنند، و برخی دیگر ترسان و سرکوب شده یا لب فرو بسته و سکوت اختیار کرده اند بعضی مخلصانه همچنان مردم را به سوی خدا دعوت می کنند، و بعضی دیگر گریان و دردناکند که تقیه و خویشتن داری، آنان را از چشم مردم انداخته است، و ناتوانی وجودشان را فرا گرفته گویا در دریای نمک فرو رفته اند دهن هایشان بسته و قلب هایشان مجروح است آنقدر نصیحت کردند که خسته شدند از بس سرکوب شدند ناتوانند و چندان که کشته دادند انگشت شمارند.

ای مردم باید دنیای حرام در چشمانتان از پرکاه خشکیده، و تقاله های قیچی شده دام داران بی ارزش تر باشد از پیشینیان خود پند گیرید، پیش از آن که آیندگان از شما پند گیرند این دنیای فاسد نکوهش شده را رها کنید، زیرا مشتاقان شیفته تر از شما را رها کرد. (1) (خ 32)

ص: 31

1- چه مقدار امام بزرگوار در مورد بی اعتباری دنیا سخن گفته اند اگر پیروان ایشان واقعاً به این نصایح گهربار توجه کنند و روحانیون صاحب منبر و محراب به مردم آگاهی دهند و دلهای پاک آنها را از عمق جان بپذیرند و عمل کنند آیا دیگر این همه فساد در جامعه ما خواهد بود؟!

4. ای مردم همانا بر شما از دو چیز می ترسم هواپرستی و آرزوهای طولانی.

اما پیروی از خواهش نفس انسان را از حق باز میدارد و آرزوهای طولانی، آخرت را از یاد می برد.

آگاه باشید! دنیا به سرعت پشت کرده و از آن جز باقیمانده اندکی از ظرف آبی که آن را خالی کرده باشند، نمانده است.

به هوش باشید که آخرت به سوی ما می آید دنیا و آخرت، هر یک فرزندان دارند.

بکوشید از فرزندان آخرت باشید نه دنیا زیرا در روز قیامت، هر فرزندی به پدر و مادر خویش باز می گردد. امروز هنگام عمل است نه حساب رسی، و فردا روز حساب رسی است، نه عمل. (1) (خ 42)

ص: 32

1- از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم نقل شده که فرمود: هفت سبب (از اسباب خیر) است که ثوابش برای بنده خدا بعد از مرگ او نوشته میشود: 1 - نخلی (درختی) که بکارد 2 - چاه آبی حفر کند 3 - نهری از آب، جاری کند 4 - مسجدی بسازد 5 - قرآنی (یا کتبی) بنویسد 6 - علمی از خود به یادگار گذارد 7 - فرزند صالحی بعد از او بماند که پس از درگذشت وی برایش استغفار کند. (میزان الحکمه ج 3 ص 23)

5 دنیا خانه آرزوهایی است که زود نابود میشود و کوچ کردن از وطن حتمی است.

دنیا شیرین و خوش منظر است که به سرعت به سوی خواهانش می رود، و بیننده را می فریبد، سعی کنید با بهترین زاد و توشه از آن کوچ کنید و بیش از کفاف و نیاز خود از آن نخواهید و بیشتر از آنچه نیاز دارید طلب نکنید. (1) (خ 45)

ص: 33

1- از اشارات و دعای پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم است: مقدار کم که برای زندگی انسان کافی باشد بهتر است از مقدار زیادی که انسان را از خدا غافل کند، خداوندا محمد و آل محمد را به اندازه کفاف روزی بده اصول کافی

6. باز امام ها در تعریف دنیا فرمود:

آگاه باشید، گویا دنیا پایان یافته و وداع خویش را اعلام داشته است، خوبی هایش ناشناخته مانده به سرعت پشت کرده میگذرد، ساکنان خود را به سوی نابود شدن می کشاند و همسایگانش را به سوی مرگ میراند. آنچه از دنیا شیرین بود تلخ شده و آنچه صاف و زلال بود تیرگی پذیرفت و بیش از ته مانده ظرف آب ریخته شده از آن باقی نمانده است یا جرعه ای آب که با آن عطش تشنگان دنیا فرو نخواهد نشست.

ای بندگان خدا از سرایی کوچ کنید که سرانجام آن نابودی است، مبادا آرزوها بر شما چیره گردد، مپندارید که عمر طولانی خواهید داشت.

و در والایی نعمتهای قیامت فرمود:

به خدا سوگند اگر مانند شتران بچه مرده ناله سر دهید و چونان کبوتران نوحه سرایی کنید، و مانند راهبان زاری نمایید و برای نزدیک شدن به حق و دسترسی به درجات معنوی و آمرزش گناهایی که ثبت شده و مأموران حق آن را نگه می دارند دست از اموال و فرزندان بکشید سزاوار است زیرا برابر پاداشی که برایتان انتظار دارم و عذابی که از آن بر شما می ترسم، اندک است.

به خدا سوگند اگر دلهای شما از ترس آب شود و از چشم هایتان با شدت شوق به خدا یا ترس از او خون جاری گردد و اگر تا پایان دنیا زنده باشید و تا آنجا که میتوانید در اطاعت از فرمان حق بکوشید، در برابر نعمتهای بزرگ پروردگار بخصوص نعمت ایمان، ناچیز است.

(خ 52)

ص: 34

7. باز امام علیه السلام مردم را از فتنه و فریب دنیا بر حذر می دارد و از ناپایداری آن می فرماید:

آگاه باشید دنیا خانه ای است که کسی در آن ایمنی ندارد جز آنکه به جمع آوری توشه آخرت پردازد و از کارهای دنیایی کسی نجات نمی یابد.

مردم به وسیله دنیا آزمایش میشوند پس هر چیزی از دنیا را برای دنیا به دست آورند از کفشان بیرون میروند و بر آن محاسبه خواهند شد، و آنچه را در دنیا برای آخرت تهیه کردند به آن خواهند رسید و با آن خواهند ماند.

دنیا در نظر خردمندان چونان سایه ای است که هنوز گسترش نیافته، کوتاه می گردد و هنوز فزونی نیافته کاهش می یابد. (1) (خ 63)

ص: 35

1- لختی بیندیش آیاد دل بستن به این سایه روبه زوال عاقلانه است!؟

8. امام علیه السلام در خطبه «غرا» که از خطبه های معروف نهج البلاغه است در هنگامی که جنازه مسلمانی را تشییع می کردند وقتی او را در قبر گذاشتند، باز ماندگانش صدا به ناله و و شیون بلند کردند و گریستند. امام علیه السلام فرمود:

به خدا سوگند اگر اینها آنچه را میتشان مشاهده می کند ببینند، گریه بر او را فراموش خواهند کرد (و بر خود خواهند گریست) به خدا سوگند! مرگ به سراغ یک یک از آنها می آید و کسی را باقی نمی گذارد.

آنگاه فرمود: آب دنیای حرام همواره تیره و گل آلود است. منظره ای دل فریب و سرانجامی خطرناک دارد. فریبنده و زیباست اما دوامی ندارد.

نوری است در حال غروب کردن سایه ای است نابود شدنی. ستونی است در حال خراب شدن آن هنگام که نفرت دارندگان به آن دل بستند و بیگانگان به آن اطمینان کردند چونان اسب چموش پاها را بلند کرده سوار را بر زمین می کوبد و با دامهای خود آنها را گرفتار می کند، و تیرهای خود را به سوی آنان، پرتاب می نماید. طناب مرگ به گردن انسان می افکند. به سوی گورتنگ و جایگاه وحشتناک میکشاند تا در قبر، محل زندگی خویش بهشت یا دوزخ را بنگرد و پاداش اعمال خود را مشاهده کند.

و همچنان آیندگان به دنبال رفتگان خود گام می نهند نه مرگ از نابودی انسان دست میکشد و نه مردم از گناه فاصله می گیرند! که تا

پایان زندگی و سر منزل فنا و نیستی آزادانه به پیش میتازند. (1) (خ 83)

میکشاند در دل گرداب خود دنیا مرا *** میکند هر لحظه دور از ساحل عقبی مرا

میزنم هر چند دست و پا کز آن گردم رها *** می کشاند بیشتر در کام خود دنیا مرا

هر چه بر فریاد میسازم دهان را باز تر *** سخت تر گردد نجات از ضجّه بیجا مرا

ناجی ناصح کجا یابم که با اندرز و پند *** با کلام خویش گیرد دست بی پروا مرا

بود این اندیشه ام تا پیر استادی فهیم *** کرد با نهج البلاغه آشنا زیبا مرا

گشت تا نهج البلاغه بهر من جبل المتین *** عروه الوثقی شده هر حکمت مولا مرا

تا ز مولا پند گیرم صرف کردم نقد عمر *** شد نصیبم سود بی پایان از این سودا مرا

بحر علم مرتضی (ع) را نیست آرامی ز موج *** جنت المأوی بود هر موج از این دریا مرا

همچو من معجون نباشد در پی لیلی خویش *** روز و شب اندیشه مولاست در هر جا مرا

کی رود از یاد «مهدی» لطف استادی که او *** طبع شیرین داد و نطقی اینچنین گویا مرا

9. بدانید و آگاه باشید! خداوند متعال به تمام اسرار نهان آگاه و از باطن همه با خبر است، به همه چیز احاطه دارد و بر همه چیز غالب و پیروز و بر همه چیز تواناست!

هر کس از شما در روزگاری که مهلت دارد به اعمال نیکو پردازد پیش از آن که مرگ فرارسد. و در ایام فراغت پاک باشد، پیش از آن که گرفتار شود و در ایام رهایی نیکوکار باشد پیش از آن که مرگ گلوگاه او را بفشارد.

پس برای خود و جایی که می‌رود آماده باشد و در این دنیا که محل کوچ کردن است برای منزلگاه ابدی توشه ای بردارد.

بنابراین ای مردم از خدا پروا کنید برای حفظ قرآن (1)، که از شما خواسته و حقوقی که نزد شما سپرده است.

پس همانا خدای سبحان شما را بیهوده نیافرید، و به حال خود وانگذاشت و در گمراهی و کوری رها نساخته است. کردارتان را بیان فرموده و از اعمال شما با خبر است و سرآمد زندگی شما را مشخص کرد و کتابی بر شما نازل کرد که روشنگر همه چیز است. (خ 86)

ص: 37

1- وَ نَزَّلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ تَبْيَانًا لِكُلِّ شَيْءٍ وَ هُدًى وَ رَحْمَةً وَ بُشْرَى لِّلْمُسْلِمِينَ (سوره نحل آیه 89) و ما این کتاب را بر تو نازل کردیم که بیانگر همه چیز و مایه هدایت و رحمت و بشارت برای مسلمانان است!

10. خدا هرگز جباران دنیا را در هم نشکسته مگر پس از آن که مهلت های لازم و نعمت های فراوان به آنها بخشیده است. خداوند هرگز استخوان شکسته ی ملتی را بازسازی نفرمود مگر پس از آزمایشها و تحمل مشکلات.

مردم، در سختی هایی که با آن روبرو هستید و مشکلاتی که پشت سر گذاردید درسهای عبرت فراوان وجود دارد. نه هر که صاحب قلبی است خردمند است و نه هر دارنده گوشه شنو است و نه هر دارنده چشمی بیناست. (1) (خ 88)

ص: 38

1- صفحات تاریخ بشر پر از درسهای عبرت است. دوران کوتاه عمر ما نیز اگر درست بنگریم، مملو از این درسهها است؛ بلکه در و دیوار عالم هستی را عبرتها پوشانده است، ولی افسوس! آنان که باید بینند و بشنوند و بخوانند و عبرت گیرند اندکند و به همین دلیل در همان راه های خطا گام می نهند و به همان سرنوشتهای شوم مبتلا می گردند. (پیام امام ج 3 ص 606)

11. خداوند متعال؛ پیامبر اسلام را هنگامی مبعوث فرمود که از زمان بعثت پیامبران پیشین مدت ها گذشته و ملتها در خواب عمیقی فرو خفته بودند.

فتنه و فساد جهان را فرا گرفته و اعمال زشت رواج یافته بود. آتش جنگ همه جا زبانه می کشید و دنیا بی نور و پر از مکر و فریب گشته بود. برگهای درخت زندگی به زردی گراییده و از میوه آن خبری نبود. آب حیات فرو خشکیده و نشانه های هدایت کهنه و ویران شده بود پرچم های هلاکت و گمراهی آشکار و دنیا با قیافه زشتی به مردم می نگریست، و با چهره ای عبوس و غم آلود با اهل دنیا رو برو می گشت. میوه درخت دنیا در جاهلیت فتنه و خوراکش مردار بود در درونش وحشت و اضطراب و بر بیرون آن شمشیرهای ستم حکومت داشت.

عبرت آموزی از روزگار جاهلیت:

ای بندگان خدا عبرت گیرید و همواره به یاد زندگانی پدران و برادران خود در دوران جاهلیت باشید که از این جهان رفتند و در گرو اعمال خود بوده برابر آن محاسبه می گردند.

به جان خودم سوگند؛ پیمانی برای زندگی و مرگ و نجات از مجازات الهی بین شما و آنها بسته نشده است و هنوز روزگار زیادی نگذشته و از آن روزگاری که در پشت پدران خود بودید زیاد دور نیست.

به خدا سوگند؛ پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم چیزی به آنها گوشزد نکرد جز آن که من همان را به شما میگویم شنوایی امروز شما از شنوایی آنها کمتر نیست همان چشم ها و قلب هایی که به پدرانتان دادند به شما نیز بخشیدند.

به خدا سوگند؛ شما پس از آنها مطلبی را ندیده اید که آنها نمیشناختند و شما به چیزی اختصاص داده نشدید که آنها محروم

باشند راستی حوادثی به شما روی آورده مانند شتری که مهار بر او زدن مشکل است، و میان بندش سست و سواری بر آن دشوار است.

مبادا آنچه که مردم دنیا را فریفت شما را بفریبد که دنیا [دامی است مانند] سایه‌های گسترده و کوتاه [که] تا سرانجامی روشن و معین [یعنی مرگ آدمیان را رها نمی‌کند] (خ 89)

ص: 40

12. امام علیه السلام در یکی از خطبه های نماز جمعه فرمود:

ما خدا را بر آنچه رخ داده است حمد و سپاس می گوئیم؛ و از او یاری می طلبیم برای کارهایی که در پیش داریم و از درگاهش سلامت در دین می طلبیم، آنگونه که سلامت در بدن را تقاضا می کنیم.

ای بندگان خدا شما را به ترک دنیایی سفارش میکنم که شما را رها می سازد، اگر چه شما جدایی از آن را دوست ندارید.

دنیایی که بدن های شما را کهنه و فرسوده می کند با اینکه دوست دارید همواره تازه و پاکیزه بمانید.

شما و دنیا به مسافرانی می مانید که تا گام در آن نهند، احساس دارند که به پایان راه رسیده اند. و تا قصد رسیدن به نشانی کرده اند گویا

بدان دست یافتند در حالی که تا رسیدن به هدف نهایی هنوز فاصله های زیادی است.

چگونه میتواند به مقصد رسد کسی که روز معینی در پیش دارد و از آن تجاوز نخواهد کرد مرگ به سرعت او را میراند، و عوامل مختلف او را بر خلاف خواسته خود از دنیا جدا می سازد.

بنابراین در عزت و ناز دنیا بر یکدیگر پیشی نگیرید و فریب زینت ها و نعمت های آن را نخورید و مغرور نشوید و از رنج و سختی آن ننالید و ناشکیبا نباشید. زیرا عزت و افتخارات دنیا پایان می پذیرد، و زینت و نعمت هایش نابود میگردد و رنج و سختی آن تمام میشود و هر مدت و مهلتی در آن به پایان میرسد. و هر موجود زنده ای به سوی مرگ می رود.

آیا نشانه هایی از زندگی گذشتگان که بر جا مانده شما را از دنیا پرستی باز نمی دارد؟ و اگر خردمندید آیا در زندگانی پدرانان آگاهی و

عبرت آموزی نیست؟ مگر نمی بینید که گذشتگان شما باز نمی گردند؟

و فرزندان شما باقی نمی مانند؟

مگر مردم دنیا را نمی نگرید که در گذشت شب و روز حالات گوناگونی دارند؟ یکی میمیرد و بر او میگیرند، و دیگری باقی مانده

به او تسلیت میگویند. یکی بر بستر بیماری افتاده دیگری به عیادت او می آید. و دیگری در حال جان کندن است و دنیا طلبی در جستجوی دنیا است که مرگ او را در می یابد. و غفلت زده ای که مرگ او را فراموش نکرده است. و آیندگان نیز راه گذشتگان را می پویند.

به هوش باشید مرگ را که نابود کننده لذت ها و شکننده شهوت ها و قطع کننده آرزوهاست!

به هنگام تصمیم بر کارهای زشت به یاد آورید و برای انجام واجبات، و شکر در برابر نعمتها و احسان بی شمار الهی از خدا یاری بجوئید
(1) (خ 99)

ص: 42

1- پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) فرمود؛ هوشیارترین مردم کسی است که از همه بیشتر به یاد مرگ باشد و برای آن خود را مهیا کند.
(میزان الحکمه ج 3 ص 18013)

13. امام علیه السلام باز در مورد زهد در دنیا فرمود:

ای مردم به دنیا چونان زاهدان روی گردان از آن بنگرید!

به خدا سوگند! دنیا به زودی ساکنان خود را از میان میبرد و رفاه زدگانِ ایمن را به درد می آورد.

آنچه از دست رفت و پشت کرد هیچ گاه بر نمی گردد، و آینده به روشنی معلوم نیست تا در انتظارش باشند، شادی و سرور دنیا با غم و اندوه آمیخته، و توانایی انسان به ضعف و سستی می گراید. زیبایی ها و شگفتی های دنیا شما را مغرور نسازد، زیرا زمان کوتاهی دوام ندارد. خدا پیامرزد کسی را که به درستی فکر کند و پند گیرد و آگاهی یابد، و بینا شود. (1)

پس به زودی خواهید دانست که آنچه از دنیا وجود داشت از آن چیزی نمانده و آنچه از آخرت است جاویدان خواهد ماند. هر چیز که به شمارش آید پایان پذیرد و هر چه انتظارش را می کشیدید خواهد آمد، و آنچه آمدنی است نزدیک باشد (خ 103)

ص: 43

1- در تاریخ آمده است که هارون الرشید از امام موسی بن جعفر (علیهما السلام) خواست که او را نصیحت کند ولی کوتاه و حضرت در جوابش نوشتند: «هرچه را میبینی موعظه و پیامی دارد»

14. امام علیه السلام در خطبه ی دیگری که به تعبیر ابن ابی الحدید که می گوید:

تأثیر و جاذبه ی این خطبه چنان است که اگر آن را بر انسان بی ایمانی که قیامت را با تمام قدرت نفی می کند، بخوانند توان مقاومتش در هم می شکند و دلش در وحشت فرو میرود و او را در مبانی فکری خود متزلزل میسازد و وادار به تجدید نظر می کند، می فرماید:

خداوندا، ستایش تو را سزااست که آفریننده و معبودی، و بندگان را به درستی آزمایش کردی.

خانه آخرت را آفریدی و سفره رنگارنگ نعمت ها را گستراندی، و در آن انواع نوشیدنی خوردنی همسران میهمانداران قصرها نهرهای روان میوه ها و کشتزاران قراردادی.

سپس پیامبری را فرستادی تا انسانها را به آن خانه و نعمتها دعوت کند.

افسوس که مردم نه آن دعوت کننده را اجابت کردند، و نه به آنچه تو ترغیبشان کردی رغبت نشان دادند و نه به آنچه تو تشویقشان کردی مشتاق شدند.

بر لاشه مرداری (دنیا) روی آوردند که با خوردن آن رسوا شدند و در دوستی آن هم داستان گردیدند.

هر کس به چیزی عشق ناروا ورزد نابینایش می کند و قلبش را بیمار کرده با چشمی بیمار می نگرد و با گوشه بیمار می شنود خواهش های نفس پرده عقلش را دریده و دوستی دنیا دلش را میرانده است شیفته بی اختیار دنیا و برده آن است و برده کسانی است که چیزی از دنیا در دست دارند.

دنیا به هر طرف برگردد او نیز بر میگردد و هرچه هشدارش دهند از خدا نمیترسد از هیچ پند دهنده ای شنوایی ندارد با اینکه گرفتار

آمدگان دنیا را مینگرد که راه پس و پیش ندارند و در چنگال مرگ اسیرند. می بیند که آنها بلاهایی را که انتظار آن را نداشتند بر سرشان فرود آمد و دنیایی را که جاویدان می پنداشتند از آنها جدا شده و به آنچه در آخرت وعده داده شده بودند خواهند رسید و آنچه بر آنان فرود آید وصف ناشدنی است.

سختی جان کندن و حسرت از دست دادن دنیا، به دنیا پرستان هجوم آورد. بدن ها در سختی جان کندن سست شده و رنگ باختند، مرگ آرام همه اندامشان را فرا گرفته زبان را از سخن گفتن باز میدارد و او در میان خانواده اش افتاده با چشم خود مبیند و با گوش میشنود و با عقل درست میاندیشد که عمرش را در پی چه کارهایی تباه کرده و روزگارش را چگونه سپری کرده به یاد ثروتهایی که جمع کرده می افتد، همان ثروت هایی که در جمع آوری آنها چشم بر هم گذاشته و از حلال و حرام و شبهه ناک گرد آورده و اکنون گناه جمع آوری آن همه بر دوش اوست که هنگام جدایی از آنها فرا رسیده و برای وارثان باقی مانده است تا از آن بهرمنند گردند، و روزگار خود گذرانند. راحتی و خوشی آن برای دیگری و کیفی آن بر دوش اوست و او در گرو این اموال است که دست خود را از پشیمانی می گزد به خاطر واقعیت هایی که هنگام مرگ مشاهده کرده است. در این حالت از آنچه که در زندگی دنیا به آن علاقمند بود بی اعتنا شده آرزو می کند، ای کاش آن کس که در گذشته بر ثروت او رشک می برد این اموال را جمع کرده بود.

اما مرگ هم چنان بر اعضای بدن او چیره می شود، تا آن که گوش او مانند زبانش از کار می افتد پس در میان خانواده اش افتاده نه میتواند با زبان سخن بگوید و نه با گوش بشنود، پیوسته به صورت آنان نگاه می کند،

و حرکات زبانشان را مینگرد اما صدای کلمات آنان را نمی شنود سپس چنگال مرگ تمام وجودش را فرا می گیرد و چشم او نیز مانند گوشش از کار می افتد و روح از بدن او خارج میشود و چون مرداری در بین خانواده خویش بر زمین میماند که از نشستن در کنار او وحشت دارند و از او دور می شوند نه سوگواران را یاری میکنند و نه خواننده ای را پاسخ میدهد سپس او را به سوی منزلگاهش در درون زمین می برند و به دست عملش می سپارند و برای همیشه از دیدارش چشم می پوشند. (1) (خ 109)

ص: 46

1- پدر و مادری را که تا ساعتی قبل علاقمند بودند در کنار بلکه در بغل آنها باشند! اکنون حاضر نیستند چند لحظه در کنارشان بنشینند

15. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم دنیا را کوچک شمرد و در چشم دیگران آن را ناچیز جلوه داد. آن را خوار می شمرد و در نزد دیگران خوار و بی مقدار معرفی فرمود. و میدانست که خداوند برای احترام به ارزش او دنیا را از او دور ساخت و آن را برای ناچیز بودنش به دیگران بخشید.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم از جان و دل به دنیا پشت کرد، و یاد آن را در دلش میراند. دوست میداشت که زینتهای دنیا از چشم او دور نگهداشته شود تا از آن لباس فاخری تهیه نسازد یا اقامت در آن را آرزو نکند.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم برای تبلیغ احکامی که قطع کننده عذرهاست تلاش کرد و امت اسلامی را با هشدارهای لازم نصیحت کرد، و با بشارت ها مردم را به سوی بهشت فراخواند و از آتش جهنم پرهیز داد. (خ 109)

ص: 47

16. پس از ستایش پروردگار همانا من شما را از دنیای حرام میترسانم زیرا در کام شیرین و در دیده انسان سبز و رنگارنگ است. در شهوات و خواهشهای نفسانی پوشیده شده و با نعمتهای زود گذر دوستی میورزد. با متاع اندک زیبا جلوه میکند و در لباس آرزوها خود را نشان میدهد و با زینت غرور خود را می آراید شادی آن دوام ندارد و کسی از اندوه آن ایمن نیست.

دنیای حرام بسیار فریبنده و بسیار زیان رساننده است، دگرگون شونده و ناپایدار فنا پذیر و مرگبار و کشنده ای تبهکار است، و آنگاه که به دست آرزومندان افتاد و با خواهش های آنان دمساز شد می نگرند که جز سراپی بیش نیست که خدای سبحان فرمود:

كَمَا أَنْزَلْنَاهُ مِنَ السَّمَاءِ فَاخْتَلَطَ بِهِ نَبَاتُ الْأَرْضِ فَأَصْبَحَ هَشِيمًا تَذْرُوهُ الرِّيَّاحُ وَكَانَ اللَّهُ عَلَيَّ كُلِّ شَيْءٍ مُّقْتَدِرًا (كهف / 45)

زندگی چون آبی ماند که از آسمان فرو فرستادیم و به وسیله آن گیاهان فراوان روید

سپس خشک شده باد آنها را پراکنده کرد و خدا بر همه چیز قادر و تواناست.

کسی از دنیا شادمانی ندید جز آن که پس از آن با اشک و آه رو برو شد هنوز با خوشیهای دنیا رو برو نشده است که با ناراحتی ها و پشت کردن آن مبتلا می گردد.

شبنمی از رفاه و خوشی دنیا بر کسی فرود نیامده جز آن که سیل بلاها همه چیز را از بیخ و بن بر می کنند.

هر گاه صبحگاهان به یاری کسی برخیزد، شامگاهان خود را به ناشناسی میزند.

دنیا اگر از یک طرف شیرین و گوارا باشد از طرف دیگر تلخ و ناگوار

است.

کسی از فراوانی نعمتهای دنیا کام نگرفت جز آن که مشکلات و سختی‌ها دامنگیر او شد شبی را در آغوش امن دنیا به سر نبرده جز آن که صبحگاهان بالهای ترس و وحشت بر سر او کوبید، بسیار فریبده است.

آنچه در دنیاست نیز فریبندگی دارد فانی و زودگذر است، و هر کس در آن زندگی می‌کند فنا می‌پذیرد.

در زاد و توشه آن جز تقوا، خیری نیست. کسی که به قدر کفایت از آن بردارد در آرامش به سر می‌برد، و آن کس که در پی به دست آوردن متاع بیشتری از دنیا باشد وسائل نابودی خود را فراهم کرده و به زودی از دست می‌رود.

بسا افرادی که به دنیا اعتماد کردند ناگهان مزه تلخ مصیبت را بدانها چشاند و بسا صاحب اطمینانی که به خاک و خونش کشید.

چه انسانهای با عظمتی را که خوار و کوچک ساخت و بسا فخر فروشانی را که به خاک ذلت افکند.

حکومت دنیا نا پایدار عیش و زندگانی آن تیره و تار گوارای آن شور و شیرینی آن تلخ، غذای آن زهر و اسباب و وسائل آن پوسیده است.

زنده دنیا در معرض مردن و تندرست آن گرفتار بیماری است، حکومت آن برباد رفته و عزیزان آن شکست خورده، متاع آن نکبت آلود و پناه آورنده آن غارت زده خواهد بود.

آیا شما در جای گذشتگان خود به سر نمیبرید که عمرشان از شما طولانی تر و آثارشان با دوام تر و آرزویشان درازتر و افرادشان بیشتر و لشکریانشان انبوه تر بودند؟

دنیا را چگونه پرستیدند و آن را چگونه بر خود گزیدند و سپس از آن

گذشتگان رفتند بی توشه ای که آنان را برای رسیدن به منزلگاه کفایت کند و بی مرکبی که آنان را به منزلشان رساند.

آیا شنیده اید که دنیا خود را فدای آنان کرده باشد یا به گونه ای یاری شان داده یا با آنان به نیکی به سر برده باشد؟ نه! هرگز، بلکه سختی و مشکلات دنیا چنان به آنها رسید که پوست و گوشتشان را درید با سختیها آنان را سست و با مصیبتها ذلیل و خوارشان کرد و بینی آنان را به خاک مالید و لگد مال کرد و گردش روزگار را بر ضد آنها برانگیخت.

شما دیدید که دنیا آن کس را که برابر آن فروتنی کرد، و آن را برگزید و بر همه چیز مقدم داشت که گویا جاودانه میماند، نشناخت و روی خوش نشان نداد تا آن که از دنیا رفت.

آیا جز گرسنگی توشه ای به آنها سپرد؟ آیا جز در سختی فرودشان نیاورد؟ و آیا روشنی دنیا جز تاریکی و سرانجامش جز پشیمانی بود؟

آیا شما چنین دنیایی را بر همه چیز مقدم میدارید و بدان اطمینان میکنید یا در آرزوی آن به سر می برید؟

پس دنیا بد خانه ای است برای کسی که خوشبین باشد و یا از خطرات آن نترسد.

پس بدانید و میدانید که آن را ترک می کنید و از آن رخت بر می بندید و پند گیرید از آنها که گفتند چه کسی از ما نیرومندتر است.

سپس آنان را به گورهایشان سپردند بی آن که سوارکارانشان خوانند، و در قبرها فرود آوردند بی آن که همسایگانشان نامند، از سطح زمین قبرها، و از خاک کفن ها، و از استخوانهای پوسیده همسایگانی پدید آمدند که هیچ خواننده ای را پاسخ نمی دهند و هیچ سستی را باز نمیدارند و نه به

نوحه گری توجّهی دارند!

نه از باران خوشحال و نه از قحط سالی نوید می گردند.

اموات گرد هم قرار دارند و تنهائند همسایه یکدیگرند اما از هم دورند، فاصله ای با هم ندارند ولی هیچ گاه به دیدار یکدیگر نمی روند. نزدیکان از هم دورند، بردبارانی هستند که کینه ها از دل آنان رفته، بی خبرانی که حسد در دلشان فرو مرده است نه از زیان آنها ترسی، و نه به دفاع آنها امیدی وجود دارد!

درون زمین را به جای سطح آن برای ماندن انتخاب کردند و خانه های تنگ و تاریک را به جای خانه های وسیع برگزیدند!

به جای زندگی با خویشاوندان غربت را و به جای نور ظلمت را برگزیدند، به زمین بازگشتند چونان که در آغاز آن را پا برهنه و عریان ترک گفتند و با اعمال خود به سوی زندگی جاویدان و خانه همیشگی کوچ کردند، انسان که خدای سبحان فرمود:

«يَوْمَ نَطْوِي السَّمَاءَ كَطَيِّ السَّجِلِّ لِكُتُبٍ كَمَا بَدَأْنَا أَوَّلَ خَلْقٍ نُعِيدُهُ وَعَدَّا عَلَيْنا إِنَّا كُنَّا فَاعِلِينَ» (انبیا / 104)

در آن روز که آسمان را چون طوماری در هم می پیچیم، چنانکه آفرینش را آغاز کردیم، آن را باز میگردانیم وعده ای برماست و همانا این کار را انجام خواهیم داد» (خ / 111)

ص: 51

17. امام علیه السلام در خطبه ای دیگر مردم را از دنیاپرستی باز می دارد و عیوب و مشکلات دنیا را بازگو میکند و آن را به خانه ای تشبیه مینماید که روبه ویرانی است و نباید دل به آن بست و می فرماید:

شما را از دنیا پرستی میترسانم زیرا منزلگاهی است برای کوچ کردن نه منزلی برای همیشه ماندن.

دنیا خود را با غرور زینت داده و با زینت و زیبایی می فریبد.

دنیا خانه ای است که نزد خداوند بی مقدار است زیرا که حلال آن با حرام و خوبی آن با بدی و زندگی در آن با مرگ و شیرینی آن با تلخی ها در آمیخته است.

خداوند آن را برای دوستانش انتخاب نکرد. و در بخشیدن آن به دشمنانش دریغ نرمود.

خیر دنیا اندک و شر آن آماده و فراهم آمده اش پراکنده، و مُلک آن غارت شده و آبادانی آن روبه ویرانی نهاده است.

چه ارزشی دارد خانه ای که پایه های آن در حال فروریختن و عمر آن چون زاد و توشه پایان می پذیرد و چه لذتی دارد زندگانی که چونان مدت سفر به آخر می رسد؟

مردم آنچه را خدا واجب کرده جزو خواسته های خود بدانید، و در پرداختن حقوق الهی از اویاری طلبید و پیش از آن که مرگ شما را بخواند

گوش به دعوت او دهید.

همانا زاهدان اگر چه خندان باشند قلبشان میگیرد و اگر چه شادمان باشند اندوه آنان شدید است و اگر چه برای نعمتهای فراوان مورد غبطه

دیگران قرار گیرند اما با نفس خود در دشمنی بسیاری قرار داند. (خ 113)

18. یاد مرگ از دل‌های شما رفته و آرزوهای فریبنده جای آن را گرفته است.

و دنیا بیش از آخرت شما را تصاحب کرده و متاع زودرس دنیا بیش از متاع جاویدان آخرت در شما نفوذ کرده است و دنیا زدگی قیامت را از یادتان برده است.

همانا شما برادران دینی یکدیگرید، چیزی جز درون پلید و نیت زشت، شما را از هم جدا نساخته است نه یکدیگر را یاری می‌دهید، نه خیر خواه یکدیگرید و نه چیزی به یکدیگر می‌بخشید و نه به یکدیگر دوستی می‌کنید.

شما را چه شده است که با به دست آوردن متاعی اندک از دنیا شادمان می‌گردید و از متاع بسیار آخرت که از دست می‌دهید اندوهناک نمی‌شوید اما با از دست دادن چیزی اندک از دنیا مضطرب شده که آثار پریشانی در چهره‌ها آشکار می‌گردد و بی‌تابی می‌کنید، گویا این دنیا محل زندگی جاودان شما و وسائل آن برای همیشه از آن شماست!

چیزی شما را از عیب جوئی برادر دینی باز نمی‌دارد جز آن که می‌ت رسید مانند آن عیب را در شما به رختان کشند. در بی‌اعتنایی به آخرت و دوستی دنیا یک دل شده‌اید، و هر یک از شما دین را تنها بر سر زبان می‌آورید، و از این کار خشنودید همانند کارگری که کارش را به پایان رسانده و خشنودی مولای (کارفرمای) خود را فراهم کرده است. (1) (خ 113)

ص: 53

1- افراد دنیاپرست ممکن است ظاهراً دین دار باشند ولی دین آنها در یک سلسله شعارها و ادعاها و لفاظی‌ها و احياناً کمی از عبادات، خلاصه میشود و در عین حال گاه آن چنان از خود راضی هستند که گویی به تمام وظائف الهی و انسانی خود عمل کرده و به قرب پروردگار و مقام رضای او رسیده‌اند و این یک انحراف و حشمتناک است (دقت کنید)

19. امام علیه السلام؛ در خطبه ای که در آن اندرزهای مهمی به مردم می‌دهد و یکی از علمای بزرگ (به نام امام یحیی زیدی از علمای قرن هشتم) درباره این خطبه می‌گوید: «اگر سخنی از سخنان بشر معجزه باشد این نخستین آنهاست و اگر کلامی بعد از کلام خدا اعجاز آمیز باشد این همان کلام دوم است» می‌فرماید:

آری همانا دنیا خانه نابود شدن رنج بردن از دگرگونی‌ها، و عبرت گرفتن است و از نشانه‌های نابودی آن است که روزگار کمان خود را به زه کرده و تیرش به خطا نمی‌رود و زخمش بهبودی ندارد. زنده را با تیر مرگ هدف قرار می‌دهد و تندرست را با بیماری از پا در می‌آورد، و نجات یافته را به هلاکت می‌کشاند.

دنیا خورنده ای است که سیری ندارد و نوشنده ای است که سیراب نمی‌شود، نشانه رنج دنیا آن است که آدمی جمع آوری می‌کند آنچه را که نمی‌خورد و می‌سازد بنایی که خود در آن مسکن نمی‌کند.

پس به سوی پروردگار خود می‌رود نه مالی برداشته و نه خانه ای به همراه برده است.

و نشانه دگرگونی دنیا آن است که کسی که دیروز مردم به او ترحم می‌کردند امروز حسرت او را می‌خورند و آن کس را که حسرت او می‌خورند امروز به او ترحم میکنند و این نیست مگر برای نعمت‌هایی که به سرعت دگرگون می‌شود و بلاهایی که ناگهان نازل می‌گردد.

و نشانه عبرت انگیز بودن دنیا، آن است که آدمی پس از تلاش و انتظار تا می‌رود به آرزوهایش برسد، ناگهان مرگ او فرا رسیده، امیدش را قطع می‌کند نه به آرزو رسیده و نه آنچه را آرزو داشته باقی میماند.

سبحان الله شادی دنیا چه فریبنده و سیراب شدن از آن چه تشنگی‌زاست و سایه آن چه سوزان است نه زمان آمده را میشود رد کرد و نه

گذشته را میتوان باز گرداند، پس منزّه و پاک است خداوند چقدر زنده به مرده نزدیک است برای پیوستن به آن و چه دور است مرده از زنده که از آنان جدا گشته. (1) (خ 114)

امام صادق علیه السلام می فرماید سه چیز است که سزاوار است هیچ انسان عاقلی آن را فصل اول فراموش نکند؛ فنای دنیا، تغییر و دگرگونی حالات و آفاتی که بی امان دامان انسان را می گیرد. (بحار الانوار ج 75 ص 328)

ص: 55

20. چیزی بدتر از شرّ و بدی نیست جز کیفر و عذاب آن و چیزی نیکوتر از خیر و نیکی وجود ندارد جز پاداش آن.

همه چیز دنیا شنیدن آن بزرگتر از دیدن آن است، و هر چیز از آخرت دیدن آن بزرگتر از شنیدن آن است. پس کفایت میکند شما را شنیدن از دیدن و خبر دادن از پنهانی های آخرت.

آگاه باشید، هرگاه از دنیای شما کاهش یابد و به آخرت افزوده گردد بهتر از آن است که از پاداش آخرت شما کاسته و بر دنیای شما افزوده شود.

چه بسا کاهش یافته هایی که سود آور است و افزایش داشته هایی که زیان آور بود.

همانا به آنچه فرمان داده شدید گسترده تر از چیزی است که شما را از آن باز داشتند (منع کردند)

و آنچه بر شما حلال است بیش از چیزی است که بر شما حرام کرده اند.

پس آنچه را اندک است برای آنچه که بسیار است ترک کنید، و آنچه را بر شما تنگ گرفته اند به خاطر آنچه که شما را در گشایش قرار دادند انجام ندهید.

خداوند روزی شما را ضمانت کرده و شما را به کار و تلاش امر فرموده پس نباید روزی تضمین شده را بر آنچه که واجب شده مقدم دارید.

با اینکه به خدا سوگند آنچه نادانی و شک و یقین به هم آمیخته است که گویا روزی تضمین شده شما واجب است و آنچه را که واجب کرده اند برداشتند.

در اعمال نیکو شتاب کنید و از فرارسیدن مرگ ناگهانی بترسید زیرا آنچه از روزی که از دست رفته امید بازگشت آن وجود دارد، اما عمر

گذشته را نمی شود باز گرداند، آنچه را امروز از بهره دنیا کم شده میتوان فردا به دست آورد اما آنچه دیروز از عمر گذشته، امید به بازگشت آن نیست. به آینده امیدوار و از گذشته نا امید باشید (از خدا بترسید و جز بر مسلمانی نمیرید) (1) (خ 114)

ص: 57

1- یکی از یاران امام صادق علیه السلام ضمن اظهار ناراحتی عرض کرد به خدا سوگند ما طالب دنیا هستیم و آن را دوست داریم. امام علیه السلام فرمود: (بگو بینم) با اموال دنیا چه خواهی کرد؟ عرض کرد: وسائل زندگی خودم و فرزندانم را فراهم میکنم با آن صله رحم بجا می آورم و فصل اول به نیازمندان صدقه می دهم و حج و عمره بجا می آورم. امام علیه السلام فرمود: «این طلب دنیا نیست طلب آخرت است. (وسائل الشیعه ج 12 ص 19)

21. من دنیا را به رو بر زمین کوبیده و چهره اش را به خاک مالیدم. و بیش از آنچه ارزش دارد، بهایش نداده ام و با دیده ای که سزاوار او است به آن نگریسته ام. (خ 128)

ص: 58

22. امام در خطبه ای که درباره ی عدالت در پیمانۀ و وزن سخن میگوید پند و اندرزهای مهمی دارند از جمله کوتاهی عمر دنیا و مهمان بودن مردم در این دنیا که به سرعت میمانی می پذیرد؛ می فرماید:

بندگان خدا شما و آنچه از این دنیا آرزومندید، مهمانانی هستید که مدتی معین برای شما قرار داده شده، بدهکارانی هستید که مهلت کوتاهی در پرداخت آن دارید و اعمال شما همگی حفظ می شود، چه بسیارند تلاشگرانی که به جایی نرسیدند و زحمت کشانی که زیان دیدند.

در روزگاری هستید که خوبی به آن پشت کرده و می گذرد، و بدی بدان روی آورده پیش می تازد و طمع شیطان در هلاکت مردم بیشتر می گردد.

هم اکنون روزگاری است که ساز و برگ شیطان تقویت شده، نیرنگ و فریبش همگانی و به دست آوردن شکار برای او آسان است.

به هر سو می خواهی نگاه کن آیا جز فقیری می بینی که با فقر، دست و پنجه نرم می کند؟ یا ثروتمندی که نعمت خدا را کفران کرده و با بخل ورزیدن در اداء حقوق الهی ثروت فراوانی گرد آورده است؟ یا سرکشی که گوش او از شنیدن پند و اندرزها کر است؟ (1)

کجایند خوبان و صالحان شما؟ کجایند آزاد مردان و سخاوتمندان شما؟ کجایند پرهیزکاران در کسب و کار؟ کجایند پاکیزگان در راه و رسم مسلمانی؟

آیا جز این است که همگی رخت برستند و رفتند و از این جهان پست

به تعبیر امام علیه السلام چهارگروه محروم و منحرف که اساس فساد و ویرانی جامعه را تشکیل می دهد به این شرح است: 1 - فقیران در چنگال فقر گرفتار 2 - اغنیای در ناز و نعمت و لذت و شهوت غرق شده 3 - بخیلان فزون طلب در مال و ثروت فرو رفته 4 - گردنکشان مست و مغرور که گوششان بدهکار سخن حق نیست.

ص: 59

و گذران و تیره کننده عیش و شادمانی گذشتند؟! مگر نه این است که شما وارث آنها بر جای آنان تکیه زدید و در میان چیزهای بی ارزش قرار دارید که لبهای انسان به نکوهش آن می جنبد تا قدر آنها را کوچک شمرده و برای همیشه یادشان فراموش گردد؟ پس در این نگرانیها باید گفت: انا لله وانا الیه راجعون.

فساد آشکار شد، نه کسی باقی مانده که کار زشت را دگرگون کند، و نه کسی که از نافرمانی و معصیت باز دارد. شما با چنین وضعی

میخواهید در خانه قدس الهی و جوار رحمت پروردگار قرار گیرید و عزیزترین دوستانش باشید هرگز خدا را نسبت به بهشت جاویدانش نمی توان فریفت، و جز با عبادت رضایت او را نمی توان به دست آورد.

نفرین بر آنان که امر به معروف میکنند و خود ترک می نمایند و نهی از منکر دارند و خود مرتکب آن می شوند. (1) (خ 129)

ص: 60

1- خواننده عزیز یک بار دیگر این فراز از کلمات امام علیه السلام را مطالعه کن، آنگاه بیندیش آیا جامعه امروز ما شباهتی به آنچه امام وصف فرموده ندارد و آیا برای این همه بی عدالتی و ناهنجاری در جامعه راهی جز شنیدن و عمل کردن به نصایح پدران امام علیه السلام وجود دارد؟!

23. امام علیه السلام باز با پند و اندرز و تشویق به بی اعتنائی به زرق و برق دنیا می فرماید:

کسی که جامه تقوا بر قلبش بپوشاند کارهای نیکوی او آشکار شود و در کارش پیروز گردد. پس در به دست آوردن بهره های تقوا فرصت غنیمت شمارید و برای رسیدن به بهشت جاویدان رفتاری متناسب با آن انجام دهید زیرا دنیا برای زندگی همیشگی شما آفریده نشده، گذرگاهی است تا در آن زاد و توشه آخرت بردارید. پس با شتاب، آماده کوچ کردن باشید و مرکب های راهوار برای حرکت مهیا دارید (خ

(132)

ص: 61

24. در اینجا ببینید امام عزیز ما با چه روح لطیفی دنیا و آخرت را فرمانبردار خداوند می داند و می فرماید:

دنیا و آخرت، خدا را فرمانبردار است و سر رشته هر دو به دست او است.

آسمانها و زمینها کلیدهای خویش را به او سپردند و درختان شاداب و سر سبز، صبحگاهان و شامگاهان در برابر خدا سجده کنند، و از شاخه های درختان نور سرخ رنگی شعله ور شده، به فرمان او میوه های رسیده را به انسانها تقدیم میدارند.

و همانا دنیا نهایت دیدگاه کور دلان است که آن سوی دنیا را نمی نگرند اما انسان آگاه نگاهش از دنیا عبور کرده از پس آن سرای جاویدان آخرت را می بیند.

پس انسان آگاه به دنیا دل نمی بندد و انسان کوردل تمام توجه اش دنیا است.

ببینا از دنیا زاد و توشه بگیرد و نابینا برای دنیا توشه فراهم می کند.

آگاه باشید در دنیا چیزی نیست مگر آن که صاحبش به زودی از آن سیر و از داشتن آن دلگیر میشود جز ادامه زندگی، زیرا در مرگ آسایشی نمی نگرند.

حیات و زندگی چونان حکمت و دانش است که حیات دل مرده و بینایی چشمهای نابیناست و مایه شنوایی برای گوشهای کر و آبی گوارا برای تشنگان است و بی نیازی و سلامت کامل، تنها در آن می باشد. (خ 133)

ص: 62

25. در این بخش نیز امام علیه السلام درباره ی ناپایداری دنیا می فرماید:

ای مردم! شما در این دنیا هدف تیره‌های مرگ هستید، که در هر جرعه ای اندوهی، گلوگیر، و در هر لقمه ای استخوان شکسته ای قرار دارد.

در دنیا به نعمتی نمی‌رسید جز با از دست دادن نعمتی دیگر.

روزی از عمر سال خورده ای نمی گذرد مگر به ویرانی یک روز از مهلتی که دارد.

و بر خوردنی او چیزی افزوده نمیشود مگر به نابود شدن روزی تعیین شده.

و اثری از او زنده نمیشود مگر به نابودی اثر دیگر.

و چیزی برای او تازه و نو نمیشود مگر به کهنه شدن چیز دیگر.

و چیز جدیدی از او نمی روید مگر به درو شدن چیزی دیگر.

ریشه هایی رفتند که ما شاخه های آن می باشیم، چگونه شاخه ها بدون ریشه ها برقرار می مانند؟

هیچ بدعتی در دین ایجاد نمیشود مگر آنکه سنتی ترک گردد، (1) پس از بدعتها پرهیزید، و با راه راست و جاده آشکار حق باشید،

نیکوترین کارها سنتی است که سالیانی بر آن گذشته و درستی آن ثابت شده باشد و بدترین کارها آنچه که تازه پیدا شده و آینده آن روشن

نیست. (خ 145)

ص: 63

1- بدعت به معنی افزودن یا کاستن چیزی از دین است بدون آنکه دلیل معتبری داشته باشد و از آنجا که تعلیمات و احکام اسلام جاودانه است و از طریق وحی نازل شده است هر بدعتی گناه بزرگی محسوب می شود و تمام انشعاب ها و اختلاف ها و انحرافات که در امت اسلامی بوجود آمده از ناحیه بدعت هاست.

26. امام علیه السلام قانون کلی آفرینش در سرنوشت گذشتگان و آیندگان را مشابه دانسته و می فرماید:

ستایش خداوندی را سزاست که حمد را کلید یاد خویش و سبب فزونی فضل و رحمت خود و راهنمای نعمتها و عظمتش قرار داده است.

بندگان خدا روزگار بر آیندگان چنان میگذرد که بر گذشتگان گذشت آنچه گذشت باز نمی گردد و آنچه هست جاویدان نخواهد ماند پایان کارش با آغاز آن یکی است ماجراها و رویدادهای آن همانند یکدیگرند و نشانه های آن آشکار است.

گویا پایان زندگی و قیامت شما را فرا میخواند، چونان خواندن ساریان، شتر بیچه را.

آن کس که جز به حساب نفس خویش پردازد خود را در تاریکیها سرگردان و در هلاکت افکنده است شیطانها مهارش را گرفته و به سرکشی و طغیان می کشانند و رفتار زشت او را در دیده اش زیبا می نمایانند.

پس بدانید که بهشت پایان راه پیشتازان و آتش جهنم، سرانجام کسانی است که سستی می ورزند.

ای بندگان خدا بدانید که تقوا، دژی محکم و شکست ناپذیر است، اما هرزگی و گناه، خانه ای در حال فرو ریختن و خوار کننده است، که از ساکنان خود دفاع نخواهد کرد و کسی که بدان پناه برد در امان نیست.

آگاه باشید با پرهیزکاری ریشه های گناهان را میتوان برید و با یقین میتوان به برترین جایگاه معنوی دسترسی پیدا کرد.

ای بندگان خدا، خدا را خدا را در حق نفس خویش که از همه چیز نزد شما گرامی تر و دوست داشتنی تر است.

27. پروا کنید همانا خدا راه حق را برای شما آشکار کرده و جاده های آن را روشن نگاه داشته است. پس یا شقاوت دامنگیر یا رستگاری جاویدان در انتظار شماست. پس در این دنیای نابود شدنی برای زندگی جاویدان آخرت توشه بگیرید که شما را به زاد و توشه راهنمایی کردند و به کوچ کردن از دنیا فرمان دادند و شما را برای پیمودن راه قیامت برانگیختند.

همانا شما چونان کاروانی هستید که در جایی به انتظار مانده و نمیدانند در چه زمانی آنان را فرمان حرکت می دهند.

آگاه باشید با دنیا چه میکنند کسی که برای آخرت آفریده شده است و با اموال دنیا چه کار دارد آن کس که به زودی همه اموال او را مرگ می رباید و تنها کیفر حسابرسی آن بر عهده انسان باقی خواهد ماند.

بندگان خدا خیری را که خدا وعده داد رها کردند نمیباشد و شری را که از آن نهی فرمود دوست داشتنی نیست.

بندگان خدا از روزی بترسید که اعمال و رفتار انسان و ارسی میشود روزی که پر از تشویش و اضطراب است و کودکان در آن روز پیر می گردند.

ای بندگان خدا بدانید که از شما نگاهبانانی بر شما گماشته اند و دیدبانهایی از پیکرتان برگزیده و حافظان راستگویی که اعمال شما را

حفظ می کنند و شماره نفس های شما را می شمارند نه تاریکی شب شما را از آنان میپوشاند و نه دری محکم شما را از آنها پنهان میسازد.

(خ 157)

ص: 65

28. امام علیه السلام در این بخش با تأکید بر الگو و اسوه بودن پیامبر اکرم (صلی اله علیه و آله) نصایح ارزشمندی گوشزد نموده، می فرماید:

به پیامبر پاکیزه و پاکت اقتدا کن که راه و رسم او الگویی است برای الگوظلبنان و مایه فخر و بزرگی است برای کسی که خواهان بزرگواری باشد و محبوبترین بنده نزد خدا کسی است که از پیامبرش پیروی کند، و گام بر جایگاه قدم او نهد.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم، از دنیا چندان نخورد که دهان را پر کند، و به دنیا با گوشه چشم نگریست. دو پهلویش از تمام مردم فرورفته تر، و شکمش از همه خالی تر بود دنیا را به او نشان دادند اما نپذیرفت، و چون دانست خدا چیزی را دشمن می دارد آن را دشمن داشت و چیزی را که خدا خوار شمرده آن را خوار انگاشت، و چیزی را که خدا کوچک شمرده کوچک و ناچیز می دانست.

اگر در ما نباشد جز آن که آنچه را خدا و پیامبرش دشمن می دارند، دوست بداریم، یا آنچه را خدا و پیامبرش کوچک شمارند، بزرگ بداریم، برای نشان دادن دشمنی ما با خدا و سرپیچی از فرمان های او کافی بود.

و همانا پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم بر روی زمین می نشست و غذا می خورد، و چون برده ساده می نشست و با دست خود کفش خود را وصله می زد، و

جامه خود را با دست خود می دوخت و بر الاغ برهنه می نشست، و دیگری را پشت سر خویش سوار می کرد.

پرده ای بر در خانه او آویخته بود که نقش و تصویرها در آن بود، به یکی از همسرانش فرمود این پرده را از برابر چشمان من دور کن که هر گاه نگاهم به آن می افتد به یاد دنیا و زینت های آن می افتم.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم با دل از دنیا روی گرداند و یادش را از جان خود

ریشه کن کرد و همواره دوست داشت تا جاذبه های دنیا از دیدگانش پنهان ماند و از آن لباس زیبایی تهیه نکند و آن را قرارگاه دائمی خود نداند و امید ماندن در دنیا نداشته باشد پس یاد دنیا را از جان خویش بیرون کرد و دل از دنیا بر کند، و چشم از دنیا پوشاند.

و چنین است کسی که چیزی را دشمن دارد خوش ندارد به آن بنگرد یا نام آن نزد او بر زبان آورده شود.

در زندگانی رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم برای تو نشانه هایی است که تو را به زشتی ها و عیب های دنیا راهنمایی کند، زیرا پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم با نزدیکان خود گرسنه به سر می برد، و با آن که مقام و منزلت بزرگی داشت، زینت های دنیا از دیده او دور ماند.

پس تفکر کننده ای باید با عقل خویش به درستی اندیشه کند که: آیا خدا محمد را به داشتن این صفتها اکرام فرمود یا او را خوار کرد؟ اگر بگویند: خوار کرد، دروغ گفته و بهتانی بزرگ زده است، و اگر بگویند او را اکرام کرد، پس بدانند خدا کسی را خوار شمرد که دنیا را برای او گستراند و از نزدیکترین مردم به خودش دور نگهداشت.

پس پیروی کننده باید از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم پیروی کند و به دنبال او راه رود و قدم بر جای قدم او بگذارد و گرنه از هلاکت ایمن نمی باشد، که همانا خداوند، محمد صلی الله علیه و آله و سلم را نشانه قیامت و مژده دهنده بهشت، و ترساننده از کیفر جهنم قرار داد.

او با شکمی گرسنه از دنیا رفت و با سلامت جسم و جان وارد آخرت شد، و کاخ های مجلل نساخت (سنگی برسنگی نگذاشت) تا جهان را ترک گفت و دعوت پروردگارش را پذیرفت.

و چه بزرگ است منتی که خدا با بعثت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم بر ما نهاده، و

چنین نعمت بزرگی به ما عطا فرموده رهبر پیشتازی که باید او را پیروی کنیم و پیشوایی که باید راه او را تداوم بخشیم.

به خدا سوگند آنقدر این پیراهن پشمین را وصله زدم که از پینه کننده آن شرمسارم. یکی به من گفت: «آیا آن را دور نمی افکنی» گفتم: از من دور، شو صبحگاهان رهروان شب ستایش میشوند (خ 160)

ص: 68

29. امام علیه السلام با اشاره به مسئله خوف و رجا به بی اعتباری و نابود شدنی بودن دنیا می فرماید:

بندگان خدا! شما را به ترسیدن از خدا و فرمانبرداری او سفارش میکنم که نجات فردا و مایه رهایی جاویدان است.

خدا آنگونه که سزاوار بود شما را ترسانید و چنانکه شایسته بود امیدوارتان کرد و دنیا و بی اعتباری آن و نابود شدنی بودن و دگرگونی آن را برای شما تعریف کرد.

پس از آنچه در دنیا شما را به شگفتی و امید روی گردانید، زیرا که مدت کوتاهی در آن اقامت دارید

دنیا به خشم خدا نزدیکترین و از خشنودی خدا دورترین جایگاه است. پس ای بندگان خدا از غم و اندوه و سرگرمی های دنیا چشم بگیرید زیرا شما به جدایی و دگرگونی های امور دنیایی یقین دارید و چونان دوست مهربانی که نصیحت گر و کوشا برای نجات رفیقش تلاش کند، خویشتن را از دنیا دور نگهدارید.

از آنچه بر گذشتگان شما رفت عبرت بگیرید که چگونه، بند بند اعضای بدنشان از هم گسست، چشم و گوششان نابود شد، شرف و شکوه شان از خاطره ها محو گردید و همه ناز و نعمتها و رفاه ها و خوشی ها پایان گرفت که نزدیکی فرزندان به دوری و از دست دادنشان و همدمی همسران، به جدایی تبدیل شد دیگر نه به هم می نازند و نه فرزندان می آورند، و نه یکدیگر را دیدار می کنند و نه در کنار هم زندگی می کنند.

پس ای بندگان خدا بپرهیزید چونان پرهیز کسی که به نفس خود چیره و بر شهوات خود، پیروز و با عقل خود به درستی مینگرد، زیرا که جریان انسان آشکار پرچم بر افراشته جاده هموار و راه روشن و راست است. (خ 161)

30. و باز در عدم ماندگاری دنیا می فرماید:

آگاه باشید همانا این دنیا که آرزوی آن را می کنید و بدان روی می آورید و شما را گاهی به خشم میآورد و زمانی خشنود می سازد، خانه ماندگار شما نیست و منزلی نیست که برای آن آفریده و به آن دعوت شدید.

آگاه باشید نه دنیا برای شما جاودانه و نه شما در آن جاودانه خواهید ماند.

دنیا گرچه از جهتی شما را می فریبد ولی از جهت دیگر شما را از بدی هایش میترساند پس برای هشدارهایش از آنچه مغرورتان می کند چشم پوشید و به خاطر ترساندنش از طمع ورزی در آن باز ایستید. به خانه ای که دعوت شدید سبقت گیرید و دل از دنیا برگیرید و چونان کنیزکان برای آنچه که از دنیا از دست می دهید گریه نکنید، (1) و با صبر و استقامت بر اطاعت پروردگار و حفظ و نگهداری فرامین کتاب خدا، نعمت های پروردگار را نسبت به خویش کامل کنید.

آگاه باشید آنچه برای حفظ دین از دست می دهید زیانی به شما نخواهد رساند.

آگاه باشید آنچه را با تباه ساختن دین به دست می آورید سودی به حالتان نخواهد داشت خداوند دل های ما و شما را به سوی حق متوجه

سازد و صبر و استقامت عطا فرماید. (خ 173)

1. امام علیه السلام افراد ضعیف و ناتوانی را که به علت از دست دادن کمی از نعمتهای دنیا قیافه عزاداران به خود میگیرند و همچون کسانی که عزیزترین عزیزانشان را از دست داده اند گریه سر می دهند به کنیزان کم قدر و بی ارزشی تشبیه می کند که به جهت کوچک ترین ناملایمات بلند بلند گریه میکنند و گاه از شدت بی تابی صدای گریه آنها در بینی شان می پیچد. (دقت کنید)

ص: 70

31. امام علیه السلام در بخشی از خطبه ای که پس از قتل عثمان و آغاز خلافت خویش ایراد فرمود می گوید:

ای مردم! دنیا آرزومندان و خواهان خود را فریب می دهد برای شیفتگان خود ارزشی قائل نیست، و آن کس را که بر دنیا پیروز شود مغلوب گرداند.

به خدا سوگند هرگز ملتی از ناز و نعمت زندگی گرفته نشدند مگر به کیفر گناهایی که انجام داده اند زیرا خداوند بر بندگان خود ستم روا

نمی دارد. (1) (خ 178)

خواننده محترم بیندیش آیا جامعه امروز ما که با مشکلات متعدد اجتماعی، اقتصادی و حتی طبیعی نظیر خشکسالی زلزله، سیل و ... روبرو شده است دلیلی جز انجام گناهان دارد؟ پس برای طلب نعمتها و رحمتهای الهی بایستی دست از گناهان بشوییم.

ص: 71

32. امام علیه السلام در خطبه ی 183 که از خطبههای بسیار شیوا و فصیح نهج البلاغه است در بخشی از آن به بیان طرق نجات از آتش دوزخ و بهره گیری از امکانات دنیا در این راه که از مهمترین آنها کمک به محرومان و درماندگان است می فرماید:

مردم شما چونان مسافران در راهید که در این دنیا فرمان کوچ داده شدید، که دنیا خانه اصلی شما نیست و به جمع آوری زاد و توشه فرمان داده شدید.

آگاه باشید این پوست نازک تن طاقت آتش دوزخ را ندارد پس به خود رحم کنید، شما مصیبتهای دنیا را آزمودید آیا ناراحتی یکی از افراد خود را بر اثر خاری که در بدنش فرو رفته یا در زمین خوردن پایش مجروح شده، یا ریگ های داغ بیابان او را رنج داده، دیده اید که تحمل آن مشکل است؟!

خدا را خدا را ای جمعیت انسانها پروا کنید حال که تندرستید نه بیمار و در حال گشایش هستید نه تنگ دست.

در آزادی خویش پیش از آن که درهای امید بسته شود بکوشید، در دل شب ها با شب زنده داری و پرهیز از شکمبارگی به اطاعت برخیزید با

اموال خود انفاق کنید.

از جسم خود بگیرید و بر جان خود بیفزایید و در بخشش بخل نورزید که خدای سبحان فرمود:

«إِنْ تَنْصُرُوا اللَّهَ يَنْصُرْكُمْ وَيُثَبِّتْ أَقْدَامَكُمْ» محمد آیه 7

«اگر خدا را یاری کنید شما را پیروز میگرداند و قدمهای شما را استوار می دارد

و فرمود:

مَنْ

مَنْ ذَا الَّذِي يُقْرِضُ اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا فَيُضَاعِفَهُ لَهُ وَلَهُ أَجْرٌ كَرِيمٌ

ص: 72

کیست که به خدا قرض نیکو دهد تا خداوند چند برابر عطا فرماید و برای او پاداش بی عیب و نقصی قرار دهد.

درخواست یاری از شما از جانب خداوند به جهت ناتوانی نیست و قرض گرفتن از شما برای کمبود نمی باشد در حالی که از شما یاری خواسته که:

وَلِلَّهِ جُنُودُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ ۚ وَكَانَ اللَّهُ عَزِيزًا حَكِيمًا، فتح آیه 7

لشکرهای آسمان و زمین در اختیار اوست و خدا نیرومند و حکیم است.

و در حالی طلب وام از شما دارد که گنجهای آسمان و زمین به او تعلق دارد و خدا بی نیاز و حمید است، بلکه خواسته است شما را بیازماید که کدام یک از شما نیکوکارترید.

پس به اعمال نیکو مبادرت کنید تا با همسایگان خدا در سرای او باشید که هم نشینان آنها پیامبران و زیارت کنندگانشان فرشتگانند، و چنان گرمی داشته شوند که صدای آهسته آتش را نشنوند و بر بدن هایشان هیچ گونه رنج و ناراحتی نرسد.

وَاللَّهُ الْمُسْتَعَانُ عَلَى نَفْسِي وَأَنْفُسِكُمْ وَهُوَ حَسْبُنَا وَنِعْمَ الْوَكِيلُ.

این بخشش خداست به هر کس بخواهد می دهد و خدا صاحب بخشش بزرگ است.

من آنچه را می شنوید می گویم و خداوند را به یاری خود و شما می خوانم که او کفایت کننده و بهترین وکیل است. (خ 183)

33. امام در یکی دیگر از درخشان ترین خطبه های خود در بخشی از آن با تأکید بر ناپایداری دنیا و شرح عذاب دردناک الهی در قیامت که در انتظار مجرمان است می فرماید:

ای بندگان! خدا را خدا را پروا کنید از خدا بترسید که دنیا با قانونمندی خاصی می گذرد، شما با قیامت به رشته ای اتصال دارید گویا نشانه های قیامت، آشکار شده است.

قیامت شما را در راه خود متوقف کرده با زلزله هایش سر رسیده است سنگینی بار آن را بر دوش شما نهاده و رشته پیوند مردم با دنیا را قطع کرده، همه را از آغوش گرم دنیا خارج ساخته است.

گویی دنیا یک روز بود و گذشت یا ماهی بود و سپری شد.

تازه های دنیا کهنه شده و فربه هایش لاغر گردیدند، سپس به سوی جایگاهی تنگ در میان مشکلاتی بزرگ و آتشی پر شراره میروند که صدای زبانه هایش وحشت زا شعله هایش بلند غرشش پر هیجان پرنور و گدازنده است خاموشی شعله هایش غیر ممکن، شعله هایش در فوران تهدید هایش هراس انگیز ژرفایش ناپیدا پیرامونش تاریک و سیاه دیگ هایش در جوشش و اوضاعش سخت وحشتناک است. (خ

(190

ص: 74

34. در آن میان (قیامت) پرهیزکاران را گروه گروه به سوی بهشت رهنمون میشوند آنان از کیفر و عذاب در امانند و از سرزنشها آسوده و از آتش دورند در خانه های امن الهی، از جایگاه خود خشنودند.

آنان در دنیا رفتارشان پاک، دیدگانشان گریان شبهایشان با خشوع و استغفار چونان روز و روزشان از ترس گناه چونان شب میماند.

پس خداوند بهشت را منزلگاه نهایی آنان قرار داد و پاداش ایشان را نیکو پرداخت که سزاوار آن نعمتها بودند ولایق مُلکي جاودانه و نعمتهایی پایدار شدند.

ای بندگان خدا مراقب چیزی باشید که دستگاران با پاس داشتن آن سعادت‌مند شدند، و تبهکاران با ضایع کردن آن به خسران و زیان رسیدند. پیش از آن که مرگ شما فرا رسد با اعمال نیکو آماده باشید، زیرا در گرو کارهایی هستید که انجام داده اید و پاداش داده می شوید به کارهایی که از پیش مرتکب شده اید.

ناگهان مرگ وحشتناک سر می رسد که دیگر باز گشتی در آن نیست، و از لغزشها نمیتوان پوزش خواست.

خداوند ما و شما را در راه خود و پیامبرش استوار سازد و از گناهان ما و شما به فضل و رحمتش در گذرد. (خ 190)

35. در بخش دیگری امام علیه السلام به دنیا پرستی و فریفته زرق و برق آن شدن هشدار میدهد و به معرفی دنیا و نشان دادن عیوب آن میپردازد تا همگان بیدار شوند و عبرت گیرند می فرماید برابر دنیا خویشتن دار و برابر آخرت دلباخته باشید.

آن کس را که تقوا بلند مرتبت کرد خوار نشمارید و آن را که دنیا عزیزش کرد گرامی ندارید.

برق درخشنده دنیا شما را خیره نکند و سخن ستاینده دنیا را نشنوید. به دعوت کننده دنیا پاسخ ندهید و از تابش دنیا روشنائی نخواهید، و فریفته کالاهای گران قدر دنیا نگردید.

همانا برق دنیای حرام بی فروغ است و سخنش دروغ و اموالش به غارت رفتنی و کالاهای آن تاراج شدنی است.

آگاه باشید دنیای حرام چونان عشوہ گر هرزه ای است که تسلیم نشود و مرکب سرکشی است که فرمان نبرد دروغگویی خیانتکار، ناسپاس

حق شناس دشمنی حیلہ گر، پشت کننده ای سرگردان حالاتش متزلزل عزّتش خواری، جدّش بازی و شوخی و بلندی آن سقوط است.

خانه جنگ و غارتگری، تبهکاری و هلاکت و سر منزل نا آرامی است جایگاه دیدار کردنها و جدایی هاست.

راه های آن حیرت زا گریزگاهایش ناپیدا و خواسته هایش نومید کننده و زیانبار است، پناهگاه های دنیا انسان را تسلیم مرگ میکند و از خانه های خود بیرون میراند و چاره اندیشی های آن ناتوان کننده است.

آنگاه به اقسام دنیا پرستان اشاره کرده می فرماید:

نجات یافته ای مجروح یا مجروحی پاره پاره تن دسته ای سر از تن جدا و گروهی دیگر در خون خود تپیده گروهی انگشت به دندان و جمعی از حسرت و اندوه دست بردست میساید برخی سر بر روی دستها

نهاد به فکر فرو رفته اند عده ای بر اشتباهات گذشته افسوس می خورند و خویشان را محکوم می کنند، و عده ای دیگر از عزم و تصمیم ها دست برداشته اند چرا که راه فرار و هر نوع حيله گری بسته شده، و دنيا آنها را غافلگیر کرده است و کار از کار گذشته، و عمر گرانها هدر رفته است.

هیئات هیئات آنچه از دست رفت گذشت و آنچه سپری شد رفت و جهان چنان که میخواست به پایان رسید. (خ 191)

ص: 77

36. سومین جنگ بزرگ امام علیه السلام در 4 سال و 9 ماه حکومت ظاهری جنگ نهروان بود که امام شکست سختی به خوارج نهروان وارد ساخت و به جز 9 نفر از آنان که فرار کردند 4000 نفری که در مقابل امام صف آرائی کرده بودند را به قتل رسانید پس از جنگ نهروان معاویه دشمن اصلی اسلام و مسلمین که هنوز کارش یکسره نشده بود برای بلاد اسلامی تحت فرماندهی حضرت مزاحمت های زیادی ایجاد میکرد امام برای خاتمه دادن به شیطنت های معاویه (پلید) مردم کوفه را برای لشکرکشی به شام (مقر حکومت معاویه) دعوت میکرد و مردم کوفه کوتاهی می کردند حضرت در بخشی از یک خطبه فرمود:

نفرین بر شما کوفیان! که از فراوانی سرزنش شما خسته شدم آیا به جای زندگی جاویدان قیامت به زندگی زودگذر دنیا رضایت دادید؟ و بجای عزت و سربلندی بدبختی و ذلت را انتخاب کردید؟ شما را به جهاد با دشمنان دعوت میکنم چشمانتان از ترس در کاسه می گردد. گویا ترس از مرگ عقل شما را ربوده و چون انسان های مست از خود بیگانه شده حیران و سرگردانید گویا عقلهای خود را از دست داده و درک نمی کنید. (خ 34)

37. امام علیه السلام در ترغیب مردم به سوی اعمال پسندیده و استفاده صحیح از دنیای زودگذر برای آخرت جاوید فرمود:

ای بندگان خدا، از خدا بپرهیزید و با اعمال نیکو به استقبال اجل بروید با چیزهای فانی شدنی دنیا آنچه که جاویدان میماند خریداری کنید.

از دنیا کوچ کنید که برای کوچ دادنتان تلاش میکنند.

آماده مرگ باشید که بر شما سایه افکنده است. چون مردمی باشید که بر آنها بانگ زدند و بیدار شدند و دانستند دنیا خانه جاویدان نیست و آن را با آخرت مبادله کردند.

خدای سبحان شما را بیهوده نیافرید و به حال خود وا گذاشت، میان شما تا بهشت یا دوزخ فاصله اندکی جز رسیدن مرگ نیست.

زندگی کوتاهی که گذشتن لحظه ها از آن می کاهد و مرگ آن را نابود میکند سزاوار است که کوتاه مدت باشد.

زندگی که شب و روز آن را به پیش میراند به زودی پایان خواهد گرفت.

مسافری که سعادت یا شقاوت همراه میبرد باید بهترین توشه را با خود بردارد.

از این خانه دنیا زاد و توشه بردارید که فردای رستاخیز نگهبانتان باشد.

بنده خدا باید از پروردگار خود بپرهیزد خود را پند دهد و توبه را پیش فرستد و بر شهوات غلبه کند زیرا مرگ او پنهان و پوشیده است و آرزوها فریبده اند و شیطان همواره با اوست و گناهان را زینت و جلوه می دهد تا بر او تسلط یابد انسان را در انتظار توبه نگه میدارد که آن را تأخیر اندازد، و تا زمان فرا رسیدن مرگ از آن غفلت نماید.

ص: 79

وای بر غفلت زده ای که عمرش بر ضد او گواهی دهد، و روزگار او را به شقاوت و پستی کشاند.

از خدا می خواهیم که ما و شما را برابر نعمت ها مغرور نسازد، و چیزی ما را از اطاعت پروردگار باز ندارد و پس از فرارسیدن مرگ دچار پشیمانی و اندوه نگرداند. (خ 64)

ص: 80

38. در سال 30 هجری عثمان خلیفه ی سوم که حضرت ابذر صحابی بزرگ پیامبر اکرم (صلی اله علیه و آله) را مانع ریخت و پاشها و بی بند و باری استفاده از بیت المال مسلمین به نفع بنی امیه میدید وی را به بیایان بی آب و علف ریزه تبعید کرد و فرمان داد کسی حق ندارد او را بدرقه کند. امام علی علیه السلام و فرزندانشان به این فرمان اعتنائی نکردند و ابذر را بدرقه کردند و هنگام خداحافظی فرمود:

ای ابذر همانا تو برای خدا به خشم آمدی، پس امید به کسی داشته باش که به خاطر او غضبناک شدی این مردم برای دنیای خود از تو ترسیدند، و تو بردین خویش از آنان ترسیدی پس دنیا را که به خاطر آن از تو ترسیدند به خودشان واگذار و با دین خود که برای آن ترسیدی از این مردم بگریز.

این دنیا پرستان چه محتاجند به آنچه که تو آنان را از آن ترساندی و تو چه بی نیازی از آنچه آنان تو را منع کردند و به زودی خواهی یافت که چه کسی فردا سود میبرد و چه کسی بر او بیشتر حسد می ورزند.

اگر آسمان و زمین درهای خود را بر روی بنده ای ببندند و او از خدا بترسد خداوند راه نجاتی از میان آن دو برای او خواهد گشود.

آرامش خود را تنها در حق جستجو کن، و جز باطل چیزی تو را به وحشت نیندازد. اگر تو دنیای این مردم را می پذیرفتی تو را دوست داشتند، و اگر سهمی از آن بر می گرفتی دست از تو بر می داشتند. (1) (خ 130)

ص: 81

1- شایسته است شیعیان علی علیه السلام این نصایح سازنده و بیدار کننده امام به حضرت ابذر را بارها و بارها بخوانند و عمل کنند.

39. باز امام علیه السلام درباره ی دنیای زودگذر و آخرت جاوید می فرماید:

گمراهان دنیای زودگذر را برگزیدند و آخرت جاویدان را رها کردند. چشمه زلال را گذاشتند و از آب تیره و ناگوار نوشیدند، گویا فاسق آنها را می نگرم که با منکر و زشتیها یار است (عبد الملک مروان) و با آن انس گرفته و همنشین می گردد تا آن که موی سرش در گناهان سفید گشته و خلق و خوی او رنگ گناه و منکر گیرد، در چنین حالی، کف بر لب به مردم یورش آورد چونان موج خروشان که از غرق کردن هر چیزی بی پروا باشد یا شعله ای که تر و خشک را بسوزاند و همه چیز را خاکستر گرداند. (خ 144)

ص: 82

40. امام علیه السلام در نکوهش مردم از مستی نعمتها و ترساندن از عذاب الهی می فرماید:

شما ای عربها هدف تیرهای بلا هستید که نزدیک است. از مستی های نعمت بپرهیزید و از سختی های عذاب الهی بترسید و بگریزید، و در فتنه های در هم پیچیده به هنگام پیدایش نوزاد فتنه ها و آشکار شدن باطن آنها، و برقرار شدن قطب و مدار آسیاب آن، با آگاهی قدم بردارید.

فتنه هایی که از رهگذرهای ناپیدا آشکار گردد و به زشتی و رسوایی گراید، آغازش چون دوران جوانی پر قدرت و زیبا، و آثارش چون آثار باقی مانده بر سنگهای سخت زشت و دیرپاست، که ستمکاران آن را با عهدهی که با یکدیگر دارند، به ارث میبرند نخستین آنان پیشوای آخرین و آخرین گمراهان، اقتدا کننده به اولین می باشند. آنان در به دست آوردن دنیای پست برهم سبقت میگیرند و چونان سگ های گرسنه این مردار را از دست یکدیگر می ربایند طولی نمی کشد که پیرو از رهبر و رهبر از پیرو بیزاری میجوید و با بغض و کینه از هم جدا می شوند، و به هنگام ملاقات همدیگر را نفرین میکنند. (1) (خ 151)

فصل اول. 1. اگر درست بیندیشیم اعمال و رفتار امروز مستکبران و ابرقدرتها چنین است که امام توصیف میفرماید به راستی چقدر تاریخ تکرار میشود و حال امروز این دنیا پرستان شبیه مردم زمان امام میباشد. (دقت کنید)

ص: 83

41. و آنگاه امام علیه السلام درباره ی عبرت گرفتن از گذشتگان هشدار داده می فرماید فردا به امروز نزدیک است و امروز با آنچه در آن است می گذرد و فردا میآید و به آن میرسد، گویی هر یک از شما در دل زمین به خانه مخصوص خود رسیده و در گودالی که کنده اند آرمید اید.

و ه که چه خانه تنهایی و چه منزل وحشتناکی و چه سیه چال غربتی گویی هم اکنون بر صور اسرافیل دمیدند و قیامت فرارسیده و برای قضاوت و حسابرسی قیامت بیرون شده اید پندارهای باطل دور گردیده بهانه ها از میان برخاسته و حقیقتها برای شما آشکار شده و شما را به آنجا که لازم بود کشانده اند، پس از عبرتها پند گیرید، و از دگرگونی روزگار عبرت پذیرید و از هشدار دهندگان بهر مند گردید. (خ 157)

ص: 84

42. امام علیه السلام در خطبه ای که یک هفته قبل از شهادتش ایراد فرموده و هدفش از ایراد آن آماده ساختن مردم برای جهاد با معاویه و غارتگران شام بوده مردم دعوت ایشان را اجابت کردند و هزاران هزار نفر برای جهاد آماده شدند ولی افسوس (1) که ... در بخشی فرمود:

آگاه باشید آنچه از دنیا روی آورده بود پشت کرد، و آنچه پشت کرده بود روی آورد، و بندگان نیکوکار خدا آماده کوچ کردن شدند، و دنیای اندک و فانی را با آخرت جاویدان تعویض کردند.

ای مردم من مواعظ و اندرزهایی را که پیامبران به امتهایشان دادند برای شما بازگو کردم و در میان شما منتشر ساختم، و نیز آنچه را اوصیای پیامبران به امتهای بعد رساندند و (در آنجا که ضرورت داشت) شما را با تازیانه ام ادب کردم ولی شما به هیچ صراطی مستقیم نشدید. بانگ

نواهی پروردگار را در میان شما سردادم (که از اختلاف و تفرقه بپرهیزید)؛ اما هرگز اجتماع نکردید و متحد نشدید.

شما را به خدا آیا انتظار دارید پیشوایی جز من شما را به راه بیاورد و طریق حق را به شما نشان دهد؟

آگاه باشید آنچه از دنیا روی آورده بود پشت کرده و آنچه پشت کرده بود، روی آورده است (سنت های پیامبر (صلی الله علیه و آله) فراموش شده و سنن جاهلی در حکومت امویان بازگشته است) بندگان نیک خدا به سرعت تصمیم به کوچ گرفتند و متاع اندک دنیای فانی را با سرمایه های فراوان آخرت ماندگار مبادله نمودند. راستی برادران ما که خونشان در

ص: 85

1- از خوارج نهروان که 12000 نفر بودند پس از نصیحتهای طولانی امیر مؤمنان علیه السلام و برخی از اصحاب ایشان نظیر ابن عباس 8000 نفر از آنان مقابله با امام را ترک کردند و به خانه هایشان برگشتند 4000 نفر ماندند که دیگر پندهای حضرت در آنها اثر نکرد با پیشگویی امام همه 4000 نفر به جز 9 نفر کشته شدند از 9 نفر فراری یکی ابن ملجم مرادی (ملعون) بود که شب نوزدهم ماه مبارک رمضان همان سال امام را در مسجد کوفه در حال نماز ترور کرد. با شهادت امام معاویه نفس راحتی کشید و به جنایات خود با خیال راحت ادامه داد.

صفین ریخته شد (و شربت شهادت نوشیدند) اگر امروز زنده نیستند که از این لقمه های گلوگیر بخورند و از این آبهای ناگوار بنوشند، (و این

حوادث دردناک را ببینند) چه ضرری کردند؟

به خدا سوگند آنها به لقای پروردگار نایل شدند و خدا پاداششان را به طور کامل عطا فرمود و آنها را در سرای امن و امان بعد از این زندگی
پراز خوف جای داد. (خ 182)

ص: 86

43. امام ها در خطبه ای که به خطبه ی متقین مشهور شده است و در اوصاف اهل تقوی مطالب بسیار ارزنده ای بیان کرده اند در بخشی از آن که در مورد دنیا است می فرماید:

پرهیزکاران، در روزگار کوتاه دنیا، صبر کرده تا آسایش جاودانه قیامت را به دست آورند تجارتی پرسود که پروردگارشان فراهم فرموده است. دنیا می خواست آنها را بفریبد، اما عزم دنیا نکردند، می خواست آنها را اسیر خود گرداند که با فدا کردن جان خود را آزاد ساختند. (1) (خ 193)

ص: 87

1- انصافاً باید گفت هر کس علاقمند است که حداقل با حالات و رفتار افراد با تقوی تا اندازه ای آشنا شود بر او لازم است یک بار بلکه چند بار این خطبه مهم و تاریخیچه صدور آن را بخواند

خداوند هنگامی پیامبر اکرم علیه السلام را مبعوث فرمود که نه نشانه ای از دین الهی برپا و نه چراغ هدایتی روشن، و نه راه حقی آشکار بود. ای بندگان خدا شما را به ترس از خدا سفارش می کنم، و از دنیا پرستی شما را میترسانم زیرا دنیا خانه ای ناپایدار و جایگاه سختی و مشکلات است.

ساکنان دنیا در حال کوچ کردن و اقامت گزیدگانش به جدایی محکومند. مردم را چونان کشتی طوفان زده در دل دریاها می لرزاند، برخی از آنان در دل آب مرده و برخی دیگر بر روی امواج جان سالم به در برده و با دها با وزیدن آنها را به این سو و آن سو می کشاند، و هر جا که خواهد می برد. پس آن را که در آب می میرد (هلاک می شود) نمیتوان گرفت، و آن که رها شده نیز به سوی مرگ می رود.

ای بندگان خدا هم اکنون عمل کنید، که زبانها آزاد، و بدنها سالم و اعضاء و جوارح آماده اند و راه بازگشت فراهم، و فرصت زیاد است پیش از آن که وقت از دست برود و مرگ فرا رسد، پس فرار سیدن مرگ را حتمی بشمارید و در انتظار آمدنش در آینده دور به سر نبرید. (خ 196)

45. امام علیه السلام در زیباترین کلام برای فرستادن دلها به عالم آخرت می فرماید:

ای مردم؛ دنیا سرای گذرا و آخرت خانه جاویدان است. پس، از گذرگاه خویش برای سرمنزل جاودانه توشه بگیرید و پرده های خود را در نزد کسی که بر اسرار شما آگاه است پاره نکنید.

پیش از آن که بدنهای شما از دنیا خارج گردد، دلهایتان را خارج کنید، شما را در دنیا آزموده اند و برای غیر دنیا آفریده اند.

کسی که بمیرد، مردم میگویند چه باقی گذاشت؟، اما فرشتگان می گویند چه پیش فرستاد؟ خدا پدرانان را بیامرزد مقداری از ثروت خود را جلوتر بفرستید تا در نزد خدا باقی ماند و همه را برای وارثان مگذارید که پاسخگویی آن بر شما واجب است. (1) (خ 203)

ص: 89

1- به راستی کسی هست که به این پندهای گرانسنگ و هشدارهای هوشیاری دهنده و بیدار کننده گوش دل بدهد و وسیله نجات خویش را فراهم نماید!؟

آماده حرکت شوید خدا شما را بیامرزد که بانگ کوچ را سر دادید.

وابستگی به زندگی دنیا را کم کنید و با زاد و توشه نیکو به سوی آخرت باز گردید که پیشاپیش شما گردنه ای سخت و دشوار و منزلگاه هایی ترسناک وجود دارد که باید در آنجاها فرود آید و توقف کنید. آگاه باشید که فاصله نگاه های مرگ بر شما کوتاه، و گویا چنگال هایش را در جان شما فرو برده است.

کارهای دشوار دنیا مرگ را از یادتان برده و بلاهای طاقت فرسا آن را از شما پنهان داشته است پس پیوندهای خود را با دنیا قطع کنید، و از تقوی (پرهیزکاری) کمک بگیرید. (خ 204)

47. امام پس از جنگ جمل که در بصره اتفاق افتاد، وارد منزل علاء بن زیاد که از یاران وی بود شد، وقتی خانه ی بسیار مجلل و وسیع او را دید فرمود:

با این خانه وسیع در دنیا چه می‌کنی، در حالی که در آخرت به آن نیازمند تری!؟

آری اگر بخواهی می‌توانی با همین خانه به آخرت برسی در این خانه وسیع مهمانان را پذیرایی کن به خویشاوندان با نیکوکاری ببیوند، و حقوقی که بر گردن تو است به صاحبان حق برسان، پس آنگاه تو با همین خانه وسیع به آخرت هم می‌توانی برسی.

علاء گفت: از برادرم عاصم بن زیاد به شما شکایت می‌کنم. فرمود: چه شده او را؟ گفت: عباپی پوشیده و از دنیا کناره گرفته است. امام فرمود: او را بیاورید وقتی آمد به او فرمود:

ای دشمنک جان خویش! شیطان سرگردانت کرده، آیا تو به زن و فرزندان رحم نمی‌کنی؟ تو می‌پنداری که خداوند نعمت های پاکیزه اش را حلال کرده، اما دوست ندارد تو از آنها استفاده کنی؟ تو در برابر خدا کوچک تر از آنی که اینگونه با تو رفتار کند.

عاصم گفت: ای امیر مومنان! پس چرا تو با این لباس خشن و آن غذای ناگوار به سر میبری؟ امام فرمودند:

وای بر تو من همانند تو نیستم خداوند بر پیشوایان حق، واجب کرده که خود را با مردم ناتوان همسو کنند تا فقر و نداری، تنگدست را به

هیجان نیاورد و به طغیان نکشاند. (خ 209)

امام علیه السلام در خطبه ای که با این آیه قرآن شروع میشود می فرماید:

يُسَبِّحُ لَهُ فِيهَا بِالْغُدُوِّ وَالْآصَالِ رِجَالٌ لَا تُلْهِيهِمْ تِجَارَةٌ وَلَا بَيْعٌ عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ

صبح و شام در آنها تسبیح او میگویند مردانی که نه تجارت و نه معامله ای آنان را از یاد خدا و برپاداشتن نماز و ادای زکات غافل نمی کند

؛ آنها از روزی میترسند که در آن دلها و چشمها زیر و رو می شود. نور / 36 و 37

همانا خدای سبحان و بزرگ یاد خود را روشنی بخش دلها قرار داد تا گوش پس از ناشنوایی بشنود و چشم پس از کم نوری بنگرد، و انسان پس از دشمنی رام گردد خداوند که نعمتهای او گران قدر است در دورانهای مختلف روزگار، و در دوران جدایی از رسالت «تا آمدن پیامبری پس از پیامبری دیگر» بندگانی داشته که با آنان در گوش جانیشان زمزمه می کرد و در درون عقلشان با آنان سخن میگفت. آنان چراغ هدایت را با نور بیداری در گوشها و دیده ها و دلها بر می افروختند. روزهای خدا (1) را به یاد می آورند و مردم را از جلال و بزرگی خدا می ترسانند. آنان نشانه های روشن خدا در بیابان هاینده آن را که راه میانه در پیش گرفت می ستودند و به رستگاری بشارت میدادند و روش آن را که به جانب چپ یا راست کشانده می شد زشت می شمردند و از نابودی هشدار می دادند، همچنان چراغ تاریکیها و راهنمای پرتگاه ها بودند. (خ 222)

ص: 92

48. همانا اهل ذکر مردمی هستند که ذکر خدا را به جای دنیا برگزیدند که هیچ تجارتی یا خرید و فروشی آنها را از یاد خدا باز نمی دارد با یاد خدا روزگار می گذرانند، و غافلان را با هشدارهای خود از کیفرهای الهی میترسانند به عدالت فرمان می دهند و خود عدالت گسترند، از بدی ها نهی می کنند و خود از آنها پرهیز دارند با اینکه در دنیا زندگی میکنند گویا آن را رها کرده به آخرت پیوسته اند سرای دیگر را مشاهده کرده، گویا از مسائل پنهان برزخیان و مدت طولانی اقامتشان آگاهی دارند و گویا قیامت وعده های خود را برای آنان تحقق بخشیده است.

اهل ذکر پرده ها را برای مردم دنیا برداشته اند، می بینند آنچه را که مردم نمی نگرند، و می شنوند آنچه را که مردم نمی شنوند. اگر اهل ذکر را در اندیشه خود آوری و مقامات ستوده آنان و مجالس آشکارشان را بنگری، می بینی که آنان نامه های اعمال خود را گشوده و برای حساب رسی آماده اند که همه را جبران کنند و در اندیشه اند، در کدام یک از اعمال کوچک و بزرگی که به آنان فرمان داده شده، کوتاهی کرده اند، یا چه اعمالی که از آن نهی شده بودند مرتکب شده اند.

بار سنگین گناهان خویش را بر دوش نهاده و در برداشتن آن ناتوان شدند، گریه در گلویشان شکسته و با ناله و فریاد میگیرند و با یکدیگر گفتگو دارند، در پیشگاه پروردگار خویش به پشیمانی اعتراف دارند. آنان نشانه های هدایت و چراغهای روشنگر تاریکی ها می باشند، فرشتگان آنان را در میان گرفته و آرامش بر آنها می بارند درهای آسمان به رویشان گشوده و مقام ارزشمندی برای آنان آماده کرده اند، مقامی که خداوند با نظر رحمت به آن می نگرد و از تلاش آنها خوشنود و منزلت آنها را می ستاید دست به دعا برداشته و آمرزش الهی می طلبند. در گرو نیازمندی فضل خدا و اسیران بزرگی خداوند هستند، غم و اندوه طولانی دلهایشان را مجروح و گریه های پیایی چشم هایشان را آزرده است.

دست آنان به طرف تمام درهای امیدواری خدا دراز است، از کسی درخواست می کنند که بخشش او را کاستی و درخواست کنندگان او را نومییدی نیست.

پس اکنون به خاطر خودت حساب خویش را بررسی کن زیرا دیگران حسابرسی غیر از تو دارند. (خ 222)

ص: 94

(يَا أَيُّهَا الْإِنْسَانُ مَا غَرَّبَكَ رَبِّكَ الْكَرِيمِ)

همان کس که تو را آفرید و [اندام] تو را درست کرد و [آنگاه] تو را سامان بخشید (انفطار/6)

شروع می فرماید در بخشی از آن خطبه درباره فریب دنیا و فریفته شدن افراد به دنیا چه زیبا و پر محتوا میفرماید:

به حق میگویم آیا دنیا تو را فریفته است یا تو خود فریفته دنیایی؟ دنیا عبرتها را برای تو آشکار و تو را به تساوی دعوت کرد، دنیا با دردهایی که در جسم تو می گذارد و با کاهشی که در توانایی تو ایجاد می کند، راستگوتر از آن است که به تو دروغ بگوید، و یا مغرورت سازد. چه بسا نصیحت کننده ای از دنیا را متهم کردی و راستگویی را دروغگو پنداشتی اگر دنیا را از روی شهرهای ویران شده و خانه های درهم فرو ریخته بشناسی آن را یادآوری دلسوز و اندرز دهنده ای گویا می یابی، که چونان دوستی مهربان از تباهی و نابودی تو نگران است.

دنیا چه خوب خانه ای است برای آن کس که آن را جاودانه نپندارد، و خوب محلی است برای آن کس که آن را وطن خویش انتخاب نکند. سعادت‌مندان به وسیله دنیا در قیامت کسانی هستند که امروز از حرام آن می گریزند. (1) (خ 223)

ص: 95

1- دقت کنیم دنیای خوب و دنیای بد را از کلام گهربار علی علیه السلام به درستی تشخیص داده و از آن برای زندگی جاوید استفاده کنیم

50. امام علیه السلام در مورد دنیای پیچیده به بلاها می فرماید:

دنیای خانه ای است پوشیده از بلاها به حیله و نیرنگ شناخته شده نه حالات آن پایدار و نه مردم آن از سلامت برخوردارند، دارای تحولات گوناگون و دورانیهای رنگارنگ زندگی در آن نکوهیده، و امنیت در آن نابود است.

اهل دنیا همواره هدف تیرهای بلا هستند که با تیرهایش آنها را می کوبد، و با مرگ آنها را نابود میکند.

ای بندگان خدا بدانید شما و آنان که در این دنیا زندگی می کنند، بر همان راهی میروید که گذشتگان پیمودند. آنان زندگانیان شما طولانی تر خانه هایشان آبادتر و آثارشان از شما بیشتر بود، که ناگهان صداهایشان خاموش و وزش بادها در سرزمینشان ساکت، و اجسادشان

پوسیده، و سرزمینشان خالی و آثارشان ناپدید شد. قصرهای بلند و محکم، و بساط عیش و بالش های نرم را به سنگها و آجرها، و قبرهای به هم چسبیده تبدیل کردند گورهایی که بنای آن بر خرابی و با خاک ساخته شده است، گورها به هم نزدیک اما ساکنان آنها از هم دور و غریبند، در وادی وحشتناک به ظاهر آرام اما گرفتارند نه در جایی که وطن گرفتند انس می گیرند و نه با همسایگان ارتباطی دارند در صورتی که با یکدیگر نزدیک و در کنار هم جای دارند.

چگونه (مردگان) یکدیگر را دیدار کنند در حالی که فرسودگی آنها را در هم کوبیده و سنگ و خاک آنان را در کام خود فرو برده است.

شما هم راهی را خواهید رفت که آنان رفته اند، و در گرو خانه هایی قرار خواهید گرفت که آنها قرار دارند و گورها شما را به امانت خواهد پذیرفت پس چگونه خواهید بود که عمر شما به سرآید و مردگان از قبرها

برخیزند در آن هنگام که هر کس به اعمال از پیش فرستاده آزمایش می شود و به سوی خدا که مولا و سرپرست آنهاست باز میگردد و هر دروغی را که می بافتند برای آنان سودی نخواهد داشت (خ 226)

ص: 97

51. و بالاخره امام علیه السلام در خطبه ی 230 با تأکید مجدد بر تلاش و کوشش در جهت جمع آوری زاد و توشه سفر آخرت به فریب کاری دنیا اشاره کرده و می فرماید:

بر شما باد به تلاش و کوشش، آمادگی و آماده شدن، و جمع آوری زاد و توشه آخرت در دوران زندگی دنیا.

دنیا شما را مغرور نسازد چنانکه گذشتگان شما و امتهای پیشین را در قرون سپری شده مغرور ساخت آنان که دنیا را دوشیدند، به غفلت زدگی در دنیا گرفتار آمدند فرصتها را از دست دادند و تازه های آن را فرسوده ساختند، سرانجام خانه هایشان گورستان و سرمایه هایشان ارث این

و آن گردید آنان که نزدیکانشان را نمیشناسند و به گریه کنندگان خود توجهی ندارند و نه دعوتی را پاسخ میگویند.

مردم از دنیای حرام پرهیزید که حيله گر و فریبنده و نیرنگ باز است بخشنده ای باز پس گیرنده و پوشنده ای برهنه کننده است.

آسایش دنیا بی دوام و سختی هایش بی پایان و بلاهایش دائمی است.

زاهدان گروهی از مردم دنیایند که دنیا پرست نمیباشند، پس در دنیا زندگی میکنند اما آلودگی دنیا پرستان را ندارند، در دنیا با آگاهی

و بصیرت عمل میکنند و در ترک زشتیها از همه پیشی می گیرند، بدنهایشان به گونه ای در تلاش و حرکت است که گویا میان مردم آخرتند اهل دنیا را مینگرند که مرگ بدنها را بزرگ می شمارند، اما آنها مرگ دلهای زندگان را بزرگ تر می دانند. (1) (خ 230)

ص: 98

1- آری ما میتوانیم آینده زندگی خود را در آینه زندگی دیگران به صورت شفاف مشاهده کنیم و این یک واقعیت است که امام در خطبه های متعددی از نهج البلاغه بر آن تکیه فرموده است، دست ما را میگیرد و به سوی تاریخ گذشتگان می برد؛ تاریخ تکوینی و نه تدوینی که در ویرانه های قصرهای آنها و آثار بازمانده از زندگانی پر زرق و برقشان نمایان است. امروز خوشبختانه موزه هایی که بخش مهمی از آثار پیشینیان در آن گرد آوری شده میتواند کمک بیشتری به ما بکند؛ در یکسو تخت و تاج فلان، پادشاه در سوی دیگر شمشیر مرصع و جواهر نشان فلان فرمانده بزرگ و بالاخره در سوی دیگر اجساد مومیایی شده فراغنه. هرچند دنیا پرستان این موضوع مهم را نیز تحریف کرده و آن را تبدیل به چهره دیگری از دنیا پرستی نموده اند؛ موزه ها برای صاحبانش وسیله درآمد و برای بازدید کنندگان وسیله افتخار و مباهات نسبت به تاریخ گذشته خود شده است. در کتاب البیان والتبیین جاحظ، آمده است که حذیفه و سلمان درباره عجایب دنیا با هم سخن می گفتند در حالی که در کنار ایوان کسری نشسته بودند مرد عربی از طایفه «بنی غامد» آنجا بود که چند گوسفند را برای چرا همراه داشت؛ هنگام شب آنها را به داخل ویرانه کاخ کسری می برد که باقی مانده تخت کسری که از سنگ مخصوصی بود در آنجا بود گاه این مرد اعرابی بر آن می نشست و گوسفندانش روی باقی مانده تخت کسری می رفتند سلمان گفت: این واقعاً از عجیب ترین اموری است که ما درباره آن سخن گفته ایم. پیام امام ج 8 ص 499

1. بخش نامه ها را با نامه 22 نهج البلاغه شروع میکنیم که ابن عباس صحابی بزرگ پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم و امیرالمؤمنین علیه السلام از آن ح^ق وافرو سود بسیار برده است.

ابن عباس که به جبر امت پیامبر (صلی اله علیه و آله) معروف است (دانشمند امت) میگوید پس از سخنان پیغمبر (صلی اله علیه و آله) از هیچ سخنی به اندازه ی این سخن سود نبردم آنجا که امام علی علیه السلام فرمود:

پس از یاد خدا و درود همانا انسان گاهی خشنود میشود به چیزی که هرگز از دستش نمیروود و ناراحت میشود برای از دست دادن چیزی که هرگز به آن نخواهد رسید. ابن عباس خوشحالی تو از چیزی باشد که در آخرت برای تو مفید است و اندوه تو برای از دست دادن چیزی از آخرت باشد.

آنچه از دنیا به دست می آوری تو را خوشنود نسازد، آنچه در دنیا از دست میدهی زاری کنان تأسف مخور، و همت خویش را به دنیای پس از مرگ واگذار. (1) (ن 22)

ص: 103

1- از ابن عباس که به دانشمند امت پیامبر شهرت دارد پرسیدند، ابن عباس این همه علوم را از کجا کسب کردی و ابن عباس گفت علی علیه السلام دریائی از علوم را داشت و یک قطره آن را در دهان من قرار داد

2. هنگامی که امام (علیه السلام) محمد بن ابی بکر را به فرمانداری مصر منصوب کردند نامه نسبتاً طولانی به عنوان دستور العمل حکومتی برای وی نوشته که حاوی نکات بسیار مهم و سرنوشت ساز است که در بخشی از آن حضرت فرمود:

آگاه باشید! ای بندگان خدا پرهیزکاران از دنیای زود گذر به سلامت گذشتند و آخرت جاودانه را گرفتند با مردم دنیا در دنیاشان شریک گشتند، اما مردم دنیا در آخرت آنها شرکت نکردند.

پرهیزکاران در بهترین خانه های دنیا سکونت کردند و بهترین خوراک های دنیا را خوردند و همان لذتهایی را چشیدند که دنیاداران چشیده بودند و از دنیا بهره گرفتند آنگونه که سرکشان و متکبران دنیا بهره مند بودند. سپس از این جهان با زاد و توشه فراوان و تجارتي پر سود به سوی

آخرت شتافتند.

لذت پارسایی در ترک حرام دنیا را چشیدند، و یقین داشتند در روز قیامت از همسایگان خدایند جایگاهی که هر چه درخواست کنند، داده میشود و هر گونه لذتی در اختیارشان قرار دارد. (1) (ن 27)

ص: 104

1- وقتی امام این نامه را که نسبتاً طولانی است (و ما بخش بسیار کمی از آن را ذکر کردیم) به محمد بن ابوبکر دادند وی پیوسته در آن نگاه میکرد و از دستورات و آدابش بهره می گرفت. بعد از مدتی که عمر و عاص در مصر بر او غلبه کرد و او را کشت تمام نامه های او را جمع آوری کرد و به سوی معاویه فرستاد. معاویه در این عهدنامه نگاه کرد و در شگفتی فرو می رفت. ولید بن عقبه که نزد معاویه بود و شگفتی معاویه را از مطالعه این عهد نامه دید به او گفت: دستور بده این نامه ها را بسوزانند معاویه گفت: چقدر اشتباه میکنی ولید. گفت: آیا صحیح این است که مردم بدانند احادیث ابوتراب علی بن ابی طالب نزد توست و از آن درس می آموزی؟ معاویه گفت: وای بر تو به من میگویی علم و دانشی مثل این را بسوزانم. به خدا سوگند مطالب علمی جامع تر و استوارتر از این تاکنون نشنیدم. ولید گفت اگر این گونه علم و داوری او را میستایی پس چرا با او پیکار می کنی؟ گفت: اگر نبود که ابوتراب عثمان را به قتل رساند سپس میخواست بر ما حکومت کند ما از او درس فرا می گرفتیم. سپس کمی مکث کرد و نگاه به کسانی که اطراف او نشسته بودند نمود و گفت ما نمی گوئیم اینها از نامه های علی بن ابی طالب و از سخنان اوست بلکه می گوئیم از نامه های ابوبکر است و نزد فرزندش محمد بوده و ما آنها را مطالعه می کنیم و از آن بهره میگیریم. (خدا لعنت کند معاویه را ببینید این خبیث، پستی و دنائت را به کجا رسانده است.) این نامه ها همچنان در خزاین بنی امیه وجود داشت تا زمانی که عمر بن عبدالعزیز به حکومت رسید و او آشکارا بیان کرد که اینها از احادیث علی بن ابی طالب است. هنگامی که خبر شهادت محمد بن ابی بکر و افتادن این نامه (مانند سایر نامه های او) به دست معاویه به آن حضرت رسید، سخت متأثر و ناراحت شد.

3. از نامه های طولانی نهج البلاغه نامه ای است که امام علیه السلام برای فرزندشان امام حسن (علیه السلام) نوشته اند که ما بخشهایی از آن را که متضمن مطالب دنیاست می آوریم و تأکید می کنیم شیعیان امام برای دست یابی به اصول تربیتی این نامه را کامل بخوانند.

از پدری فانی اعتراف دارنده به گذشت زمان زندگی را پشت سر نهاده - که در سپری شدن دنیا چاره ای ندارد - مسکن گزیده در جایگاه گذشتگان، و کوچ کننده فردا به فرزندی آزمند چیزی که به دست نمی آید.

رونده راهی که به نیستی ختم میشود در دنیا هدف بیماریها در گرو روزگار و در تیررس مصائب، گرفتار دنیا سودا کننده دنیای فریب کار، وام دار نابودی ها اسیر مرگ هم سوگند رنجها، هم نشین اندوه ها، آماج بلاها به خاک در افتاده خواهشها و جانشین گذشتگان است.

پس از ستایش پروردگار همانا گذشت عمر و چیرگی روزگار و روی آوردن آخرت مرا از یاد غیر خودم باز داشته و تمام توجه مرا به آخرت کشانده است، که به خویشتن فکر میکنم و از غیر خودم روی گردان شدم که نظرم را از دیگران گرفت و از پیروی خواهش ها باز گرداند و حقیقت کار مرا نمایاند و مرا به راهی کشاند که شوخی بر نمی دارد، و به حقیقتی رساند که دروغی در آن راه ندارد و تو را دیدم که پاره تن من بلکه همه جان منی، آنگونه که اگر آسیبی به تو رسد به من رسیده است، و اگر مرگ به سراغ تو آید، زندگی مرا گرفته است، پس کار تو را کار خود شمردم و نامه ای برای تو نوشتم تا تو را در سختی های زندگی رهنمون باشد. حال من زنده باشم یا نباشم.

پسرم! همانا تو را به ترس از خدا سفارش میکنم که پیوسته در فرمان او باشی و دلت را با یاد خدا زنده کنی و به ریسمان او چنگ زنی چه

وسیله ای مطمئن تر از رابطه تو با خداست؟ اگر سر رشته آن را در دست گیری.

دلت را با اندرز نیکو زنده کن هوای نفس را با بی اعتنایی به حرام بمیران جان را با یقین نیرومند کن، و با نور حکمت روشنائی بخش و با یاد مرگ آرام کن به نابودی از او اعتراف گیر و با بررسی تحولات ناگوار دنیا به او آگاهی بخش و از دگرگونی روزگار و زشتی های گردش شب و روز او را بترسان.

تاریخ گذشتگان را بر او بنما و آنچه که بر سر پیشینیان آمده است به یادش آور.

در دیار و آثار ویران رفتگان گردش کن و بیندیش که آنها چه کردند از کجا کوچ کرده و در کجا فرود آمدند از جمع دوستان جدا شده و به دیار غربت سفر کردند، گویا زمانی نمی گذرد که تو هم یکی از آنانی.

پس جایگاه آینده را آباد کن آخرت را به دنیا مفروش و آنچه نمیدانی مگو، و آنچه بر تو لازم نیست بر زبان نیاور و در جاده ای که از گمراهی آن میترسی قدم مگذار زیرا خودداری به هنگام سرگردانی و گمراهی، بهتر از سقوط در تباهی هاست.

ای پسر! من تو را از دنیا و تحولات گوناگونش، و نابودی و دست به دست گردیدنش آگاه کردم و از آخرت و آنچه برای انسانها در آنجا فراهم است اطلاع دادم و برای هر دو مثالها زدم تا پند پذیری و راه و رسم زندگی بیاموزی. همانا داستان آن کس که دنیا را آزمود، چونان مسافرانی است که در سر منزلی بی آب و علف و دشوار اقامت دارند و قصد کوچ کردن به سرزمینی را دارند که در آنجا آسایش و رفاه فراهم است. پس مشکلات راه را تحمل میکنند و جدایی دوستان را میپذیرند و سختی

سفر، و ناگواری غذا را با جان و دل قبول میکنند تا به جایگاه وسیع و منزلگاه آمن با آرامش قدم بگذارند و از تمام سختی های طول سفر احساس ناراحتی ندارند و هزینه های مصرف شده را غرامت نمی شمارند. و هیچ چیز برای آنان دوست داشتنی نیست جز آن که به منزل آمن، و محل آرامش برسند.

اما داستان دنیا پرستان همانند گروهی است که از جایگاهی پر از نعمت ها میخواهند به سرزمین خشک و بی آب و علف کوچ کنند، پس در نظر آنان چیزی ناراحت کننده تر از این نیست که از جایگاه خود جدا می شوند و ناراحتی ها را باید تحمل کنند.

بدان راهی پر مشقت و بس طولانی در پیش روی داری و در این راه بدون کوشش بایسته و تلاش فراوان و اندازه گیری زاد و توشه و سبک کردن بار گناه، موفق نخواهی بود بیش از تحمل خود، بار مسئولیتها بر دوش منه، که سنگینی آن برای تو عذاب آور است.

اگر مستمندی را دیدی که توشه ات را تا قیامت میبرد و فردا که به آن نیاز داری به تو باز میگرداند کمک او را غنیمت بشمار و زاد و توشه

را بر دوش او بگذار و اگر قدرت مالی داری بیشتر انفاق کن، و همراه او بفرست زیرا ممکن است روزی در رستخیز در جستجوی چنین فردی

باشی و او را نیابی.

به هنگام بی نیازی، اگر کسی از تو وام خواهد غنیمت بشمار تا در روز سختی و تنگدستی به تو باز گرداند، بدان که در پیش روی تو،

گردنه های صعب العبوری وجود دارد که حال سبکباران به مراتب بهتر از سنگین باران است و آن که کند رود حالش بدتر از شتاب گیرنده

می باشد و سرانجام حرکت بهشت و یا دوزخ خواهد بود، پس برای

خویش قبل از رسیدن به آخرت و سائلی مهیا ساز و جایگاه خود را پیش از آمدنت آماده کن، زیرا پس از مرگ عذری پذیرفته نمی شود، و راه بازگشتی وجود ندارد.

گاهی (از خداوند) درخواست میکنی اما پاسخ داده (اجابت) نمیشود زیرا بهتر از آنچه خواستی به زودی یا در وقت مشخص، به تو خواهد بخشید یا به جهت اعطاء بهتر از آنچه خواستی، دعا به اجابت نمی رسد زیرا چه بسا خواسته هایی داری که اگر داده شود مایه هلاکت دین تو خواهد بود پس خواسته های تو به گونه ای باشد که جمال و زیبایی تو را تأمین، و رنج و سختی را از تو دور کند.

پس نه مال دنیا برای تو پایدار و نه تو برای مال دنیا باقی خواهی ماند.

پسرم بدان تو برای آخرت آفریده شدی نه دنیا برای رفتن از دنیا نه پایدار ماندن در آن برای مرگ نه زندگی جاودانه در دنیا، که هر لحظه ممکن است از دنیا کوچ کنی، و به آخرت در آیی.

تو شکار مرگی هستی که فرار کننده آن نجاتی ندارد و هر که را بجوید به آن میرسد و سرانجام او را می گیرد.

پس از مرگ بترس نکنند زمانی سراغ تو را گیرد که در حال گناه یا در انتظار توبه کردن باشی و مرگ مهلت ندهد و بین تو و توبه فاصله اندازد،

که در این حال خود را تباه کرده ای.

پسرم فراوان بیاد مرگ باش و به یاد آنچه که به سوی آن می روی، و پس از مرگ در آن قرار می گیری.

تا هنگام ملاقات با مرگ از هر نظر آماده باش، نیروی خود را افزون، و کمر همت را بسته نگهدار که ناگهان نیاید و تو را مغلوب سازد.

مبادا دلبستگی فراوان دنیا پرستان و تهاجم حریصانه آنان به دنیا، تو

را مغرور کند، (فریب دهد)

چرا که خداوند تو را از حالات دنیا آگاه کرده، و دنیا نیز از وضع خود تو را خبر داده و از زشتیهای روزگار پرده برداشته است.

همانا دنیا پرستان چونان سگهای درنده عو عو کنان، برای دریدن صید در شتابند، برخی به برخی دیگر هجوم آورند و نیرومندشان، ناتوان را می خورد و بزرگ ترها کوچک ترها را.

و یا چونان شترانی هستند که برخی از آنها پای بسته و برخی دیگر در بیابان رها شده که راه گم کرده و در جاده های نامعلومی در حرکتند، و در وادی پر از آفتها و در شنزاری که حرکت با کندی صورت میگیرد گرفتارند نه چوپانی دارند که به کارشان برسد و نه چراننده ای که به چراگاهشان ببرد.

دنیا آنها را به راه کوری کشاند و دیدگانشان را از چراغ هدایت بپوشاند در بیراهه سرگردان و در نعمتها غرق شده اند، که نعمت ها را پروردگار خود قرار دادند.

هم دنیا آنها را به بازی گرفته و هم آنها با دنیا به بازی پرداخته، و آخرت را فراموش کرده اند.

اندکی مهلت ده؟! به زودی تاریکی بر طرف میشود گویا مسافران به منزل رسیده اند و آن کس که شتاب کند به کاروان خواهد رسید.

پسرم! بدان آن کس که مرکبش شب و روز آماده است همواره در حرکت خواهد بود هر چند خود را ساکن پندارد و همواره راه می پیماید

هر چند در جای خود ایستاده و راحت باشد. (ن 31)

4. در نامه ای که به عثمان بن حنیف انصاری که فرماندار بصره بود نوشتند مطالب بسیار مهم و تکان دهنده ای را به وی متذکر می شوند که در حقیقت همه پیروان امام علیه السلام مخاطب این نامه و مطالب آن هستند. عثمان بن حنیف در زمان فرمانداری اش در یک میهمانی شرکت میکند که مرفهین شهر بر سر آن سفره نشستند و از حضور فقرا و تهی دستان خبری نبود.

این حرکت فرماندار امام موجب صدور این نامه شد که ما به دلیل اهمیت آن، آنچه را که سید رضی نقل کرده می آوریم:

اما بعد از حمد و ثنای الهی ای پسر حنیف به من گزارش داده اند که مردی از جوانان ثروتمند و اشرافی اهل بصره تو را به سفره رنگین میهمانی خود فرا خوانده و تو نیز دعوتش را پذیرفته ای و به سرعت به سوی آن شتافته ای در حالی که غذاهای رنگارنگ و ظرف های بزرگ طعم یکی پس از دیگری پیش روی تو به وسیله خادمانش قرار داده می شد. من گمان نمی کردم تو دعوت جمعیتی را قبول کنی که نیازمندشان از نشستن بر سر آن سفره ممنوع باشد و تنها ثروتمندشان دعوت می شود. به آنچه در دهان میگذاری و میخوری بنگر، آنچه حلال بودنش برای تو مشکوک باشد از دهان فروافکن و آنچه را به پاکی و حلال بودنش یقین داری تناول کن.

آگاه باش! هر مأمومی امام و پیشوایی دارد که باید به او اقتدا کند و از نور دانش او بهره گیرد. تو باید به امام و پیشوای خود نگاه کنی بدان امام شما از دنیایش به دو جامه کهنه و از غذاهایش به دو قرص نان قناعت کرده است. آگاه باش که شما نمی توانید این چنین باشید و این زندگی را تحمل کنید (من شما را از آن معاف میکنم) ولی مرا با پرهیزگاری و تلاش برای پاک زیستن و عفت و پیمودن راه درست یاری دهید. به خدا سوگند من هرگز از ثروتهای دنیای شما چیزی از طلا و نقره نیندوخته ام و از غنایم و ثروتهای آن مالی ذخیره نکرده ام و برای این لباس کهنه

ام بدلی مهیا نساخته ام و از اراضی این دنیا حتی یک وجب به ملک خود در نیاورده ام و از خوراک آن جز به مقدار قوت ناچیزی در اختیار نگرفته ام. این دنیا در چشم من بی ارزش تر و خوارتر از شیره تلخ درخت بلوط است.

آری از میان آنچه آسمان بر آن سایه افکنده تنها «فدک» در دست ما بود که آن هم گروهی بر آن بخل و حسد ورزیدند و گروه دیگری سخاوتمندانه آن را رها کردند و بهترین حکم و داور در این داستان اندوهبار خداست. مرا با فدک و غیر فدک چکار؟ در حالی که جایگاه فردای هرکس قبر است؛ قبری که در تاریکیش، آثار او محو و اخبارش ناپدید می شود حفره ای است که هر چند بر وسعت آن افزوده شود و دست حفر کننده آن را وسعت بخشد، سرانجام سنگ و کلوخ آن را پر می کند و خاک های انباشته تمام روزنه های آن را مسدود می سازد. جز این نیست که من نفس (سرکش) خود را با تقوا ریاضت می دهم و رام میسازم تا در آن روز ترسناک عظیم، با امنیت وارد (صحنه قیامت) شود و در کنار لغزشگاهها ثابت قدم باشد. فکر نکنید من قادر به تحصیل لذتهای دنیا نیستم. به خدا سوگند اگر می خواستم می توانستم از عسل مصفا و مغز گندم و بافته های ابریشم برای خود (بهترین) غذا و لباس را تهیه کنم؛ اما هیهات که هوای نفس بر من چیره شود و حرص و طمع مرا وادار به انتخاب طعام های لذیذ نماید. در حالی که شاید در سرزمین حجاز یا یمامه (از مناطق شرقی عربستان) کسی باشد که حتی امید برای به دست آوردن یک قرص نان نداشته و هرگز شکمی سیر به خود ندیده باشد. آیا من با شکمی سیر بخوابم در حالی که در اطراف من شکم های گرسنه و جگرهای تشنه باشند و یا چنان باشم که آن شاعر گفته است:

این درد تو را بس که با شکم سیر بخوابی در حالی که در اطراف تو شکم های گرسنه ای است که آرزوی قطعه پوستی برای خوردن دارد!

آیا من به همین قناعت کنم که گفته شود من امیر مؤمنانم؛ اما خود که

با آنها در سختی های روزگار شرکت نکنم و اسوه و مقتدایشان در ناگواری های زندگی نباشم؟

سپس امام فرمود: من آفریده نشده ام که غذاهای پاکیزه و رنگارنگ مرا به خود مشغول دارد همچون حیوان پرواری که تمام همتش علف اوست و یا چون حیوان رها شده در بیابان و مرتع که کارش جستجو کردن علف و پر کردن شکم از آن است و از سرنوشتی که در انتظار اوست بی خبر است. (من آفریده نشده ام) که بیهوده رها شوم یا تنها برای بازی و سرگرمی واگذار شده باشم یا سررشته دار ریسمان گمراهی گردم و یا در طریق سرگردانی قدم بگذارم.

گویا میبینم گوینده ای از شما چنین میگوید: هرگاه این (دو قرص نان) تنها خوراک فرزند ابو طالب باشد باید ضعیف و ناتوانی جسمی او را از پیکار با هم آوردان و مبارزه با شجاعان باز داشته باشد. ولی آگاه باشید! درخت بیابانی که آب و غذای کمتری به آن می رسد چوبش محکم تر است اما درختان سرسبز که همواره در کنار آب قرار دارند پوستشان نازک تر و کم دوام تر اند و آتششان شعله ورتر و پردوام تر است. (به علاوه این جای تعجب نیست که من در عین سادگی غذا، شجاع باشم، چرا که) من نسبت به پیامبر همچون نوری هستم که از نور دیگری گرفته شده باشد و همچون ذراع نسبت به بازو و به حول و قوه الهی چنان شجاعم که به خدا سوگند اگر همه عرب برای نبرد با من پشت به پشت یکدیگر بدهند، من از میدان مبارزه با آنها روی بر نمی گردانم و در برابر آنها می ایستم تا پیروز شوم یا شربت شهادت بنوشم و اگر فرصت دست دهد که برگردن کردن کشان عرب مسلط شوم به سرعت به سوی آنها برای پیکار خواهم شتافت و به زودی تلاش میکنم که زمین را این شخص معکوس و جسم واژگونه (معاویه) پاک سازم تا خاک و سنگریزه از میان دانه های

درو شده خارج شود و جامعه اسلامی پاک و خالص گردد.

بخش دیگری از این نامه که قسمت پایانی نامه است:

ای دنیا از من دور شو افسارت را بر گردنت انداختم و تو را رها ساختم من از چنگال تو رهایی یافته ام و از دامت رسته ام و از لغزشگاه هایت دوری گزیده ام. کجایند آن اقوام پیشین که تو آنها را با بازیچه هایت فریب دادی؟ کجایند امتهایی که با زینت هایت آنها را فریفتی؟ (آری) آنها گروگانهای قیورند و درون لحد پنهان. ای دنیا به خدا سوگند اگر تو شخصی قابل رؤیت و جسمی محسوس بودی حدود الهی را بر تو جاری می ساختم در مورد بندگانی که آنها را با آرزوها فریفتی و امت هایی که به هلاکت افکندی و سلاطینی که آنها را تسلیم مرگ کردی و در آبشخور بلا وارد ساختی؛ در آنجا که نه راه ورودی بود و نه راه خروج.

هیئات! هرکس در لغزشگاه هایت گام بگذارد می لغزد (و سقوط می کند) و کسی که امواج دریای تو سوار گردد غرق می شود (اما) کسی که از دام های تو کنار رود موفق و پیروز میگردد و آن کس که از دست تو سالم بماند از اینکه معیشت بر او تنگ شود نگران نخواهد شد (چرا که) دنیا در نظرش همچون روزی است که زوال و پایانش فرا رسیده. ای دنیا از من دور شو به خدا سوگند من رام تو نخواهم شد تا مرا خوار و ذلیل سازی و زمام اختیارم را به دست تو نخواهم سپرد که به هر جا خواهی ببری.

به خدا سوگند - سوگندی که تنها مشیت خدا را از آن استثنا می کنم - آنچنان نفس خویش را به ریاضت وا میدارم که هرگاه به یک قرص نان دست یابد به آن دلخوش شود و به نمک به عنوان خورش قناعت کند و آن قدر از چشم هایم اشک می ریزم که سرانجام همچون چشمه ای شود که تمام آب خود را بیرون ریخته باشد. آیا همان گونه که گوسفندان در بیابان،

شکم را از علفها پر می کنند و میخوابند یا گله هایی که در آغل ها هستند از علف سیر میشوند و استراحت میکنند علی هم باید از زاد و توشه

خود سیر شود و به استراحت پردازد؟ در این صورت چشمش روشن باد که پس از سالها عمر به چهارپایان رها شده بی شبان و گوسفندانی که آنها را به بیابان برای چرا میبرند اقتدا کرده است.

خوشا به حال آن کس که وظیفه واجب خود را در برابر پروردگارش انجام داده و مشکلات را با تحمل از میان برداشته و خواب را در بخشی از شب کنار گذارده و آن گاه که بر او غلبه کند، روی زمین دراز کشد و کف دست را بالش خود کند و مختصری استراحت نماید این انسان در زمره گروهی باشد که این اوصاف را دارند: خوف معاد خواب را از چشمهایشان ربوده و پهلوهایشان برای استراحت در خوابگاهشان قرار نگرفته و همواره لب هایشان آهسته به ذکر پروردگارش مشغول است، بر اثر استغفارهای طولانی گناهانشان از میان رفته است. آنها حزب خدا هستند آگاه باشید که حزب الله رستگارانند. بنابراین ای پسر حنیف از خدا بترس و باید همان قرصهای نان تو، تو را از غیر آن و شرکت در میهمانی های اشرافی بازدارد تا سبب خلاصی تو از آتش دوزخ گردد. (1) (ن 45)

حزب الله کیانند؟

آنچه امام علیه السلام در پایان این نامه درباره حزب الله بیان فرموده برگرفته از آیات قرآن مجید است. این تعبیر در دو آیه از قرآن مجید آمده نخست در آیه 56 سوره مائده است که می فرماید:

وَمَنْ يَتَوَلَّ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا فَإِنَّ حِزْبَ اللَّهِ هُمُ الْغَالِبُونَ

و کسانی که ولایت خدا و پیامبر او و افراد با ایمان را بپذیرند (پیروزند)؛ زیرا حزب خدا (گروه خدا پرستان) پیروزند.

در این آیه پذیرش ولایت الهی و اولیای الهی از اوصاف حزب الله شمرده شده است.

در آیه 22 سوره مجادله نیز می فرماید

لَا تَجِدُ قَوْمًا يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ يُوَادُّونَ مَنْ حَادَّ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَلَوْ كَانُوا آبَاءَهُمْ أَوْ أَبْنَاءَهُمْ أَوْ إِخْوَانَهُمْ أَوْ عَشِيرَتَهُمْ أُولَئِكَ كَتَبَ فِي قُلُوبِهِمُ الْإِيمَانَ وَأَيَّدَهُمْ بِرُوحٍ مِنْهُ وَيُدْخِلُهُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ وَرَضُوا عَنْهُ أُولَئِكَ حِزْبُ اللَّهِ أَلَا إِنَّ حِزْبَ اللَّهِ هُمُ الْمُفْلِحُونَ

هیچ قومی را که ایمان به خدا و روز رستاخیز دارند نمی یابی که با دشمنان خدا و پیامبرش دوستی کنند هر چند پدران یا فرزندان یا برادران یا خویشاوندانشان باشند؛ آنان کسانی هستند که خدا ایمان را بر صفحه دلهایشان نوشته و با روحی از ناحیه خود آنها را تأیید فرموده و آنها را در باغ هایی بهشتی وارد میکند که نهرها از پای درختانش جاری است جاودانه در آن می مانند؛ خدا از آنها خشنود است و آنان نیز از خدا خشنودند؛ آنها «حزب الله» اند؛ بدانید حزب الله پیروزان و رستگارانند.

در آیه نخست همان گونه که اشاره شد حزب الله به عنوان ولایت پذیری خدا و اولیای الهی وصف شده اند و در این آیه با وصف (بعض فی الله) و عداوت با دشمنان حق معرفی شده اند از مجموع این دو آیه، مسأله «حُبِّ فی الله» و «بُغْضِ فی الله» به عنوان اوصاف آنها

استفاده می شود. آنچه امام در این نامه آورده که حزب الله را به عنوان سحرخیزان و شب زنده داران و عابدان و زاهدان معرفی کرده در واقع با آنچه در قرآن آمده است لازم و ملزوم یکدیگرند.

ص: 114

5. امام علیه السلام در یکی از نامه هائی که برای معاویه (علیه العنه و العذاب) مینویسند با اشاره به هلاکت دین و دنیای افرادی که بر طبل باطل میکوبند میفرماید:

همانا ستمگری و دروغ پردازی انسان را در دین و دنیا رسوا می کند، و عیب او را نزد عیب جویان آشکار می سازد و تو میدانی آنچه که از دست رفت باز نمی گردد.

گروهی باطل طلبیدند و خواستند با تفسیر دروغین، حکم خدا را دگرگون سازند و خدا آنان را دروغگو خواند.

(بدانید) ظلم و ستم و سخنان باطل و برخلاف حق انسان در دین و دنیا به هلاکت افکند و عیوب او را نزد عیب جویان آشکار می سازد. من میدانم که آنچه از سوی خداوند فوت آن مقدر شده به دست نخواهی آورد. گروهی پیش از تو در مطالبه امر خلافت به ناحق برخاستند و با هم به خدا سوگند یاد کردند ولی خداوند آنها را تکذیب کرد چرا که هرگز به اهدافشان نرسیدند از آن روزی بر حذر باش که افرادی که

کارهای پسندیده انجام داده اند شادند و کسانی که زمام خویش را به دست شیطان سپردند و آن را باز پس نگرفته اند سخت پشیمانند. تو ما را به حکمیت قرآن دعوت کردی در حالی که خود اهل قرآن نیستی. ما اگرچه حکمیت قرآن را پذیرفتیم ولی مقصود ما پاسخ به تو نبود بلکه به قرآن پاسخ دادیم و حکمش را گردن نهادیم و السلام. (1) (ن 48)

ص: 116

1- از این عبارت معلوم میشود که امام (علیه السلام) به این حکمیت ساختگی و دروغین قرآن هرگز راضی نبود؛ ولی جمعی از یاران ناآگاه آن را بر امام تحمیل نمودند و هنگامی که عاقبت سوء آن را مشاهده کردند پشیمان شدند و عجب اینکه بر قبول حکمیت از سوی امام معترض شدند.

6. باز امام علیه السلام در نامه ای که برای عمروعاص که از بزرگترین منافقان و جنایتکاران تاریخ صدر اسلام است و در جنگ صفین به طمع حکومت بر مصر با معاویه (لعنه الله علیه) همکاری نمود مینویسد می فرماید:

پس از یاد خدا و درود؛ همانا دنیا انسان را به خود سرگرم و از دیگر چیزها باز می دارد.

دنیا پرستان چیزی از دنیا به دست نمیآوردند جز آن که دری از حرص به رویشان گشوده و آتش عشق آنان تندتر می گردد.

کسی که به دنیای حرام برسد از آنچه به دست آورده راضی و بی نیاز نمی شود، و در فکر آن است که به دست نیاورده. اما سرانجام آن، جدا شدن از فراهم آورده ها و به هم ریختن بافته شده هاست.

اگر از آنچه گذشته است عبرت گیری آنچه را که باقی مانده میتوانی حفظ کنی. (ن 49)

ص: 117

7. امام علیه السلام در نامه دیگری به معاویه خبیث با اشاره به عدم ماندگاری در این دنیا و سکونت دائمی در عالم آخرت این خبیث را متوجه امتحان الهی نموده و می فرماید:

اما بعد از حمد و ثنای الهی خداوند سبحان دنیا را برای جهان بعد از آن سرای آخرت قرار داده و اهل آن را در آن مورد آزمایش قرار می دهد تا معلوم شود چه کسی بهتر عمل می کند. ما برای دنیا آفریده نشده ایم و نه به سعی و کوشش برای آن مأموریم، بلکه فقط برای این در دنیا آمده ایم که به وسیله آن آزمایش شویم. خداوند مرا به وسیله تو و تو را به وسیله من در معرض امتحان در آورده و یکی از ما را حجت بر دیگری قرار داده است (من حجت الهی در برابر تو هستم) ولی تو با تفسیر قرآن برخلاف حق، به دنیا روی آوردی و از من چیزی مطالبه میکنی که هرگز دست و زبانم به آن آلوده نشده است (اشاره به قتل عثمان است) و تو و اهل شام آن را دستاویز کرده و به من نسبت داده اید تا آنجا که عالمان شما جاهلانتان را به آن تشویق کردند و آنها که دارای منصبی بودند از کار افتادگان شما را.

در درون وجود خود از خدا بترس و تقوای الهی پیشه کن و با شیطان که می کوشد زمام تو را در دست گیرد بستیز و زمام خود را از چنگ او بیرون آور توجه خود را به سوی آخرت معطوف بنما که راه اصلی ما و تو همان است و از این بترس که خداوند تو را به زودی به بلایی کوبنده که ریشه ات را بزند و دنباله ات را قطع کند گرفتار سازد! من برای تو به خدا سوگند یاد می کنم؛ سوگندی که تخلف ندارد که اگر مقدرات فراگیر (الهی)، من و تو را به سوی پیکار با یکدیگر کشاند، آنقدر در برابر تو ایستادگی خواهم کرد تا خداوند میان ما حکم فرماید و او بهترین حاکمان است و آینده شومی در انتظار توست.

پس از یاد خدا و درود؛ همانا خداوند سبحان دنیا را برای آخرت قرار

داده و مردم را در دنیا به آزمایش گذاشت، تا روشن شود کدام یک نیکوکارتر است.

ما را برای دنیا نیافریده اند و تنها برای دنیا به تلاش فرمان داده نشدیم، به دنیا آمدیم تا در آن آزمایش گردیم و همانا خداوند مرا به تو، و تورا با من آزمود، و یکی از ما را بر دیگری حجت قرار داد. (ن 55)

ص: 119

8. امام علی (علیه السلام) در نامه ای که به شریح بن هانی که وی را به عنوان فرماندهی مقدمه لشکر به سوی شام فرستاد نوشت

در هر صبح و شام از خدا بترس و از فریب کاری دنیا بر نفس خویش بیمناک باش، و هیچ گاه از دنیا ایمن مباش بدان که اگر برای چیزهایی که دوست میداری یا آنچه را که خوشایند تو نیست، خود را باز نداری، هوس ها تو را به زیان های فراوانی خواهند کشید سپس نفس خود را بازدار و از آن نگهبانی کن و به هنگام خشم بر نفس خویش شکننده و حاکم باش. (ن 56)

ص: 120

9. امام (علیه السلام) در نام های کوتاه ولی بسیار آموزنده و پراهمیت به یکی از سرداران سپاه می نویسد:

اما پس از حمد و ثنای الهی زمامدار هرگاه دنبال هوا و هوس های گوناگون خویش باشد در بسیاری از موارد او را از عدالت باز میدارد بنابراین باید امور مردم از نظر حقوق آنها نزد تو یکسان باشد (همه را به یک چشم بنگری و یکسان درباره آنها حکم کنی) چرا که هیچ گاه جور و ستم) هر چند منافع فراوان مادی در برداشته باشد جایگزین عدالت نخواهد شد و نفس خویش را در راه انجام آنچه خدا بر تو واجب کرده است به امید ثوابش و ترس از کیفرش تسلیم و خاضع کن.

بدان که دنیا سرای آزمایش است هر کس ساعتی در این دنیا بیکار بماند (و عمل نیکی برای آخرت انجام ندهد) این ساعت فراغت و بیکاری موجب حسرت (و ندامت) او در قیامت خواهد شد و بدان هیچ چیز تو را هرگز از حق بی نیاز نمی سازد. از جمله حقوق (واجب)، این است که خویشتن را در برابر هوای نفس و انحراف از فرمان خدا حفظ کنی و برای رسیدن به پاداش الهی با تمام توان در خدمت به رعیت بکوشی. آنچه در این راه از منافع معنوی عاید تو می شود از مشکلات و ناراحتی هایی که دامنگیر تو می گردد به مراتب بیشتر است. والسلام. (ن 59)

ص: 121

10. امام علیه السلام در نامه ای که به جناب سلمان فارسی قبل از ایام خلافتش صادر شده می نویسد:

اما بعد (از حمد و ثنای الهی بدان ای سلمان) دنیا فقط به مار شبیه است که به هنگام لمس کردن نرم به نظر می رسد؛ ولی در باطنش سمی کشنده است بنابراین از هر چیز دنیا که توجه تو را به خود جلب کند صرف نظر کن (خواه مال باشد یا مقام و یا لذات هوس آلود) زیرا جز مدت کمی در کنار تو نخواهد بود غم و غصه دنیا را از خود کنار بده، زیرا که به فراق و جدایی و دگرگونی حالات آن یقین داری و در آن زمان که به آن بیش از هر وقت دل بسته ای و انس گرفته ای بیشتر از آن بر حذر باش زیرا دوست دنیا هر زمان به امری شادی آفرین دل بستگی پیدا کند او را به طرف مشکل و ناراحتی میراند و هر زمان به آن انس می گیرد او را از آن حالت جدا ساخته در وحشت فرو می برد. والسلام. (ن 68)

ص: 122

11. امام در نامه ای که برای یکی دیگر از صحابه بزرگوار خویش به نام حارث همدانی نوشتند به توصیه های مهمی اشاره کرده و می نویسد:

به ریسمان قرآن چنگ زن و از آن اندرز بخواه حلالش را حلال بشمر و حرامش را حرام و آنچه را از حقایق زندگی پیشینیان در قرآن آمده باور کن. از حوادث گذشته دنیا برای باقی مانده و آینده عبرت گیر، چرا که بعضی از آن شبیه بعضی دیگر است و پایانش به آغازش باز می گردد و تمام آن متغیر و ناپایدار است. نام خدا را بزرگ بشمار و جز به حق از او نام مبر و هرگز به نام او به دروغ سوگند مخور بسیار به یاد مرگ و عالم پس از مرگ باش و هرگز آرزوی مرگ مکن مگر با شرطی مطمئن و استوار که از اعمال خود مطمئن باشی از هر عملی که صاحبش آن را (فقط) برای خود می پسندد و برای عموم مسلمانان نمی پسندد بر حذر باش و نیز از هر کاری که در نهان انجام می شود و در ظاهر شرم آور است حذر کن و نیز از اعمالی که اگر از صاحبش پرسش شود آن را انکار می کند یا از آن پوزش می طلبد پرهیز.

(هرگز) عرض و آبروی خود را هدف تیرهای سخنان مردم قرار مده و تمام آنچه را از این و آن می شنوی برای مردم بازگو مکن، زیرا این کار برای آلودگی تو به دروغ کافی است و نیز تمام آنچه را مردم برای تو نقل می کنند تکذیب مکن، زیرا این کار برای نادانی تو کفایت می کند. خشم را فرو بر و به هنگام قدرت (بر انتقام) گذشت کن و در موقع غضب، بردباری نما و آن گاه که حکومت در دست توست عفو و مدارا کن تا عاقبت نیک برای تو باشد و هر نعمتی را که خداوند به تو داده است به طور صحیح از آن بهره برداری کن و هیچ نعمتی از نعمتهای خداوند را ضایع و تباه مساز و باید اثر نعمتهایی را که خداوند به تو داده است در تو دیده شود. (پیام امام، ج 11، ص 333)

ص: 123

بدان برترین مؤمنان کسانی هستند که خود و خانواده و اموالشان را تقدیم به پروردگار و جلب رضای او میکنند آنها از همه در این راه پیشگام ترند هرچه از کارهای خیر را از پیش بفرستی برای تو ذخیره خواهد شد و آنچه از مال و ثروت باقی بگذاری خیرش برای دیگران خواهد بود و حسابش بر تو. از همنشینی با کسی که فکرش ضعیف و عملش زشت است پرهیز زیرا معیار سنجش شخصیت هر کس یارانش هستند. در شهرهای بزرگ مسکن گزین زیرا آنجا مرکز اجتماع مسلمانان است و از اماکن غفلت از او خشونت و جاهایی که یاران مطیع خدا در آن کم اند پرهیز و فکرت را به چیزی مشغول دار که به تو مربوط است. از نشستن در دکه های بازارها اجتناب کن چون آنجا محل حضور شیطان و معرض فتنه هاست بیشتر به افراد پایین تر از خود نگاه کن، زیرا این کار درهای شکر را بر روی تو می گشاید.

روز جمعه پیش از آنکه در نماز جمعه حاضر شوی مسافرت مکن مگر برای جهاد در راه خدا یا در کاری که به راستی معذور هستی در تمام کارهایت فرمان خدا را اطاعت کن، زیرا اطاعت خداوند بر سایر امور برتری دارد و در انجام عبادت نفس خود را بفریب و آن را رام ساز و با آن مدارا کن و خویشتن را بر آن مجبور نساز بلکه بکوش آن را در وقت فراغت و با نشاط بجا آوری. مگر فرایضی که بر تو مقرر شده است که در هر حال باید آنها را به جا آوری و در موقعش مراقب آن باشی و بترس از آنکه مرگ در حالی که تو در حال فرار از خدا و در طلب دنیایی، گریانت را بگیرد. از همنشینی با گنهکاران پرهیز که بدی به بدی ملحق می شود و معاشرت با آلودگی انسان را آلوده میسازد خدا را بزرگ دار و محترم بشمار و دوستانش را دوست دار از خشم و غضب پرهیز که آن

لشکری بزرگ از لشکریان شیطان است به ریسمان قرآن چنگ زن، و از آن نصیحت پذیر حلالش را حلال و حرامش را حرام بشمار و حقی را که در زندگی گذشتگان بود تلفیق کن و از حوادث گذشته تاریخ، برای آینده عبرت گیر که حوادث روزگار با یکدیگر همانند بوده و پایان دنیا به آغازش میپیوندد و همه آن رفتنی است. والسلام. (ن 69)

ص: 125

12. امام علیه السلام در توییح یکی از کارگزاران خود به نام منذر بن جارود عبدی می نویسد:

اما بعد از حمد و ثنای الهی شایستگی پدرت مرا درباره تو گرفتار خوش بینی ساخت و گمان کردم تو هم پیرو هدایت و سیره او هستی و راه و رسم او را دنبال میکنی. ناگهان به من گزارش داده شد که تو در پیروی از هوای نفست چیزی فروگذار نمی کنی و برای سرای دیگر دخیله ای باقی نمی گذاری با ویرانی آخرت دنیایت را آباد سازی و به بهای قطع رابطه با دینت با خویشاوندانت پیوند برقرار می سازی و به گمان خود صله رحم می کنی اگر آنچه از تو به من رسیده است درست باشد شتر بارکش خانواده ات و بند کفشت از تو بهتر است و کسی که دارای صفات تو باشد نه شایستگی این را دارد که حفظ مرزی را به او بسپارند و نه کار مهمی به وسیله او اجرا شود نه قدر او را بالا ببرند نه در حفظ امانت شریکش سازند و نه در جمع آوری حقوق بیت المال به او اعتماد کنند. به محض رسیدن این نامه به سوی من حرکت کن! ان شاء الله. (ن 7)

مرحوم سید رضی می گوید منذر بن جارود همان کسی است که امیر مؤمنان علی (علیه السلام) درباره اش فرمود:

او آدم متکبری است؛ پیوسته از روی تکبر به این طرف و آن طرف قامت خود مینگرد و در لباس گران قیمتی که پوشیده همچون متکبران گام بر میدارد و مراقب است حتی بر کفشش گرد و غبار ننشیند (پیام امام ج 11 ص 377)

ص: 126

13. و بالاخره امام علیه السلام در بخش نامه های ثبت شده در نهج البلاغه در نامه ای به عبدالله بن عباس می نویسد:

پس از یاد خدا و درود؛ تو از أجل خود پیشی نخواهی گرفت و آنچه که روزی تو نیست به تو نخواهد رسید

و بدان که روزگار دو روز است: روزی به سود و روزی به زیان تو و همانا دنیا خانه دگرگونی هاست و آنچه که به سود تو و از آن تو است هر چند ناتوان باشی خود را به تو خواهد رساند و آنچه که به زیان تو است هر چند توانا باشی دفع آن نخواهی کرد. (ن 72)

موضوع دنیا در نامه های متعدد دیگری توسط حضرت امام علیه السلام مطرح و برای دوستان و دشمنان ارسال گردیده که مرحوم شریف رضی رحمه الله در نهج البلاغه نیاورده و یا به بخشی از آن قناعت کرده است، که همگی حائز اهمیت و شایسته توجه است ولی ما به همین مقدار اکتفا کردیم، زیرا کلام حضرتش داروئی است که اندکش هم شفابخش و حیات آفرین است.

ص: 127

کلمات قصار حکمت‌های امیر مؤمنان حضرت علی علیه السلام مجموعه‌ای از سخنان گهربار حضرت است که در عین کوتاهی و اختصار از معانی

بلندی برخوردار است که دانشمندان و متفکرین را به تحسین و اعجاب واد میدارد و در عین حال چون چراغی پرنور راه سعادت را برای عوام و خاص روشن می‌کند.

کمتر عالمی با این کلمات آشنا شده که زبان به تحسین و سپاس نگشوده باشد و عجز و ناتوانی خویش را در برابر این کلمات بیان نکرده باشد.

ابن ابی الحدید دانشمند بزرگ معتزلی که خود از علمای بزرگ زمان خویش بوده و بخصوص در ادبیات عرب ید طولایی دارد بارها و بارها به عظمت این کلمات اذعان و اعتراف می‌کند. این دانشمند سنی در مورد یک جلد 2 کلمه‌ای از امام علیه السلام که در مورد خداوند می‌فرماید: «دائمٌ لا بآمد» آنچنان از خود بیخود می‌شود که می‌گوید: عرب پست تر از آنست که بتواند معنای این کلام را درک کند، یا بدان زبان گشاید.

و لیک این مرد حضرت علی علیه السلام را از سوی خدای متعالی فیض مقدس و انوار ربانی عطا شده است.

ترجمه فارسی شرح 20 جلدی ابن ابی الحدید جلد 13 ص 52

ص: 131

و از این دست تعبیرات از علمای شیعه و اهل سنت و حتی غیر مسلمان و غیر موحد فراوان بیان شده است.

و اینک بخوانید و بیندیشید و تدبر کنید که امام المتقین و سید اوصیای الهی در مورد دنیا در کلمات قصار چه فرموده و چگونه در کوتاه ترین جملات والاترین معانی را گنجانده است!؟

1. چون دنیا به کسی روی آورد، نیکی های دیگران را به او عاریت دهد و چون از او روی برگرداند خوبی های او را نیز بر باید. (1) (ح 9)

2. هنگامی که تو زندگی را پشت سر میگذاری و مرگ به تو روی می آورد پس دیدار با مرگ چه زود خواهد بود. (2) (ح 29)

3. اهل دنیا سوارانی در خواب مانده اند که آنان را می رانند. (3) (ح 64)

4. انسان با نفسی که می کشد قدمی به سوی مرگ می رود. (4) (ح 74)

ص: 133

1- جعفر برمکی وزیر هارون الرشید عباسی بود تا مورد نظر هارون بود خلیفه از او تعریف می کرد که: جعفر برمکی، در فصاحت و سیاست و زیبایی و پاکدامنی از همه سرآمد است حتی بر گذشتگان در حالی که نبود ولی هنگامی که نظر هارون درباره او تغییر کرد صفاتی را هم که داشت منکر شد. این راه و رسم زندگی است. (پیام امام آیت اله مکارم ج 12 ص 82 - 83 با تلخیص)

2- نکته مهم در این سخن این است که امام می فرماید؛ از یک سو انسان به سوی پایان عمر در حرکت است و از طرف مقابل عوامل مرگ به سوی انسان در حرکتند. (حوادثی نظیر زلزله، سیل، آتش سوزی، تصادف، بیماری و...) بنابراین دو حرکت از دو سو رو به روی یکدیگر دائماً در حال انجامند پس زود به هم میرسند. نظیر حرکت دو وسیله نقلیه از دو نقطه رویرو که طبیعی است سریعتر به هم میرسند (دقت کنید) (پیام امام ج 12 ص 181 - 182 با تلخیص)

3- خواب و بیداریم روزان و شبان *** میبرد ما را به مقصد کاروان هر نفس گامی است سوی آخرت *** از خدا خواهیم حُسن عاقبت غافلان هستند در خواب گران *** تا سر آید عمر آنان ناگهان نیست ما را مایه ای بهتر ز وقت *** رو تجارت کن برای روز سخت آن یکی با مایه کسب سود کرد *** و آن دگر سرمایه را نابود کرد

4- امام صادق (ع) می فرماید هر روزی که بر انسان میگذرد به او میگوید؛ ای انسان من روز جدیدی هستم و بر اعمال تو گواهم در من از نیکی ها سخن بگو کار نیک انجام ده تا روز قیامت برای تو گواهی دهم زیرا که من که بگذرم دیگر هرگز مرا نخواهی دید. (کافی ج 2 ص 523 ح 8)

5. ای دنیا ای دنیا از من دور شو تو خود را به من عرضه میکنی، یا اشتیاق را به من نشان میدهی؟ (تا مرا به شوق آوری؟) هرگز چنین زمانی

برای تو فرا نرسد که در دل من جای گیری هیهات! اشتباه کردی و مرا نشناختی دیگری را فریب ده من نیازی به تو ندارم. تو را سه طلاقه کردم؛ طلاق که رجوعی در آن نیست. زندگی تو کوتاه و مقام تو کم و آرزوی تو را داشتن ناچیز است. آه از کمی زاد و توشه آخرت و طولانی بودن راه و دوری سفر و عظمت روز قیامت از مشکلات و سختی ها (1) (ح 77)

6. کسی که میان خود و خدا را اصلاح کند، خداوند میان او و مردم را اصلاح خواهد کرد و کسی که امور آخرت را اصلاح کند، خدا امور

دنیا را اصلاح خواهد کرد، و کسی که از درون جان واعظی دارد، خدا را بر او حافظی است. (2) (ح 89)

7. امام علیه السلام لباس وصله داری پوشیده بودند کسی از حضرت سؤال کرد که با این همه امکانات (حکومتی و شخصی) چرا چنین لباس کهنه

و وصله داری پوشیده اند، امام علیه السلام در جواب فرمود:

دل با آن فروتن و نفس رام میشود و مؤمنان از آن سرمشق می گیرند.

دنیا (حرام) و آخرت، دو دشمن متفاوت، و دوره جدای از یکدیگرند

ص: 134

1- آنچه درباره مذمت دنیا در این کلام گهربار و روایات دیگر و بعضی از آیات قرآن وارد شده دنیایی است مملو از زرق و برق و مخلوطی از حلال و حرام و اسراف و تبذیر و دل بستگی ها و وابستگی ها و گرنه اگر طلب دنیا از حلال و در حد اعتدال و دور از وابستگی ها باشد نه تنها مذموم نیست، بلکه وسیله ای است برای رسیدن به خیر و سعادت. (پیام امام ج 12 ص 459)

2- از بعضی خبرها استفاده میشود که بزرگان علم در گذشته هنگامی که نامه ای می نوشتند از این کلام حکیمانه در نامه خود استفاده میکردند، و به راستی سزاوار است که با آب طلا نوشته شود و هر روز انسان بر آن نظر بیفکند (پیام امام ج 12 ص 521)

پس کسی که دنیا پرست باشد و به آن عشق ورزد، به آخرت کینه ورزد و با آن دشمنی خواهد کرد و آن دو همانند شرق و غرب از هم دورند و انسانی که بین این دو راه می رود، هرگاه به یکی نزدیک شود از دیگری دور می گردد و آن دو همواره به یکدیگر زیان رسانند. (1) (ح) (103)

8. مردم برای اصلاح دنیای خود چیزی از دین را ترک نمی کنند، جز آن که خدا آنان را به چیزی زیانبارتر دچار خواهد ساخت. (2) (ح) (106)

9. چگونه خواهد بود حال کسی که در بقایای خود ناپایدار و در سلامتی بیمار است و در آنجا که آسایش دارد مرگ او فرا می رسد. (3) (ح 115)

10. دنیای حرام چون مارسمی ولی خوش خط و خال است، پوست به هنگام لمس کردن آن نرم ولی سمّ کشنده در درون دارد، مغرور نادان فریب خورده به آن نزدیک میشود، و هوشمند عاقل از آن حذر می کند. (4) (ح 119)

11. امام علیه السلام، در تشیع جنازه یکی از مؤمنان شنیدند که شخصی با صدای بلند می خندد پس فرمودند؛

گویی مرگ بر غیر ما نوشته شده و حق جز بر ما واجب گردید، و گویا این مردگان مسافرانی هستند که به زودی باز می گردند در حالی که

ص: 135

1- از حضرت مسیح نقل شده که فرمود محبت دنیا و آخرت در قلب فرد با ایمان جمع نمی شود. همان گونه که آب و آتش در یک ظرف جمع نمی گردد. (پیام امام ج 12 ص 610 به نقل از بحارالانوار)

2- از آنجا که منافع دنیوی و دینی در مقابل هم قرار میگیرند مؤمن عاقل منافع دینی را بر منافع دنیوی ترجیح می دهد.

3- کسی به امام علیه السلام عرض کرد: ای امیرمؤمنان حال شما چگونه است؟ امام علیه السلام در جواب این سخن را فرمود.

4- پیامبر (صلی اله علیه و آله) فرمود: هیچ کس از اولین و آخرین نیست مگر این که روز قیامت آرزو می کند ای کاش جز به اندازه نیاز از دنیا به او داده نشده بود. (بحارالانور ج 74 ص 54)

بدن هایشان را به گورها می سپاریم و میراثشان را می خوریم.

گویا ما پس از مرگ آنان جاودانه ایم آیا چنین است، که اندرز هر پند دهنده ای از زن و مرد را فراموش میکنیم و خود را نشانه تیرهای بلا و آفات قرار دادیم.

خوشا به حال آن کس که خود را کوچک می شمارد، و کسب و کار او پاکیزه است و جانش پاک و اخلاقش نیکوست، که ما زاد بر مصرف زندگی را در راه خدا بخشش میکند و زبان را از زیاده گویی باز می دارد و آزار او به مردم نمی رسد و سنت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم او را کفایت کرده، بدعتی در دین خدا نمی گذارد. (1) (ح 122 و 123)

12. امام (علیه السلام) از میدان جنگ پر غوغا و مملو از تأسف صفین باز می گشتند که در کنار قبرستانی پشت دروازه کوفه رسیده و ایستادند و با اموات اینگونه صحبت کردند:

ای ساکنان خانه های وحشت زا و محله های خالی و گورهای تاریک، ای خفتگان در خاک ای غریبان ای تنها شدگان، ای وحشت زدگان شما پیش از ما رفتید و ما در پی شما روانیم و به شما خواهیم رسید. اما خانه هایتان دیگران در آن سکونت گزیدند و اما زنانتان با دیگران ازدواج کردند و اما اموال شما در میان دیگران تقسیم شد این خبری است که ما داریم حال شما چه خبر دارید (سپس به اصحاب خود رو کرد فرمود) بدانید که اگر اجازه سخن گفتن داشتند شما را خبر می دادند

ص: 136

1- امام علیه السلام در کلام دیگری فرمود: (کفی بالموت واعظاً) برای وعظ و اندرز انسانها مرگ کافی است. (بحار الانوار ج 68 ص

(264)

که: بهترین توشه، تقوا است. (1) (ح 130)

13. امام علیه السلام شنیدند مردی در محضر ایشان دنیا را نکوهش می کند (در حالی که از غافلان بود) پس به او فرمود:

ای نکوهش کننده دنیا که خود به غرور دنیا مغروری و با باطل های آن فریب خوردی خود فریفته دنیایی و آن را نکوهش می کنی آیا تو در دنیا جرمی مرتکب شده ای یا دنیا به تو جرم کرده است؟

کی دنیا تو را سرگردان کرد و در چه زمانی تو را فریب داد؟

آیا با گورهای پدرانت که پوسیده اند تو را فریب داد؟ یا آرامگاه مادرانت که در زیر خاک آرمیده اند؟

آیا با دو دست خویش بیماران را درمان کرده ای و آنان را پرستاری کرده و در بسترشان خوابانده ای درخواست شفای آنان را کرده و از طبیبان داروی آنها را تقاضا کرده ای در آن صبحگاهان که داروی تو به حال آنان سودی نداشت، و گریه توفایده ای نکرد، و ترس تو آنان را سودی

ص: 137

1- حکمت 130 نهج البلاغه می رفت علی همای رحمت *** با جمع صحابه ولایت در راه چو دید قبر اموات *** فرمود غنیمت است فرصت تا آنکه دهم به جمع یاران از *** اهل قبور درس عبرت فرمود به ساکنان وحشت *** وحشت زدگان کوی غربت خوابیده به گورهای تاریک *** محبوس به تنگنای تربت تنها شده از عیال و فرزند *** وی ساکن خانه های خلوت رفتید شما ز پیش و ما نیز *** آییم پس از شما نهایت داریم برایتان خبرها *** از خانه و همسر و ز مکتب کردند پس از شما کسانی *** در منزلتان همی سکونت بردند زنانتان به خانه *** اموال شما شده است قسمت این بود خیر ز جانب ما *** در نزد شما چه هست صحبت؟ پس گفت علی به یاورانش *** گیرید از این دیار عبرت گر اذن دهند مردگان را *** گویند به صاحبان فکرت تقوی است برای اهل ایمان *** ارزنده ترین متاع هجرت

نرساند و آنچه میخواستی به دست نیابردی و با نیروی خود نتوانستی مرگ را از آنان دور کنی.

دنیا برای تو حال آنان را مثال زد، و با گورهایشان گور خودت را به رخ تو کشید.

همانا دنیا سرای راستی برای راست گویان و خانه تندرستی برای دنیا شناسان، و خانه بی نیازی برای توشه گیران و خانه پند برای پندآموزان است. دنیا سجده گاه دوستان خدا نمازگاه فرشتگان الهی، فرودگاه وحی خدا و جایگاه تجارت دوستان خداست که در آن رحمت خدا را به دست آوردند و بهشت را سود بردند.

چه کسی دنیا را نکوهش میکند و جدا شدنش را اعلام داشته و فریاد زد که ماندگار نیست و از نابودی خود و اهلش خیر داده است و حال آن که (دنیا) با بلائی خود بلاها را نمونه آورد، و با شادمانی خود آنان را به شادمانی رساند در آغاز شب به سلامت گذشت، اما در صبحگاهان با مصیبتی جانکاه بازگشت تا مشتاق کند و تهدید نماید و بترساند و هشدار دهد پس مردمی در بامداد با پشیمانی دنیا را نکوهش کنند، و مردمی دیگر در روز قیامت آن را می ستایند دنیا حقائق را به یادشان آورد پس یاد آور آن شدند از رویدادها برایشان حکایت کرد، او را تصدیق کردند و اندرزشان داد، پند پذیرفتند. (1) (ح 131)

14. خدا را فرشته ای است که هر روز بانگ میزند بزایید برای مردن

ص: 138

1- باید توجه کرد که مدح حضرت از دنیا با مذمت آن هیچ منافاتی ندارد. آنچه در نکوهش دنیا از منظر آمده ناظر به افراد کوتاه بین و غافل و بی خبر است و آنچه در مدح آمده ناظر به آگاهان و خردمندان و عاقبت اندیشان است. مهم آن است که با کدام دیده به دنیا بنگریم. اگر با دیده مثبت بنگریم دنیا به راستی مزرعه آخرت است و اگر با دیده منفی نگاه کنیم دنیا سرای غرور و غفلت و بی خبری و نکبت است. (پیام امام ج 13 ص 96)

و فراهم آورد برای نابود شدن و بسازید برای ویران گشتن. (1) (ح 132)

15. دنیا گذرگاه عبور است نه جای ماندن، و مردم در آن دو دسته اند: یکی آن که خود را فروخت و به تباهی کشاند و دیگری آن که خود را خرید و آزاد کرد. (2) (ح 133)

16. آخرت نزدیک و زمان ماندن در دنیا اندک است. (3) (ح 168)

17. کوچ کردن نزدیک است (4) (ح 187)

18. امام علیه السلام از کنار مزبله ای عبور میکردند فرمود؛ این همان است که بخیلان به آن بخل می ورزند و در روایت دیگری نقل شد که این چیزی است که دیروز بر سر آن رقابت میکردید. (5) (6)

19. در دگرگونی روزگار گوهر شخصیت مردان شناخته می شود و

ص: 139

1- یک ملک هر روز دارد این ندا *** جمع دارائی نما بهر فنا رو بنا کن خانه تا گردد خراب *** بچه آور بهر مردن ای جناب عاقل آن باشد

که با اعمال خویش *** بهر عقبی توشه بفرستد ز پیش کن ز دنیا کسب زاد آخرت *** تا بیابی عاقبت در عاقبت

2- از این تعبیر پرمعناى امام علیه السلام استفاده میشود که آزادی حقیقی در پیروی از فرمان خداست و آنچه را بعضی آزادی میندازند نوعی اسارت در چنگال هوا و هوس و خواسته های شیطان است (دقت کنید) (پیام امام جلد 13 ص 106)

3- از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم سؤال شد؛ کدام یک از مؤمنان باهوش ترند؟ پیامبر (ص) فرمود: کسی که بیش از همه به یاد مرگ باشد و کسی که از همه آماده تر برای آن باشد.

4- حضرت نوح پیامبر (علیه السلام) فرمود دنیا را همچون خانه ای یافتم که از یک در وارد شدم و از در دیگر خارج (مستدرک الوسائل ج 11 ص 184)

5- پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم به یکی از اصحاب فرمود: آیا غذای خود را جالب و گوارا نمی خوری سپس شیر و یا آب می نوشی؟ عرض کرد بلی. پیامبر (صلی الله علیه و آله) فرمود: عاقبت آن به کجا می رسد؟ او مؤذبانه در جواب گفت: همانگونه که میدانی

حضرت فرمود: «خداوند دنیا را به آنچه غذای انسان سرانجام به آن منتهی میشود تشبیه کرده است (شرح ابن بی الحدید ج 19 ص 14)

6- خواهر و برادر مدعی شیعه علی علیه السلام لختی بیندیش آیا تعبیری از این مشمئز کننده تر برای دنیا میتوانی بیابی که مولای ما می فرماید؟ با زهم برای این دنیای متعفن بی مقدار چه حق و نا حق هائی که ما روا نمی داریم!؟

گذشت روزها اسرار پنهانی را برای تو آشکار می سازد. (ح 217)

20. کسی که از دنیا اندوهناک می باشد از قضاء الهی خشمناک است، و آن کس که از مصیبت وارد شده شکوه کند از خدا شکایت کرده، و کسی که نزد توانگری رفته و به خاطر سرمایه اش برابر او فروتنی کند، دو سوم دین خود را از دست داده است و آن کس که قرآن بخواند و وارد آتش جهنم شود حتما از کسانی است که آیات الهی را بازیچه قرار داده است و آن کس که قلب او با دنیا پرستی پیوند خورد همواره جانفش گرفتار سه مشکل است، اندوهی رها نشدنی حرصی جدا نشدنی و آرزویی نایافتنی. (ح 228)

21. به خدا سوگند! این دنیای شما (که به انواع حرام آلوده است)، در دیده من از استخوان خوکی که در دست بیماری جذامی باشد پست تر است! (ح 236)

22. تلخکامی دنیا، شیرینی آخرت است و شیرینی دنیای حرام، تلخی آخرت است. (ح 251)

23. ای فرزند آدم اندوه روز نیامده را بر امروزت میفزا، زیرا اگر روز نرسیده از عمر تو باشد خدا روزی تو را خواهد رساند. (ح 267)

24. مردم در دنیا دو دسته اند یکی آن کس که در دنیا برای دنیا کار کرد و دنیا او را از آخرتش بازداشت بر بازماندگان خویش از تهیدستی هراسان و از تهیدستی خویش در امان است پس زندگانی خود را در راه

ص: 140

1- تلخی طاعت به جان هرکس خرید *** جان خود از سختی آتش برید

2- منظور امام ترک تلاش برای تأمین آینده معقول نیست بلکه هدف جلوگیری از حرص شدید برای جمع آوری اموالی است که بسا تا آخر عمر از آن استفاده نمی شود

3- امام علیه السلام در کلام دیگری میفرماید «حق سنگین اما گوارا و باطل سبک و آسان؛ اما بلا خیز و مرگ آور است. (حکمت 376)

4- امام علیه السلام می فرماید: غم فردا را بر فکر امروز نیفزا؛ مسئولیت خود را امروز انجام ده به لطف خدا مشکلات آینده را حل خواهی کرد.

سود دیگران از دست می دهد و دیگری آن که در دنیا برای آخرت کار می کند، و نعمتهای دنیا نیز بدون تلاش به او روی می آورد پس بهره هر دو جهان را چشیده و مالک هر دو جهان می گردد، و با آبرومندی در پیشگاه خدا صبح میکند و حاجتی را از خدا درخواست نمی کند نمیکند جز آن که روا می گردد. (1) (ح 269)

25. مردم فرزندان دنیا هستند و هیچ کس را بر دوستی مادرش نمی توان سرزنش کرد. (ح 303)

26. ای مردم از خدا بترسید چه بسا آرزومندی که به آرزوی خود نرسید و سازنده ساختمانی که در آن مسکن نکرد، و گرد آورنده ای که زود آنچه را گرد آورده رها خواهد کرد، شاید که از راه باطل گرد آورده، و یا حق دیگران را باز داشته و با حرام به هم آمیخته، که گناهش بر گردن اوست، و با سنگینی بار گناه در می گذرد و با پشیمانی و حسرت به نزد خدا می رود که: خَسِرَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةَ، ذَلِكَ هُوَ الْخُسْرَانِ الْمَبِينِ.

در دنیا و آخرت زیان کرده و این است زیانکاری آشکار. (2) (ح 344)

27. ای مردم کالای دنیای حرام چون برگ های خشکیده و با خیز

ص: 141

1- به یقین منظور امام از آنچه در این کلام نورانی آمده این نیست که تلاش و سعی برای سامان بخشیدن به حد لازم برای زندگی دنیا کار نادرستی است زیرا از آن در روایات اسلامی به عبادت و گاه به فریضه یاد شده است و یکی از مثالهایی که برای کسب واجب میزند تلاش برای تأمین نیازمندیهای همسر و فرزندان است

2- ای مردم به دنیا نگاه زاهدانه کنید چرا که به زودی ساکنان خود را زائل می کند و مترفان و ثروتمندان بی درد را ناگهان گرفتار می سازد بنابراین آنچه مایه اعجاب شماس است در دنیا شما را فریب ندهد زیرا بسیار کم با شما خواهد بود خداوند رحمت کند کسی را که فکر میکند و عبرت میگیرد و به پشت کردن آنچه از دنیا پشت کرده و حضور آنچه حاضر است نظر می کند. گوئی آنچه در دنیا موجود است به زودی نابود میشود و آنچه در آخرت است همواره باقی است (بدانید) آنچه میآید نزدیک است به وقوع پیوندد. (بحارالانوار ج 75 ص 7920 پیام امام به نقل از بحارالانوار)

است، پس از چراگاه آن دوری کنید، که دل کندن از آن لذت بخش تر از اطمینان داشتن به آن است و به قدر ضرورت از دنیا برداشتن بهتر از جمع آوری سرمایه فراوان است. آن کس که از دنیا زیاد برداشت به فقر محکوم است، و آن کس که خود را از آن بی نیاز انگاشت در آسایش است، و آن کس که زیور دنیا دیدگانش را خیره سازد دچار کوردلی گردد. (1)

و آن کس که به دنیای حرام عشق ورزید درونش پر از اندوه شد، و غم و اندوهها در خانه دلش رقصان گشت که از سوئی سرگرمش سازند و از سوئی دیگر رهایش نمایند تا آنجا که گلویش را گرفته در گوشه ای بمیرد، رگ های حیات او قطع شده، و نابود ساختن او بر خدا آسان، و به گور انداختن او به دست دوستان است اما مؤمن با چشم عبرت به دنیا می نگرد و از دنیا به اندازه ضرورت برمی دارد و سخن دنیا را از روی دشمنی می شنود، چرا که تا گویند سرمایه دار شد گویند تهیدست گردید، و تا در زندگی شاد می شوند با فرا رسیدن مرگ غمگین می گردند، و این اندوه چیزی نیست که روز پریشانی و نومیدی هنوز نیامده است. (ح 367)

28. ای فرزند آدم، روزی دو گونه است روزی که تو آن را جویی و روزی که تو را می جوید که اگر هم به سراغش نروی به سوی تو می آید. پس اندوه سال خود را بر اندوه امروزت منه، که بر طرف کردن اندوه هر روز از عمر تو را کافی است. اگر سال آینده در شمار عمر تو باشد همانا خدای بزرگ در هر روز سهم تو را خواهد داد و اگر از شمار عمرت نباشد تو را با اندوه آن چه کار است که هرگز جوینده ای در گرفتن سهم روزی تو بر تو پیشی نگیرد و چیره شونده ای بر تو چیره نگردد و آنچه برای تو مقدر

ص: 142

1- نمونه بارز این کوردلی در عمر سعد ملعون بروز کرد که به طمع فرمانروائی ملک ری خون حضرت سید الشهداء علیه السلام و یاران ایشان را ریخت و خود را تا ابد دچار آتش خشم الهی و لعن و نفرین جن و انس و ملک کرد و به حکومت ری هم نرسید. «فَاعْتَبِرُوا يَا أُولِي الْأَلْبَابِ»

گشته بی کم و کاست به تو خواهد رسید. (1) (ح 379)

29. چه بسیار کسانی که در آغاز روز زنده بودند اما روز را به پایان نبردند و چه بسیار کسانی که در آغاز شب زندگی شان مورد غبطه مردم بود اما در پایان همان شب عزاداران به سوگشان نشستند. (2) (ح 380)

30. از خواری دنیا نزد خدا همان بس که جز در دنیا نافرمانی خدا نکنند و جز با رها کردن دنیا به پاداش الهی نتوان رسید. (3) (ح 385)

31. دنیا فریب می‌دهد زیان میرساند و تند میگذرد از این رو خدا دنیا را پاداش دوستان خود نپسندید و آن را جایگاه کیفر دشمنان خود قرار نداد و همانا مردم دنیا چون کاروانی باشند که هنوز بار انداز نکرده کاروان سالار بانگ کوچ سر دهد تا باربندند و برانند. (4) (ح 415)

32. چیزی از دنیای حرام برای پس از مرگ باقی مگذار، زیرا آنچه از تو میماند نصیب یکی از دو تن خواهد شد یا شخصی است که آن را در طاعت خدا به کار گیرد، پس سعادت‌مند میشود به چیزی که تو را به هلاکت افکنده است و یا شخصی که آن را در نافرمانی خدا به کار

ص: 143

1- آن که مکنّت بیش از آن خواهد که قسمت کرده اند *** گو طمع کم کن که زحمت بیش باشد بیش را

2- هزاران نمونه از آنچه امام می فرماید در تاریخ بوقوع پیوسته از جمله سرنوشت نادرشاه افشار که در اوج قدرت و در حال پیش روی برای فتوحات به وسیله یکی از نزدیکانش به قتل رسید. شبانگه به دل قصد تاراج داشت *** سحرگه نه تن سر نه سر تاج داشت به یک گردش چرخ نیلوفری *** نه نادر به جا ماندنی نادری

3- پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) از راهی عبور میکرد چشمش به بزغاله مرده ای افتاد؛ به اصحاب فرمود ارزش این بزغاله چقدر است؟ عرض کردند اگر زنده بود شاید یک درهم پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود: دنیا کم ارزش تر است در پیشگاه خدا از این بزغاله در نزد صاحبانش. کافی ج 2 ص 129

4- و عجیب این است که با این همه توصیف و تشبیه باز هم گروه کثیری غافلاند و همچنان بر این دنیای ناپایدار تکیه میکنند و برای به دست آوردن گوشه ای از آن جانفشانی می نمایند.

گیرد، پس هلاک می شود به آنچه که تو جمع آوری کردی، پس تو در گناه او را یاری کرده ای که هیچ یک از این دو نفر سزاوار آن نیستند تا بر خود مقدم داری. (این حکمت به گونه دیگری نیز نقل شده) پس از ستایش پروردگار آنچه از دنیا هم اکنون در دست تو است پیش از تو در دست دیگران بود و پس از تو نیز به دست دیگران خواهد رسید و همانا تو برای دو نفر مال خواهی اندوخت یا شخصی که اموال جمع شده تو را در طاعت خدا به کار گیرد، پس به آنچه که تو را به هلاکت افکند سعادت مند می شود، یا کسی است که آن را در گناه به کار اندازد، پس با اموال جمع شده تو هلاک خواهد شد که هیچ یک از این دو نفر سزاوار نیستند تا بر خود مقدمشان بداری و بار آنان را بر دوش کشی، پس برای گذشتگان رحمت الهی و برای بازماندگان روزی خدا را امیدوار باش. (1) (ح 416)

33. روزی بر دو قسم است: آن که تو را می خواهد، و آن که تو او را می جویی. کسی که دنیا را خواهد مرگ نیز او را می طلبد تا از دنیا بیرونش

ص: 144

1- مرحوم علامه شوشتی در ذیل این کلام حکمت آمیز داستان جالبی از کتاب انوار نعمانیه نقل می کند، میگوید حضرت عیسی علیه السلام روزی با جماعتی از یارانش از کنار زراعتی می گذشت که هنگام دروی آن رسیده بود عرض کردند ای پیغمبر خدا ما همه گرسنه ایم خداوند به عیسی وحی فرستاد که به آنها اجازه بده به مقدار قوتشان از آن زراعت بخورند. آنها در آن زراعت متفرق شدند و هر کدام مقداری را آماده خوردن کردند در این هنگام صاحب زراعت رسید و فریاد زد این زراعت و زمین من است که از پدرانم به ارث برده ام به اجازه چه کسی از آن می خورید؟ حضرت مسیح از خداوند تقاضا کرد تمام کسانی که از زمان آدم تا آن زمان مالک آن زمین شده بودند همه را مبعوث و حاضر کند آنها حاضر شدند و هر کدام فریاد زدند زراعت من و زمین من است که از پدرانم به ارث برده ام. صاحب زمین از این صحنه در وحشت فرورفت و کار و جایگاه حضرت عیسی به از منظر اطلاع او رسید. (که به آنها اجازه استفاده از آن زمین را داده است). خدمت آن حضرت رسید و عرض کرد من تو را نشناختم زراعتم برای تو حلال است. حضرت عیسی فرمود: همه کسانی را که دیدی این زمین را به ارث برده آباد کرده و گذاشته بودند و رفته بودند و تو نیز خواهی رفت و به آنها ملحق خواهی شد در حالی که نه زمینی و نه مالی خواهی داشت.

کند، و کسی که آخرت، خواهد دنیا او را می طلبد تا روزی او را به تمام پردازد. (1) (ح 431)

34. آیا آزاد مردی نیست که این لقمه جویده حرام دنیا را به اهلش واگذارد همانا بهایی برای جان شما جز بهشت نیست پس به کمتر از آن

نفروشید. (ح 456)

35. دنیا برای رسیدن به آخرت آفریده شد نه برای رسیدن به خود. (ح 463)

36. دنیا را رها کن چرا که عشق به دنیا انسان را کور و کر و گنگ می کند و او را ذلیل میسازد. (کافی ج 2 ص 136)

ص: 145

1- امام باقر (علیه السلام) فرمود عاقلان زهد در دنیا و رغبت در آخرت را پیشه کردند، زیرا آنها می دانند که دنیا طالب و مطلوب و آخرت نیز طالب و مطلوب است (یعنی) آنکس که آخرت را طلب کند دنیا به سراغ او می آید تا رزق او را به طور کامل به او برساند اما کسی که دنیا را طلب کند آخرت او را می طلبد یعنی مرگ به سراغش می آید هم دنیایش را فاسد می کند و هم آخرتش را. کافی ج 1 ص 18

1. دنیا (آدمی را) به خواری کشاند.
2. دنیا زمانی است کوتاه و آخرت ابدی است و جاویدان.
3. دنیا گمراه میکند.
4. دنیا زیان رساند و آخرت شادمان گرداند.
5. دنیا زیان و خسران است.
6. دنیا فانی و نابود شدنی است.
7. دنیا به تصادف و اتفاق داده شده ولی آخرت از روی استحقاق و شایستگی است.
8. دنیا، سایه ای است رفتنی.
9. کمال در دنیا (و رسیدن به دلخواه و تمامی خواسته ها) نایاب است.
10. دنیا، بازار زیان و خسران است.
11. دنیا، کشتزار بدیهاست (و غالباً تخم بدی در آن بکارند).
12. دنیا، وسیله خنده کسانی است که چشم گریان دارند.
13. دنیا خانه محنتها و رنجهاست.
14. دنیا گذرگاه آخرت است.
15. دنیا مطلقه (همسر طلاق داده) زیرکان است.
16. سرای زود گذر دنیا، آرمان پلیدان است.
17. خوشحالی و شادمان شدن به دنیا حماقت و کم عقلی است.

18. دنیا فریب دهد و زیان زند و بگذرد.
19. دنیا جایگاه آفتهاست.
20. کسی که به دنیا پیوندد از آخرت و کمالات بریده شده است
21. دنیا آرمان بدبختان است.
22. دنیای زود گذر فریب (یا فریب دهنده) احمقان است.
23. دنیا لغزشگاه و جای افتادن عقلها و خردهاست.
24. دنیا جایگاه دگرگونی هاست.
25. دنیا سرای محنت و اندوه است.
26. دنیا غنیمت مردمان احمق و کم خرد است.
27. رغبت در دنیا دشمنی آرد.
28. دنیا همچون روزی است گذشته و ماهی است که به سرآمده است.
29. دنیا سرای غریبان و وطن مردمان بخت برگشته است.
30. شیفته شدن به دنیا بزرگترین فتنه است.
31. دنیا همان گونه که جبران شکستگی میکند میشکند.
32. اسباب و وسایل دنیا بریدنی و عاریت های آن بازگشتنی است.
33. دنیا زهری است و خورنده آن کسی است که آن را نمی شناسد.
34. دنیا مرکز بدی و جایگاه فریب است.
35. دنیا نوشیدنی صاف و بی آلاچی نیست برای کسی که بخواهد بنوشد و به دنیا دار وفا نکند.
36. دنیا آکنده و مالا مال به مصیبتها است و کوبنده درهاست در از منظر شب که دردها و حادثه های ناگوار بیاورد.
37. دنیا جابجا شونده و نابود شدنی است که اگر فرضا برای تو پایدار بماند تو برای آن پایدار نخواهی ماند.

38. مردم فرزندان دنیا هستند و فرزند بر دوستی مادرش سرشته شده است.

39. دنیا اگر باز شود (ورو آورد) باز شود و اگر پراکنده شود برود (و به دیگری منتقل شود)

40. دنیا معامله و داد و ستدی است زیان دار و این انسان است که در این معامله زیان میکند.

41. دنیا بهره ای است حاضر که میخورند از آن نیکو کاروبد کار، و آخرت سرایی است پا برجا و با حقیقت که حکومت کند در آن پادشاهی توانا.

42. دنیا سایه ابر و رؤیایی است که در خواب بینند.

43. دل بستگی به دنیا با مشاهده دگرگونی های آن، نادانی است.

44. فریب خورده کسی است که به دنیا سرگرم شود و بهره آخرت از دستش برود.

45. دل بستگی به دنیا با مشاهده گردش و چرخش آن، نادانی است.

46. مجموعه دنیا مصیبت هایی است فجیع و مرگ هایی است دردناک، و عبرتهایی است قاطع و برنده.

47. دنیا فریبنده ای است که دوام ندارد و سرابی است که زوال پذیرد و تکیه گاهی است متمایل به کجی که فرو ریزد.

48. دنیا دام و کمند جانها و قرارگاه هر زیان و سختی است.

49. اوقات دنیا اگر چه به درازا کشد کوتاه است و بهره مندی از آن اگر چه بسیار باشد اندک خواهد بود.

50. خویشتن را از دنیا بازدار تا نسبت به بازگشتگاه خود (سرای آخرت) نیکبخت گردی و جایگاه خود را اصلاح کنی.

51. به دنیا بنگر نگریستن کسی که بدان رغبتی ندارد و از آن جدا گردد، و نگاه نکن بدان نگاه کردن عاشقی شیدا.

52. واگذارید و رها کنید این دنیای مذموم و نکوهیده را که واگذارده است آنهایی را که علاقه شان از شما به دنیا بیشتر بوده (و به آنها وفا نکرده تا چه رسد به شما).

53. بگریزید از دنیا و دلها تان را از آن بازگردانید که دنیا زندان مؤمن است بهره مؤمن از دنیا، اندک و خرد و عقل او نسبت به دنیا بیمار و دیده او درباره آن کند است.

54. رها کنید این دنیایی که شما را رها کرده اگر چه رهایی آن را دوست نمیدارید و این بی وفایی که بدن هاتان را کهنه کرده با این که شما نو کردن آن را دوست میدارید.

55. پرهیز از دنیا که کمند شیطان، و تباہ کننده ایمان است.

56. بر توباد که پرهیز کنی از دوستی دنیا که این دوستی ریشه هر خطا و معدن هر بلا و گرفتاری است.

57. بر توباد که پرهیزی از این که بهره خویش را از پروردگار خود و منزلت را در پیشگاه او به اندکی از علف خشکیده دنیا بفروشی.

58. بر توباد که پرهیزی از این که مرگ بر تو فرود آید در حالی که به صورت برده ای فراری به دنبال دنیا باشی.

59. بر توباد که پرهیز کنی از این که شیفته و شیدای دنیا گردی که برای تو بدبختی و گرفتاری به بار آورد و وادار کند تورا به این که سرای

پایدار و ماندنی را به دنیای ناپایدار وفانی بفروشی.

60. هان بدانید که دنیا سرایی است که کسی در آن سالم نماند جز به وسیله بی رغبتی در آن و رهایی نیابد کسی به وسیله چیزهایی که مربوط

61. بپرهیزید از چیره شدن دنیا بر شما که حاضر و موجود آن ناپاک و آلوده و آینده اش اندوه و غصه است.

62. آیا آزاد مردی هست که این ته مانده دنیا را به اهلش را گذارد؟

63. آگاه باشید که دنیا گویا پایان یافته و وداع خویش را اعلام داشته معروف آن منکر گشته و تازه آن کهنه شده و فربه آن لاغر گردیده است.

64. هان بدانید کسی که برای آخرت آفریده شده او را با دنیا چه کار؟ و با مال و ثروت چه کند کسی که بزودی آن را از وی بگیرند و حسابرسی و وبالش به گردن او بماند؟

65. هان بدانید که امروز روز تمرین و آمادگی و فردا روز مسابقه است، جایزه برندگان بهشت و سرانجام عقب ماندگان دوزخ است.

66. هان به راستی آنچه از دنیا روی آورده بود پشت کرده، و آنچه پشت کرده بود روی آورده است.

67. بندگان برگزیده خدا آماده کوچ و رحیل شده اند و این اندک دنیای ناپایدار را به آخرت بسیاری که پایدار است فروخته اند.

68. آیا نمی بینید مردم دنیا را که روز را به شب، و شب را به روز آورند و هر کدام حالتی دارند، یکی مرده ای است که بر او می گریند و دیگری زنده ای که به او تسلیت گویند، یکی در بستر بیماری افتاده و دیگری به عیادتش می آید و آن دیگری در حال جان دادن است، یکی به دنبال دنیا می رود در حالی که مرگ در جستجوی او است، آن دیگری غافل و بی خبر از همه جا در صورتی که مرگ و حوادث روزگار فراموشش نکرده اند، و به همین ترتیب بازماندگانند که به دنبال گذشتگان می روند.

69. بزرگترین خطاها دوستی دنیاست.

70. بهتر از پوشیدن دنیا به دور انداختن آن است.
71. زیرک ترین مردم کسی است که دنیا را واگذارده است.
72. بزرگترین مصیبتها و بدبختیها شیفتگی به دنیا است.
73. زیانکارترین مردم کسی است که به جای آخرت به دنیا راضی و خشنود گشته است.
74. دنیا داران هدف آماج حوادث ناگوار و باد برده مصیبتها، و غارت شده اندوهها و رنجها هستند.
75. نیکبخت ترین مردم نسبت به دنیا کسی است که آن را واگذارد و نیکبخت ترین مردم نسبت به آخرت کسی است که برای آن کار کند.
76. رساترین نصیحت کننده برای تو دنیا است اگر از آن پند گیری، به آنچه تو را نشان دهد از دگرگونی حالات و آگاه کند تو را از دوری ها و پراکندگی ها
77. به راستی که درون زمین مرده و ظاهر آن بیمار است.
78. به راستی که مسائل جدی دنیا شوخی و عزتتش خواری و بلندی اش پستی است
79. به راستی که دنیا خانه نابودی و سختی وزوال و جابه جایی است، برابری نکند لذتهای آن به کدورت هایش و وفا نکند نیکبختی هایش به نکبتها و ناکامی هایش و مقاومت نکند بالا رفتنش به فرود آمدنش.
80. به راستی هر آن کس در طلب خواسته های مرغوب ناپایدار دنیا است در این راه نابود شود و در مورد بازگشتگاه خود نیز بدبخت گردد.
81. به راستی که نیکبختان دنیا در فردای قیامت همان کسانی هستند که امروز از دنیا گریزانند.
82. به راستی که دنیا تباه کننده دین و زائل کننده یقین اساس هر

فتنه و ریشه هر رنج و محنت است.

83. کسی که بهشت برین را به این دنیای حاضر بفروشد تلاش و کوشش او تباه شود و در سودای خویش زیان کند.

84. به راستی که حکایت دنیا و آخرت حکایت مردی است که دو همسر دارد که هر گاه یکی را راضی کند دیگری را خشمگین کرده است.

85. کسی که دنیای حاضر بیشتر از آخرت، او را در اختیار گیرد و کارهای دنیا بیشتر از کارهای آخرت بر او چیره گردد، به راستی که سرای پایدار را به دنیای فانی و ناپایدار فروخته و خانه جاویدان را به سرای نابودی معاوضه کرده و خود را به هلاکت افکنده و بهره متغیر و زوال پذیر را برای خود پسندیده و خود را از راه راست باز داشته است.

86. به راستی که دنیا خانه رنج و نابودی و دگرگونی و پند آموزی، و جایگاه فتنه و محنت است.

87. به راستی که دنیا سرای مصیبت های بزرگ است هر آن کس که در رفتنش شتاب شود و عمرش کوتاه گردد دچار مصیبت خویش

گردد، و هر کسی را که مهلتش دهند و عمر طولانی کند دچار مصیبت دوستان خود گردد.

88. به راستی که دنیا روی گرداننده و وداع خویش را اعلام داشته و آخرت روی آورده و طلایه آن آشکار گردیده است.

89. به راستی که دنیا وارونه و واژگون شده لذت هایش تیره کننده، بخشش هایش اندوه زا، زندگی آن رنج و تعب ماندنش ناپایدار، برای جوینده اش چموشی و سرکشی کند و سوار خود را به هلاکت افکند، و به کسی که بدان اطمینان کند خیانت ورزد و آنرا که به او اعتماد کند

از جای برکنند، جمع آن به پراکندگی گراید، و پیوندش بریده شود.

90. به راستی که از پستی دنیا در پیشگاه خدا همین بس که نافرمانی خدا نشود جز در آن و نرسد کسی به آنچه نزد خداست جز به واگذاردن و ترک آن.

91. به راستی که این دنیای شما در دیده من پست تر است از تکه استخوان خوکی که در دست بیمار جذامی باشد و کوچک تر است از برگ گیاهی که در دهان ملخی باشد علی را با نعمتهای فانی و لذت های ناپایدار چه کار؟

92. به راستی که دنیا همچون ماری است که دستمالی اش نرم و زهرش کشنده است، در گذر از آنچه خوش آید تو را از این دنیا به خاطر آنکه مصاحبش با تو اندک است و در حالی که انس تو به آن بیشتر است در همان حال پرهیز تو از آن سخت تر باشد.

93. به راستی که دنیا همچون گول است گمراه کند کسی را که فرمائش برد و نابود گرداند کسی را که پاسخش دهد و به راستی زوالش سریع و انتقال و جابجایی آن شتابان است.

94. به راستی که دنیا رو آورد بسان رو آوردن جوینده و پشت کند بسان پشت کردن گریزنده بیبوند همچون پادشاهان و جدا شود جدا شدن آدم های شتابان.

95. به راستی که دنیا مرکبی است سرکش و کج رفتار باز دارنده و انکار کننده است از راه حق به یکسو رود و منحرف گردد حالتش از منظر جابجا کردن و آرامشش لرزان عزتش خواری و جدّی بودنش شوخی زیادی اش اندک و بلندی اش پایین مردم آن در حال سختی و جان کندن، و پیوستن و جدا شدن هستند و دنیا سرای ربودن و غارت و هلاکت است.

96. به راستی که دنیا خانه ای است عاریتی و جای ماندن نیست خیر و خوبی آن اندک و شر و بدی آن آماده و دارایی آن ربوده شود و آبادی اش ویران گردد.
97. به راستی که دنیا فریب دهنده ای است دگرگون شونده، سایه ای است رفتنی تکیه گاهی است کج بخشش را به مصیبت و آرزو را به مرگ پیوند زند.
98. به راستی که دنیا زندگی اش کوتاه و خیر و خوبی اش اندک اقبالش نیرنگ و ادبارش مصیبت لذت هایش نابود شدنی و فانی، ولی پی آمدهایش به جای ماندنی است.
99. دنیا سرایی است که آغازش رنج و سختی و انجامش فنا و نیستی در حلال آن حساب و در حرامش عقاب است هر که در دنیا توانگر شود به فتنه افتد و هر که فقیر و نیازمند گردد اندوهناک شود.
100. به راستی که دنیا بدن ها را کهنه و امیدها را نو و تازه کند مرگ را نزدیک و آرزوها را دور گرداند هر گاه دنیا طلب به شادمانی و سروری آرام گیرد، او را برگرداند از آن سرور و شادمانی به سوی گرفتاری و محذوری.
101. به راستی که دنیا سرای ناپایدار و گذرا و جایگاه سختی و مشقت است ساکنانش مسافر و اقامت کنندگانش مجبور به ترک آن هستند، زرق و برقش نیرنگ، و گفتارش دروغ اموال و ثروتش یغمای غارتگران، متاع گرانبهایش غنیمت دزدان آگاه باشید که دنیا همچون زنی است روسپی و هوس انگیز که خود را نشان دهد و سپس با نفرت پشت کند، و همچون مرکبی است سرکش که از رفتار باز ایستد، و دروغگویی است خیانت پیشه.
102. به راستی که دنیا خانه محنت ها و جایگاه فتنه هاست، کسی

که در راهش تلاش کند از دستش برود و کسی که به دنبالش نرود به سراغش آید کسی که به سویش نظر افکند کورش کند، و کسی که بینایی و بصیرت از آن بجوید بینایش گرداند.

103. به راستی که دنیا اجل ها مرگ ها را نزدیک و آرزوها را دور گرداند، مردان را نابود و احوال را دگرگون کند، هر کس بر او غلبه جوید مغلوبش کند و هر که با او کشتی بگیرد بر زمینش زند و کسی که نافرمانی اش کند فرمانش ببرد و کسی که آن را واگذارد به نزدش آید.

104. به راستی که دنیا همچون دام است فرا گیرد کسی را که بدان رغبت کند، و پرهیزد از کسی که از آن روی بگرداند، در این صورت با دل خود بدان متمایل نشو و به روی خود بدان رو آور مشو، که تو را در دام خود اندازد و به نابودیات کشاند.

105. به راستی که دنیا پر فریب و پر نیرنگ است، در عین بخشندگی ممسک و بخیل و در عین پوشانندگی برهنه کننده است، فراخی زندگی اش پایدار نیست و رنج و دردش پایانی ندارد، و گرفتاری و بلایش همیشگی است.

106. به راستی که دنیا میبخشد و دوباره باز پس گیرد، مطیع میگردد و گردن کشی می کند، وحشت می آورد و انس، به طمع اندازد و نا امید کند، نیکبختان از آن روی بگردانند و بدبختان در آن رغبت کنند.

107. به راستی که دنیا خیر و خوبی آن کم و شرّ و بدی اش آماده لذّتش اندک و حسرت افسوسش دراز و طولانی نعمتهای خود را به سختی و دشواری آمیخته است و خجستگی خود را به شوم و نحس همراه کرده، سودش را به زیان پیوند زند و شیرینی اش را به تلخی آمیخته است.

108. به راستی از بیخیری و بی ارزشی دنیا است که بر هیچ حالتی

پایدار نیست و پیوسته در حال دگرگونی است، یک طرف را اصلاح کند، به فساد و تباهی طرف دیگر، یکی را خوشحال کند با اندوه طرف دیگر، بودن در آن خطرناک و اعتماد بدان خطرناکتر جاوید ماندن در آن محال و اعتماد بر آن گمراهی است.

109. به راستی که دنیا سایه ابر و مجرد خواب و خیالی است، شادی بسته به اندوه غسل آلوده به زهر رباینده نعمتها خورنده امتها جذب کننده عقوبت هاست.

110. به راستی که دنیا به کسی وفا نکند و برای هیچ آشامنده ای پاک نگردد، نعمت هایش دست به دست شود و حالاتش تبدل پذیرد، لذت هایش فانی شود و پی آمدهایش بماند پس از این دنیا روی بگردان پیش از آنکه دنیا از تو روی بگرداند و جایگزین کن آن را پیش از آنکه دنیا برایت دیگری را جایگزین کند.

111. به راستی که دنیا دگرگونی اش سریع، جابجایی اش بسیار، بی وفایی اش سخت فریض همیشهگی احوالش متزلزل، نعمت هایش متبدل، فراخی زندگی در آن رو به نقصان لذت هایش تیره و ناخالص خواهنده اش خار و سوار شونده بر آن در حال لغزش است.

112. به راستی که دنیا بسا باشد که رو آورد به شخص نادان به صورت اتفاق و برگردد از عاقل از روی استحقاق. در این صورت اگر در حال نادانی بخشی از آن به نزدت، آمد و یا با داشتن عقل خواسته ای از آن از دستت رفت مبادا تو را وادارد که به نادانی میل کنی و نسبت به عقل و دانایی بی رغبت شوی که این کار تو را به عیب و نابودی کشاند.

113. به راستی که دنیا سرایی است به بلا و گرفتاری شناخته شده و به بی وفایی موصوف حالاتش پایدار نیست آنها که در آن فرود آیند
سلامت

ندارند، زندگی در آن نکوهیده و امنیت در آن نایاب است.

114. به راستی که دنیا شیرین و زیبا و درخشنده است شهوت ها احاطه اش کرده، اندکی باران زلال بخشش باریده و به آرزوها آراسته و

به فریب زینت یافته شادمانیش پایدار نیست از مصیبتش کسی ایمن نیست پر فریب پر زیان در حال تغییر زوال پذیر فنا ناپذیر کننده، خورنده هلاک کننده است.

115. به راستی که دنیا دیدنش دیدار کننده را خوش آید ولی سرانجامی ناپذیر کننده دارد به فریب آراسته شده و به زیور خود مردم را فریفته سرایی که نزد پروردگارش خوار است حلال آن به حرام و خیر آن به شر و شیرین آن به تلخی آمیخته، خداوند برای اولیاء خود آن را پاک نکرده و بر دشمنانش به آن بخل نورزیده است.

116. به راستی که دنیا را با هر نوشیدنی شکستی در گلو، و با هر لقمه ای گلوگیری است به نعمتی از آن نرسند جز با فراق از دیگری، آدمی در این دنیا به استقبال روزی از عمر خود نرود جز با جدا شدن روزی دیگر از اجل خویش زنده نگردد برای او در این دنیا اثری جز این که اثر دیگری از او خواهد مرد.

117. به راستی که دنیا را مردانی است که نزدشان گنج هایی است اندوخته و در نزد شما آنها نکوهیده و رانده اند گشوده شود به وسیله آنها دین خدا همان گونه که شما سر دیگ خود را بگشایید، همانند ملخ همه جا را بگیرند و گردنکشان شهرها را نابود کنند.

118. به راستی که خدای تعالی دنیا را برای جهان پس از آن آفریده است و مردم را در آن گرفتار بلا و آزمایش کرده تا بدانند کدام یک، عملش نیکوتر است، و ما برای دنیا آفریده نشده ایم و نه برای تلاش در آن

مأموریم، تنها به دنیا آمده ایم تا بدان آزمایش شویم و کاری برای جهان پس از آن انجام دهیم.

119. به راستی که دنیا وسیله سرگرم شدن از آخرت است، آنکه در دنیاست به عطایی نرسد جز آنکه دنیا برایش دری از حرص و اشتیاق به آن را گشوده است.

120. به راستی دنیا آفریده نشده که خانه ماندنی شما و نه جایگاه قرار شما باشد، بلکه گذرگاهی است تا کارهای نیک و اعمال صالح را برای سرای پایدار از این رهگذر توشه گیرید پس با شتاب آماده کوچ باشید، و نعمتهای حاضر شما را فریب ندهد و فتنه ها شما را مغرور نگرداند.

121. به راستی که در دنیا کسی سالم نماند مگر به زهد و بی رغبتی در آن، مردم در آن گرفتار فتنه و آزمایشند آنچه را که از این دنیا، برای دنیا انتخاب کنند از آن بیرون بروند و بدان حسابرسی شوند، و آنچه را برای سرای دیگر گیرند بر آن در آیند و در آن بمانند و جز این نیست که دنیا نزد خردمندان همچون سایه ای است که هنوز گسترده نشده کوتاه شود، و هنوز فزونی نیافته نقصان پذیرد و به راستی خداوند عذر خود را برطرف کرده در این که شما را از آن نهی فرموده و بیمتان داده و ترسانده و ابلاغ فرموده است.

122. دنیا خانه ای است که پایان بخشش آن فنا و نابودی است و برای اهل آن جلای وطن مقدر شده شیرین و سرسبز است، به سرعت به سوی خواهان خود میرود و با دل آن کس که بدان نظر افکند آمیخته، تلاش کنید که با بهترین توشه ای که در اختیار شماست از آن کوچ کنید، و بیش از کفاف و نیاز خود از آن نخواهید و بیش از آنچه شما را به آخرت برساند از آن درخواست نکنید.

123. به راستی که دنیا خانه صدق و راستی است برای آن کس که با آن به راستی رفتار کند و خانه تندرستی است برای آن کس که از آن چیزی بفهمد و سرای بی نیازی است برای آن کس که از آن توشه برگیرد، و جای اندرز است برای کسی که از آن اندرز گیرد، جدایی خود را اعلام داشته و از فراق خود خبر داده و مرگ خود و اهلش را بیان کرده، پس دنیا با نمونه هایی از بلا گرفتاری را به آنها نشان داد و با سرور و خوشحالی اش دلها را به خوشحالی متوجه ساخت گاه به هنگام عصر در عافیت است، و به هنگام صبح در مصیبت، تا ترغیب کند و بترساند، و بیم دهد و بر حذر دارد مردمی در بامداد پشیمانی بدگوی او بودند و مردمی دیگر در روز قیامت آن را ستودند به یادشان آورد و یاد آور شدند، با آنان سخن گفت و تصدیقش کردند و اندرزشان داد و آن مردم از دگرگونی ها و عبرت های آن پند گرفتند.

124. به راستی که دنیا پایان دیده نابیناست که پشت سر آن را هیچ نمی بیند ولی انسانهای بینا دیده شان از این دنیا بگذرد و میداند که سرای پایدار در پشت آن است پس انسان بینا از دنیا می رود، ولی نابینا به سوی دنیا می رود و شخص بینا از آن توشه بردارد ولی نابینا برای دنیا توشه
توشه
گیرد.

125. اگر به راستی خدا را دوست میدارید دوستی و محبت دنیا را از دلهای خود بیرون کنید.

126. به راستی که من دنیا را سه طلاقه قطعی کرده ام که رجوعی در از منظر آن نیست و افسار آن را به گردنش انداختم.

127. به راستی تو اگر به دنیا رو آوری دنیا به تو پشت گرداند.

128. به راستی تو اگر به دنیا پشت کنی دنیا به تو روی آورد.

129. به راستی تو اگر برای دنیا کار کنی در سوداگری خود زیان کرده ای

130. به راستی تو خدای سبحان را دیدار نکنی به کاری که زیانبارتر باشد برای تو از دوستی دنیا

131. به راستی شما اگر در دنیا رغبت کنید، عمر خود را در چیزی سپری کرده اید که برای شما باقی نماند و شما نیز برای او باقی نخواهید ماند.

132. به راستی که دنیا دامی است که در آن در افتد کسی که آن را نمی شناسد.

133. به راستی که دنیا حالاتی است مختلف و احوالی است گذرا، و نشانه های آماج بلا است.

134. به راستی که دنیا مرداری است و آنها که برادر وار بر سر آن گرد آمده اند مانند سگانی هستند که برادری آنها از دریدن و پریدن به یکدیگر بازشان نمی دارد.

135. به راستی اهل دنیا سگانی هستند که بر روی هم بانگ زنند، و درندگانی هستند که طعمه یکدیگر بدرند و بر سر همدیگر فریاد کشند توانمند ناتوان را بخورد و بزرگ بر کوچک زور گوید (همانند) اشترانی بسته و رها هستند که خرد و عقل خود را گم کرده و به بیراهه میروند.

136. به راستی که دنیا بهره روزهای اندکی است که زائل گردد همان گونه که سراب زائل شود و بر طرف شود همان گونه که ابرها بر طرف شوند.

137. به راستی حکایت آن کس که دنیا را آزموده حکایت مسافرانی است که از منزلی تنگ و خشک آهنگ منزلی فراخ و سر سبز و خرم

کنند و در این باره سختی راه و دشواری سفر و ناگواری خوراک را بر خود

هموار کنند تا به منزل فراخ و جایگاه اصلی خویش برسند.

138. آفت جان، انسانی شیدایی و شیفتگی به دنیا است.

139. به خاطر برگزیدن دوستی دنیای حاضر رفته است آنکه رفته به سوی آخرت بدی که به دنبال دارد.

140. بد خانه ای است دنیا

141. میوه شیدایی و شیفتگی به دنیا اندوه بزرگ است.

142. دارایی و ثروت دنیا فقر و نداری آخرت است.

143. پناهنده به دنیا هستی اش ربوده شده و آنکه بهره وافری از دنیا برده منکوب و مصیبت زده است.

144. بخشندگی دنیا نیستی است و آسایش رنج، و سلامتی اش نابودی و موهبتها و بخششهایش غارت شده است.

145. میوه عقل و خرد دشمنی با دنیا و سرکوب کردن هوا و هوس است.

146. محبت دنیا سر هر خطایی است.

147. محبت و دوستی دنیا سرفتنه ها و ریشه محنت هاست.

148. آمیزش با فرزندان دنیا اساس گرفتاری و موجب تباه شدن تقوای الهی است.

149. نوید گشته آرمان و خواسته کسی که دنیا امید و نیازش باشد.

150. قدر دنیا اندک، و حاصل آن حقیر و شادمانیش ناحق و بخشش هایش فریب و نیرنگ است.

151. خیر دنیا اندک و ناچیز و شرش آماده است.

152. دوستی و محبت دنیا طمع به بار آورد.

153. محبت دنیا عقل را تباه و دل را از شنیدن حکمت کر می کند، و

کیفر دردناکی را به دنبال دارد.

154. شیرینی دنیا، تلخی آخرت و سرانجام بدی را به دنبال دارد.

155. شیرینی دنیا صبر دارویی است بسیار تلخ و غذای آن زهر و اسباب و وسایل آن ریسمان پوسیده ای است.

156. زنده دنیا در معرض مرگ و تندرست آن هدف بیماری ها، و نشانه آماج مرگ و بلاها است.

157. بر اهل دنیا فرمان و حکم الهی رفته است به بدبختی و نابودی و تباهی و نیستی.

158. دنیا، پیچیده شده است به شهوت ها (خواستہ های دل). با لذت های حاضر خود محبت دلها را به خود جلب کرده و با فریبها خود را آراسته و با آرزوها زیور کرده است.

159. خیر دنیا حسرت و افسوس و شر آن پشیمانی است.

160. اساس آفتها شیفتگی به دنیا است.

161. دنیا سرایی است که گردا گردش را بلا- و گرفتاری پوشانیده و به بی وفایی موصوف گشته احوالش پایدار نماند و فرود آیندگانش تندرستی نیابند.

162. دنیا خانه ای است که بر صاحب خود خوار است، حلالش به حرام، و خیر آن به شرش و شیرینی آن به تلخی اش آمیخته و مخلوط گشته است.

163. خانه فانی و نابود شدنی (دنیا) خوابگاه نا فرمانان و عاصیان و محل بخت برگشتگان و متجاوزان است.

164. یاد دنیا دردمندترین دردها است.

165. خواری دنیا سربلندی آخرت است.

ص: 165

166. چه بسا محدود دنیا چیزهایی که باید از آن حذر کرد که پیش تو به حساب و شمارش در نیاید.

167. باز داشتن نفس از نقش و نگارهای دنیا میوه عقل و خرد است.

168. رضایت توبه دنیا به جای آخرت از انتخاب بد و بخت برگشته تو است.

169. فزونی دنیا آخرت را تباه کند.

170. زیباییها و تجملات دنیا خردهای ضعیف و ناتوان را تباه سازد.

171. سبب تباهی عقل دوستی و محبت دنیا است.

172. سلطنت دنیا خواری و بلندی اش پستی است.

173. شادمانی دنیا فریب و متاع آن (فنا و) نابودی است.

174. بدترین محنتها دوستی دنیاست

175. بدترین فتنه ها محبت دنیاست.

176. صلاح آخرت در ترک علاقه به دنیاست.

177. تندرستی دنیا بیماری هاست و لذت های آن دردها است.

178. طلاق دادن دنیا مهریه و کابین بهشت است.

179. طلب کردن دنیا اساس فتنه است.

180. کسی که دنیا را به وسیله دین بجوید مورد عقاب و نکوهش است.

181. کسی که در طلب دنیاست آخرت از دستش برود و مرگ او را دریابد و حوادث ناگهانی او را بگیرد و از دنیا جز همان که قسمت او شده بود به دست نیاورد.

182. به شادمانی بشارت بهشت دست یافته کسی که از زیباییها و تجملات دنیا روی گردانده است.

183. در شگفتم از کسی که سرای فنا و نیستی را آباد کند و سرای پایدار و ماندنی را رها کند.
184. در شگفتم از کسی که خود را شناخته چگونه به سرای فنا نیستی انس گیرد.
185. بنده دنیا برای همیشه در فتنه و بلاست.
186. نهایت دنیا فنا و نابودی است.
187. فریب دنیا انسان را بیفکند.
188. ای دنیا فریب ده کسی را که نیرنگ ترا نداند، دام های مکر و حيله ات بر او پنهان باشد.
189. دنیا پر فریب است مایه فریب است آنچه در دنیاست و نابود شدنی است هر که در آن است.
190. (دنیا) پر فریب و پر زیان است دگرگون شونده، زوال پذیر نابود شونده و تمام شدنی است.
191. غذای دنیا زهر کشنده و اسباب و وسایل آن ریسمان های کهنه است.
192. در کناره گیری از دنیا دریافت پیروزی است.
193. وسیله تباهی دین دنیاست
194. همه سودهای دنیا زیان است.
195. به راستی که صمیمانه با هم کنار آمده اید بر دوستی دنیا و ترک آخرت.
196. دنیا با فریب هایش خود را آراسته و با زیورهایش مردم را فریفته است.
197. همه نعمتهای دنیا در هلاکت و نابودی است.

198. اندک دنیا، پایدار نیست و زیاد آن نیز از بلا ایمن نیست.

199. هر نابود شدنی اندک است.

200. هر چیزی از دنیا شنیدنش بزرگتر از دیدن آن است.

201. به حقیقت تلخ شده از دنیا هر آنچه شیرین بوده، و تیره شده است از آن هر آنچه صاف بوده است.

202. به راستی که (آن حضرت یعنی رسول خدا صلی الله علیه و آله) کوچک شمرده بود دنیا را و خار میدانست آن را و در پیش دیگران نیز آن را خار می شمرد، و می دانست که خداوند با اختیار او دنیا را از وی باز گرفت و برای دیگران از روی آزمایش پهن کرد.

203. رنج و محنت به دوستی دنیا مقرون گشته است.

204. همه آسانی های دنیا در دشواری است.

205. اندک دنیا آخرت بسیار را از بین می برد.

206. همه حالات دنیا لرزان و دارایی اش ربوده شده و در حال انتقال است.

207. هر مدتی از دنیا به سر آمدنی است و هر موجود زنده ای به سوی مرگ و نابودی است.

208. همان گونه که شب و روز جمع شدنی نیست، دوستی خداوند و دوستی دنیا جمع شدنی نیست.

209. چه بسا بنا کننده ای که در بنای خود سکونت نکند.

210. به هر اندازه که آدمی سرگرم به دنیا شود و دلبستگی خود را بدان از منظر زیاد کند به همان اندازه او را در راههای خسران در آورد و در مهلکه ها اندازد.

211. چگونه ادعای دوستی خدا کند کسی که در دلش دوستی و

محبت دنیا جای گرفته است.

212. چه بسا کسانی که به دنیا وثوق و اعتماد یافته و دنیا ایشان را به مصیبت دچار کرده است.

213. چه بسیار کسانی که به دنیا اطمینان یافته و دنیا او را بر زمین افکنده است.

214. چنان باشید که از دنیا کنده شده و به سوی آخرت شیفته گردید.

215. چنان باش که در هر زمان به دنیا بیشتر انس گرفته ای در همان حال که بیشتر از آن حذر کنی.

216. گردش روزگار خواب هائی است و لذت های آن دردهایی، و بخشش هایش نابودی و بیماریهایی است.

217. زیادی دنیا اندک و عزّتش خواری و ذلّت، و زیورهایش گمراه کننده و بخشش هایش آزمایش و فتنه است.

218. چه بسیار انسانهای با ابهت و نخوت که دنیا کوچکشان کرده است.

219. از مردمانی باشید که دانسته اند دنیا خانه آنها نیست و آن را به آخرت تبدیل کرده اند.

220. هر آن چیزی که سود ندهد زیان رساند و دنیا با شیرینی و حلاوتش بگذرد و فقر و نداری در حال داشتن توانگری و بی نیازی به خدای تعالی زیان نرساند.

221. هر آن چیزی از دنیا که از دست رفت غنیمتی است (چون به آخرت افزوده شود).

222. کسی که سرگرم دنیا است چگونه برای آخرت کار می کند.

223. هر طلوع کننده ای افولی و غروبی دارد.

ص: 169

224. تجارت نیست آنکه دنیا را بهای نفس خود بینی و پاداش آنچه را نزد خدا داری آن را بهای خود نفس بدانی.
225. کسی از دنیا به شادی و سروری نرسد مگر آنکه به دنبال آن دنیا غم و اندوهی به او رسد.
226. سایه نینداخت بر کسی ابر فراخی و وسعت زندگی، مگر آنکه فروریزد بر او ابر گرفتاری و بلایی.
227. کسی که برای دنیا کار کند زیان کرده است.
228. کسی که از دنیا دست بردارد دنیا بر خلاف میلش به سراغ او آید.
229. کسی که بخواهد پیشی گیرد بر دنیا و رسیدن بدان از دستش برود.
230. کسی که از طلب کردن دنیا دست بدارد، دنیا بسراغش آید.
231. کسی که با دنیا کُشتی بگیرد دنیا بر زمینش زند.
232. هر کس نافرمانی دنیا کند دنیا فرمانبرداری اش کند.
233. کسی که از دنیا روی بگرداند دنیا به نزدش آید.
234. کسی که، دنیا زمام اختیارش را به دست گیرد سقوطش بسیار شود.
235. کسی که دنیای خود را آباد کند جای بازگشت خود (یعنی آخرت) را ویران کرده است.
236. کسی که نسبت به دنیا زیاده طلب باشد نسبت به آنچه او را به هلاکت اندازد زیاده طلبی کرده است.
237. کسی که کمتر در طلب دنیا باشد ایمنی بیشتری را برای خود طلب کرده است.

238. کسی که خوش آید او را زیور دنیا فریب ها بر او چیره گشته و زمام امورش را به دست گیرند.

239. کسی که به دنیا راضی شود آخرت از دستش برود.

240. هر چیزی از دنیا را پایان و فنائی است.

241. به راستی که دنیا پرده را برای شما به یکسو زده و بی وفایی و بی اعتباری خود را برای همه آشکار کرده و به طور یکسان بر همه اعلام کرده است.

242. به خاطر دوستی دنیا گوشها از شنیدن حکمت کر شده و دل ها از نور بصیرت و بینایی کور شده است.

243. صاف و گوارا نگردانید خداوند دنیا را برای اولیای خود و بخل نورزید بدان برای دشمنانش.

244. هیچکس از دنیا روی خوشی ندید جز آنکه با سختی و بد حالی پشت به او کرد.

245. اگر مردم دنیا خرد ورزی میکردند (و عاقل بودند) دنیا خراب میشد (زیرا همه از دنیا دست کشیده و دنیا به ویرانه ای تبدیل میشد).

246. اگر دنیا در پیش خدا پسندیده بود آن را مخصوص دوستان خود می نمود، ولی خداوند دلهای اینان را از دنیا بگرداند و طمع هایشان را از دنیا محو کرده است.

247. کسی که از دنیا بخواهد به مقداری که خوشنودش سازد نسبتهای ناروایش به دیگران بسیار گردد و تعدی و تجاوزش طولانی شود.

248. اگر دنیا برای یکی از شما میماند (و پایدار بود) به دست کسی که اکنون در دست اوست نمی رسد.

249. کسی که در نظرش زیور دنیا خوش آید کوری چشمانش از پی آید.

250. کسی که بر فریب دنیا اعتماد کند از آنچه باید ترس داشته باشد ندانسته خود را ایمن دانسته است.

251. کسی که دلش به دوستی دنیا شیفته شد، آن دل به سه چیز چسبیده اندوهی پیوسته حرص و آزی که رهایش نکند، و آرزویی که بدان نرسد.

252. هر کس به دنیا خوش گمان شود، رنج و محنت در او جایگیر شود.

253. کسی که رغبت کند در زینتها و تجملات دنیا آن بقا و دوامی را که مطلوب او است از دست میدهد.

254. کسی که دنیا بر او چیره گشت از دیدن پیش روی خود کور می گردد.

255. کسی که دنیای خود را آباد کند دین خود را تباه نموده و آخرتش را ویران میکند.

256. کسی که دیده خود را به دنیا داران محدود کند و فقط آنها را ببیند از راه هدایت کور گردد.

257. کسی که چیزی از دنیا بخواهد از آخرت او بیش از آنچه میخواهد از دستش برود.

258. کسی که دنیا را به وسیله عمل آخرت (اطاعت و عبادت) از منظر بجوید این کار او را از آنچه می خواسته دور سازد.

259. کسی که نفس خود را از بخشش های دنیا واگذارد به راستی که عقل را به کمال رسانده است.

260. کسی که مالک چیزی از دنیا شود از آخرت خود بیشتر از آنچه را مالک شده از دست می‌دهد.

261. کسی که دنیا و بی اعتباریهای آن را بشناسد، بر آنچه به او می رسد اندوهگین نشود.

262. کسی که نیرنگهای دنیا را بشناسد فریب خواب و خیال های محال آن را نخورد.

263. کسی که به دنیا برسد در رنج است، و هر کس آن را از دست دهد در تعب است.

264. کسی که دنیا در نظرش عظیم آید و موقعیت آن در دلش جایگیر شود آن را بر خدا برگزیند و دل بسته و برده آن گردد.

265. کسی که عشق به دنیا را شعاع خویش گرداند، دنیا خاطرش را از اندوه هایی پر کند که بر سویدای قلبش برقصد و آنها عبارت است از اندوهی که سرگرمش کند، و غمی که محزونش سازد تا این که او را بخشش بگیرد در هنگام مرگ و بیفتد در فضا در حالی که رگ های قلبش پاره شده و در پیشگاه خداوند خار گشته و دیدارش بر برادران دور و منقطع گردیده است.

266. کسی که بر دنیا اعتماد کند بدبخت و محروم است.

267. کسی که خدمت دنیا کند دنیا به خدمتش گیرد و کسی که خدمت خدا کند دنیا خدمتش کند.

268. کسی که دنیا فقط هدف و اندوهش باشد روز قیامت بدبختی و اندوهش طولانی گردد.

269. کسی که از بخششهای دنیا کناره گیرد عزیز گردد.

270. از سختی و دشواری زندگی دنیاست که اجتماع دوستان را با

جدا کردن یکدیگر بر هم زند و شادمانی را به اندوه و غصه تبدیل کند.

271. از پستی دنیا نزد خداوند آن است که نافرمانی خدا جز در دنیا نشود.

272. از نکوهیدگی دنیا در پیشگاه خدا آن است که کسی جز به ترک دنیا بدانچه نزد خداست دست نیابد.

273. آنچه از دنیا پیش فرستی از آن تو است و آنچه را پس انداز کردی مال دشمن است.

274. کسی که مصاحب و همراه دنیا باشد هدف و نشانه مصیبت ها و حوادث است.

275. مرگهای دنیا آسان تر است از مرگهای آخرت.

276. چیزی همانند دنیا دین را تباه نکرده است.

277. حکایت دنیا و مثل آن همانند سایه تو است که اگر بایستی می ایستد و اگر به دنبال آن روی دور میشود و به آن نخواهی رسید.

278. چه شده است شما را به اندکی از دنیا که به دست آوردید شادمان شوید ولی اندوهگین نمیکند شما را آخرت بسیار که از آن محروم شده اید.

279. این دنیایی که در نظر تو محبوب آمده بهتر از آخرتی نیست که بدی نظر و نگاهت آن را در چشم تو زشت جلوه داده است.

280. پیروزی آخرت را نیابد کسی که دنیا خواسته و هدف او است.

281. هیچکس از مردم دنیا به لذتی از لذت های دنیا بهره مند نشود جز آنکه همین لذت برای او در قیامت غصه و اندوهی است.

282. هرچه از دنیا کاسته شود در آخرت افزوده گردد.

283. چیست تورا و دنیایی که اگر دریایی، آن را اصلاح و روبه راه

کردن آن تو را از بهره یافتن بدان سرگرم سازد و اگر بهره مند شوی از آن، تیره و تاریک کند آن بهره و لذت را بر تو چیره شدن مرگ به تو (که با آمدن آن همه لذت ها تبدیل به اندوه شود).

284. آنچه از دنیا که بدان میرسی شادی خود را بدان بسیار مکن، و آنچه را از دست داده ای با اندوه خود بر آن افسوس مخور.

285. چیست خوبی خانه ای که ویران شود همانند ویرانی ساختمان و عمری که نابود شود همانند نابود شدن توشه راه.

286. مثال دنیا مثال ماری است که ظاهر آن و دست مالیدن آن نرم است، ولی زهر کشنده در درون دارد آدم فریب خورده نادان به سویش علاقه مند شود و انسان زیرک عاقل از آن دوری و پرهیز کند.

287. بهره های دنیایی علف خشکیده ای است «وبا» خیز، پس دوری گزینید از چراگاهی که کوچ کردنش بهره مندتر از آرام گرفتن در آن است و روزی گذرای آن پاکیزه تر از ثروت و دارایی آن است.

288. نابود گشته آن کس که به دنیا آرامش یافته و دین خود را کابین و مهر آن کرده، هر جا که دنیا میل کند او نیز به همان سو میل کند، به راستی که دنیا همه اندوه او است و آن را معبود خویش قرار داده است.

289. بر خود آسان گیر و سبک گردان که کار نزدیک است، و مصاحبت کم و کوتاه، و اقامت اندک است.

290. این دنیا مرکبی است باز دارنده و دشمن پشت کننده ای است مضطرب و لرزان پر فریبی است ناسپاس

291. آنها که در دنیا شادمان بدان بوده اند در روز رستاخیز نابود شوند، و آنها که بدان اندوهگین بوده نجات یابند.

292. در موهبت های دنیا رقابت و پیشدستی نکن که موهبت های آن

293. چیزی را از دنیا پشت سر خود به جای مگذار، زیرا آنچه به جا میگذاری برای یکی از دو نفر است یا مردی است که در آن بازمانده تو، به فرمانبرداری خدا عمل کند که در این صورت خوشبخت گشته بدانچه تو بدان بدبخت شده ای و یا مردی است که در آن بازمانده به نافرمانی خدا عمل کند که در این صورت نیز تو کمک کار او در نافرمانی خدا خواهی بود و هیچکدام از این دو نفر شایستگی ندارند که تو آنها را بر خویشان مقدم بداری

294. نباید بگریه هیچ یک از شما همانند گریستن کنیز بر آنچه از دنیا که از دستش رفته است.

295. زنهار که شیفته ات نکند دنیا به عاریتهای نیکوی خود، که عاریتهای دنیا به خودش باز گردد و پی آمدهای آن از کارهای حرامی که کسب کرده ای برایت بماند.

296. در دنیا رغبت و میل نکن که آخرت زیان بار گردد.

297. مبادا فریفته دنیا شوید و مبادا مغلوب هوا و هوس گردید و مبادا زمان رسیدن مرگ و پایان عمر بر شما طولانی بنماید، آرزو شما را فریب ندهد، که آرزو چیزی از دین نیست و نمیتوان مبنای دین را بر آرزو قرار داد.

298. بلند نکن کسی را که دنیا او را بلند گردانده و افتخاری برای بلندی خود جز این ندارد.

299. نگه ندارد دنیا کسی را که به او پناه برده است.

300. شادی دنیا دوام ندارد و خوشی آن باقی نماند، و از مصیبت و بلای آن ایمنی نباشد.

301. اندک دنیا (نیز) دین را تباه سازد یعنی دنیای فاسد اندکش نیز

دین را تباه سازد تا چه رسد به زیادش.

302. شایسته است انسان از دردهای دنیا خود را مداوا کند همان گونه که بیمار مداوا می کند و از لذتها و شهوت های آن پرهیز کند همان گونه که بیمار پرهیز می کند.

303. سود ندهد عمل برای آخرت با وجود رغبت و میل درباره دنیا.

304. شایسته است برای آن کس که شرافت نفس خود را دانسته است، که آن را از پستی دنیا پاک سازد.

305. اندک دنیا بهتر است از بسیار آن و مقدار گذرای آن شایسته تر است از آنچه موجب نابود کردن انسان باشد.

306. ای در بندگان و اسیران میل و رغبت باز ایستید، که به راستی آنها که بر علاقه به دنیا ایستادگی کرده اند جز صدای دندانهای پیشین حوادث دنیا آنها را به خود نیاورد و ترساند.

307. ای بندگان دنیا و کارگران آن شما که در روز خرید و فروش میکنید و در شب هنگام نیز در بستر خود می غلطید و می خوابید، و در این میانه نیز از آخرت خود غافل هستید و عمل را پس اندازید، پس چه زمانی در ارشاد خود اندیشه میکنید و توشه ای را پیش میفرستید و چه وقت در امر معاد خویش اهتمام می ورزید.

308. اندکی از دنیا کفایت کند، و زیاد آن هلاکت آورد.

309. پرهیزید از دنیای دلفریب زوال پذیر و مورد علاقه ای که فانی شود.

310. بسا خوشی که باز گردد به ناخوشی.

311. گاه است که خوشی به ناخوشی برگردد.

312. چگونه است حال کسی که فنای او به بقا و ماندن او است و

بیماریش به تندرستی است و از همان جا که ایمن است دچار گردد.

313. هر آینه چه بسا دور که نزدیک شود و نزدیک که دور گردد.

314. کسی که برسد به نهایت آنچه را دوست میدارد باید چشم به راه باشد برای رسیدن نهایت آنچه را ناخوش دارد. در میزان الحکمه

ص: 178

1. دنیا از آن رو دنیا نام گرفته که پست ترین (نزدیکترین) چیزهاست. و آخرت از آن رو آخرت نامیده شده که سزا و پاداش در آن جاست. (م 5739)
2. مردم فرزندان دنیایند و هیچ کس برای دوست داشتن مادرش سرزنش نمی شود (م 5741)
3. مردم فرزندان دنیا هستند و فرزند بر دوست داشتن مادرش سرشته شده است. (م 5742)
4. دنیا چه سرای نیکویی است برای کسی که آن را خانه [همیشگی] خویش نداند و چه جایگاه خوبی است برای کسی که آن را وطن خود قرار ندهد. (م 5745)
5. آخرت با دنیا به دست می آید. (م 5746)
6. بد سرایی است دنیا برای کسی که خود را در آن [برای آخرت] آماده نکند و در آن بیمناک نباشد. (م 5749).
7. همانا خدای سبحان دنیا را برای پس از آن آفریده و اهل دنیا را در آن می آزماید تا معلوم شود که چه کسی نیک کردارتر است، ما برای دنیا آفریده نشده ایم و به کوشش در آن [برای به دست آوردن حطام دنیوی] مأمور نگشته ایم. (م 5750)
8. دنیا نه برای خودش که برای جز خود آفریده شده است. (م 5751).
- 9 پیش از آن که پیکرهایتان از دنیا برود، دلهای خود را از آن بیرون

برید؛ زیرا در اینجا آزمایش میشود و برای جز آن آفریده شده اید. (م5752)

10. بدانید که دنیا سرایی است که هیچ کس از آن به سلامت نمی رهد، جز با دل برکندن از آن و هیچ کس به واسطه کاری که برای دنیا کند، نجات نمی یابد مردم برای آزمایش گرفتار دنیا شده اند. آنچه را از دنیا به خاطر دنیا برگرفتند از دستشان برود و باید حساب پس دهند و آنچه را از دنیا برای غیر آن (آخرت) به دست آوردند، به آن برسند و همیشه با آنهاست. (م5758)

11. به مردی که از نیازمندی خود نزد او شکوه کرد فرمود: بدان که هر چه از دنیا بیش از قوت و نیازت به تو رسد تو خزانه دار آن برای دیگران هستی. (م5760)

12. در دنیا بیش از اندازه نیاز نخواهید و بیش از کفاف نجوید. (م5762)

13. اندک دنیا بهتر است از بسیار آن و آنچه به قدر کفایت باشد، شایسته تر است از آن مقدار که به نابودی آدمی انجامد. (م5763).

14. متاع دنیا همچون خرده ریز و بی ارزش است و مال و میراثش گل و لای و لجن. به قدر کفاف از آن برگرفتن، بهتر است از جمع کردن آن. دل برکندن از آن آرام بخش تر است تا دل بستن به آن. فزون خواه، محکوم به فقر و درویشی است و دنیا گریز در آرامش و آسودگی. (م5767)

15. سلمان فارسی رضی الله عنه هنگام مرگ اظهار تأسف و دریغ کرد. سؤال شد ای ابو عبد الله از بهر چه افسوس میخوری؟ گفت اندوه و از منظر افسوسم برای دنیا نیست بلکه چون پیامبر خدا (صلی الله علیه وآله) به ما مولا علی علیه السلام سفارش کرد و فرمود باید قوت روزانه هر یک از شما به اندازه ره توشه یک مسافر باشد من با این همه اثاثیه ای که پیرامونم هست میترسم از دستور

آن حضرت تخطی کرده باشم و سپس با دستش به اثاث خانه اش اشاره کرد و گفت: آن دیگ و شمشیر و جام.

16. این پیامبران و برگزیدگان خدا هستند که از دنیا دل برکنند و سپس مردمان صالح و پارسا در پی آنان رفتند و دنیا را چون مرداری دیدند که جز در حال ضرورت، خوردن از آن بر هیچ کس روا نیست و از آن به اندازه ای خوردند که زنده بمانند و نمیرند و دنیا را به منزله لاشه ای بس گندیده دانستند که هر کس [از آنها] بر آن می گذشت دهان [و بینی] خود را می

گرفت آنان از دنیا به کمترین قوت پسندیده میکردند... برادران من به خدا سوگند دنیا در این سرای و آن سرای در نظر کسی که اندیشه اش را ناب و فکرش را خالص گرداند گندیده تر از لاشه و نا خوشایندتر از مردار است، اما آن که کارش دباغی پوست است مانند کسی که از کنار آن لاشه و مردار می گذرد یا نزدیکش نشسته است، گندیدگی آن را حس نمی کند و بوی آن آزارش نمی دهد. (م 5769)

17. مؤمن به دنیا با دیده عبرت می نگرد و از آن به اندازه ضرورت می خورد و با گوش نفرت و دشمنی به آن گوش می دهد. (م 5771)

18. کسی که از دنیا، اندک [و به اندازه نیاز] بگیرد، مایه ایمنی بسیار به دست آورده است و هر که از آن مقدار زیادی به دست آورد، مایه هلاک خود را افزون ساخته است. (م 5772)

19. در بخشی از اندرزنامه خود به یکی از یارانش نوشت: هر که تقوای خداوند ارجمند شکست ناپذیر پیشه کند، قوی شود و از غذا و آب سیر گردد و خردش از حد دنیا پرستان فراتر رود.. حرام دنیا را پلید داند و از شباهات آن دوری گزیند و به خدا سوگند به حلال ناب دنیا نیز روی خوش نشان ندهد مگر به اندازه ای که نیاز دارد؛ مانند تکه نانی که بدنش را

- نیرو دهد و جامه ای که برهنگی اش را بپوشاند آن هم از درشت ترین و زبرترین خوراک و لباسی که به دستش میرسد و به آنچه چاره ای از آن ندارد هم اطمینان و امیدی ندارد. (م 5773)
20. دنیا سرای منافقان است نه سرای پرهیزگاران پس از دنیا به اندازه ای بهره برگیر که به بدنت نیرو دهد و زنده بمانی و توشه ای برای معادت باشد. (م 5774)
21. خداوند به دنیا وحی فرمود که: «هر که مرا خدمت می کند، خدمتش کن، و هر که تو را خدمت میکند به رنجش بیفکن.» (م 5776)
22. نصیب به سوی آن کس می شتابد که خواستار آن نباشد. (م 5779)
23. دنیا از آن کسی است که آن را رها کند و آخرت برای کسی است که آن را بجوید. (م 5780)
24. هر که برای دنیا بکوشد آن را از دست بدهد و کسی که از دنیا خواهی دست کشد دنیا به سراغش آید. (م 5781)
25. کسی که از دنیا دوری کند، دنیا برخلاف خواستش نزد او آید. (م 5782)
26. کسی که دنیا را خدمت کند دنیا او را به خدمت گیرد و کسی که خداوند سبحان را خدمت کند، دنیا به خدمت او درآید. (م 5783)
27. اگر تو به دنیا روی کنی، او به تو پشت کند و اگر تو به دنیا پشت کنی، او به تو روی آورد. (م 5784)
28. هر که در طلب دنیا بکوشد آن را از دست بدهد و هر که از آن دست شوید دنیا خود نزد او آید. (م 5786)
29. حکایت دنیا، حکایت سایه توست که اگر بایستی می ایستد و اگر دنبالش کنی دور می شود. (م 5787)

30. هیچ کس نیست که دنیا را بزرگ شمارد و چشمش در آن، روشن گردد؛ و هیچ کس نیست که (آن را خُرد نشمرد، مگر این که بدان بهره مند میشود (م 5788)

31. ای کسی که دنیا را نکوهش میکنی اما فریفته پوچیها و اباطیل آن هستی فریفته دنیایی و نکوهشش می کنی؟ آیا تو او را مجرم و گناهکار میدانی یا او تو را چنان میداند؟ دنیا کی شیفته ات کرد یا کی فریبت داد؟ دنیا برای کسی که از در راستی با آن درآید سرای راستی است و برای کسی که آن را نیک بفهمد سرای عافیت و سعادت است و برای کسی که از آن توشه بردارد سرای توانگری و بی نیازی است. (م 5791)

32. ای که دنیا را نکوهش می کنی! آیا تو بر او دعوی جرم و گناه داری یا او بر تو دعوی آن دارد؟ یکی از حاضران گفت: ای امیرالمؤمنین! من بر او دعوی جرم و گناه دارم حضرت به او فرمود: چرا آن را نکوهش می کنی؟ مگر نه این که دنیا برای کسی که با آن از در راستی درآید سرای راستی است. اگر دنیا را بر تلخیهایش نکوهش می کنی بر شیرینهایش نیز آن را بستای، در غیر این صورت رهایش کن و نه به مدح آن زبان بگشای و نه در نکوهش آن چیزی بگو. (م 5792)

33. اما بعد، چه شده است که گروهی دنیا را نکوهش و به آن پشت می کنند؟ دنیا برای کسی که با آن از در راستی درآید، سرای راستی است.. ای جابر کیست آن که دنیا را نکوهش می کند، حال آن که دنیا خود اعلان جدایی کرده است؟ پس گروهی در هنگام پشیمانی، آن را نکوهش می کنند [و گروهی دیگر آن را می ستایند] و دنیا به همه آنان خدمت کرده است. (م 5793)

34. همانا دنیا آخرین دیدرس انسان کور است و فراتر از آن را نمی بیند

اما شخص بینا و با بصیرت نگاهش را از دنیا فراتر می برد و میداند که سرای حقیقی در ورای این دنیاست پس بینا از دنیا دل برگند و کور، به آن روی آورد. شخص با بصیرت از آن توشه بر می دارد و کور، برای آن توشه فراهم می آورد. (م 5795)

35. هر که به وسیله دنیا نگاه کند و آن را آینه عبرت سازد دنیا بینایش گرداند و هر که به دنیا بنگرد و جز آن نبیند دنیا کورش سازد و رای آن را نبیند. (م 5796)

36. روایت شده است که چون عثمان بن مظعون درگذشت پیامبر صلی الله علیه و آله پارچه را از صورت او کنار زد و میان دو چشمش را بوسید و آن گاه مدتی طولانی گریست و چون تابوت را برداشتند فرمود: خوشا

به حالت ای عثمان نه دنیا جامه خود را بر تو پوشاند و نه تو جامه دنیا را پوشیدی (م 5812)

37. دنیا دوستی، منشأ فتنه ها و ریشه محنتهاست. (م 5817)

38. شیفتگی به دنیا منشأ همه آفات است. (م 5818)

39. دنیا، مایه تباهی دین و سلب یقین و راس فتنه ها و ریشه رنجها و محنتها است. (م 5819)

40. تو هرگز خداوند سبحان را با کاری زیانبارتر از دنیا دوستی دیدار نخواهی کرد. (م 5820)

41. در حدیث معراج آمده است که خداوند تبارک و تعالی فرمود: ای احمد اگر بنده به اندازه نمازهای اهل آسمان و زمین نماز گزارد و به اندازه دنیا از منظر روزه های اهل آسمان و زمین روزه بدارد و مانند فرشتگان از خوردن غذا کناره گیرد و جامه ژنده پوشان بر تن کند اما ذره ای دنیا دوستی یا شهرت طلبی یا ریاست طلبی یا زیور و زینت دنیا در دلش ببینم هرگز در

خانه ام به جوار من در نیاید و محبت خود را از دل او برگم. (م 5821).

42. جستن آنچه از دنیا که تو را اصلاح می کند دنیا دوستی نیست (م 5824)

43. دنیا را رها کن که دنیا دوستی انسان را کور و کر و لال و سرافکنده می سازد. (م 5826)

44. دنیا دوستی خرد را تباه میکند و دل را از شنیدن حکمت کر می سازد و موجب عذاب دردناک می شود. (م 5827)

45. خداوند به داوود علیه السلام فرمود: ای داوود! از دل‌های آویخته به خواهش های دنیایی پرهیز کن؛ زیرا خردهای آنان از درک من در حجابند. (م 5828).

46. هر که دنیا بر او چیره شود از دیدن آنچه فرایش اوست کور گردد. (م 5829)

47. آن که دلش غرق دنیا دوستی شود سه چیز این جهان پیوسته با او باشد اندوهی که او را رها نسازد حرصی که از او دست برندارد و آرزویی که به آن نرسد. (م 5830)

48. هر که دوستدار ماندن است باید برای مصیبت‌ها و گرفتاریها، دلی شکلیا آماده کند. (م 5832)

49. اگر به دنیا دل بندید عمر خود را در راه چیزی صرف کرده اید که نه شما برای آن می مانید و نه آن برای شما. (م 5834)

50. هر که هم و غمش دنیا باشد در هنگام جدا شدن از آن، حسرت بسیار خورد. (م 5835)

51. دنیا دوستی، موجب طمعکاری میشود. (م 5837)

52. دنیا دوست برای دیگران جمع می کند. (م 5840)

53. برخورداران از دنیا دل‌هایشان گریان است هر چند به ظاهر شاد باشند از خویشتن سخت بیزارند هر چند به سبب پاره ای از آنچه در دنیا نصیبشان شده است خوشحال باشند. م 5841

54. به سبب دنیا دوستی است که گوشها از شنیدن حکمت کر شده و دلها از دیدن نور بصیرت کور گشته است. م 5844

55. در حدیث معراج آمده است که خداوند تبارک و تعالی فرمود: ای احمد اگر بنده به اندازه نمازهای اهل آسمان و زمین نماز گزارد و به اندازه روزه های اهل آسمان و زمین روزه بدارد و مانند فرشتگان از خوردن غذا

کناره گیرد و جامه ژنده پوشان بر تن کند اما ذره ای دنیا دوستی یا شهرت طلبی یا ریاست طلبی یا زیور و زینت دنیا در دلش بینم هرگز در خانه ام به جوار من در نیاید و محبت خود را از دل او برکنم. (ح 5845).

56. آیا آزاده ای پیدا نمیشود که این خرده ریزه های لای دندانها (دنیا) را برای اهلش وا گذارد؟ بدانید که جانهای شما را بهایی جز بهشت نیست پس آنها را جز به این بها مفروشید. (م 5846)

57. این پیامبران و برگزیدگان خدا از آلوده شدن به دنیا رستند و در آنچه از دنیا که خداوند به زهدشان فرا خوانده بود، زهد ورزیدند و آنچه را خدا دشمن داشت، دشمن داشتند و آنچه را او خُرد شمرد خُرد شمردند.

(م 5847)

58. به خدا سوگند دنیای شما در نظر من به چیزی نمی ماند جز کاروانی که در آبشخوری فرود آمده باشد و ناگهان کاروان سالار آنها از منظر بانگ رحیل برآورد و آنها بی درنگ کوچ کنند؛ ولذتهای آن در نگاه من چیزی نیست مگر چونان آب جوشان دوزخ که می نوشم و چونان شرنگ که جرعه جرعه سرمی کشم و همچون زهر مار که کاسه کاسه میخورم

ص: 188

و همانند گردنبندی از آتش که به گردنم می‌آویزم. من این جبه خود را آنقدر پینه زده‌ام که از پینه دوز آن خجالت می‌کشم. او به من گفت: این جبه را مانند بیرون راندن دراز گوش از کار افتاده به دور افکن و حاضر نشد آن را پینه زند به او گفتم دور شو از من، که بامدادان، شب روان ستوده میشوند و رنج بی‌خوابی از ما زدوده می‌گردد. (م 5850)

59. به خدا سوگند، که دنیای شما در نظر من از استخوان یک خوک در دست جذامی بی‌ارزتر است. (م 5851)

60. این دنیای شما نزد من از آب بینی یک بزهم ناچیزتر است. (م 5852).

61. همانا دنیای شما نزد من بی‌ارزش‌تر است از برگ درختی که در دهان ملخی است و آن را خُرد میکند علی را به نعمتهای فناپذیر چه کار! (م 5853)

62. دنیای شما در نظر من ناچیزتر است از برگ درختی در دهان ملخی که آن را خُرد میکند و پلشت‌تر از استخوان خوکی است که جذامی دور می‌افکند و تلخ‌تر از حنظلی است که بیماری آن را می‌جود و دچار حالت تهوع می‌شود.... علی را به نعمت فناپذیر و لذت آمیخته به گناه چه کار؟ بزودی من و شیعیانم با چشمانی شب‌نخفته و شکم‌هایی لاغر و فرورفته به دیدار پروردگاران خواهیم رفت تا مؤمنان را بیالاید و کافران را نابود کند. (م 5854)

63. به نقل از عبد الله بن عباس در منطقه ذی قار خدمت امیر المؤمنین رسیدم آن حضرت مشغول وصله زدن به کفش خود بود. به من فرمود: ارزش این کفش چقدر است؟ عرض کردم ارزشی ندارد! حضرت فرمود: به خدا سوگند که این کفش را بیش از فرمانروایی بر شما دوست دارم، مگر آن که به وسیله آن حقی را برپا دارم یا باطلی را بر

64. در گذشته برادری دینی داشتم که ناچیزی دنیا در نگاهش، او را در نظرم بزرگ کرده بود. (م 5856)

65. هر که کرامت نفس داشته باشد دنیا در نگاهش خرد آید. م 5858

66. معاویه از ضرار بن ضمیره شیبانی درباره امیرالمؤمنین علیه السلام پرسید؛ ضرار گفت گواهی می دهم که در شبی تار او را دیدم که در محرابش ایستاده و می دهم محاسنش را گرفته است و مثل مارگزیده به خود می پیچد و مانند مصیبت زده گریه میکند و می فرماید ای دنیا ای دنیا از من دور شو؛ آیا خود را به من عرضه می کنی؟ یا آرزومند منی؟ مباد آن روز که مرا بفریبی هیئات دیگری را بفریب، مرا به تو نیازی نیست من تو را سه طلاقه کرده ام که رجوعی در آن نیست زندگی در تو کوتاه است و اهمیت تو اندک و امید به تو حقیر. آه از کمی توشه و درازی راه و دوری سفر و عظمت آن جا که وارد می شویم.

گفتنی است که در نهج البلاغه آمده است: «از خبر ضرار بن ضمیره ضبائی است که چون بر معاویه وارد شد معاویه از او درباره امیرمؤمنان علیه السلام پرسید و ضرار گفت گواهی می دهم که او را در یکی از عبادتگاه هایش دیدم...» دنباله حدیث با آنچه در تنبیه الخواطر آمده یکسان است. (م 5859)

67. جابر بن عبد الله را دید که آهی برکشید، فرمود: ای جابر! برای چه آه میکشی برای دنیا؟ جابر عرض کرد: آری. حضرت فرمود: ای جابر! لذتهای دنیا در هفت چیز است خوردنی، آشامیدنی، پوشیدنی، آمیزشی،

از منظر سوار شدنی بوییدنی و شنیدنی و لذیذترین خوردنی ها عسل است و آن [شیره گیاهی آمیخته بزاق مگسی باشد گواراترین آشامیدنی ها آب

است و همین بس که نوشیدنش روا و در همه جای زمین روان است و بهترین پوشیدنیها ابریشم است و آن از آب دهان کرمی باشد؛ و برترین همبستری همبستری با زنان است و آن داخل شدن مبالی است در مبالی و نزدیک شدن دو عضو همانند است و نیکوترین چیزی که در زن می جویند (زیبایی او برای لذت جویی از زشت ترین عضو او خواسته می شود؛ بهترین سوار شدنی ها اسب است و آن گشوده است؛ ارزشمندترین بوییدنیها مُشک است و آن خون ناف حیوانی باشد و بهترین شنیدنیها غنا و آواز است که آن هم گناه باشد پس آدم خردمند برای چیزهایی با این اوصاف هرگز آه نمی کشد. جابر بن عبد الله می گوید به خدا سوگند از آن زمان به بعد هرگز دنیا بر دلم خطور نکرد. (م 5863)

68. شما را از دنیا برحذر می دارم که دنیا جای شادمانی نیست. دنیا با چیزهای فریبنده خود را آراسته است و زرق و برق آن، کسی را که بدان بنگرد می فریبد (م 5864)

69. شما را از دنیا پرهیز می دهم؛ زیرا که بسیار فریبنده است و زمانی هم که دنیا پرستان به آرزوی خود برسند دنیا از این توصیف خداوند عزّو جل فراتر نیست که برای آنان زندگی دنیا را مثل بزن که مانند آبی است که آن را از آسمان فرو فرستادیم سپس گیاه زمین با آن درآمیخت و [چنان] خشک گردید که بادهای پراکنده اش کردند و خداست که همواره بر هر چیزی تواناست. (م 5868)

70. از دنیا پرهیزید، که حلال آن حساب دارد و حرام آن کیفر؛ آغازش رنج است و پایانش نابودی. (م 5869).

71. شما را از دنیا و فریفته شدن به آن بر حذر می دارم؛ زیرا دنیا به زودی از شما گرفته و جدا خواهد شد همچنان که از پیشینیان شما جدا شد.

پس، کوشش خود را در دنیا مصروف این دارید که از چند روزه کوتاه آن برای روز طولانی آخرت توشه بگیرید. (م 5870)

72. از این دنیای پر فریب بی وفا و غدار بپرهیزید؛ دنیایی که به زیورهایش خود را آراسته و با زرق و برقش دلربایی می کند. و همچون عروسی جلوه گر شده و چشمها به آن خیره گشته است. (م 5871)

73. از دنیا کاملاً حذر کنید و چون یقین دارید که به زودی از شما جدا می شود، پس بار اندوه های آن را از دوش خود بردارید و آن گاه که بیش از هر زمانی در دنیا شادید بیش از هر وقت دیگر از دنیا بر حذر باشید.

(م 5872)

74. از دنیا بپرهیزید که آن هم دشمن دوستان خداست و هم دشمن دشمنان خدا؛ زیرا دوستان خدا را اندوهگین می سازد و دشمنان او را می فریبد. (م 5874)

75. در حدیث معراج آمده است ای احمد حذر کن از این که چونان کودک باشی که هرگاه چشمش به سبز و زرد بیفتد یا ترش و شیرینی به او داده شود فریفته آن گردد. (م 5877)

76. بدانید که دنیا سرایی بس فریبنده و مگوار است. هر روزی یک شوهر می کند و هر شبی خانواده ای را میکشد و هر دم و ساعتی جمعی را از هم می پراکند. (م 5879)

77. شگفتیهای فراوان دنیا شما را نفریبد؛ زیرا اندکی از آن را با خود می برید. (م 5880)

78. آنچه برای آخرت پیش فرستی مال صاحبان آن ها است و آنچه بعد از تو ماند از آن وارثان است و آنچه اینک داری جز مایه فریب بودن تو را دستی بر آن نیست. (م 5886)

ص: 192

79. دنیا اگر روی آورد، فریب می‌دهد و اگر پشت کند، زیان می‌رساند. (م 5889)

80. اگر آنچه من از دنیا میدانم شما بدانید، جانهایتان از آن آسوده می‌شود. (م 5901)

81. درباره آیه شریفه «زیر آن (دیوار) گنجی متعلق به آن دو بود» فرمود: این گنج لوحی زرین بود که در آن نوشته شده بود ... در شگفتم از کسی که دنیا و دگرگونی‌های احوال مردمان را میبیند و باز به آن دل خوش می‌کند. (م 5905)

82. بسا کسانی که به این دنیا اعتماد کردند و دنیا آنان را دردمند کرد و بسا کسانی که به آن دل خوش کردند و دنیا آنان را به خاک [مذلت] افکند و بسا افراد محتاط و هوشمندی که دنیا فریشان داد. (م 5906)

83. از وصیت آدم به فرزندش شیث است که: به دنیای فانی دل مبنیدید؛ زیرا من به بهشت جاویدان دل بستم، اما با من وفا نکرد و از آن بیرون رانده شدم. (م 5907)

84. بخت به آنان رو کرد و بهره مند شدند و به دنیا دل بستند و پس برای آخرت آماده نشدند تا آن که گلویشان گرفته شد و به سرای مردمی کوچانده شدند که از بیشتر آنان خبر و نشانی نمانده است در دنیا دیری نپاییدند و شتابان به سوی آخرت برده شدند. (م 5909)

85. همچون دوری کنندگان از دنیا به آن بنگرید؛ زیرا دنیا بزودی ساکنانش را از خود میراند و توانگر ناز پرورده را دردمند می‌کند، پس زنهار که فراوانی آنچه از دنیا خوشایند شماست فریبتان ندهد؛ زیرا آنچه از دنیا با خود می‌برید اندک است. (م 5910)

86. به دنیا همچون بی‌رغبتان رهیده از دنیا بنگرید؛ زیرا که آن،

مأوی گزیده ساکن خود را بزودی میراند و بهره مند آسوده خاطر را دردمند میسازد به دنیایی که رفته و پشت کرده است امید بازگشت نیست و معلوم نیست در آینده چه چیز از دنیا روی خواهد کرد، تا منتظرش باشیم. (م 5911)

87. دنیا را چون بوته خار بدان و بنگر که پایت را در کجای آن می گذاری؛ هر که به دنیا تکیه کرد دنیا خوارش نمود و هر که با دنیا انس گرفت دنیا تنهایش گذاشت و هر که به آن رغبت کرد، سست و ناتوانش ساخت. (م 5912)

88. هر که دنیا و آخرت به او پیشنهاد شود و دنیا را بر آخرت برگزیند خداوند عزّ و جلّ را بدون هیچ حسنه ای که از آتش نجاتش دهد، دیدار کند و هر که آخرت را بگیرد و دنیا را فروگذارد در روز قیامت خدا را، که از وی خشنود است دیدار نماید. (م 5917)

89. هر که دنیا را بپرستد و بر آخرت ترجیحش دهد، فرجامی ناگوار خواهد داشت. (م 5918)

90. کسی که در صورت سالم ماندن دنیایش از اینکه آخرتش گزند ببند باکی نداشته باشد به هلاکت درافتد. (م 5921)

91. سوید بن غفله بعد از آن که با امیر المؤمنین بیعت خلافت بسته شد، خدمت ایشان رسیدم آن حضرت در اتاق خود بر بوریایی تنها نشسته بود. عرض کردم ای امیر المؤمنین بیت المال در اختیار توست و من در اتاق تو اثاتی که برای هر خانه ای لازم است نمی بینم؟ حضرت فرمود ای پسر غفله آدم خردمند برای خانه ای که باید ترکش نماید اثاث فراهم نمی کند. ما را سرای امنی است که بهترین متاع خود را به آن منتقل

کرده ایم و خود نیز بزودی آن جا می رویم. (م 5924)

92. هر که درهم و دینار را دوست بدارد، بنده دنیاست. (م 5926)

93. در حدیث معراج آمده است دنیا خواهان، کسانی هستند که پرخور و پرخنده و پرخواب و پرخشمند و کمتر خشنود میشوند. اگر به کسی بدی کنند، پوزش نمی طلبند و اگر کسی از آنان پوزش بخواهد، معذرت او را نمی پذیرند؛ در طاعت تنبلند و در معصیت بی باک؛ با آن که مرگشان نزدیک است، آرزوهای دور و دراز دارند از نفس خود حساب نمی کشند، کم خیرند، پرگویند، کمتر از خدا می ترسند، در موقع خوردن، بسیار شاد مانند دنیا خواهان در هنگام برخورداری، سپاسگزار نیستند و به گاه سختی، شکیبایی نمی ورزند، زیاد مردم در نظر آنان کم است، خود را به آنچه نکرده اند تعریف و تمجید می کنند و مدعی چیزی هستند که ندارند از آرزوهای خود سخن میگویند از بدیهای مردم یاد می کنند و خوبیهای آنان را پوشیده می دارند پیامبر عرض کرد: بار خدایا! آیا عیب دیگری هم در دنیا پرستان هست؟ فرمود ای احمد! دنیا پرستان عیب های زیادی دارند. آنان مردمانی نادان و احمقند در برابر معلم خود فروتنی نمی کنند، به نظر خودشان مردمانی خردمندند اما نزد فرزندان نا بخردانی بیش نیستند. (م 5930)

94. در دعا - خدایا! از تو می خواهم که تا زنده هستم زندگی مرا مرفه گردانی چندان که در طاعت تو نیرومندتر گردم و به خشنودی تو دست یابم دنیا را بر من زندان مگردان و جدایی از آن را مایه اندوه من مساز. (م 5936)

95. نیز در دعا - دنیا را بر من زندان مکن و جدایی از آن را مایه اندوه من مگردان. (م 5937)

96. در سفارشهای خود به فرزندش حسن علیه السلام فرمود: دنیا بزرگترین هم

97. کسی که بیشترین هم و غمش دنیا باشد بدبختی و اندوهش به درازا کشد. (م 5940)

98. در دعایی که پیوسته میخواند گفت پروردگارا چنان ترسی از خود، روزی ما فرما که از نافرمانی تو با زمان دارد ... و دنیا را بزرگترین هم ما و نهایت دانش ما قرار مده. (م 5941)

99. پُراج ترین مردم در دنیا، کسی است که به دنیا ارج نهد. (م 5943)

100. اگر دنیا نزد خداوند عزّ و جلّ به اندازه پر پشه ای ارزش داشت، هرگز کافر و تبهکار را جرعه ای آب نمی نوشاند. (م 5954)

101. رسول خدا (صلی الله علیه و آله) از کنار لاشه بزغاله گوش بریده ای که در یک زباله دانی افتاده بود گذشت؛ به اصحابش فرمود این لاشه چند می ارزد؟ عرض کردند اگر زنده بود شاید به درهمی هم نمی ارزید. پیامبر (صلی الله علیه و آله) فرمود: سوگند به آن که جانم در دست اوست هر آینه دنیا در نزد خداوند بی ارزشتر است از این بزغاله نزد صاحب آن. (م 5955)

102. دنیا نزد خداوند عزّ و جلّ هیچ قدر و ارزشی ندارد و در میان آفریدگانش که ما خبر داریم هیچ آفریده ای نیافریده است که در نظرش منفورتر از دنیا باشد و از زمانی که دنیا را آفریده به آن نگاه (التفات) نکرده است دنیا با کلیدها و خزانه هایش به پیامبر صلی الله علیه و آله ما پیشنهاد شد، بی آن که در مقابل آن نصیبی از آخرتش کم شود، اما آن حضرت از دنیا از منظر پذیرفتن آن سر باز زد؛ زیرا می دانست که خداوند عزّ و جلّ چیزی (دنیا) را دشمن می دارد؛ پس او نیز دشمنش داشت و چیزی (دنیا) را خُرد می شمارد او نیز آن را خرد شمرد. (م 5956)

103. از بی ارزشی و خواری دنیا نزد خدای متعال است که سر یحیی بن زکریا به فاحشه ای بنی اسرائیلی هدیه شد. (5958)

104. در بی ارزشی و پستی دنیا نزد خداوند متعال همین بس که سر بریده یحیی بن زکریا در تشتی زرّین به فاحشه ای هدیه شد این خود مایه تسلاهی آزاد مرد با فضیلتی است که مشاهده کند چگونه یک فرد دون مایه و پست به بهره ای و افراز دنیا دست می یابد، چنان که آن زن بد کاره به آن تحفه گرانسنگ دست یافت. (م 5959)

105. پیامبر خدا، کنار زباله دانی ایستاد و فرمود: بیاید دنیا را ببینید! و چند لته پاره استخوان پوسیده را از زباله دانی برداشت و فرمود: «این دنیاست!». (م 5964)

106. محبت دنیا و آخرت در دل مؤمن جمع نمی شود، همچنان که آب و آتش در یک ظرف جمع نمی شوند. (م 5976)

107. آخرین پیامبری که وارد بهشت میشود سلیمان بن داوود علیه السلام است؛ و این بدان سبب است که دنیا به او داده شد. (م 5978)

108. از جابر بن عبد الله انصاری: پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فاطمه (علیها السلام) را ا دید که تن پوشی از جُل شتر به بردارد و هم زمان، مشغول دستاس کردن و شیر دادن به کودک خویش است پس اشک از چشمان پیامبر خدا صلی الله علیه و آله روان گشت و فرمود: «دختر عزیزم! تلخی دنیا را تحمل کن تا به شیرینی آخرت بررسی فاطمه (علیها السلام) فرمود: ای پیامبر خدا! خداوند را بر نعمتهایش می ستایم و او را بر داده هایش سپاس می گویم. پس خداوند این آیه را فرو فرستاد به زودی پروردگارت به تو چندان عطا می کند که خوشنود میشوی. (م 5991)

109. دارایی و فرزندان کشته دنیایند و کارهای شایسته کشته آخرت.

گاهی خداوند این هر دورا برای مردمانی یکجا فراهم می آورد. (م 5992)

110. کشته دو نوع است کشته دنیا که ثروت و فرزند است و کشته آخرت که کارهای شایسته ماندنی است. گاهی خداوند عزّ و جلّ این هر دورا برای مردمانی یکجا فراهم می آورد. (م 5993)

111. اگر دینت را تابع دنیایت کنی، دین و دنیایت، هر دورا از بین برده ای و در آخرت از زیانکاران خواهی بود اما اگر دنیایت خود را تابع دینت کنی دین و دنیایت هر دورا به دست آورده ای و در آخرت از رستگاران خواهی بود. (م 5995).

112. درباره آیه پاداش آنان که نیکی می کنند نیکی است و چیزی افزون بر آن فرمود: نیکی بهشت است و افزون بر آن دنیا است. (م 5996)

113. بر شما باد تقوای خدا که آن جامع همه خیر و خوبی هاست و جز آن خیری وجود ندارد آنچه از خیر دنیا و آخرت به وسیله تقوا به دست می آید به وسیله هیچ چیز دیگر حاصل نمی شود. خداوند عزّ و جلّ فرموده است و به پرهیزگاران گفته شود پروردگار شما چه نازل کرده است؟ می گویند خوبی برای آنان که در این دنیا نیکی کردند، (پاداش) نیکویی است و قطعاً سرای آخرت بهتر است و چه نیکوست سرای پرهیزگاران». (م 5998)

114. درباره آیه: و مزد او را در دنیا دادیم و در آخرت نیز از صالحان است فرمود هر که برای خداوند متعال کار کند، خداوند در دنیا و آخرت مزدش را بدهد و در هر دو سرای خواسته هایش را بر آورد. (م 6000)

115. با بر آوردن خواهش های نفسانی خود از حلال، تا آن جا که به مرّوت لطمه ای نزنند و به اسراف نینجامد، به نفس های خویش از دنیا بهره ای دهید و از این طریق برای انجام امور دین خود کمک بگیرید؛ زیرا روایت شده

است که از ما نیست کسی که دنیایش را به خاطر دینش رها کند یا دینش را برای دنیایش فرو گذارد. (م 6002)

116. با همت ترین مردم مؤمن است که به کار دنیا و آخرتش اهتمام می ورزد. (م 6003)

117. در اندرز به فرزندش فرمود: فرزندم به دنیا چنان نپرداز که به آخرت زیان زند و آن را چنان رها مکن که سربار مردم شوی. (م 6004)،

118. دنیا در حقیقت به مار می ماند که بدنش نرم و گزشش سخت و درد آور است. پس از آنچه از دنیا که خوشایند توست دوری کن، که اندکی از آن را با خود می بری از هر چیز دنیا که شادی تو نسبت به آن بیشتر است، بیشتر بر حذر باش؛ زیرا هر که به شادی و سروری از دنیا دل بندد، آن شادی او را به ناخوشی و غم کشاند. (م 6006)

119. یکی از یاران رسول خدا میگوید من با پیامبر خدا صلی علیه و آله بودم دیدم که آن حضرت چیزی را از خود دور می کند. عرض کردم ای رسول خدا درود خدا بر تو و خاندانت باد، چه چیز را از خود دور می کنی؟ فرمود: دنیا در برابرم مجسم شد و من به آن گفتم: از من دور شو. دنیا دوباره برگشت و گفت: اگر تو از من گریختی، کسانی که بعد از تو می آیند از چنگ من نخواهند گریخت. (م 6007)

120. این دنیا مانند لباسی است که از بالا تا پایین دریده شده و به آخرین نخ وصل باشد که آن هم در حال گسیختن است. (م 6008).

121. دنیا به آب دریا میماند که هر چه تشنه از آن بنوشد، تشنه تر می شود تا سرانجام او را می کشد. (م 6009).

122. دنیا به صورت زنی چشم آبی در برابر مسیح علیه السلام مجسم شد. به او فرمود: چند شوهر کرده ای؟ گفت زیاد مسیح علیه السلام فرمود: همه

آنها تو را طلاق دادند؟ دنیا: گفت: نه بلکه همه را کشتم. مسیح علیه السلام فرمود پس وای بر شوهران باقیمانده تو؛ چگونه از گذشتگان عبرت نمی گیرند؟ (م 6010)

123. دنیا مانند زهر است؛ کسی آن را می خورد که نمی شناسدش. (م 6011)

124. دنیا به منزله تصویری است که سر آن تکبر است و چشمش آزمندی و گوشش طمع و زبانش ریا و دستش شهوت و پایش خودپسندی و قلبش غفلت و رنگش فنا و حاصلش نابودی. (م 6014)

125. چون حسین علیه السلام برای رفتن به کوفه آماده شد. ابن عباس خدمت آن حضرت رسید و او را به خدا و حق خویشاوندی سوگند داد که به این سفر نرود تا مبادا در طف کربلا کشته شود. حضرت فرمود: من به قتلگاه خود از تو آگاه ترم و من از دنیا جز مفارقت آن را نمی خواهم ای پسر عباس آیا داستان امیر مؤمنان علیه السلام و دنیا را برایت نگویم؟

امیر مؤمنان (صلوات الله علیه) برایم نقل کرد: من در یکی از باغ های فدک که به فاطمه (سلام الله علیها) رسیده بود با بیل مشغول کار بودم که ناگهان زنی وارد شد چون به او نگاه کردم از زیبایی او قلبم از جا کنده شد او را شبیه بشینه دختر عمر جمحی که از زیباترین زنان قریش بود دیدم. آن زن به من گفت: پسر ابوطالب، دوست داری با من ازدواج کنی تا تو را از این بیل بی نیاز گردانم و به گنجینه های زمین راهنمایت کنم که تا زنده هستی خودت و بازماندگانت پادشاهی کنید؟ من به او گفتم: از منظر تو کیستی تا تو را از خانواده ات خواستگاری کنم؟ گفت: من دنیایم. امیر مؤمنان علیه السلام فرمود: به او گفتم برو و کسی دیگر را پیدا کن و سپس بیل خود را برداشتم و با خود این ابیات را برخواندم

کسی که دنیای دون فریش داد تیرامیدش به سنگ خورد

و دنیا اگر امت هابی را بفرید چیزی به آن نمی بخشد

دنیا در چهره زیبای بئینه نزد ما آمد

و جمالش بسان همو می نمود

پس او را گفتم: کسی دیگر را بفریب که من از دنیا روی گردانم و نادان نیستم

مرا چه به دنیا، زیرا که محمد صلی الله علیه و آله و سلم

در میان آن صخره ها بر زمین افتد

گیرم که دنیا گنج ها و مرواریدهای خود

و داراییهای قارون و مُلک قبایل را به من دهد

آیا نه این است که همه اینها از بین رفتنی هستند و از گنجوران آنها خواسته میشود که بخشش کنند

پس کسی جز من را بفریب که مرا به ملک و عزت و بخشش تو رغبتی نباشد

نفس من به آنچه روزیم شده قانع است

ای دنیا برو کار خویش با غائله جویان پی گیر

من از خداوند آن روز که دیدارش کنم میترسم و از عذاب همیشگی و پایدار بیمناکم

در نهج البلاغه کیدری آن جا که شرح این فرمایش امیر مؤمنان (علیه السلام) به همّام در توصیف پرهیزگاران که دنیا آنان را خواست، اما

آنان دنیا را نخواستند می پردازد می گوید از جمله مکاشفات امیر مؤمنان علیه السلام روایتی است که امام صادق (علیه السلام) از پدرانش

نقل می کند - شارح آن حدیث را نزدیک به آنچه گذشت نقل می کند - و سپس می گوید

این است معنای این فرمایش امام علی علیه السلام: دنیا آنان را خواست، اما آنان دنیا را نخواستند. (م 6015)

126. همانا دنیا نه سرای آرام گرفتن است و نه جای ماندن شما در دنیا به کاروانیانی می مانید که در منزلی اتراق کنند و دمی بیسایند و سپس بکوچند و شب و روز راه پویند سبک بار به آن جا (دنیا) درآمدند و سنگین بار از آن کوچیدند و در منزلی که از آن دور شدند، دیگر فرود نیابند و به آن جا که ترکش کرده اند دیگر باز نگردند. (م 6019)

127. به رسول خدا (صلی الله علیه و آله) عرض شد آدمی در دنیا چگونه است؟ فرمود مانند کاروانی که میگذرد. عرض شد چقدر در آن میماند؟ فرمود به اندازه کسی که از کاروان عقب مانده است. عرض شد فاصله میان دنیا و آخرت چقدر است؟ فرمود: یک چشم برهم زدن خداوند عزّ و جلّ میفرماید روزی که آنچه را وعده داده شده اند می بینند می پندارند که در دنیا جز ساعتی از روز را نپاییده اند». (م 6020)

128. مبدا از این که میبینی دنیا پرستان به دنیا رو کرده اند و آزمندان به جان دنیا افتاده اند فریب بخوری؛ زیرا آنان (مانند سگانی عو عو کننده و درندگانی وحشی هستند که برای یکدیگر خرناس می کشند، قدرتمندان ناتوانان را فرو می بلعند و بالا دستان زیر دستان را مغلوب خود می سازند چارپایانی هستند که گروهی در بندند و شماری یله و رها، و خردهای خویش را از دست داده اند و بیراهه می روند (م 6022)

129. مرا با دنیا چه کار؟ همانا حکایت من و دنیا حکایت مسافری از منظر است که در یک روز تابستانی برای خواب نیمروز در سایه درختی فرود می آید و سپس آن جا را ترک می کند و می رود. (م 6025)

130. آیا دنیا جز مانند چیزی است که کسی با انگشت خود می لیسد

و شیر آمیخته با آب که کسی می نوشد و چرتی که خواب آلود میزند؟ (م 6029)

131. در شگفتم از کسی که دنیا این سرای فنا را آباد می کند، در حالی که در سرای بقا فرود می آید! (م 6035)

132. در مناجات خویش گفت: الهی چگونه می توان در سربازی راه پیمود که در آن چاله هایی بر سر راه ما حفر شده که از پای در می آورد؟ ... الهی از مکر و نیرنگهای دنیا به تو پناه میبریم و برای گذشتن از پُل دنیا

از تو مدد می جوییم. (م 6037)

133. روایت شده است که جبرئیل (علیه السلام) به نوح علیه السلام گفت: ای کهن سال ترین پیامبران دنیا را چگونه دیدی؟ نوح گفت: همچون خانه ای دو در، که از یک در وارد شدم و از در دیگر بیرون رفتم. (م 6043)

134. آنچه از دنیا هست بزودی نخواهد بود و آنچه از آخرت هست همیشه خواهد بود و هر آنچه آمدنی است نزدیک است. آخرت بزودی فرا می رسد. (م 6046).

135. دنیا ساعتی بیش نیست پس آن را در طاعت [خدا] بگذرانید. (م 6047)

136. بر طاعت خدا صبر کن و در ترک معاصی خدا شکیباش؛ زیرا دنیا ساعتی بیش نیست آنچه از دنیا سپری شده است نه شادی اش را احساس کنی و نه غمش را؛ و آنچه هنوز نیامده است، نمی دانی که چه

خواهد بود؟ پس بر ساعتی که در آنی شکیباش و شادمان. (م 6048)

137. دنیا در نظر خردمندان چون حرکت سایه است؛ هنوز پهن نشده جمع میشود و دراز نشده، کوتاه می گردد. (م 6051)

138. هیچ یک از شما در این دنیا به شادی ای نرسید، جز آن که دنیا

در پی آن او را گریان کرد و در زیر بال امن و آسایش شب را به صبح نرساند مگر آن که از فرود آمدن بلایی سخت یا از دست شدن نعمتی یا از بین رفتن سلامت و عافیتی ترسان شد و در پس همه اینها مرگ است. (م 6073)

139. خدا را گواه میگیرم که در این دنیا به نعمتی شاد کننده نمی رسید مگر با از دست دادن نعمتی دیگر که مایه اندوه شما را فراهم می آورد. (م 6074)

140. هیچ کس از دنیا شادمانی ندید جز این که دنیا در پی آن، به او اشک داد و از خوشی های این دنیا به کسی نرسید، جز آن که در پی آن رنجها و ناخوشی هایش را نصیب او کرد باران فراخی و نعمت آن کسی را تر نکرد، جز آن که ابر بلا و محنت بر او باریدن گرفت. (م 6075)

141. دنیا نوبتی است و دولت آن دست به دست می گردد. پس نصیب خود را از دنیا به زیباترین شکل طلب کن تا نوبت دولت تو فرا رسد. (م 6079)

142. روزگار بدنهارا می فرساید و آرزوها را تازه می کند، مرگ را نزدیک میگرداند و آرزو را دور می سازد هر که به روزگار دست یابد، به رنج افتد و هر که از دست دهد، رنجور شود. (م 6098)

143. روزگار زه کمان خود را بسته است تیرهایش خطا نرود و زخمهایش درمان نشود زنده را هدف تیر مرگ قرار می دهد و تندرست را آماج تیر بیماری و نجات یافته را هدف تیر هلاکت. (م 6101)

144. روزگار دو روز است؛ روزی به کام تو و روزی به زیان تو چون به دنیا از منظر کام تو بود سرمست مشو و چون به زیان تو بود غمناک مباش؛ زیرا هر دو مایه آزمایش توست. (م 6105)

145. روزگار دو روز است؛ روزی با توست و روزی بر تو اگر با تو بود

سر مست مشو و اگر بر تو بود ببقراری مکن. (م 6106)

146. روزگار، دوروز است، روزی به کام تو و روزی به زیان تو هرگاه به کام تو گشت سر مست مشو و چون به زیان تو شد، شکیبیا باش. (م 6107)

147. در سفارش به فرزند خود حسن علیه السلام فرمود فرزندم بدان که روزگار همواره چهره عوض میکند و دیگرگون می شود؛ پس چونان کسی مباش که زمانه (را) سخت سرزنش می کند و عذرش نزد مردمان

اندک است. م 6108

148. در برابر روزگار جز از خرد نتوان کمک گرفت. (م 6110)

ص: 205

روایت شده است که سلیمان بن داوود (علیهما السلام) با گروه همراه خود میرفت در حالی که پرندگان بر او سایه افکنده بودند و جنیان و آدمیان از راست و چپ او حرکت میکردند بر عابدی از عابدان بنی اسرائیل گذشت عابد گفت: ای پور داوود به خدا سوگند که خداوند، سلطنت با عظمتی به تو عطا کرده است.

سلیمان علیه السلام که سخن او را شنید گفت یک ذکر «سبحان الله» در کارنامه مؤمن بهتر از آن چیزی است که به فرزند داوود داده شده است؛ زیرا آنچه به فرزند داوود داده شده می رود و ذکر تسبیح می ماند. (1)

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: زمانی که خداوند، نوح علیه السلام را به پیامبری در میان قومش برانگیخت، دویست و پنجاه سال از عمر نوح می گذشت و نهصد و پنجاه سال نیز در میان قومش دعوت کرد و پس از توفان نیز دویست و پنجاه سال ماند و با این حال چون ملک الموت نزد او آمد گفت ای نوح ای بزرگترین پیامبران ای صاحب عمر دراز، ای مستجاب الدعوه دنیا را چگونه دیدی؟ نوح علیه السلام گفت: «مَثَلُ مَرْدِيْ كِهْ بَرَايشْ خَانِهْ اِيْ بِنَا شُوْد، بَا دُو دَر، كِهْ اَز يَكِيْ دَر اَيْدِ وَا ز دِيْگَرِيْ بِيْرُوْن رُوْد». (2)

ص: 209

1- کتاب دنیا و آخرت از محمدی ری شهری ج 1 ص 47

2- کتاب دنیا و آخرت از محمدی ری شهری ج 1 ص 47

لقمان علیه السلام به فرزندش میگفت فرزندم دنیا، دریایی است که نسلهای فراوانی در آن غرق گشته اند. پس باید که کشتی تو در این دریا پروای از خدای تعالی داشته باشد و گذرگاهت ایمان به خدا و بادبانش توکل باشد تا نجات یابی فرزندم هرچند با این همه گمان نمی کنم که نجات یابی. (1)

بر پایه آنچه در تبیین معنای دنیا از نگاه قرآن و حدیث آمد دنیا به خودی خود، نه مذموم است و نه ممدوح؛ بلکه همچون مزرعه ای است که اگر تخم بدی در آن کشت شود حاصل آن زیانبار و نکوهیده است و اگر تخم نیکی در آن کاشته شود، حاصل آن سودمند و ستوده است. از این رو، تعارضی میان احادیثی که میگویند دنیا مزرعه خیر است و احادیثی که دنیا را مزرعه شر می دانند، وجود ندارد. (2)

ص: 210

1- کتاب دنیا و آخرت از محمدی ری شهری ج 1 ص 47

2- کتاب دنیا و آخرت از محمدی ری شهری ج 1 ص 220

امام علی علیه السلام در وصف دنیا: دنیا سرای کیفر و زوال، و نابودی و بلاست روشنایی آن تاریکی است و عیش آن، مکدر. توانگرش نادار، تن درستش ناخوش و عزیزش خوار هر برخوردار از نعمتهای آن شوربخت است و هر سرمست از زر و زیورهای آن فریفته آن گاه که پرده کنار برود، پشیمانی بالا می گیرد و آغاز [کار]، ستایش یا نکوهش می شود. (1)

دنیا، پر مصیبت است. آبشخورهایش تلخ است و دوستی را از دوستی بهره مند نمی گرداند. (2)

چشم روزگار به ناگواری ها پلک میزند و مردم در میان پلک های او قرار دارند. (3)

زندگی دنیا، کالایی بیش نیست و کالای دنیا، دیر فراهم می آید و اندک به کار می آید و زود از کف می رود. (4)

در شگفتم از کسی که دنیا این سرای نیستی را آباد می کند، حال آن که در سرای ماندگاری اقامت خواهد گزید. (5)

ص: 211

1- بحار الانوار ج 78 ص 22 84

2- شرح نهج البلاغه بن ابی الحدید ج 20 ص 271 ح 140

3- ارشاد القلوب ص 112

4- تنبیه الخواطر ج 2 ص 102

5- اعلام الدین ص 296، بحار الانور ج 78 ص 94 ح 107

از عیبهای دنیا همین تو را پس که نمی ماند. (1)

دنیا چون مرغزاری است که گیاهانش قد کشیده و بیننده اش را خوش می آید آبش گواراست و خاکش خوش. از آوندهایشان تری می تراود و از شاخه هایشان ژاله می چکد و چون سبزه هایش رشد کنند و گل و گیاهانش قامت بیفزایند به ناگاه بادی وزیدن می گیرد و برگها را فرو می ریزد و آن همه نظم و هماهنگی را از هم می پراکند و چنان می شود که خداوند فرموده است:

و چنان خشک گردید که بادهای پراکنده اش کردند، و خداست که همواره بر هر کاری تواناست دنیا را بنگرید که از آنچه شما را خوش آید چه فراوان دارد و آنچه شما را سودمند می افتد چه اندک دارد. (2) یونس 24

حکایت شما و حکایت دنیا به سان مسافرانی است که در راهی قدم گذاشتند و گویی آن را پشت سر نهاده اند و به سوی نشانی رفتند و چنان است که بدان رسیده اند. آن که [مرکب خویش را] به سوی هدفی تازاند چند امید است که بتازد تا بدان رسد و آن که عمر یک روزه ای بیش ندارد و جوینده ای شتابان (یعنی مرگ) در دنیا او را می راند تا از دنیا جدا شود، چند امید است که بماند؟! (3)

ای مردم! دنیا نه سرای شهادت و نه ماندنگاهتان است؛ بلکه شما در آن به سان کاروانی هستید که اواخر شب در جایی اتراق می کنید و می آسایند و صبحگاهان بر میشینند و می کوچند زود در می آیند و زود می روند از رفتن گزیری نمی یابند و به آنچه برجای نهاده اند بازگشتی

ص: 212

1- المواعظ العددیه ص 60

2- کافی ج 8 ص 317

3- بحار الانور ج 89 ص 237 ح 68

ندارند آنان را به شتاب وا داشتند و شتافتند، و به دنیا میل کردند و خود را آماده نساختند تا آن که حلقومشان گرفته شد و به سرای مردمانی درآمدند که قلم هایشان خشکید و از بیشتر آنان نام و نشانی نماند. در دنیا، اندک ماندند و زود، رهسپار آخرت شدند و شما در خانه های آنان، مقیم شدید و در پی آنان می کوچید و مرکب ها بی هیچ خستگی و سستی، شما را می برند روزتان جسمهای شما را می فرساید و شبتان جانهای شما را می برد و شما حکایتگر حال آن رفتگان میشوید و به راه آنان می روید. پس زنده که زندگی دنیا شما را نفریبد؛ چه شما در دنیا مسافرانی هستید فرود آمده در این منزلگاه و مرگ در میان شما فرود آمده و با تیرهای نابودی آماجتان قرار داده و مرکب های آن خبرهای شما را به سوی سرای پاداش و کیفر و سزا و حساب می برد. (1)

ای آن که خویشتن را به دنیا سرگرم ساخته ای و بر ریسمان های [پوسیده] آن می دوی و در آباد کردن دنیایی که به زودی خراب می شود، می کوشی آیا به گورهای پوسیده پدرانت و پیکرهای خفته در زیر سنگ ها و خاکهای فرزندان ننگریسته ای؟ چه بسیار کسانی که با دست خود پرستاری شان کردی و به معالجه آنان پرداختی، از پزشکان برایشان نسخه و دارو خواستی و از دوستان برایشان رضایت طلبیدی؛ اما تلاش تو سودشان نبخشید و دارو و درمانت در آنان کارگر نیفتاد. (2)

وای بر کسی که [مال] دنیا را جمع کند و آن را برای کسی به ارث بگذارد که از او سپاس گزاری نمی کند و [خود] بر کسی (خداوند) وارد شود که عذر و بهانه اش را نمی پذیرد دنیا سرای منافقان است و سرای تقواییشان نیست پس باید بهره ات از دنیا به اندازه ای باشد که قوت

ص: 213

1- بحار الانور ج 77 ص 348 ح 30

2- بحار ج 69 ص 319 ح 35

بدنت نگهدار جانت و توشه ای برای معادت باشد. (1)

بدانید که دنیا سرایی فریبکار و نیرنگباز است، هر روز شوهری می کند و هر شب، خانواده ای را می گُشد و هر ساعت، انجمنی را از هم می پاشاند. چه بسیار مردمانی از ملت های پیشین که در پی دنیا کوشیدند و به آن گراییدند؛ اما دنیا به ورطه نابودی افکندشان و به سختی نابودشان کرد و به کلی آنان را درهم شکست و به کام دوزخ سپردشان! (2)

در مناجات: معبود من چگونه شاد باشیم در سرایی که در آن برای ما گورها حفر شده و دام های بی وفایی اش با دستان مرگ، رشته شده و جرعه های شرنگش را به زور به ما نوشانده است و نفس ما را از پایان پذیری زندگی اش آگاه ساخته است؛ اگر نبود که این نفسها به خرمی لذت هایش میل کرده اند و فریفته زرق و برقهای فراوان و فناپذیر آن شده اند. معبود من از ترفندهای فریبکارانه دنیا به تو پناه می بریم و برای گذشتن از پُل آن از تو یاری می جویم (3)

در نکوهش دنیا: بد سرایی است برای کسی که از آن نهراسد و در دنیا، بیمناک نباشد و بدانید و میدانید که به ناچار دنیا را ترک خواهید کرد، و دنیا چنان است که خداوند وصف کرده است بازی و سرگرمی و آرایش و فخر فروشی میانتان و فزون جویی در دارایی ها و فرزندان است. (4)

ص: 214

1- بحار ج 78 ص 23 ح 86

2- بحار ج 77 ص 374 ح 36

3- بحار ج 94 ص 104 ح 14

4- بحار ج 73 ص 98 ح 81 پیامبر خدا صلی الله علیه و آله دنیا برای برادرم عیسی بن مریم (علیهما السلام) به صورت زنی مجسم شد عیسی به او گفت: آیا تو شوهر داری؟ دنیا گفت: آری؛ شوهرهای بسیار عیسی علیه السلام گفت: «آنها زنده اند؟» گفت نه همه آنها را کشته ام. در این هنگام عیسی فهمید او دنیا است که برایش مجسم شده است. کنز العمل ج 3 ص 236 ح 6324

دنیا، سرای کسی است که سرایی ندارد و کسی به آن شاد می شود که خرد ندارد پس دنیا را در جایگاه واقعی خودش قرار دهید. (1)

فرمود: من در یکی از باغهای فدک که به فاطمه (علیها سلام) رسیده بود، با بیل مشغول کار بودم که ناگهان زنی سرزده بر من در آمد. به دیدن جمال او، قلبم از جا کنده شد. او را شبیه بُئینه دختر عامر جُمحی - که از زیباترین زنان قریش بود - دیدم آن زن به من گفت: ای پسر ابوطالب! دوست داری با من ازدواج کنی تا تو را از این بیل، بی نیاز گردانم و گنجینه های زمین را به تو نشان دهم که تا زنده ای، خودت و پس از تو بازماندگانت پادشاهی کنید؟

به او گفتم تو که هستی تا تو را از خانواده ات خواستگاری کنم؟

گفت: من، دنیایم.

گفتم: برو و شوهری جز من بجوی. (2)

دنیا وقتی می آید سوار بر الاغی کُند رو می آید و وقتی می رود، با براق می رود (3)

از این دنیای مگار فریبکار، بر حذر باشید ... که دنیا در نزد خداوند هیچ قدر و وزنی ندارد و تا آن جا که به ما خبر رسیده است، خداوند هیچ مخلوقی نیافریده است که در نزد او منفورتر از دنیا باشد، و از زمانی که دنیا را آفرید به آن نگاه نکرد. کلیدها و خزانه های دنیا به پیامبرمان محمد (صلی الله علیه و آله) پیشنهاد شد، بی آن که از بهره آخرتش چیزی کم شود؛ اما او از پذیرفتن آن سر باز زد؛ زیرا می دانست که خداوند چه چیز را ناخوش می دارد، او هم آن را ناخوش داشت، و چه چیز را کوچک

ص: 215

1- شرح نهج البلاغه ج 20 ص 309 ح 542

2- دنیا و آخرت ری شهری ص 309

3- شرح نهج البلاغه ج 20 ص 293 ح 352

می شمارد، او هم کوچکش شمرد و آنچه را خداوند پایین آورده است، او بالا نبرد و آنچه را خداوند کم قرار داده او زیادش نگرداند. اگر درباره خُردی دنیا در نزد خداوند تو را جز همین اندازه خبر نداده بود که خداوند آن را کوچک تر از آن دانسته که خوبی اش خوشی اش را پاداشی برای اهل طاعت قرار دهد و کیف‌هایش را کیفی برای اهل معصیت همین کفایت می کرد. (1)

چون روز قیامت شود، دنیا با زیباترین زیور خود می آید و می گوید: پروردگارا مرا به یکی از دوستانت ببخش. خداوند متعال فرماید: «برو، که تو هیچی تو در نزد من بی ارزش تر از آبی که به یکی از دوستانم ببخشم. پس مانند پارچه ای کهنه مچاله و در آتش افکنده میشود. (2)

به خدا سوگند که دنیای شما در نظر من نیست مگر به سان کاروانیانی که در آبگاهی فرود آمده باشند و ناگهان کاروان سالارشان بانگ کوچ برآورد و آنها بکوچند و خوشی های آن در نگاه من نیست، مگر چونان چرکابه جوشانی که بنوشم یا حنظلی شرنگین که جرعه جرعه سر کشم یا زهر ماری که کاسه کاسه به کامم ریخته شود، یا گردنبد آتشیانی که به گردنم آویزند من این تن پوش خود را چندان پینه زده ام که دیگر از پینه دوز آن خجالت می کشم. او به من گفت: این را همچون ماده الاغ ها به دور انداز و حاضر نشد که آن را وصله کند. بدو گفتم: از من دور شو، که در بامدادان، شبروان ستوده می شوند و رنج بی خوابی از ما زدوده می شود. (3)

از این دنیای حيله گر فریبنده بر حذر باشید؛ دنیایی که خویشتن را

ص: 216

1- بحار ج 73 ص 108 و 110 ح 109

2- کنز العمال ج 3 ص 718 ح 8561

3- بحار ج 40 ص 345 ح 2

با زیورهایش آراسته و با فریبایی اش مفتون می سازد و با آرزوهایش می فریبد و برای خواستگاراناش خودآرایی می کند، و همچون عروس نقاب برکشیده ای شده است که چشمها بدو خیره گشته، و جان ها شیدایش شده و دلها شیفته اش گردیده اند و در حالی که او قاتل همه شوهران خویش است نه شوهران آینده از شوهران گذشته عبرت می گیرند، و نه بدرفتاری او با اولی، عامل بازدارنده آخری است، و نه خردمند از این تجربه ها سود می برد. (1)

دنیا حيله گر است و به خاک افکن و نیرنگباز و فریبنده و افسونگر جویبارهایش درخشان و میوه های رسیده اند و ظاهرش خوش و باطنش پوچ است. با دندانهای مرگ شما را می خورد، و با بلاهای ویرانگرش نابودتان می کند. مردم در دنیا برای مرگ زاده می شوند، با این حال، زینت دنیا را برگزیدند و جاه آن را طلبیدند نادان مردی است آن مرد که شیفته لذتهای دنیا شد و به شادی آن دل خوش کرد، و از خیانت آن آسوده خاطر گشت دنیا با مصیبت های شما را در میان گرفته و با تیرهای مرگش شما را نشانه رفته است. او پیوسته جانهای شما را می ستاند و شما پیوسته برای او [ثروت] گرد می آورید برای مرگ زاده می شوید، و به سوی گورها میبرندتان، و در بستر خاک می خوابانندتان، و به دست کرم ها می سپارندتان و برای حسابرسی برانگیخته خواهید شد. (2)

بار خدایا دنیا را برایم زندان مگردان و جدایی آن را مایه اندوهم مساز. به تواز دنیایی که مرا از آخرت محروم گرداند و از امیدی که مرا از عمل باز بدارد و از زندگی ای که مرا از بهترین مردن محروم سازد، به تو پناه می

ص: 217

1- بحار ج 73 ص 108 ح 109

2- بحار ج 77 ص 371 ح 35

دنیا، مؤنث آدنی (نزدیکتر) از ریشه «دنو» به معنای «نزدیک بودن» است و برای زندگی قبل از مرگ صفت واقع می شود در مقابل «آخرت» که برای زندگی پس از مرگ صفت واقع می شود. (2)

با تأمل در آیات و احادیثی که کلمه «دنیا» در آنها به کار رفته است، روشن میشود که این واژه در احادیث اسلامی سه کاربرد دارد:

1. جهان پیش از مرگ و زندگی در آن (در مقابل جهان پس از مرگ و زندگی در آن). این کاربرد هماهنگ با معنای لغوی «دنیا» است.

2. بهره گیری از امکانات جهان پیش از مرگ در جهت تأمین نیازهای مادی و معنوی، و دنیوی و اخروی در کنار هم.

3. بهره گیری از امکانات جهان پیش از مرگ در جهت تأمین خواسته های مادی به بهای از دست دادن ارزشهای معنوی و آسایش اخروی. دنیا به معنای اول از آیات الهی و نشانه های حکمت و قدرت اوست، به معنای دوم دنیای ستوده و به معنای سوم دنیای نکوهیده است. (3)

اعجاز در بیان حقیقت دنیا و آخرت آنچه در قرآن و احادیث اسلامی در تبیین حقیقت دنیا و آخرت و چگونگی برخورد با آنها آمده، حقیقتاً در حدّ اعجاز است. با تأمل میتوان به روشنی دریافت که اندیشه انسان، بدون ارتباط با مبدأ وحی نمیتواند با چنین دقتی که در احادیث اسلامی دیده می شود میان دنیایی که مزرعه آخرت است و دنیایی که در برابر آخرت قرار دارد مرزبندی کند و راه نجات از دام دنیای نکوهیده را بشناسد و او را به آبادسازی سرای همیشگی در کنار آباد کردن سرای زندگی موقت

ص: 218

1- نثر الدر ج 1 ص 284

2- دنیا و آخرت ج 1 ص 14

3- دنیا و آخرت ج 1 ص 16

در ترغیب به بی‌اعتنایی به مال و فرزند کسی را که از دنیا می‌رود و برای آن حسابرسی میشود چه به کار می‌آید؟! برهنه به دنیا در آمدید و برهنه از آن برون می‌روید دنیا در حقیقت پلی است. پس از آن بگذرید

و مراقبش باشید. (2)

امام علی علیه السلام در دیوان منسوب به ایشان { دنیا چون سایه ناپایدار است / یا چون میهمانی که شبی بیتوته کند و سپس برود. } { یا چون رؤیایی که خفته میبیند / یا چون آذرخشی که در افق آرزو بر می‌جهد. } (3)

ص: 219

1- دنیا و آخرت ج 1 ص 8

2- ارشاد القلوب ص 19 امام صادق: نوح علیه السلام دو هزار و سیصد سال عمر کرد هشتصد و پنجاه سال آن را پیش از آن که برانگیخته شود نهصد و پنجاه سال را به دعوت قومش پرداخت و پانصد سال پس از آن که از کشتی فرود آمد و آب فروکش کرد و شهرها را ساخت و فرزندان را در آبادی‌ها اسکان داد. ملک الموت، نزد او که در گوشه آفتاب نشسته بود آمد و گفت سلام بر تو نوح جواب سلامش را داد و گفت: برای چه آمده ای ای ملک الموت؟» گفت آمده ام که جان تو را بگیرم. نوح (علیه السلام) گفت: اجازه بده که از آفتاب به سایه بروم ملک الموت گفت: باشد. نوح علیه السلام به سایه رفت و سپس گفت: ای ملک الموت این همه عمری که در دنیا سپری کردم، همانند این رفتنم از آفتاب به سایه بود حالا مأموریتت را اجرا کن ملک الموت نیز جان نوح علیه السلام را گرفت. کافی ج 8 ص 284 ح 429 امام علی علیه السلام در نکوهش دنیا در هنگام برگشتن دنیا از شما به یاد آورید که دنیا بر شما زود می‌گذرد محکوم به زوال است و عرصه اش تنگ. آیا شما را به مانند کسانی که پیش از شما بودند نیافت و پیشینیان شما را نیز به مانند پیشینیان آنان نسلی از پی نسلی و امتی از پس امتی و قومی از پس قومی؟ پس دنیا از تنگ و از رسوایی‌ها شرم نمیکند و از خیانت و بی‌وفایی خجالت نمی‌کشد. بحار الانوار ج 73 ص 115 ح 109 امام علی علیه السلام: نمی‌بینی که دنیا ساعتی است میان دو ساعت: ساعتی که گذشته و ساعتی که باقی مانده و ساعتی که تو در آنی؟ بحار الانوار ج 73 ص 112 ح 109 در دنیا زندگی می‌کنید؛ اما برای آخرت آفریده شده اید عیون اخبار الرض ج 1 ص 298 ح 56

3- عیون اخبار الرضا ج 2 ص 177 ح 7 پیامبر خدا صلی الله علیه و آله ش: زمانی که خداوند نوح علیه السلام را به پیامبری در میان قومش برانگیخت، دو بیست و پنجاه سال از عمر نوح میگذشت و نهصد و پنجاه سال نیز در میان قومش دعوت کرد و پس از توفان نیز دو بیست و پنجاه سال ماند و با این حال چون ملک الموت نزد او آمد گفت ای نوح ای بزرگترین پیامبران ای صاحب عمر دراز ای مستجاب الدعوه دنیا را چگونه دیدی؟ نوح علیه السلام گفت: «مثل مردی که برایش خانه ای بنا شود با دو در که از یکی در آید و از دیگری به در رود. تفسیر القرطبی ج 13 ص 333

بهترین شما کسی است که آخرتش را به خاطر دنیایش فرو نگذارد و دنیایش را به خاطر آخرتش. (1)

برای دنیایت به اندازه ماندنت در آن کار کن. (2)

ای پسر آدم تو را از سهم دنیایت بی نیازی نیست؛ اما به سهم آخرت نیازمندتری. (3)

ص: 220

1- کنز العمال ج 2 ص 732 ح 8604

2- جمع الاخبار ص 511 ح 1432

3- شرح نهج البلاغه ج 20 ص 321 ح 688 امام صادق می فرمود: مردی بر پیامبر صلی الله علیه و آله وارد شد در حالی که ایشان بر بوریایی خفته بود و بالشی از لیف خرما زیر سر داشت و اثر زبری آن بوریا و بالش بر بدن و گونه پیامبر (صلی الله علیه و آله مانده بود. مرد شروع به دست کشیدن [بر جای بوریا] کرد و می گفت: کسرا و قیصر به این چیزها رضایت ندارند آنان بر بستر حریر و دیبا می خفتند و تو بر چنین بوریایی؟! پیامبر خدا (صلی الله علیه و آله) فرمود: «سوگند به خدا که من از آنها بهترم به خدا سوگند که من از آنان گرامی ترم مرا چه به دنیا؟ حکایت دنیا در حقیقت حکایت مردی سواره است که از درختی میگذرد و آن درخت را سایه ای است و در سایه آن فرود می آید و چون سایه اش می رود او می کوچد و میرود و درخت را رها میکند (بحار الانوار ج 73 ص 124 126) حکایت دنیای شما در نزد من نیست مگر به سان حکایت ابری که به تدریج بالا و بالاتر می آید و سید تبر و پُر میشود و سپس از هم می پراکند و از بین میرود (معادن الحکمکه ج 1 ص 381 ح 68) لقمان به فرزندش میگفت: «فرزندم دنیا دریایی است که نسلهای فراوانی در آن غرق گشته اند پس باید که کشتی تو در این دریا پروا از خدای تعالی باشد و گذرگاهت، ایمان به خدا و بادبانش توکل باشد تا نجات یابی فرزندم هرچند با این همه گمان نمیکنم که نجات یابی (قصص الانبیاء ص 190 ح 238) لقمان حکیم چون از شهر خویش برون شد در آبادی ای در موصل فرود آمد که بدان کوملیس. گفتند چون در آن آبادی طاقش طاق شد و غمّش بالا گرفت و در آن آبادی کسی نبود که او را در کارهایش کمک کند و از غم و تنهایی به در آورد در به روی خویش بست و فرزندش را به درون خواند و به اندرز دادن وی پرداخت و گفت: فرزندم دنیا، دریای ژرفی است که انسانهای بسیار در آن نابود شدند. از کار دنیا توشه برگیر و کشتی ای بساز اندرونش از تقوای الهی سپس با آن کشتی گرداب های این دریا را بیمای تا نجات یابی گرچه باز هم می ترسم که نجات نیابی فرزندم آن کشتی ایمان است و بادبانش توکل و سگّانش شکیبایی و پاروهایش روزه و نماز و زکات فرزندم هر که بی کشتی به دریا برود غرق می شود» (بحار الانوار ج 13 ص 427 ح

(22)

دنیا، مرکب مؤمن است که با آن به سوی پروردگارش سفر می کند. پس مرکب هایتان را به سازید تا شما را به پروردگارتان برسانند. (1)

پیامبر خدا شب که میشد میگفت ... بار خدایا! تو از همه حاجت هایم آگاهی و به برآوردن همه آنها توانایی. بار خدایا! امشب هر حاجتی که دارم برآورده ساز و در دنیایم میفزای و از آخرتم مکاه ...». صبح که میشد نیز چنین دعایی می کرد. (2)

خیر دنیا و آخرت در رازداری و دوستی با خوبان گرد آمده است، و بدی در افشای راز و دوستی با بدان، جمع شده است. (3)

خیری که شری در آن نیست سپاس گزاری بر نعمت است و شکیبایی در گرفتاری و مصیبت (4)

خیر دنیا و آخرت در دو چیز است توانگری و پرهیزگاری. (5)

به هر کس در دنیا چهار خصلت داده شود خیر دنیا و آخرت به او داده شده و به بهره خود از هر دو رسیده است: پارسایی ای که او را از حرام های خدا نگه دارد؛ خوش خویی ای که با آن در میان مردم زندگی کند؛ بردباری ای که با آن نادانی و جسارت نادان را دفع کند؛ و همسر شایسته

ص: 221

1- شرح نهج البلاغه ج 2 ص 317 ح 640

2- کنز العمال ج 2 ص 634 ح 4951

3- بحار الانوار ج 74 ص 178 ح 17

4- تحف العقول ص 234

5- شرح نهج البلاغه ج 20 ص 301 ح 446

ای که او را در کار دنیا و آخرت، کمک کند. (1)

مردی نزد پیامبر (صلی الله علیه و آله) آمد و گفت: به من کاری بیاموز که خداوند، به سبب آن مرا دوست بدارد و آفریدگان نیز دوستم بدانند، و خدا دارایی ام را فزون گرداند و تندرستم بدارد و عمرم را طولانی گرداند و مرا با تو محشور کند فرمود: «اینها [بی که گفتی] شش چیز است که به شش چیز نیاز دارد اگر می خواهی خدا تو را دوست بدارد از او ترس و تقوا داشته باش اگر می خواهی آفریدگان دوستت بدانند به آنان نیکی کن و به آنچه دارند، چشم مدوز اگر می خواهی خدا دارایی ات را فزونی بخشد، زکات آن را پرداز. اگر میخواهی خدا بدنت را سالم بدارد، صدقه بسیار بده.

اگر میخواهی خداوند عمرت را طولانی گرداند، به خویشاوندانت رسیدگی کن؛ و اگر میخواهی خداوند تو را با من محشور کند، در پیشگاه خدای یگانه قهار، سجده طولانی کن. (2)

قدر و منزلت را جُستم و آن را جز به دانش نیافتم. پس دانش بیاموزید تا قدر و منزلت شما در هر دو سرا بالا برود. ارجمندی را جُستم و آن را جز به تقوا نیافتم. [پس] تقوا پیشه کنید تا ارجمند شوید. توانگری را جُستم و آن را جز به قناعت نیافتم پس قانع باشید تا بی نیاز و توانگر شوید. آسایش را جُستم و آن را جز در ترک آمیزش با مردم مگر در حد گذران زندگی دنیا نیافتم. پس دنیا و آمیزش با مردم را ترک گوئید تا در دو جهان، آسوده شوید دنیا و از عذاب [ورنج] در امان باشید. سلامت را جُستم و آن را جز در اطاعت از خدا نیافتم پس از خدا اطاعت کنید تا به سلامت مانید. فروتنی را جُستم

ص: 222

1- شرح نهج البلاغه ج 20 ص 301 ح 446

2- بحار الانوار ج 85 ص 64 ح 12

و آن را جز در پذیرش حق نیافتم. پس حق را بپذیرید؛ زیرا که پذیرش حق آدمی را از تکبر دور می سازد. لذت زندگی را جستیم و آن را جز در ترک هوس نیافتم پس هوس را رها کنید تا زندگی شما خوش و گوارا شود. ستایش را جستیم و آن را جز در سخاوت نیافتم. پس سخاوتمند باشید تا ستوده شوید. آسایش و سعادت دنیا و آخرت را جستیم و آن را جز با [تحقق] این اموری که نام بردم، نیافتم. (1)

شما را از دنیا برحذر می دارم که دنیا سرای خوشی و شادمانی نیست، بلکه فریبکارانه خود را آراسته و با آراستگی و زیورش کسی را که به او بنگرد می فریبد پس دنیا را نیک بشناسید هر که شش خصلت در او گرد آمده باشد همه اسباب رسیدن به بهشت و رهیدن از آتش را به دست آورده است. هر که خدا را شناخت و فرمانش برد؛ و شیطان را شناخت و نافرمانی اش کرد؛ حق را شناخت و پیروی اش کرد؛ باطل را شناخت و از آن پرهیز کرد؛ دنیا را شناخت و دورش افکند؛ و آخرت را شناخت و در طلب آن برآمد. (2)

در نامه اش به عمرو بن عاص اما بعد این دنیایی که تو را خوش آمده و نفست مشتاق آن گشته و بدان دل بسته ای بی گمان، به تو پشت خواهد کرد و از تو جدا خواهد شد پس به دنیا دل خوش مکن که دنیا. فریبنده است. اگر از آنچه گذشته است عبرت گیری، آنچه را مانده است حفظ خواهی کرد و از پند و اندرزهایش استفاده خواهی کرد. (3)

در نکوهش دنیا از دنیا دوری کنید؛ زیرا فریب خورده ی واقعی

ص: 223

1- بحار ج 69 ص 399 ح 91

2- بحار ج 78 ص 21 ح 82 جامع الاخبار ص 296 ح 806

3- بحار ج 32 ص 539 ح 451

کسی است که فریب دنیا را بخورد. (1)

در تشویق به دل برکندن ای پسر آدم! بزرگ ترین هم و غمت آن روزت نباشد که چون از دستت رفت از عمر تو نباشد؛ زیرا هر روزی که وارد آن می شوی، خداوند در آن روزی ات را می‌رساند بدان که هرگز چیزی بیش از قوتت به دست نمی آوری، مگر این که تو خزانه دار آن برای دیگران باشی فقط مایه رنج بسیار تو در دنیا میشود و وارثت از آن بهره مند می گردد و به سبب آن حسابرسی تو در روز قیامت به درازا می کشد پس با مال خود در زندگی ات آینده خود را تأمین کن و خوش بخت شو و برای معادت که در پیش داری توشه ای بفرست؛ زیرا سفری دور و دراز پیش رو داری و وعده گاه قیامت است و محل ورود، بهشت یا آتش. (2)

بر شما باد پروا داشتن از خدا؛ زیرا هیچ چیز به مانند پروای از خدا جامع خوبی ها نیست و به هیچ چیز چون تقوا نمیتوان به خیر دنیا و آخرت رسید. خداوند می فرماید:

به آنان که تقوا پیشه کرده اند، گفته می شود پروردگارتان چه فرو میفرستاد؟ می گویند خوبی برای آنان که نیکی کردند، در این دنیا نیکی است و البته سرای آخرت بهتر است و چه نیکوست جایگاه تقوا پیشگان.

بدانید ای بندگان خدا که مؤمن برای سه پاداش کار می کند یا برای خیر دنیا؛ زیرا که خداوند او را در همین دنیا برای کارش پاداش می دهد خدای سبحان درباره ابراهیم فرموده است:

و مزدش را در دنیا به او دادیم و در آخرت نیز از شایستگان خواهد بود.

پس هر که برای خدای متعال کار کند، خداوند مزدش را در دنیا و

ص: 224

1- کافی ج 8 ص 174 ح 194

2- بحار ج 103 ص 31 ح 58

آخرت به او می دهد و در هر دو جا خواست های او را بر می آورد. خداوند فرموده است: «ای بندگان من که ایمان آورده اید از پروردگارتان بترسید. برای آنان که خوبی کردند در این دنیا خوبی است و زمین خدا پهناور

است براستی که شکیبایان مزد خویش را بی حساب دریافت خواهند کرد.»

پس خداوند آنان را بدانچه در دنیا عطایشان کرده است، در آخرت حسابرسی نمی کند. خدای فرموده است برای آنان که کار نیک کنند پاداش نیک است و افزونی. مراد از پاداش نیک بهشت است و از افزونی، دنیا و یا برای خیر آخرت کار می کند؛ زیرا که خداوند در برابر هر کار نیکی یک گناه می بخشد. خدای می فرماید:

همانا خوبی ها بدی ها را از بین میبرند این پندی است برای پند گیرندگان تا این که چون روز قیامت شود خوبی هایشان برای آنان محاسبه گردد سپس به شمار هریک از آنها ده تا هفتصد برابر به ایشان عطا کند. خداوند می فرماید این پاداشی است از پروردگار تو؛ عطایی از روی حساب. و می فرماید: پس برای آنان دو برابر آنچه انجام داده اند، پاداش است و آنها در غرفه های بهشتی آسوده خاطر خواهند بود پس خدایتان رحمت کناد به این همه پاداش روی آورید و برای آن کار کنید و به ترغیب یکدیگر بپردازید بدانید ای بندگان خدا، که تقوای پیشگان، خیر دنیا و آخرت را به دست آوردند با اهل دنیا در دنیایشان شریک اند؛ لیکن اهل دنیا در آخرت آنان شریکشان نیستند. خداوند، از دنیا به آن اندازه ای که بسنده شان کند و بی نیازشان سازد برایشان مباح و روا ساخت. خداوند بلند نام می فرماید: «بگو چه کسی زیورهایی را که خدا برای بندگانش پدید آورده و روزی های پاکیزه، را حرام گردانیده است؟

ص: 225

بگو همه اینها در زندگی دنیا از آن کسانی است که ایمان آورده اند و روز قیامت نیز ویژه آنان است. این گونه آیات خود را برای گروهی که می دانند، به روشنی بیان میکنیم. آنان در دنیا به بهترین وجه زیستند، به بهترین وجه خوردند و با اهل دنیا در دنیایشان شریک اند در کنار آنان از خوراکیهای پاکیزه ای که اهل دنیا میخورند خوردند و از نوشیدنی های گوارایی که ایشان می نوشند نوشیدند و از بهترین لباسهایی که می پوشند پوشیدند و در بهترین خانه هایی که ایشان سکونت می کنند، سکونت کردند و مانند آنها با بهترین همسران ازدواج کردند و بر بهترین مرکب ها سوار شدند؛ همانند اهل دنیا از لذت دنیا بهره مند شدند و فردای قیامت هم در جوار خداوند هستند و از او آرزو و تمنا می کنند و خدا آرزوهایشان را بر می آورد؛ نه دعا و درخواستی از ایشان را رد می کند و نه از بهره لذت هایشان چیزی می کاهد. پس ای بندگان خدا! هرکه را خردی باشد به چنین چیزی اشتیاق میورزد و برای آن کار می کند و تقوای الهی در پیش می گیرد هیچ توش و توانی نیست، مگر به واسطه خداوند. (1)

دنیا، تجارت خانه ای است و سود یا زیان آن، آخرت است و در آخرت معلوم می شود. پس سعادت مند کسی است که کالای او در دنیا، کارهای نیک باشد و کسی که دنیا را به چشم دنیا دید و به آن در همان حد خویش ارزش نهاد. (2)

بار خدایا دنیا را برایم زندان مگردان و جدایی آن را مایه اندوهم مساز. به تو از دنیایی که مرا از آخرت محروم گرداند و از امیدی که مرا از عمل

ص: 226

1- امالی شیخ مفید ص 261 ح 3

2- بحار الانوار ج 33 ص 85 ح 400

باز بدارد و از زندگی ای که مرا از بهترین مُردن محروم سازد، به تو پناه می برم. (1)

از دنیا کاملاً بر حذر باشید و باراندوه های آن را از دوش خویش بردارید؛ چون یقین دارید که به زودی از شما جدا می شود، و آن گاه که بیش از هر زمان دیگر در دنیا شادید بیش از همیشه از آن بر حذر باشید؛ چرا که طالب دنیا هر گاه به شادی ای از آن دل گرم شود، پیشامدی ناگوار، او را از آن شادی خارج می سازند و هر گاه با اقبالی از دنیا شادمان شود، ادباری از آن شادی او را به کامش تلخ میگرداند، و هر گاه دنیا گامی برای او بردارد گامی به او پشت میکند پس شاد کننده دنیا فریبنده است و سودمند آن زیانمند آسایشش به گرفتاری پیوسته است، بودنش به نابودی واگذار شده است، شادی اش با اندوه، آمیخته است، و غم هایش به ناتوانی می انجامد. (2)

در یاد کرد معراج پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم خدای متعال فرمود ... ای احمد پرهیز از این که چون کودک باشی که هرگاه چشمش به سبز و زردی چیزی رنگارنگ می افتد، آن را می خواهد، و هر گاه شیرینی و ترشی به او داده می شود، فریب می خورد. (3)

زنهار که زندگی دنیا شما را نفریبد شما در دنیا مسافرانی هستید که اتراق کرده اید. مرگ نیز در میان شما منزل گزیده است؛ شما را آماج تیرهای خود کرده است، و مرکب های آن خبرهای شما را به سرای ثواب و عقاب

و سزا و حساب می برند. (4)

ص: 227

1- نثر الدر ج 1 ص 284

2- بحار ج 73 ص 109 ح 109

3- ارشاد القلوب ص 199 - 200

4- کافی ج 8 ص 172 ح 193

ای مردم از دنیادوستی بپرهیزید که ریشه هر خطا، و در هر بلا، و جفت هر فتنه و فراخواننده هر مصیبتی است. (1)

دنیا را رها کن؛ چرا که دنیا دوستی، کور و کر و لال و زبون می کند. و باقی مانده عمرت را دریاب و مگو فردا و پس فردا؛ زیرا آنان که پیش از تو بودند از آن روی به هلاکت در افتادند که به آرزوها و امروز و فردا کردن تکیه نمودند تا آن که فرمان خدا (مرگ)، ناگهان و بی خبر برایشان در رسید و بر تابوت هایشان به سوی گورهای تنگ و تاریکشان برده شدند و فرزندان و خانواده شان آنها را تنها گذاشتند پس با دلی توبه کننده و دست از دنیا شسته و عزمی استوار به خدا رو کن. (2)

کسی که هرگاه دنیایش سالم و تأمین باشد، برایش مهم نیست که چه بلایی بر سر آخرتش می آید، در هلاکت است. (3)

تنبيه الخواطر: آورده اند که مردی با عیسی بن مریم علیه السلام مصاحبت اختیار کرد و گفت: می خواهم با تو باشم و همراهی ات کنم. آن دو به راه افتادند و رفتند تا به کنار جوی آبی رسیدند و نشستند که غذایی بخورند سه گرده نان با خود داشتند. دو گرده آن را خوردند و یکی باقی ماند. عیسی علیه السلام به طرف رود رفت و آبی نوشید و چون برگشت، آن گرده نان را ندید به مرد گفت: چه کسی نان را برداشت؟». مرد گفت نمی دانم عیسی با آن مرد به راه افتاد در راه آهویی را دید که دو بچه آهو همراهش بودند یکی از آن دو را صدا زد و آن بچه آهو جلو رفت. عیسی آن را سر برید و مقداری از گوشتش را بریان کرد و هر دو نفر خوردند. سپس به بچه آهوی ذبح شده فرمود: به اذن خدا برخیز! بچه آهو برخاست و

ص: 228

1- تحف العقول ص 215

2- کافی ج 2 ص 136 ح 23

3- بحار ج 77 ص 377 ح 1

رفت. عیسی علیه السلام به آن مرد گفت: تو را به آن خدایی که این معجزه را نشانت داد بگو چه کسی آن نان را برداشت؟ مرد گفت نمی دانم. باز رفتند تا به رودخانه ای رسیدند. عیسی دست مرد را گرفت و هر دو بر آب رفتند و چون از آن گذشتند عیسی علیه السلام گفت: «تورا به آن خدایی که این معجزه را نشانت داد بگو چه کسی نان را برداشت؟». مرد گفت نمی دانم رفتند تا به بیابانی رسیدند هر دو نشستند. عیسی علیه السلام مستی خاک یا ریگ برداشت و به آن گفت به اذن خدا طلاشو و طلا شد. عیسی علیه السلام آنها را سه قسمت کرد و فرمود: یک سوم، مال من، یک سوم، مال تو و یک سوم مال کسی که نان را برداشته است». در این هنگام، مرد گفت من نان را برداشته ام عیسی گفت: حال همه اش مال تو و از او جدا شد. در آن بیابان دو مرد به او که حالا مقداری طلا با خود داشت رسیدند خواستند او را بکشند و طلاهایش را بردارند؛ اما او گفت: طلاها را میان خود به سه قسمت میکنیم و گفت یک نفرمان را به آبادی بفرستیم تا غذایی بخرد یک نفرشان را فرستادند. آن که رفته بود، با خود گفت: چرا این طلاها را با اینها قسمت کنم. در این غذا سَمی میریزم و آن دورا می کشم. و این کار را کرد. آن دو نفر هم گفتند چرا یک سوم طلاها را به او بدهیم وقتی برگشت او را می کشیم و طلاها را میان خودمان تقسیم میکنیم چون آن مرد برگشت او را کشتند، و غذا را خوردند و خود نیز مردند و در آن بیابان آن طلاها ماند و سه کشته در کنارش. عیسی علیه السلام در این حال بر آنان گذشت به یارانش فرمود: این است دنیا از آن حذر کنید. (1)

برخورداران از دنیا دلهایشان می گیرید اگرچه به ظاهر شاد باشند

ص: 229

و از خویشتن سخت در خشم اند اگرچه برای آنچه از دنیا روزی داده شده اند مورد غبطه دیگران باشند دنیا فناپذیر است و بقایی ندارد و آخرت ماندگار است و فنا نمی پذیرد دنیا رو به آخرت دارد و آخرت پناهگاه دنیاست. (1)

هر که مطلوبش دنیا باشد در هنگام جدایی از آن، افسوس بسیار می خورد. (2)

عیسی علیه السلام: به حق برایتان میگویم همان گونه که بیمار به خوراک خوش مزه می نگرد، اما از شدت دردی که دارد، از آن لذتی نمی برد، دنیادار نیز به سبب عشق به ثروت از عبادت لذت نمی برد و شیرینی آن را نمی چشد و همان گونه که بیمار از نسخه طیب حاذق به خاطر امید شفایی که در آن دارد لذت می برد اما چون تلخی دارو و مزه اش را به یاد آورد شفا در نظرش تیره میشود اهل دنیا نیز از زرق و برق دنیا و انواع خوشی هایی که در آن است لذت می برند؛ اما چون غافلگیری مرگ را به یاد آورند همه این لذتها را بر آنان تیره و تبا می سازد. (3)

بی رغبتان به دنیا پادشاهان دنیا و آخرت اند و هر که به دنیا رغبت نشان دهد و به آن دل ببندد، در دنیا و آخرت فقیر است. و هر که نسبت به دنیا زهد ورزد مالک آن میشود و هر که به دنیا دل ببندد، دنیا مالک

او می شود. (4)

مردم، سه دسته اند: زاهد مصمم شکیباً در مبارزه با هوس و خواهنده و پیرو خواهش های نفسانی زاهد آنچه را خداوند به او می دهد از سر

ص: 230

1- بحار ج 78 ص 21 ح 82

2- بحار ج 77 ص 376 ح 1

3- تحف العقول ح 507

4- ارشاد القلوب ص 20

شادی بزرگ نمی‌شمارد و آنچه را که از دست می‌دهد، از سر افسوس، بزرگ نمی‌داند. شکیبیا، نفسش او را به سوی دنیا کشاند؛ اما او آن را باز داشت، و نفسش به لذت‌های آن چشم دوخت؛ لیکن او مانعش شد. و خواهنده نفسش او را به دنیا فرا خواند و او اجابتش کرد و به برگزیدن دنیا بر آخرت دستورش داد و او اطاعتش کرد و بدین ترتیب، آبروی خویش را لگه دار ساخت و به خاطر دنیا شرافت خود را به پستی کشاند، و آخرتش را تباه کرد. (1)

ای مردم شما چنانچه دنیا را بر آخرت برگزینید، در واقع در پذیرش دعوت آن به متاع پست شتافته اید و مرکب‌های آرزوهایتان به سوی دورترین هدف تاخت برداشته‌اند و شما را به آب‌سخورهایی می‌برند که فرجامشان پشیمانی است و آنچه را با امتهای پیشین و نسل‌های گذشته کرده‌اند یعنی از کف رفتن نعمتها و فرود آمدن کیفرها، به شما می‌چشانند. (2)

هیچ بنده‌ای آرزو را دور و دراز نکرد، مگر این که کردار را بد کرد و در پی دنیا برآمد. (3)

پیامبر (صلی الله علیه و آله) در شب معراج از پروردگار پاکش پرسید... ای پروردگار من! اهل دنیا چه کسی است و اهل آخرت کیست؟ فرمود: اهل دنیا کسی است که خوراک و خنده و خواب و خشمش بسیار است؛ خشنودی اش اندک است؛ نه از کسی که به وی بدی کرده است پوزش می‌طلبد و نه پوزش کسی را که از او پوزش می‌طلبد، می‌پذیرد؛ در طاعت تنبل است و در معصیت، گستاخ؛ آرزویش

ص: 231

1- معالم الحکم ص 120

2- تحف العقول ص 221

3- بحار ج 82 ص 172

دور و دراز است و اجلش نزدیک؛ از نفس خویش حساب نمی کشد؛ کم خیر است؛ پُرگوست؛ کم ترس [از خدا] است؛ و هنگام غذا خوردن، بسیار شاد است. اهل دنیا در هنگام آسایش سپاس گزار نیستند، و هنگام بلا (سختی) شکیبای نیستند؛ زیاد مردم در نظر آنان اندک است؛ خویشان را به کارهای ناکرده می ستایند و ادعای چیزهایی را می کنند که ندارند، و از چیزهایی سخن میگویند که آرزو دارند؛ و بدی های مردم را می گویند و خوبیهای آنان را پوشیده می دارند پیامبر (صلی الله علیه و آله) گفت: ای پروردگار من! همه این عیبها در اهل دنیاست؟! [فرمود:] «ای احمد در اهل دنیا نادانی و کم بخردیهای بسیار است در برابر کسی که از او دانش می آموزند فروتنی نمی کنند و خویشان را عاقل می پندارند، در حالی که به نزد فهمیدگان، مردمانی کم خردند. (1)

ای بندگان دنیا چرا شاخه هایتان با ریشه هایتان و خردهایتان با هوس هایتان ناسازگار است؟ گفتارتان دارویی است که درد را شفا می بخشد؛ ولی کردارتان دردی است که درمان نمی پذیرد شما نه چون تاکید که برگ هایش نیکو و میوه اش خوش و بالا رفتن از آن، آسان است؛ بلکه چون درختی هستید که کم برگ و پر خار است و میوه اش غیر قابل خوردن، و بالا رفتن از آن دشوار است شما دانش (معرفت) را زیر پاهایتان نهادید و دنیا را بالای سرهایتان از این رو دانش در نزد شما خار و بی مقدار است. و [با شما] به دنیا هم نمی توان رسید که شما هر کسی را از رسیدن به آن، مانع می شوید. پس شما نه آزادگانی آقامنشید و نه بردگانی پرهیزگار. بدا به حالتان ای مزدوران بد مزد را می گیرید و کار نمی کنید. اگر هم کار کنید، کار را تباه میکنید به زودی کردار خود را می بینید و کارفرما

ص: 232

به کار تباهی که برایش کرده اید و به مزدی که از او گرفته اید رسیدگی خواهد کرد ای بدهکاران بد! دین خود را نمی پردازید و هدیه می دهید؛ مستحبات را به جا می آورید و واجبات را نمی گزارید. بستانکار، هدیه را نمی پذیرد تا آن که طلب او پرداخت شود. (1)

مردم سه دسته اند زاهد دنیاخواه و شکیبا زاهد هرگاه چیزی از دنیا به او برسد بدان شاد نمیشود و برای از دست دادن چیزی از آن نیز اندوهگین نمیشود شکیبا در دل تمنای دنیا را دارد اما اگر به چیزی از آن دست یابد چون عاقبت بدش را می داند، از آن روی بر می تابد. دنیا خواه، اهمیتی نمی دهد که از حلال به دنیا برسد یا از حرام. (2)

مردم سه گروه اند زاهد ثابت قدم شکیبای در مبارزه با هوای نفس و دنیا خواه پیرو خواهش های خویش زاهد نه برای آنچه خداوند به او می دهد، شادمانی بسیار می کند و نه بر آنچه از دستش می رود، افسوس بسیار می خورد... (3)

همت زاهد مخالفت کردن با هوای نفس است و شکیبایی در برابر خواهشها. (4)

از نظر ما زاهد کسی است که دانست و عمل کرد، و کسی که یقین داشت و حذر کرد، و اگر در سختی و تنگ دستی بام خود را به شام رساند، حمد خدا را به جای آورد و اگر در آسایش و رفاه شام خویش را به بام رساند، شکر خدای را بگذارد چنین کسی زاهد است. (5)

زاهد به دنیا، کسی است که پند داده شد و پند گرفت، و کسی است

ص: 233

1- شرح نهج البلاغه ج 20 ص 324

2- بحار ج 10 ص 120

3- دستور معالم الحکم ص 120

4- بحار ج 78 ص 92

5- الجعفریات ص 232

که علم آموخت و به کار بست، و کسی است که یقین یافت و حذر کرد. پس زاهدان به دنیا آن مردمانی اند که پند داده شدند و پند گرفتند، و یقین کردند و حذر کردند و علم آموختند و عمل کردند؛ اگر آسایش به آنان برسد شکر می گویند و اگر به سختی در افتند شکیبایی می ورزند. (1)

کسی که به دنیا بی اعتناست هرچه دنیا بیشتر خود را برایش بیاراید او بیشتر از آن روی می روی می گرداند. (2)

برترین زهد پنهان داشتن زهد است. (3)

زهد به دنیا از سه حرف تشکیل شده است زاء و هاء و دال زاء، یعنی ترک زینت؛ هاء، یعنی ترک هوا؛ و دال، یعنی ترک دنیا. (4)

رحمت خدا بر آن کس که ... پروردگارش را پیوسته در نظر گرفت و از گناه، دوری کرد و با هوس خویش در افتاد و آرزو را دروغ شمرد ... از دنیا روی گردان و بیزار شد و برای آخرتش کوشید و طریق احتیاط و هشپاری

را پیمود. (5)

خودداری از حُطام دنیا، سخت است. (6)

بی اعتنای به دینار و درهم با ارزش تر از دینار و درهم است (7)

هر که به دنیا پشت کند و از خواری در آن، بی تابی نکند و برای عزتمندی در آن با جاه و مقام به رقابت نپردازد، خداوند او را بی هدایت مخلوقی هدایت می کند و بی آموختن از کسی، دانشش می آموزد و

ص: 234

1- همان ص 233

2- ارشاد ج 1 ص 298

3- ارشاد القلوب ص 199

4- جامع الاخبار ص 297

5- کافی ج 8 ص 172

6- شرح نهج البلاغه ج 20 ص 293

7- شرح نهج البلاغه ج 20 ص 301

حکمت را در سینه اش ثابت میدارد و آن را بر زبانش جاری می گرداند. (1)

در یاد کرد حدیث معراج خداوند متعال فرمود: « ... ای احمد! اگر دوست داری که پارساترین مردم باشی از دنیا روی برتاب و به آخرت بگرای. (2)

هر چیزی هر گاه به خشمش آوری از تو نافرمانی می کند، بجز دنیا که هر گاه به خشمش آوری از تو فرمان می برد (3)

دنیا از آن کسی است که ترک آن کند، و آخرت، از آن کسی است که آن را بطلبد. (4)

در یاد کرد حدیث معراج خداوند متعال فرمود: « ... ای احمد! آیا می دانی زاهدان، چه مقامی در نزد من دارند؟ » گفت: نه، ای پروردگرم فرمود: در روزی که مردم برانگیخته میشوند و به حسابشان رسیدگی می شود آنان از این حسابرسی در امان اند. کمترین چیزی که در آخرت به زاهدان میدهم این است که همه کلیدهای بهشت ها را در اختیارشان می نهم تا هر دری را که میخواهند باز کنند و روی خود را از آنان پنهان نمی دارم و از انواع لذت سخنم برخوردارشان می سازم، و آنان را بر جایگاهی راستین می نشانم، و کارهایی را که در دنیا کرده اند و رنج هایی را که کشیده اند به یادشان می آورم، و چهار در را برایشان می گشایم دری که از آن در هر صبح و شام ارمغان های من برایشان برده می شود دری که از آن به راحتی به من هر گونه که بخواهند، می نگرند، دری که از آن آتش را میبینند و به ستمکاران و گنهکاران می نگرند

ص: 235

1- بحار ج 78 ص 63

2- بحار ج 77 ص 22

3- شرح نهج البلاغه ج 20 ص 300

4- بحار ج 73 ص 81

که چگونه عذاب میشوند و دری که از آن کنیزکان و حور العین بر آنان وارد میشوند. (1)

هر که در دنیا زهد بورزد دیده اش به پاداش خداوند روشن می گردد. (2)

دانا کسی است که از دنیا بگریزد نه آن که به دنیا بگراید؛ زیرا دانایی و شناختِ او رهنمونش میسازد که دنیا زهری کشنده است و همین او را به گریختن از مهلکه وا می دارد پس اگر زهر را بخورد، مردم می فهمند که او در آنچه می گوید، صادق نیست. (3)

آیا دنیا جز مانند لقمه ای است که خورنده میخورد و جرعه ای که نوشنده مینوشد و خواب سبکی که شخص خفته دارد؟ (4)

هر که آرزو دارد که فردا [نیز در این دنیا] زندگی کند، در واقع، آرزو دارد که تا ابد زندگی کند و هر که آرزوی زندگی کردن تا ابد را داشته باشد، دلش سخت می گردد و به دنیا راغب می شود، و به آنچه پروردگارش تبارک و تعالی به او وعده داده است بی رغبت می گردد. (5)

دنیا را بوته خاری بدان و بنگر که پای خود را در کجای آن می نهی زیرا هر که به دنیا تکیه کند دنیا او را می نهد، و هر که به آن انس گیرد، دنیا تنهایش می گذارد و هر که آن را بخواهد، دنیا او را خوار می گرداند و هر که خود را وقف آن کند دنیا او را می کُشد، و هر که آن را بجوید دنیا او را به سختی میاندازد و هر که به آن شاد گردد، دنیا او را اندوهناک می کند، و هر که به آن طمع کند، دنیا او را به خاک می افکند، و هر که آن را پیش افکند دنیا او را پس می افکند، و هر که به آن

ص: 236

1- بحار ج 77 ص 422

2- ارشاد القلوب ص 202

3- ارشاد القلوب ص 15

4- کافی ج 8 ص 30

5- بحار ج 73 ص 167

احترام بگذارد، دنیا به او اهانت روا می‌دارد و هر که آن را ترجیح دهد دنیا او را از آخرت دور می‌گرداند و هر که از آخرت دور شود، به آتش نزدیک می‌گردد. (1)

از دنیا به شدیدترین وجهی که از یک چیز دوری می‌کنید، دوری نمایید؛ زیرا دنیا فریبنده است و دنیا دار در پرده ای از آن اسیر است. (2)

آنچه از دنیا وجود دارد تو گویی اصلاً نبوده است، و آنچه از آخرت وجود دارد تو گویی همواره بوده است! (3)

هیچ فردی از شما در این دنیا به شادی ای نرسید، مگر این که دنیا برای او اشکی به بار آورد و شبی را در پناه ایمنی به صبح نمی‌رساند، مگر این که از فرود آمدن بلایی یا از دست رفتن نعمتی یا از بین رفتن سلامتی بیمناک است. (4)

آنچه از دنیا وجود دارد [چنان میشود که] پس از اندکی گویا نبوده و آنچه از آخرت وجود دارد [گویا] از آغاز بوده است. آری به خدا زودا که دنیا، برخوردار مرفه را به روز سیاه نشانند، و آرام گرفته را حرکت دهد و اقامت گزیده را بکوچاند زلالی دنیا آمیخته به تیرگی شادی اش بافته با اندوه و پایان زندگی اش همراه با ناتوانی است. پس مبادا فریبندگی های دنیا شما را خوش آید؛ چرا که به زودی از آن می‌روید و هر آنچه آمدنی است، نزدیک است و آن جاست که هر کس آنچه را از پیش فرستاده است می‌آزماید و [همگان] به سوی خدا، مولای حقیقی خود، باز گردانیده میشوند و آنچه به دروغ بر می‌ساخته اند، از دستشان

ص: 237

1- بحار ج 78 ص 22

2- بحار ج 78 ص 35

3- بحار ج 78 ص 21

4- کافی ج 8 ص 174

از نشانه هایی که تو را به پستی دنیا رهنمون می شود، این است که خداوند آن را از روی التفات و نیکخواهی از اولیا و دوستانش گرفت، و آن را برای دشمنانش به قصد امتحان و آزمایش گسترانید { مثلاً } پیامبرش محمد صلی الله علیه و آله را از دنیا وارسته داشت، به طوری که از شدت گرسنگی، شکم خود را می بست. نیز آن را از هم راز و هم سخن خود موسی بازداشت به طوری که از شدت لاغری، سبزی علف ها از زیر پوست شکمش دیده میشد و با این حال، آن روز که به سایه ای پناه برد از خداوند جز غذایی برای خوردن چیزی نخواست؛ چرا که گرسنگی او را بیتاب کرده بود درباره او روایت رسیده است که به وی وحی میشد هرگاه دیدی توانگری روی کرده است بگو: [اثر] گناهی است که در کيفرش شتاب شده است و هرگاه دیدی که «فقر» روی کرده است، بگو خوش آمدی ای نشانه نیکان!». و نیز از صاحب روح و کلمه [ی الهی]، عیسی بن مریم (علیهما السلام)، [دنیا را بازداشت]، آن گاه که گفت: «نانخورش من گرسنگی است، و جامه زیرینم، ترس [از خدا]، و جبه ام پشمینه و ستورم دو پایم و چراغ شبنم، ماه، و وسیله گرم کردنم در زمستان آفتاب و میوه ام آنچه زمین برای حیوانات می رویاند. شب را به صبح میرسانم در حالی که هیچ چیز ندارم و با این همه هیچ کسی توانگرتر و بی نیازتر از من نیست. و یا سلیمان بن داوود (علیهما السلام)، با آن سلطنتی که به او داده شد، نان جو می خورد و به کسانش نان گندم می خوراند و چون شب می شد، پلاس می پوشید و

ص: 238

دستش را به گردش می بست و تا صبح می گریست و پیوسته می گفت: «پروردگارا! من به خویشتن ستم بسیار کرده ام و اگر مرا نیامرزی و به من رحم نکنی از زیانکاران خواهم بود معبودی جز تو نیست. منزهی تو و من از ستمکارانم. آری اینان، پیامبران خدا و برگزیدگان و اولیای او بودند که از دنیا وارسته گشتند و از آن به آنچه خداوند آنان را به زهد ترغیب کرد، قناعت ورزیدند و آنچه را او دشمن می داشت دشمن داشتند و آنچه را او خُرد می شمرد خُرد شمردند. سپس مردان نیک از آنان پیروی کردند و راههایشان را پیمودند و دقیق اندیشیدند، و از عوامل عبرت آموز بهره بردند و در این عمر کوتاه از کالای فریبنده دنیا که از کف می رود، اما باید برایش حساب پس داد صبورانه چشم پوشیدند با خردهای خویش به پایان دنیا نگریستند نه به آغاز آن و به باطن دنیا نگریستند نه به ظاهر آن، و در تلخی فرجام آن اندیشیدند و در نتیجه، شیرینی اکنون آن، تکانشان نداد. صبر را به جان خریدند و دنیا را چون مردار دانستند که خوردن از آن، جز در حال اضطرار حرام است، و از آن به اندازه ای که رفع گرسنگی کنند و زنده بمانند خوردند و دنیا را به منزله لاشه ای گرفتند که بوی تعفّش همه جا را گرفته است به طوری که هر کس از کنارش می گذرد، بینی اش را می گیرد. از این لاشه گندیده، به کمترین قوّت بسنده می کنند و هرگز سیر نمی خورند و از کسی که از آن سیر می خورد و بدان چونان نصیبی رضایت می دهد، تعجب می کنند. (1)

به نقل از ابو مطر: علی علیه السلام به بازار کرباس فروشان آمد و به مردی خوش سیما برخورد و به او فرمود: ای مرد دو جامه به ارزش پنج درهم داری؟ مرد از جا جست و گفت: بله ای امیر مؤمنان چون مرد، امام علیه السلام را شناخت

ص: 239

ایشان او را رها کرد و رفت و نزد جوانی ایستاد و فرمود: ای جوان دو جامه به ارزش پنج درهم داری؟» گفت: آری، دو جامه دارم یکی از آنها بهتر از دیگری است یکی به سه درهم و دیگری به دو درهم. امام علیه السلام فرمود: «هر دو را بیاور سپس فرمود: ای قنبر آن سه درهمی را تو بردار» قنبر گفت ای امیر مؤمنان شما بدان سزاوارترید. شما بالای منبر می روید و برای مردم سخنرانی میکنید فرمود ای قنبر تو جوان هستی و هوس جوانی داری و من از پروردگرم شرم دارم که بر تو برتری بجویم؛ زیرا از پیامبر خدا شنیدم که میفرماید از آنچه خود میپوشید به آنها بپوشانید، و از آنچه خود می خورید به آنها بخورانید». آن گاه امام علیه السلام پیراهن را پوشید و دستش را از آستینش بیرون آورد و دید از انگشتانش بلندتر است. [به فروشنده] فرمود: ای جوان این اضافی را ببر و او آن را برید جوان گفت ای پیرمرد بده آستینت را سردوزی کنم. فرمود: رهایش کن که کار از این، شتابان تر است.» (1)

به نقل از اسماء بنت عمیس روزی پیامبر خدا نزد فاطمه (علیها السلام) آمد و فرمود: «پسرانم کجایند؟ و مقصودش حسن و حسین (علیهما السلام) بود. فاطمه (علیها السلام) گفت امروز چیزی در خانه برای خوردن نداشتیم و علی علیه السلام گفت من آن دو را بیرون می برم؛ زیرا می ترسم که گریه کنند و تو چیزی نداری و پیش فلان یهودی رفت. پیامبر (صلی الله علیه و آله) به دنبال علی علیه السلام رفت. دید که حسن و حسین (علیهما السلام)، در پای درخت خرمایی بازی می کنند و جلوی آنها مقداری خرماست به علی علیه السلام فرمود: ای علی نمی خواهی پیش از آن که هوا گرم تر شود و پسرانم اذیت شوند آنها را به خانه برگردانی؟». علی علیه السلام گفت امروز صبح چیزی در خانه نداشتیم ای پیامبر خدا اگر

ص: 240

اندکی بنشینید من مقداری خرما برای فاطمه سلام الله علیها جمع می کنم پیامبر (صلی الله علیه و آله) نشست تا آن که مقداری خرما برای فاطمه جمع شد. علی علیه السلام، آنها را در کیسه اش ریخت و به راه افتاد پیامبر (صلی الله علیه و آله) یکی از بچه ها را به دوش گرفت و علی (علیه السلام) نیز دیگری را و آنها را به خانه بردند (1)

امام علی علیه السلام ای مردم بدانید که دنیا سرای نیستی است و آخرت، سرای ماندگاری است پس از گذرگاه خود برای اقامتگاهتان توشه بگیرید. (2)

در حدیث معراج خداوند فرمود: «... ای احمد! ... همانا اهل آخرت دل هایشان در درونشان مجروح گشته است و می گویند کی از سرای نیستی آسوده میشویم و به سرای ماندگاری میرویم؟» (3)

آدمی را از این که بند کفشش نیکوتر از بند کفش دوستش باشد، خوش می آید و بدین سبب، مشمول این سخن خداوند می شود که: آن سرای آخرت را برای کسانی قرار می دهیم که در زمین، خواستار برتری (سرکشی) و فساد نیستند و فرجام از آن پرهیزگاران است. (4)

همانا آخرت را اهلی است که جان هایشان از فخر فروشی به اهل دنیا باز ایستاده است. [آنان] نه درباره دنیا به رقابت بر می خیزند، نه به لذت ها و خوشی های آن شادمان میشوند و نه از ناخوشی های آن اندوهگین می گردند. (5)

ص: 241

1- المعجم الكبير ج 22 ص 422 ح 1040

2- عیون اخبار الرضا ج 1 ص 298 ح 56

3- بحار ج 77 ص 21

4- تفسیر طبری ج 11 جزء 20 ص 122

5- امالی صدوق ص 478 ح 644

از سفارشهای ایشان به فرزند هر گاه چیزی از کار آخرت برایت پیش آمد [زود] آن را شروع کن، و هر گاه چیزی از کار دنیا برایت پیش آمد، درنگ کن تا راه درست را در آن بیابی (1)

روزگار، سه روز است و تو در میانه آنهایی دیروزی که با هر آنچه در آن بود گذشت و هرگز بر نمی گردد پس اگر در آن نیکی انجام داده ای از رفتنش اندوهی نداری و از آمدنش خوش حال گشته ای، و اگر در آن در انجام دادن اعمال نیک کوتاهی کرده ای از رفتنش و کوتاهی کردنت در آن سخت افسوس میخوری و تو در امروزی که در آن به سر میبری، از فردایش خبر نداری و نمی دانی که شاید به آن نرسی و اگر هم بررسی شاید در آن همان گونه کوتاهی ورزی که در دیروز گذشته کوتاهی کرده ای پس از آن سه روز یکی، روزی است که گذشته است و تو در آن کوتاهی ورزیده ای و دیگری روزی است که چشم به راهش هستی و یقین نداری که در آن کوتاهی نمی کنی. تنها روز تو، آن روزی است که تو در آن به سر میبری و تو را سرد که در کوتاهی کردن دیروز از دست رفته ات بیندیشی و فکر کنی که چه کارهای نیکی را از دست داده ای و در صدد کسب آنها برنیامده ای و چه بدیها و گناهانی که در انجام دادنشان کوتاهی نکرده ای. و تو با این حال با فردایی روبه رو هستی که مطمئن نیستی بدان می رسی و یقین نداری که در آن، کار نیکی (ثوابی) کسب می کنی و یا از بدی (گناهی) تباہ کننده ی اعمال نیک بازمی ایستی بنا براین حالت تو نسبت به روزی که پیش رو داری همانند روزی از منظر است که پشت سر گذاشته ای پس همانند کسی عمل کن که از روزها امیدی ندارد مگر به همان روز و شبی که در آن به سر می برد. پس، عمل

ص: 242

کن یا واگذار و خدا بر این کار یاور است. (1)

ای بندگان خدا کوشش خود را در این دنیا صرف توشه برگرفتن از این چند روز کوتاه آن برای دوره طولانی آخرت کنید؛ زیرا که دنیا سرای کار است و آخرت سرای اقامت و پاداش (2)

کسی که همتش آخرتش باشد خداوند هم و غم دنیای او را برطرف می سازد. (3)

در حقیقت، دو خصلت مردم را به نابودی کشانده است. این دو، کسانی را که پیش از شما بوده اند نابود کرده و همین دو، کسانی را که بعد از شما نیز می آیند نابود خواهد کرد. آرزو که آخرت را از یاد انسان می برد، و هوای نفس که [انسان را] گم راه می سازد. (4)

بازار کالای، آخرت کساد است. پس در زمان کساد آن، از این کالا بسیار فراهم آور. (5)

ای مردم شما اگر دنیا را بر آخرت برگزینید، در {قبول} کالای پست و بی ارزش آن، به آن زود پاسخ داده اید و مرکب آرزوهایتان را تا دورترین مقصد تازانده اید و آن شما را به آبشخورهایی می برد که فرجامش پشیمانی است و طعم دگرگونی حالات و کیفی‌هایی را که به امت های پیشین و نسل های گذشته چشانید به شما نیز می چشانند. (6)

استواری دنیا به چهار چیز است عالمی که علمش را به کار می

ص: 243

1- کافی ج 2 ص 1453

2- کافی ج 8 ص 174 ح 194

3- کافی ج 8 ص 307 ح 477

4- الغارات ج 2 ص 501

5- کنز الفوائد ج 1 ص 279

6- تحف العقول ص 221

گیرد، توانگری که نیکی (بخشش) می کند، نادانی که از آموختن تکبر می ورزد و ناداری که آخرتش را برای دنیای دیگری نمی فروشد. هرگاه عالم، علمش را به کار نبندد و توانگر از نیکی (بخشش) دریغ کند و نادان از آموختن تکبر ورزد و نادار آخرتش را برای دنیای دیگری بفروشد نابودی گریبانگیرشان میشود(1)

ص: 244

1- تحف العقول ص 222

بخش دوم: زهد

فصل هفتم: زهد از کتاب میزان الحکمه

ص: 245

حضرت امام امیرالمؤمنین علی علیه السلام در حکمت 439 نهج البلاغه می فرمایند:

الزُّهْدُ كُلُّهُ بَيْنَ كَلِمَتَيْنِ مِنَ الْقُرْآنِ، قَالَ اللَّهُ سُبْحَانَهُ: "لِكَيْلَا تَأْسَوْا عَلَى مَا فَاتَكُمْ وَلَا تَفْرَحُوا بِمَا آتَاكُمْ"؛ وَمَنْ لَمْ يَأْسَ عَلَى الْمَاضِي وَ لَمْ يَفْرَحْ بِالْآتِي، فَقَدْ أَخَذَ الزُّهْدَ بِطَرَفَيْهِ.

زهد در دو جمله قرآن خلاصه شده است برای اینکه متأسف نشوید بر آنچه (از مادیات دنیا) از شما فوت میشود و شاد نگردید بر آنچه خدایه شما می دهد؛ هر کس برگزشته اندوه نخورد و برای آینده شادمان نشود بر هر دو جانب زهد دست یافته است. (1)

شهید مطهری در کتاب سیری در نهج البلاغه می نویسد: چندی پیش سفری کوتاه به اصفهان اتفاق داد، در آن اوقات روزی در محفلی از اهل فضل بحث زهد مطرح شد و جوانب مختلف مطلب با توجه به تعلیمات همه جانبه اسلام مورد توجه واقع شد، همگان می خواستند تعبیری جامع و رسا برای زهد به مفهوم خاص اسلامی پیدا کنند در آن میان دبیری فاضل که بعد معلوم شد دست در کار رساله ای در این موضوع

ص: 247

است و یادداشتهای خود را در اختیار من گذاشت، تعبیری نغز و رسا کرد، گفت: زهد اسلامی عبارت است از برداشت کم و بازدهی زیاد.

این تعبیر برای من جالب بود آنرا با تصورات و استنباط قبلی خودم که در طی چند مقاله از این سلسله مقالات شرح دادم منطبق یافتم فقط با اجازه آن مرد فاضل تصرف مختصری کرده می گویم: «زهد عبارت است از برداشت کم برای بازدهی زیاد یعنی رابطه ای میان کم برداشت کردن از یک طرف و زیاد بازدهی دادن» از طرف دیگر موجود است بازدهی های انسانی انسان و تجلیات شخصیت انسانی انسان چه در قسمت عاطفه و اخلاق و چه در قسمت تعاونها و همکاریهای اجتماعی، و چه از نظر شرافت و حیثیت انسانی و چه از نظر عروج و صعود به عالم بالا همه و همه رابطه معکوس دارند با برداشتها و بر خورداری های مادی. (1)

با این کلام نورانی از امیر بیان حضرت علی علیه السلام و مطلب جالب و استاد علی اکبر (پرورش که علامه شهید مطهری مطرح شنیدنی مرحوم نمودند به استقبال احادیث زهد خواهیم رفت. (2)

ص: 248

-
- 1- سیری در نهج البلاغه ص 240 اینکه این برداشت لطیف از سوی استاد پرورش که مورد توجه شهید مطهری قرار گرفته ریشه روایی هم دارد بعهدہ گوینده آنست و ما صرفاً عهده دار نقل آنیم
 - 2- سیری در نهج البلاغه ص 240 اینکه این برداشت لطیف از سوی استاد پرورش که مورد توجه شهید مطهری قرار گرفته ریشه روایی هم دارد بعهدہ گوینده آنست و ما صرفاً عهده دار نقل آنیم

1. خداوند هیچ پیامبری را برنگزید، مگر آن که زاهد بود..

2. خداوند را با هیچ عبادتی همانند دل برکندن از دنیا نپرستیدند. سه حدیث هم تبرکاً از پیامبر اکرم (صلی اله علیه و آله) آوردیم:

3. پیامبر (صلی اله علیه و آله) به این مسعود فرمود: ای پسر مسعود آتش از آن کسی است که مرتکب حرام شود و بهشت از آن کسی که حلال را وا گذارد. پس بر توباد زهد؛ زیرا زهد از چیزهایی است که خداوند به آن بر فرشتگان میبالد و با زهد است که خداوند به تورو می کند و خداوند جبار بر تو درود می فرستد.

4. پیامبر (صلی اله علیه و آله) فرمود: خداوند به چیزی برتر از بی اعتنایی به دنیا عبادت نشده است.

5. پیامبر (صلی اله علیه و آله) فرمود: خوشا به حال کسی که برای خداوند، «عزّ ذکره»، فروتنی کند و از آنچه برایش حلال کرده نیز کناره گیرد بی آن که از سنت من روی گرداند؛ زرق و برق دنیا را کنار نهد، بی آن که از سنت من منحرف شود.

6. زهد کمیابترین پدیده ها و والاترین چیزی است که از آن یاد می شود؛ همگان آن را می ستایند ولی بیشتر مردم آن را رها می سازند.

7. زهد خوی پرهیزگاران است و خصلت همیشه ی توبه کنندگان.

8. زهد، تجارتی سود آور است.

9. زهد، یک ثروت است.

10. نشانه‌ی کسی که به پاداش آخرت رغبت دارد، زهد ورزیدن به زرق و برق دنیاست. همه خیر در یک خانه نهاده شده و کلید آن، دل برکندن از دنیا قرار داده شده است.

11. فرمود یعنی زهد و بی رغبتی به دنیا خداوند متعال به موسی فرمود ای موسی آراستگان خود را به هیچ زیوری نیاراستند، که همانند زهد در نظرم زیبا آید.

12. پیامبر (صلی اله علیه و آله) فرمود: ای علی! خداوند تو را به زیوری آراسته که بندگان را به زیوری دوست داشتنی تر از آن نزد خود نیاراسته است؛ تو را با بی رغبتی به دنیا آراسته و چنانست قرار داده که نه تواز او به نوایی میرسی و نه او از تو.

13. پیامبر (صلی اله علیه و آله) فرمود: ای علی! خداوند متعال تو را به زیوری آراسته که بندگان را به زیوری محبوبتر از آن نزد خود نیاراسته است؛ تو را به دنیا بی رغبت کرد و آن را منفور تو ساخت و محبت تهیدستان را در دل تو نهاد؛ پس تو به داشتن پیروانی چون آنان خرسندی و آنان به داشتن امامی چون تو

14. از جمله نجوهای خداوند متعال با موسی (علیه السلام) این بود آراستگان خود را برای من به زیوری نیاراستند که همانند بی رغبتی به دنیا در آنچه بدان نیاز ندارند، باشد.

15. زهد ریشه دین است.

16. زهد، میوه دین است.

17. زهد، شالوده یقین است.

18. بر تو باد زهد، که آن یاور دین است.

ص: 250

19. از خوبهایی که بیشترین کمک را به دین می کند، بی رغبتی به دنیا است.

20. بی رغبتی به دنیا عبارت است از کوتاه کردن آرزو و به جای آوردن شکر هر نعمتی و پرهیز از هر آنچه خداوند حرام کرده است.

21. زهد به معنای حرام کردن حلال بر خود نیست، بلکه بدین معناست که انسان اطمینانش به آنچه در دست خداست بیشتر باشد از آنچه در دست خود اوست.

22. همه زهد در دو جمله قرآن آمده است؛ خداوند متعال فرموده: «تا بر آنچه از دستت می رود، اندوهگین نشوید و بر آنچه به دستت می آید شادمانی نکنید. بنا بر این کسی که بر گذشته اندوه نخورد و برای آنچه به دستش میرسد شاد نشود زاهد است.

23. زهد در دو جمله فراهم آمده است؛ خدای متعال فرموده: «تا بر آنچه از دستت رفته اندوهگین نشوید و به آنچه دستت می آید شادمانی نکنید. و خدا هیچ متکبر فخر فروشی را دوست ندارد. بنا بر این، کسی که برای از دست رفته افسوس نخورد و برای آنچه به دستش می رسد شاد نشود، هر دو جانب زهد را رعایت کرده است.

24. ای مردم! مردم سه گروهند: دنیا گریز و دنیا خواه و شکیبیا. دنیا گریز هرگاه به چیزی از دنیا دست یابد شاد نمی شود و هرگاه چیزی از آن را از دست دهد افسوس نمی خورد و شکیبیا در دل آرزوی دنیا را دارد اما اگر به چیزی از دنیا دست یابد چون عاقبت بد و ناگوار آن را می داند خود را از آن باز می دارد و دنیا خواه اهمیتی نمی دهد که از راه حلال به دنیا برسد یا از راه حرام.

25. ای پسر آدم برای آنچه از دست رفته و باز نمی گردد، افسوس مخور

و برای آنچه در دست داری اما مرگ آن را در دستانت باقی نمی گذارد، شادی مکن.

26. زهد آن است که تا موجودی ات از بین نرفته در طلب ناداشته بر نیایی.

27. زهد، کوتاه کردن آرزوهاست و خالص کردن اعمال.

28. ریشه زهد رغبتِ شایسته داشتن است به آنچه نزد خداست.

29. ای مردم زهد، کوتاهی آرزو و گزاردن شکر نعمتها و خویشترداری در هنگام روبرو شدن با حرامهاست. اگر این زهد از شما برنیامد، [لااقل] نباید که حرام بر شکیبایی شما چیره آید و سپاسگزاری از نعمتها را فراموش کنید.

30. در پاسخ به این سؤال که زهد چیست؟ فرمود: رغبت به تقوی و بی رغبتی به دنیا.

31. گفت پروردگارا بر محمد و آلش درود فرست و مرا در همه حال به ستایش و مدح و سپاسگزاری از خودت بر گمار تا بر آنچه از دنیا به من داده ای شاد نشوم و برای آنچه از من در دنیا بازداشته ای، غم منخورم.

32. بی رغبتی به دنیا به استفاده نکردن از مال و ثروت و یا حرام کردن حلال [بر خود] نیست، بلکه بی رغبتی به دنیا آن است که به آنچه در دست داری از آنچه در دست خداوند عزوجل است مطمئن تر نباشی.

33. به امیرالمؤمنین علیه السلام عرض شد زهد به دنیا چیست؟ فرمود فرو گذاشتن حرام آن.

34. زهد کلید در آخرت است و برائت از آتش. زهد آن است که هر چه تو را از خدا باز دارد رها کنی بی آن که بر از دست دادن آن افسوس خوری و نه بر اثر فرو گذاشتن آن دچار خود پسندی شوی و نه چشمداشت

گشایشی از آن داشته باشی و نه خواهان ستایشی در قبال این کار و نه طالب عوض و جبران آن باشی. بلکه از دست دادن آن را مایه آسایش و بودن آن را آفتی برای خود دانی و همواره از آفت گریزان باشی و به آسایش چنگ زنی.

35. گفتم: ای جبرئیل! تفسیر زهد چیست؟ گفت: زاهد، آنچه را که آفریدگارش دوست دارد دوست میدارد و آنچه را آفریدگارش ناخوش دارد، ناخوش می‌دارد و از حلال دنیا می‌پرهیزد و به حرام آن توجه نمی‌کند؛ زیرا حلال آن حساب دارد و حرامش کیفر؛ و [زاهد] همچنان که به خودش رحم میکند به همه مسلمانان نیز رحم می‌کند و همچنان که از مردار گندیده بسیار بد بو دوری میکند از سخن گفتن نیز می‌پرهیزد و همچنان که از آتش دوری می‌کند، که مبادا او را فرا گیرد، از خُرده ریزه های دنیا نیز کناره می‌گیرد و آرزویش کوتاه است و مرگ را در برابر چشم خود دارد.

36. بی‌رغبت به دنیا کسی است که در مقابل حرام، شکیبایی خود را از دست ندهد و حلال او را از گزاردن شکرش غافل نسازد.

37. کسی که به دنیا بی‌اعتناست هر چه دنیا بیشتر برایش خود آرایی کند، او بیشتر به آن پشت می‌کند.

38. دنیا گریزان مردمی هستند که چون اندرز داده شدند، پند گرفتند و چون بیم داده شدند حذر کردند و چون تعلیم داده شدند، آموختند و هرگاه آسایشی به آنان رسد شکر کنند و چون به سختی درافتند، شکیبایی ورزند.

39. زاهد زاهد نباشد مگر آنگاه که فروتن باشد.

40. فرمود: آنان گروهی از مردم دنیا هستند ولی اهل دنیا (دنیا دوست)

نیستند. در این دنیا همچون کسانی هستند که از آن نیستند. بر اساس بینش و بصیرت کار می کنند و در دنیا از آنچه می ترسند (مرگ) پیشی می گیرند، پیکرهایشان در میان اهل آخرت میگردد (جز با اهل دین و آخرت نمی آمیزند)، اهل دنیا را می بینند که به مرگ بدنهایشان اهمیت می دهند، در حالی که آنان مرگ دل‌های زنده را بیش از آن مهم می شمارند.

41. بی رغبتان به دنیا گرچه [به ظاهر] خندانند اما دل‌هایشان گریان است و هر چند به ظاهر شادند لیکن سخت اندوهناکند؛ هر چند به آنچه روزیشان شده خرم و شادمانند اما بر خود بسیار خشمناکند.

42. نشانه دنیا‌گریزان آخرت خواه رها کردن هر همنشین و دوست و طرد کردن هر یار و رفیقی است که خواسته اش با خواسته آنان یکی نباشد بدانید کسی که برای ثواب آخرت کار می کند، نسبت به زرق و برق زودگذر دنیا بی رغبت است.

43. زاهد کسی است که آخرت را بر دنیا و خاکساری را بر بزرگی و رنج را بر آسایش و گرسنگی را بر سیری و فرجام آخرت را بر محبت دنیا و ذکر خدا و آخرت را بر غفلت ترجیح می دهد. پیکرش در دنیاست و دلش در آخرت.

44. در پاسخ به این که زاهد به دنیا کیست؟ فرمود: کسی که از بیم حسابرسی، حلال دنیا را ترک گوید و از بیم کیفر، حرام آن را رها کند.

45. همانا بی رغبتان به دنیا از نور جلال و عظمت منورند و نشانه خدمت‌گزاری بر پیشانی آنها هویداست؛ و چرا چنین نباشند؟ آدمی وقتی خود را وقف خدمت‌گزاری به حکمرانی از حکمرانان دنیا می کند، آثار آن در وی دیده میشود پس چگونه ممکن است کسی خود را وقف خدمت به خداوند متعال کند و اثر آن بر وی دیده نشود؟

46. در پاسخ به پرسشش از صفت زاهد فرمود: کسی که به کمتر از قوت خود بسنده می کند برای روز مرگش آماده است و از زنده ماندن خود دلتنگ است شوق آخرت و دیدار خدا را دارد.
47. تمرین زهد کردن به زهد [واقعی] می انجامد.
48. آغاز زهد خود را به زهد واداشتن است.
49. ریشه زهد یقین است و میوه آن، خوشبختی.
50. ریشه زهد رغبت نیکو به چیزهای نزد خداست.
51. بی رغبتی انسان به آنچه فناپذیر است (دنیا)، به اندازه یقین اوست به آنچه فنا نا پذیر است (آخرت).
52. چگونه به دنیا پشت کند کسی که ارزش آخرت را نمی داند؟
53. از جمله نجوهای خداوند متعال با موسی علیه السلام این بود که: بندگان صالح من به اندازه معرفتشان نسبت به من، دل از دنیا برکنند و دیگر آفریدگان من به اندازه جهلشان نسبت به من، به دنیا روی آوردند؛ هیچ یک از آفریدگان من از بزرگداشت دنیا، شادی و خرمی ندید.
54. فرمود: از آخرت و نعمتها و عذاب دردناک آن بسیار یاد کن؛ زیرا این کار تو را به دنیا بی رغبت و آن را در نظرت بی مقدار می کند. خداوند تو را از دنیا و احوال آن خبر داده و دنیا نیز خویشتن را برای تو وصف کرده است.
55. هر که چهره مرگ را در پیش چشمانش داشته باشد، کار دنیا بر او آسان شود.
56. سزاوارترین مردم به زهد ورزی کسی است که عیب و نقص دنیا را بشناسد.
57. دور اندیش ترین و محتاط ترین شما زاهدترین شماست.

58. به هیچ چیز فناپذیر و رفتنی دل مبنده که برای زیانبار بودن همین بس است.

59. مشاهده کمترین سختیها و ناملايمات دنیا تو را به ترک دنیا فرا میخواند و به زهد فرمان می دهد.

پس بکوش و غافل مباش که زندگی تو رفتنی است

و تو به سوی سرای مرگ رهسپاری.

دنیا را مطلب؛ زیرا که اگر هم در دنیا طلبی.

به چیزی رسی فرجام آن به زیان تو تمام شود.

60. زیاد به یاد مرگ باش؛ زیرا هیچ انسانی مرگ را بسیار یاد نکرد، مگر آن که به دنیا بی رغبت شد.

61. خردمندان به دنیا بی رغبتند و به آخرت مشتاق؛ زیرا می دانند که دنیا طالب است و مطلوب و آخرت نیز طالب است و مطلوب؛ چه، هر که آخرت را طلبد دنیا در طلب وی برآید تا وی روزی خود را به تمام از آن دریافت کند و هر که دنیا را طلبد آخرت در طلب وی برآید و مرگش فرا رسد و دنیا و آخرتش را بر وی تباه کند.

62. فرمود: چیزی که آخرش این است سزاوار است که از همان آغاز به آن دل بسته نشود و چیزی که آغازش این است، به جاست که از فرجام آن ترسیده شود.

63. اگر اهل دنیا عقل خود را به کار می بستند دنیا ویران می شد چون به دنیا بی رغبت می شدند.

64. در حدیث معراج آمده است ای احمد! اگر دوست داری که پارساترین مردم باشی به دنیا پشت کن و به آخرت روی آر پیامبر خدا صلی الله علیه و آله عرض کرد بار خدایا چگونه به دنیا پشت کنم و

به آخرت روی آورم؟ فرمود: از دنیا اندکی خوردنی و نوشیدنی و پوشیدنی بگیر و برای فردا میندوز.

65. چگونه برای آخرت کار کند، کسی که از دنیا دل بر نمی کند و شهوت و خواهش های دنیایی او پایان نمی پذیرد؟

66. چگونه به دنیا پشت کند کسی که ارزش آخرت را نمی داند؟

67. چگونه به حقیقت زهد میرسد کسی که شهوت خویش را نمیرانده است؟!

68. زهد، ده درجه دارد و بالاترین درجه زهد، کمترین درجه ورع است و بالاترین درجه ورع پایین ترین درجه یقین و عالیترین درجه یقین، فروترین درجه رضاست. زهد دارای ده درجه است بالاترین درجه زهد کمترین درجه رضاست.

69. بدانید که همه زهد در یک آیه از کتاب خداست: «تا افسوس مخورید بر آنچه از دستتان می رود و شادمانی نکنید به آنچه دستتان می آید».

70. ای ابوذر! هیچ بنده ای دل از دنیا برنگند، مگر آن که خداوند بذر حکمت را در دل او رویاند و زبانش را به آن گویا کرد و عیب های دنیا و درد و درمان آن را به وی شناساند و او را سالم از دنیا به سرای سلامت (بهشت) بُرد.

71. هر که به دنیا روی آورد و آرزویش دراز گردد، خداوند به اندازه رغبت او به دنیا دلش را کور گرداند و هر که به دنیا پشت کند و آرزویش را در آن کوتاه گرداند، خداوند او را دانشی عطا کند، بی آن که از کسی فرا گیرد و هدایتش فرماید، بی آن که کسی هدایتش کند و کوری را از [دل] او ببرد و بینایش گرداند.

72. پس از خروج [از منزل] فرمود: آیا کسی از شما هست که بخواهد خداوند، بی واسطه کسی او را علم آموزد و هدایت کند؟ آیا کسی از شما هست که بخواهد خداوند کوردلی او را بزدايد و بينا و بصيرش گرداند؟

بدانيد ... که هر کس به دنيا بی رغبت باشد و آرزویش را در دنيا کوتاه کند، خداوند بدون درس گرفتن و راهنمایی او را علم آموزد و هدایتش فرماید.

73. ای ابوذر هر گاه دیدی برادرت به دنيا پشت کرده است، به سخنان او گوش کن؛ زیرا او حکمت تعلیم می دهد.

74. هر که دل از دنيا برکند و از خواری آن بیتابی نکند و برای رسیدن به ارجمندی آن به رقابت برنخیزد خداوند او را هدایت کند، بی هدایت مخلوقی و علمش آموزد بی آن که از کسی تعلیم گیرد و حکمت را در سینه اش استوار دارد و آن را بر زبانش جاری سازد.

75. در دعا آمده است بار الها حمد و سپاس تو راست بر آنچه از قضای خود بر دوستان جاری ساختی پس از آن که با ایشان شرط زهد گذاشتی. و آنان آن شرط را از تو پذیرفتند و دانستی که به آن شرط وفا می کنند، پس آنان را پذیرا شدی و فرشتگان خود را برایشان فرو فرستادی و با وحی خود گرامیشان داشتی و از دانش خود عطایشان کردی.

76. پیامبر خدا (صلی الله علیه و آله) درباره آیه «آیا کسی که خداوند سینه اش را برای اسلام فراخ گرداند و در نتیجه نوری از سوی پروردگارش دارد فرمود این نور هرگاه در دل بیفتد دل برایش باز شود و فراخ گردد.

عرض کردند: ای رسول خدا آیا برای شناخت این امر، نشانه ای هم هست؟ فرمود دوری کردن از سرای فریب (دنیا) و روی آوردن به سرای جاودانه (آخرت) و آماده شدن برای مرگ پیش از فرا رسیدن مرگ

77. خدمت امام باقر (علیه السلام) بودم که حمران بن اعین وارد شد و سؤالاتی کرد و وقتی خواست برخیزد به امام علیه السلام عرض کرد: خداوند به شما عمر طولانی دهد و ما را از وجودتان بهره مند سازد، می خواهم مطلبی عرض کنم، و آن این است که وقتی خدمت شما می آییم، تا زمانی که در محضر شما هستیم، رقت قلب داریم و جان هایمان به دنیا بی رغبت است و مال و ثروت مردم برایمان ارزش و اهمیتی ندارد اما همین که شما را ترک می کنیم و به میان مردم و کسبه و تجّار می رویم، دوباره دنیا دوستی به سراغمان می آید.

امام باقر علیه السلام فرمود: دلها چنین هستند. گاه کار بر آنها دشوار می شود و گاه آسان می گردد.

سپس امام علیه السلام فرمود: اصحاب رسول خدا صلی الله علیه و آله به آن حضرت عرض کردند: ای رسول خدا از نفاق بر خود می ترسیم! رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود چرا از آن می ترسید؟ عرض کردند ما وقتی در محضر شما هستیم و ما را موعظه میفرماید، بیم و ترس از خدا و آخرت دلمان را فرا می گیرد و دنیا را فراموش می کنیم و به آن بی رغبت می شویم، چنان که گویی آخرت و بهشت و دوزخ را با چشم می بینیم. اما همین که به خانه های خود میرویم و بوی فرزندانمان به مشاممان می خورد و زن و بچه و ثروت را می بینیم از آن حال و وضعی که در خدمت شما داشتیم تقریباً بر می گردیم به طوری که گویی اصلاً آن حالت را نداشته ایم. آیا از این حالت، بیم نفاق بر ما دارید؟

رسول خدا (صلی الله علیه و آله) به آنان فرمود: هرگز؛ این از گمراهی است که شیطان بر می دارد تا شما را به دنیا راغب سازد. به خدا قسم اگر همان حالت نزد من را در خانه هایتان نیز داشتید فرشتگان با شما دست

می دادند و بر روی آب راه می رفتید.

78. در خدمت پیامبر (صلی الله علیه و آله) بودیم و آن حضرت از بهشت و دوزخ برایمان گفت، چندان که گویی آنها را با چشم میدیدیم. [در پایان مجلس] من برخاستم و پیش زن و بچه ام رفتم و شروع کردم به گفتن و خندیدن و شوخی کردن ناگه به یاد سخنان پیامبر و حالتی که به ما دست داده بود، افتادم از خانه بیرون آمدم و ابوبکر را دیدم و به او گفتم: ای ابوبکر گرفتار نفاق شده ام. ابوبکر پرسید: کدام نفاق؟ گفتم: وقتی در خدمت پیامبر صلی الله علیه و آله هستیم و از بهشت و دوزخ برایمان می گوید، حالتی به ما دست می دهد که گویی بهشت و جهنم را می بینیم، اما چون از خدمت آن حضرت میرویم به زنها و بچه ها و مال و منال خود سرگرم میشویم و [همه آن سخنان را] فراموش می کنیم

ابوبکر گفت: ما نیز همین حالت را داریم

من خدمت پیامبر (صلی الله علیه و آله) رسیدم و موضوع را برای آن حضرت گفتم؛ فرمود ای حنظله اگر نزد خانواده خود نیز همان حالتی را می داشتید که نزد من دارید هر آینه فرشتگان در بستر شما و در کوچه و گذرگاه با شما دست می دادند. ای حنظله آدمی هر ساعتی حالتی دارد.

79. چرا تو بر آب راه میروی و ما نمی توانیم؟ فرمود به نظر شما درهم و دینار چگونه است؟ عرض کردند ارزشمند هستند مسیح علیه السلام فرمود اما در نظر من ارزش آنها با کلوخ یکسان است.

80. بی رغبت به دنیا رستگار شد چنین کسی هم از ارجمندی دنیا بهره مند شود و هم از پاداش آخرت.

81. هر که دل از دنیا برکند، مصیبتها و گرفتاریها بر او آسان شود..

82. زهد پیکرها را می فرساید آرزوها را محدود می کند مرگ را

ص: 260

نزدیک می نمایاند و آرزو را دور می سازد. هر که به زهد دست یابد، رنجور شود و هر که آن را از دست دهد، به رنج و سختی افتد.

83. زهد، کلید درستی است و ورع چراغ راه رستگاری.

84. دانش تو را به فرمانهای خداوند رهنمون میشود و زهد، راه رسیدن به آن را برای تو آسان و هموار می کند.

85. دل از دنیا بر کن تا خداوند تو را به عیبها و زشتیهای آن بینا کند و غافل مباش؛ زیرا که خداوند از تو غافل نیست

86. به دنیا زاهد و بی رغبت باش تا رحمت بر تو فرود آید.

87. اگر شما زهد بورزید از بدبختی دنیا رهایی یابید و به سرای جاویدان دست پیدا کنید

88. هر که دل از دنیا بر کند خود را از قید بندگی آن آزاد کند پروردگارش را خشنود سازد.

89. هر که به دنیا بی رغبت باشد، مصیبتها و گرفتاریها را ناچیز شمارد.

90. دل کندن از دنیا، بزرگترین آسایش است.

91. سلامت، در تنهایی است و آسایش در دنیا گریزی.

92. آن که زهد ورزد، هرگز نیازمند نشود.

93. با زهد است که حکمت به بار می نشیند

94. خداوند عزّ و جلّ مردمانی را بیافرید و از روی لطف، دنیا را بر آنان تنگ کرد و بدین سان آنان را به دنیا و خُرده ریزههای آن بی رغبت ساخت و در نتیجه آنان به سرای سلامت بهشت، که ایشان را به سوی آن فرا خوانده است روی آوردند.

95. فرمود دلت را با موعظه زنده گردان و با زهد بمیرانش.

96. هر که دل از دنیا بر کند مصیبتهای آن بر او آسان شود و از آنها

97. آنان (صاحبان قلب سلیم) زهد به دنیا را می خواهند تا دلهایشان را برای آخرت خالی سازند.
98. چشیدن حلاوت ایمان بر دلهای شما حرام است، مگر آنگاه که دلهایتان به دنیا بی رغبت باشند.
99. بی رغبتی به دنیا تن و جان را آسایش می بخشد و رغبت به آن، تن و جان را به رنج می افکند.
100. بی رغبتی به دنیا به آنچه نزد خداست امیدوار است و جان و تن خود را در دنیا و آخرت آسایش دهد و کسی که به دنیا راغب باشد، تن و جان خویش را در دنیا و آخرت به رنج افکند.
101. رغبت به دنیا، کلید رنج است.
102. رغبت به دنیا، غم و اندوه به بار می آورد و بی اعتنایی به دنیا مایه آسایش تن و جان است.
103. زاهدترین مردم کسی است که از حرام دوری می کند.
104. فرمود: کسی که گورها و پوسیده شدن را فراموش نکند و زیور اضافی دنیا را واگذارد و آنچه را ماندنی است بر آنچه فناپذیر است، مقدم بدارد و فردا را از روزهای عمر خود نشمارد و خود را از مردگان شمارد.
- 105 هیچ زهدی چون بی رغبتی به حرام نیست.
106. خداوند می فرماید ای پسر آدم به آنچه تو را داده ام خشنود و قانع باش تا از زاهدترین مردمان باشی.
107. همانا صبورترین شما در برابر بلاها زاهدترین شما به دنیا است
- 108 فرمود: فرزندم! اگر از آنچه تو را به دل برکندن از آن فرا خواندم، دل بر کنی و خود را از آن بازداری کاری شایسته و بجا کرده ای، و اگر

نصیحت مرا درباره دنیا نپذیری یقین بدان که تو در دنیا هرگز به آرزویت نمی رسی و از مدت عمرت فراتر نروی؛ چه تو نیز همان راهی را می روی که پیشینیان تو رفتند. بنا براین در طلب [دنیا] آرام باش و برای کسب روزی میانه رو.

109. هر که به دنیا بی اعتنا باشد دنیا از دستش نرود و هر که به دنیا رو کند، دنیا او را به رنج و بدبختی افکند.

110. بی اعتنایی زاهد به این دنیا از رزقی که خداوند عزّ و جلّ برای او مقدر فرموده، چیزی کم نمی کند، هر چند زهد ورزد. و حرص زدنِ حریص بر این زندگی زودگذر دنیا چیزی بر روزی مقدر او نمی افزاید هر چند حرص زند. پس مغبون کسی است که از بهره آخرت خود محروم ماند.

111. وقتی که مردی در دعای خود عرض کرد بار الها دنیا را چنان که خود میبینی به من نشان بده فرمود: این چنین مگو. بلکه بگو: دنیا را همان گونه که به بندگان صالح خود نشان دادی به من بنما.

112. تا چیزی را نشناخته ای به آن زهد مورز.

113. اندکی شناخت موجب بی رغبتی به دنیا می شود.

114. در وصف کسانی که ناگاه در چنگال مرگ گرفتار می شوند فرمود: او، بر اثر آنچه هنگام مرگ برایش آشکار شده است، دست خود را از پشیمانی می گزد و بدانچه در روزهای زندگانی اش بدان مایل بوده، بی رغبت میشود و آرزو میکند که ای کاش آن کسی که حسرت او را می خورد و بروی حسادت می ورزید این اموال را گرد آورده بود نه او!

115. چونان کسی مباش که با کار دنیایی آخرت را می خواهد. در دنیا همچون مردمان زاهد سخن میگویند و در عمل چون دنیا خواهان رفتار

می کند.

116. برترین زهد پوشیده داشتن زهد است.

117. هرگاه زاهد از مردم گریزان شد در طلب او برآی و هرگاه زاهد در طلب مردم برآمد، از او گریزان شو.

118. ای بنی اسرائیل هرگاه دینتان سالم بود، برای از دست دادن دنیااتان افسوس مخورید همچنان که دنیا پرستان هرگاه دنیایشان سالم باشد برای از دست دادن دینشان اندوهی به خود راه نمی دهند.

119. امام صادق علیه السلام فرمود هیچ کس حق را در بهتر از بی رغبتی به دنیا به دست نیاورد و این برخلاف آن چیزی است که دشمنان حق در پی آنند. عرض کردم فدایت گردم برای چه؟ فرمود: به جهت دل بستگی به دنیا. و ادامه: داد مگر از شکیبای بزرگوار که دنیا چند روزی بیش نیست.

ص: 264

1. زهد، توانگری است. (3791)
2. راحتی و آسایش در زهد است. (3791)
3. زهد، میوه و ثمره دین است. (3793)
4. زهد، میوه یقین است. (3794)
5. زهد ریشه و اساس دین است. (3795)
6. زهد اساس و پایه یقین است. (3796)
7. زهد تجارت و معامله ای سود آور است. (3797)
8. زهد، خوی انسانهای با اخلاص است. (3798)
9. زهد، کلید صلاح و شایستگی است. (3799)
10. زهد کوتاه کردن آرزوها است. (3800)
11. زهد ورزیدن و خود را به زهد وادار کردن انسان را به زهد و ترک دنیا می کشاند. (3801)
12. زهد در دنیا بزرگترین آسایش است. (3802)
13. زهد آن است که نخواهی هر چه را نداری تا آنچه را داری تمام شود. (3803)
14. بازداشتن خویش از آنچه در دست مردم است و بی اعتنایی نسبت بدان یکی از دو بخش سخاوت است. (3804).
15. زهد آن است که آرزوها را کوتاه کرده در اعمال خود اخلاص

16. عاقل و خردمند کسی است که زهد ورزد در دنیای فانی پست و رغبت کند در بهشت والای جاوید بلند مرتبه. (3806)
17. زهد، برترین بخش از دو بخش آسایش دنیاست. (3807)
18. زهد خوی پرهیزکاران و خصلت بازگشت کنندگان به سوی خدای تعالی است. (3808)
19. زهد، کمترین چیزی است که یافت شود و بزرگترین چیزی است که شناخته شده، همه آن را ستایش کنند ولی بیشتر مردم آن را واگذارند. (3809)
20. در دنیا زهد ورز تا رحمت حق بر تو نازل گردد. (3810)
21. در دنیا زهد ورز تا خداوند عیوب دنیا را به تو بنمایاند و بینایت گرداند بدان و غافل و بی خبر نباش که از تو غافل نیستند (و همه اعمال و رفتار تو تحت نظر است و ثبت و ضبط میشود). (3811)
22. در دنیا بی رغبت باش و زهد ورز و پرهیز کن از این که مرگ بر تو در آید در حالی که از پروردگار خود فرار کرده و در طلب دنیا تلاش می کنی که در این صورت بدبخت خواهی بود. (3812)
23. بی رغبت باش در دنیا و از آن دوری کن و بترس از این که مرگ در حالی که سراغت آید که دلت به دنیا بسته باشد که در این صورت نابود خواهی شد. (3813)
24. بنگرید به دنیا بسان کسی که بدان رغبتی ندارد و از آن روی گردانده که به خدا سوگند دنیا به زودی آن کس را که در آن سکونت گزیده از جای برکند، و آنکه به لذتهای دنیا سرگرم و ایمن است به مصیبت و رنج نشاند. (3814)

25. آیا شادمانت می کند که فردای قیامت خدا را دیدار کنی و از تو خوشنود باشد و خشمگین نباشد اگر این را میخواهی در دنیا زاهد و بی رغبت باش و نسبت به آخرت راغب و علاقه مند، و بر تو باد به تقوای الهی و صداقت و راستی که این دو گرد آورنده و جامع دین هستند، و با طرفداران حق ملازم باش و کار آنها را انجام ده تا از ایشان باشی. (3815)

26. دور اندیشترین شما کسی است که زهدش بیشتر باشد. (3816)

27. برترین عبادت زهد و ورزیدن است. (3817)

28. آغاز زهد این است که خود را به ترک دنیا و زهد واداری. (3818)

29. برترین فرمانبرداریهها و طاعتها زهد در دنیا است. (3819)

30. برترین زهدها پنهان کردن زهد است. (3820)

31. بزرگترین مردم از نظر سعادت کسانی هستند که زهدشان بیشتر باشد. (3821)

32. اساس زهد آن است که میل و رغبت انسان بدانچه نزد خداست نیکو باشد. (3822)

33. شایسته ترین مردم به زهد و بی رغبتی در دنیا کسی است که نقص و کمی دنیا را شناخته باشد. (3823)

34. به راستی که زاهدان در دنیا دلهاشان گریان است اگر چه در ظاهر بخندند و اندوهشان سخت باشد اگر چه در ظاهر فرحناک باشند، و خشم ایشان از نفس خود بسیار باشد اگر چه مورد آرزو و غبطه دیگران باشند. (3824).

35. به راستی که زهد و بی رغبتی در دنیا کوتاه کردن آرزو، سپاسگزاری نعمتهای خدا و پارسایی از محرمات الهی است و اگر

اینها همه نبود لا اقل آن دو قسمت آخر در شما باشد یعنی غلبه نکند

حرام بر صبر و بردباری شما و در برابر نعمتها شکر و سپاسگزاری را فراموش نکنید زیرا خدای سبحان عذر خود را در این باره از شما خواسته به وسیله حجتهای روشن و آشکار و کتابهایی که به طور وضوح و بی پرده این عذر را بیان کرده است. (3825)

36. اگر کار خود را دریافته ای یا به شناخت نفس خویش رسیده ای از دنیا روی بگردان و در آن بی رغبت باش که به راستی دنیا خانه بدبختان است و سرای نیکبختان نیست شادابی آن دروغ و باطل و زیور آن فریب است ابرهایش پراکنده و بخششهای آن بازگشت داده خواهد شد. (3826)

37. اگر به راستی به ماندن و بقا علاقه مند و راغب هستید پس بیایید و در جهان فانی زهد ورزید. (3827)

38. تو هیچگاه برای دنیا آفریده نشده ای پس در آن زهد ورز و از آن روی بگردان. (3828)

39. به راستی که شما اگر زهد ورزید از بدبختی دنیا آسوده شده و به سرای پایدار و ماندنی رسیده و رستگار شده اید. (3829)

40. هرگاه شخص زاهد از مردم گریخت او را بجوی (و بدانکه زهد او واقعی است و حقیقت دارد). (3830)

41. هر گاه دیدی زاهد در جستجوی مردم و به دنبال آنهاست از او بگریز و بدان که حقیقت ندارد و فریبکار است. (3831)

42. به وسیله زهد درخت حکمت و فرزاندگی بار دهد و به بار نشیند. (3832)

43. میوه زهد، آسودگی است. (3833)

44. بهای بهشت زهد در دنیا است. (3834)

45. زهد نیکو از برترین مراتب ایمان است و رغبت در دنیا یقین را تباه کند. (3835)

46. بهترین مردم کسی است که نفس او زهد ورزد و میل و رغبتش به دنیا کم باشد، شهوت و خواسته هایش مرده و ایمانش پاک و خالص، و یقین او صادق و درست باشد. (3836)

47. اساس و ریشه سخاوت و گذشت زهد در دنیا است. (3837)

48. زیور حکمت و فرزانگی، زهد و بی رغبتی در دنیا است. (3838)

49. زهد تو در مورد دنیا رهایی ات دهد و میل و رغبت در دنیا نابودت کند. (3839)

50. زهد انسان در آنچه فانی شود به مقدار یقین او است در آنچه برجای می ماند. (3840)

51. وسیله اصلاح نفس روی گرداندن از دنیا است. (3841)

52. خوشا به حال آنها که نسبت به دنیا بی رغبت و در آخرت راغب و مشتاقند اینانند که زمین را فرش و خاکش را بستر و آب آن را بوی خوش و قرآن را شعار جامه زیرین و دعا را دثار جامه روین قرار داده و دنیا را پیموده اند همان گونه که حضرت مسیح علیه السلام درود پیمود. (3842)

53. بر تو باد به زهد که به راستی زهد کمک کار و یاور دین است. (3843)

54. فضیلت و برتری عقل به زهد و بی رغبتی در دنیا است. (3844)

55. چگونه زهد ورزد در دنیا کسی که قدر و ارزش آخرت را نشناخته است. (3845)

56. وسیله تحصیل و به دست آوردن علم و دانش، زهد در دنیا است. (3846)

57. برای سعادت و نیکبختی انسان همین بس که روی بگرداند از آنچه نابود شدنی است و شائق گردد بدانچه ماندنی است. (3847).
58. از آن مردمانی باشید که فنا و نیستی دنیا را شناخته و در آن زهد ورزیده و بقا و ماندن آخرت را دانسته و برای آن کار کرده است. (3848)
59. کسی که دنیا را بشناسد زهد ورزد. (3849)
60. کسی که یقین دارد بدانچه به جای میماند، زهد ورزد در آنچه از میان می‌رود و فانی می‌شود. (3850)
61. کسی که زهد ورزد رنج و مصیبت‌ها برایش آسان شود. (3851)
62. باید زهد و بی‌رغبتی تو در چیزی باشد که از میان می‌رود و زوال می‌پذیرد زیرا که چنین چیزی برای تو نمیماند و تو هم برای او نخواهی ماند. (3852)
63. نیازمند و فقیر نشود کسی که زهد ورزد. (3853)
64. کسی که در دنیا زهد ورزد دین خود را حفظ کرده است. 3854
65. کسی که در دنیا زهد ورزد دنیا از دستش نرود و آنچه مقدر شده به او خواهد رسید و زهد چیزی را از او نگیرد. (3855)
66. کسی که در دنیا رغبت کند او را به تعب و رنج اندازد و به بدبختی کشاند. (3856)
67. کسی که از دنیا روی بگرداند دنیا با حال خواری به نزدش آید. (3857)
68. کسی که از دنیا کنده و جدا شود مصیبت‌ها بر او آسان گردد. (3858)
69. کسی که بر گذشته افسوس نخورد و به آینده شادمان نگردد، زهد را به دو طرف آن دریافت کرده است. (3859)

70. کسی که در دنیا زهد ورزد مصیبت ها را آسان گیرد. (3860)

71. کسی که در دنیا زهد ورزد جان خود را آزاد کرده و پروردگارش را خوشنود سازد. (3861)

72. کسی که در دنیا زهد ورزد دیده اش به بهشت برین جتّه الماوی روشن گردد. (3862)

73. کسی که در دنیا زهد نورزد بهره ای از بهشت برین ندارد. 3863

74. با زهد است که درخت حکمت و فرزاندگی به بار نشیند و میوه دهد. (3864)

75. سود ندهد زهد کسی که از آز و طمع خود را جدا نکرده، و به پارسایی و ورع خود را نیاراسته است. (3865)

76. برای کسی که مردم را شناخته شایسته است که زاهد و بی رغبت باشد بدانچه در دست آنها است. (3866)

77. ای مردم در دنیا زهد ورزید که به راستی زندگی آن کوتاه و خیر آن اندک و به راستی که این دنیا سرای رفتن و جایگاه بر هم خوردن است و به راستی که دنیا اجلها را نزدیک و آرزوها را قطع کند، آگاه باشید که این دنیا همچون زن روسپی هوس انگیزی است که خود را نشان دهد و سپس با نفرت پشت کند و همچون مرکب سرکشی که هنگام دویدن از رفتن باز ایستد و دروغگویی است خیانت پیشه (3867)

78. برای کسی که دنیا را شناخته شایسته است که در آن زهد ورزد و از آن دوری گزیند. (3868)

79. شایسته است برای کسی که شتاب زوال دنیا را دانسته که در آن زهد ورزد. (3869)

80. با نشان دادن بی رغبتی نسبت به آنچه در دست مردم است دوستی

آنها را جلب کن تا از محبت آنها بهره مند شوی. (3870)

81. به راستی که ارزش و اهمیت بی رغبتی درباره جهل و نادانی به اندازه رغبت داشتن در عقل است. (3871)

حقیر در تمام مدتی که در جمع آوری و انتخاب این کلمات نورانی بودم پیوسته در بهت و حیرت بسر میبردم که کدام کلام را برگزینم و کدام را واگذارم همچون انسانی که بخواهد از میان هزاران دُر و گوهر که بدون استثناء گرانقیمت و با ارزش هستند گروهی را برچیند! مع الوصف گاهی جملات مشابه که با الفاظی نزدیک به هم هستند انتخاب و آورده شد زیرا هر یک را حلاوتی است که براحتی نمیتوان از آن گذشت.

امید وافر به توفیقات الهی و عنایات صاحب این کلمات دارم که جامعه ی اسلامی ما با بهره گیری از این آموزه های حیات بخش به سعادت دنیا و آخرت برسد. ان شاء الله.

سید مهدی طباطبایی

ص: 274

فهرست موضوعی

بخش اول: دنیا

فصل اول: موضوع دنیا در خطبه های نهج البلاغه

فصل دوم: موضوع دنیا در نامه های نهج البلاغه

فصل سوم: موضوع دنیا در حکمت های نهج البلاغه

فصل چهارم: موضوع دنیا در کتاب غرر الحکم

فصل پنجم: موضوع دنیا در کتاب میزان الحکمه

فصل ششم: موضوع دنیا در برخی منابع دیگر به نقل از کتاب دنیا و آخرت

بخش دوم: زهد

فصل هفتم: موضوع زهد در کتاب میزان الحکمه

فصل هشتم: موضوع زهد در کتاب غرر الحکم

پیشگفتار

ویژگی های دنیا

دنیا مثل

اهل دنیا

مثل دنیا و آخرت

خطبه ها: فصل اول

آشکار شدن فتنه ها

آنچه از دست رفت

از جسم خود بگیری و بر جان خود بیفزایی

انا لله وانا اليه راجعون

انسانهای مست

ای دشمنکهای جان خویش

ص: 275

بازسازی استخوان شکسته ملت

بر شما باد به تلاش و کوشش

برق درخشنده ی دنیا

بلاهای طاقت فرسا

بهای دنیا

بی اعتباری دنیا

بی اعتباری به آخرت

پایان زندگی

پیامبر الگویی برای الگوظلمبان

تازه های دنیا

تجارت پرسود

تلخی دنیا

توصیف دنیا

تیرهای مرگ

چه باقی گذاشت؟ چه پیش فرستاد؟

خانه بی ارزش دنیا

خانه های امن الهی

دنیا چه خوب خانه ای است

دنیا خانه آرزو

دنیا خانه ای پوشیده از بلاها

دنیا خانه ماندگار نیست

دنیای دل فریب

دنیا گذرگاه آخرت

راه نجات

روی گردانیدن دنیا

سایه دنیا

سایه سوزان

سراب دنیا

شتاب در اعمال نیکو

شعله ای که تر و خشک را می سوزاند

ص: 276

شقاوت دامنگیر یا رستگاری جاویدان

شیفتگان دنیا

عبرت آموزی از روزگار جاهلیت

عشق ناروا

فرزندان دنیا و آخرت

فرمانبرداری دنیا و آخرت

قطع کننده عذرها

کتاب روشنگر

کشتی طوفان زده

کوچ از دنیا

لقمه های گلوگیر

مردم 5 گروهند

مسافران دنیا

نزدیکی فردا به امروز

نشانه های هدایت

نامه ها: فصل دوم

فهرست نامه ها

آتش عشق دنیاپرستان

آنچه از دنیا به دست می آوری

برترین مؤمنان

بلایی کوبنده

پیروی از هوای نفس

داستان دنیا پرستان

دنیا سرای آزمایش

رسوایی در دین و دنیا

روزگار دوروز است

سفره های رنگین

شبهت دنیا به مار

لذت پارسایی

نگهبانی از نفس

ص: 277

حکمتها: فصل سوم

فهرست حکمت ها

آخرت نزدیک است

اصلاح دنیا

اصلاح میان خود و خدا

اندوه روز نیامده

انواع روزی بانگ فرشته

بخیل بخیلان

برگهای خشکیده و با خیز

بقایای ناپایدار

پاداش دوستان و کیفر دشمنان

تلخ کامی دنیا

چیزی از دنیای حرام برای پس از مرگت باقی مگذار

خشمناک از قضاء الهی

خواری دنیا

دنیا برای رسیدن به آخرت

دنیای حرام همچون استخوان خوک

دنیای حرام و آخرت، دو دشمن متفاوت

دنیای حرام چون مارسمی

دنیا خانه ی پند برای پندآموزان است

دنیا گذرگاه عبور است

دنیای سه طلاقه

دیدار با مرگ

زیان دیده در دنیا و آخرت

سواران در خواب

صحبت با اموات

طالب دنیا - طالب آخرت

عاریت نیکی های دیگران

عزادارن به سوگ نشسته

ص: 278

عشق به دنیا

قدمی به سوی مرگ

کوچ کردن نزدیک است

گوهر شخصیت مردان

گویی مرگ بر غیر ما نوشته شده

لقمه ی جویده ی حرام دنیا

مردم در دنیا دو دسته اند

مردم فرزندان دنیا هستند

غرر الحکم: فصل چهارم

فهرست غرر الحکم

آباد کردن سرای فانی

آراستگی دنیا

آرزو شما را فریب ندهد

آرمان دنیا

آرمان و خواسته دنیا طلب

آسانی دنیا

آشکار شدن آخرت

آفت جان انسان

آمیزش با فرزندان دنیا

احوال متزلزل دنیا

ادعای دوستی خدا

اعتماد بر دنیا

اعتماد بر دنیا

از دست رفتن آخرت

از دست رفتن آخرت

اساس آفتها

اساس فتنه

اسباب و وسایل دنیا

استحقاق آخرت

اصلاح دنیا - بهره و لذت دنیا

ص: 279

اطمینان به دنیا

اعتماد به دنیا

افسار دنیا

امروز روز تمرین و آمادگی

اندک دنیا آخرت بسیار

اندوه بزرگ

اندوه طولانی

اندک دنیا

انسان های با ابهت

انس به دنیا

انس به سرای فنا

اهتمام در امر معاش

اهل دنیا به بیراهه میروند

ایستادگی بر علاقه به دنیا

ایمنی در دنیا

ایمنی بیشتر

بازار دنیا

بدخانه ای است دنیا

بدترین محنتها

برگزیدن دوستی دنیای حاضر

بخششهای دنیا

بخشندگی دنیا

برده فراری دنیا

بزرگترین خطاها

بزرگترین مصیبت ها

بسا خوشی که باز گردد به ناخوشی

بشارت بهشت

بلند نکن کسی را که دنیا او را بلند گردانده

بهره خویش از پروردگار

بهشت برین در مقابل دنیای حاضر

ص: 280

بنا کننده ای که در بنای خود سکونت نکند

بنده ی دنیا

بهره های دنیا

بی ارزشی دنیا

بی اعتباری دنیا

بی وفایی دنیا

بیش از کفاف خود از دنیا نخواهید

پاکی از پستی دنیا

پایداری دنیا

پرهیز از چیره شدن دنیا

پس انداز دنیا

پستی دنیا

پشت کردن به دنیا

پناه بر دنیا

پناهنده به دنیا

پی آمدهای به جای ماندنی دنیا

پیشی گرفتن بر دنیا

پیروزی آخرت

تباه دین

تباهی دین

تباه شدن عقل

تباہی عقل

تجملات دنیا

تجارت دنیا

تشبیہ دنیا بہ زن

تکیہ گاہ دنیا

تلخی آخرت

تندرستی ہدف بیماریہا

تندرستی دنیا

تہ ماندہ دنیا

ص: 281

جایگاه آفت ها

جایگاه دگرگونی ها

جایگاه فریب

جایگاه محنت

جبران شکستگی

جلب محبت

چیره شدن فریب

چیره گی بر دنیا

حالات دنیا

حالت دنیا

حساب حلال و حرام دنیا

حسابرسی آخرت

حسرت و افسوس دنیا

حقیقت تلخ شده

حکایت دنیا

حکایت دنیا و آخرت

خانه محنتها

خانه نابود شدنی دنیا محل بخت برگشتگان

خدمت دنیا - خدمت خدا

خرابی دنیا

خسروان دنیا

خواری دنیا

خوشی دنیا

خوش گمانی به دنیا

خوشنودی از دنیا

خیر ناچیز دنیا

داد و ستد دنیا

دارایی و ثروت دنیا

دام دنیا

در احوالات دنیا

ص: 282

دردمندترین دردها

دل‌بستگی به دنیا

دل‌بسته‌ی دنیا

دگرگونی احوال مردان

دل‌بستگی به دنیا

دور انداختن دنیا

دوری که نزدیک شود و نزدیکی که دور شود

دوستان خدا

دوستی خداوند و دوستی دنیا

دوستی دنیا

دوستی دنیا و ترک آخرت

دوستی دنیا معدن هر بلا

دوستی و محبت دنیا

دیدار خدای سبحان

دیده محدود دنیا داران

دنیا به سراغ او می‌آید

دنیا برای اولیای خدا

دنیا پایان دیده‌ی نابینا

دنیا تباه‌کننده‌ی دین

دنیا خانه‌ی نابودی

دنیا خانه‌ای است عاریتی

دنیا خانه تندرستی

دنیا خواهی به وسیله عمل آخرت

دنیا جایگاه قرار شما نیست

دنیا جایگاه فتنه ها

دنیا داران هدف آماج حوادث ناگوار

دنیا زندان مؤمن

دنیا سرای بلاها

دنیا سرای بی رغبتی

دنیا عسل آلوده به زهر

ص: 283

دنیا مالا مال مصیبت ها

دنیا مرگ را نزدیک و آرزوها را دور می کند

دنیا وسیله دین

دنیا وسیله خنده

دنیا وسیله سرگرمی

دنیا همچون دام است

دنیای آباد

دنیای آباد - آخرت ویران

دنیای آراسته به فریب

دنیای به سرآمده

دنیای پر فریب

دنیای پشت سر

دنیای تمام شدنی

دنیای حاضر و آخرت

دنیا خانه آخرت نیت

دنیای دلفریب

دنیای شیرین

دنیای فانی

دنیای غنیمت

دنیای مذموم

دنیای مطلقه

دنیای ناپایدار در مقابل آخرت پایدار

دنیای وارونه

دنیای فانی

دنیای محبوب

رساترین نصیحت ها

رضایت از دنیا

رغبت به زینت‌های دنیا

رغبت به دنیا

رغبت به دنیا

ص: 284

رغبت در دنیا

رنج و تعب دنیا

رنج و دوستی دنیا

روی آوردن و پشت کردن به دنیا

رویای دنیا

رو آوردن دنیا به شخص نادان

رو آوردن به دنیا

روی برگردانی از دنیا

رها کردن دنیا

ریسمان پوسیده دنیا

ریشه محنتها

زمان کوتاه دنیا

زندگی نکوهیده

زهر دنیا

زهر کشنده

زهر کشنده دنیا

زیان دنیا

زیاده طلبی

زیانکارترین مردم

زیرک ترین مردم

زیور دنیا

سایه رفتنی دنیا

سایه رفتنی دنیا

سایه زندگی

سایه کوتاه زندگی

سراب زائل دنیا سرای آخرت

سرای دنیا

سرای محنت

سرای مصیبت های بزرگ

ص: 285

سختی و دشواری دنیا

سرگرم دنیا

سقوط بسیار

سلطنت دنیا

سود عمل برای آخرت

سودهای دنیا

شادمان شدن به دنیا

شادمانی به اندک دنیا

شادمانی در دنیا

شادمانی دنیا

شادمانی ناحق

شادی بسیار - اندوه و افسوس

شادی دنیا

شادی دنیا

شمارش محذور دنیا

شناختن دنیا

شنیدن بزرگتر از دیدن

شیرینی دنیا

شیرینی و تلخی دنیا

شیفتگی به دوستی دنیا

شیفته ی آخرت

شیفته ی دنیا

شیفته شدن به دنیا

شیفته و شنیدای دنیا

صلاح آخرت

طالب دنیا

طالب خواسته های ناپایدار دنیا نابود است

طالب دنیا

ظاهر بیمار دنیا

عزت دنیا

ص: 286

عزّت دنیا خواری است

عشق به دنیا

عمل نیکو

غروب طلوع کننده

غنیمت آخرت

غول دنیا

فرزندان دنیا

فزونی دنیا

فریب احمقان

فریب دنیا

فریب دنیا

فریب خورده ی دنیا

قطع کمالات

کابین بهشت

کار برای دنیا

کار برای دنیا

کاستی دنیا

کشتزار بدی ها

کشتی با دنیا

کفایت اندکی از دنیا

کمال در دنیا

کمال عقل

کناره گیری از دنیا

کوتاهی اوقات دنیا

کوچک شمردن دنیا

کوری دل

گاه است که خوشی به ناخوشی برگردد

گردآورندگان بر دنیا

گردش دنیا

گردش روزگار

ص: 287

گردن کشی دنیا

گرفتاری همیشگی

گریستن بر دنیا

گذرگاه دنیا

گمراهی دنیا

گنجهای اندوخته

لذت اندک دنیا

لذت دنیا - غصه و اندوه قیامت

لغزشگاه دنیا

لقمه ای گلوگیر

مالک دنیا

ماندگاری دنیا

محبت دنیا

محبت دنیا

مداوای دردهای دنیا

مدت سرآمدنی دنیا

مردمان بخت برگشته

مرکب دنیا

مرکب دنیا

مرگ های دنیا - مرگهای آخرت

مصاحبت با دنیا

مصاحبت با کم و کوتاه

مصیبت های دنیا

منزل تنگ دنیا و فراخ آخرت

موهبت های دنیا

میل به دنیا

میوه عقل و خرد

نابود شدنی اندک

نابودی اهل دنیا

نابودی عمر

ص: 288

ناپایداری دنیا

نافرمانی دنیا

نافرمانی خدا

نعمت‌های فانی و ناپایدار

نقش و نگارهای دنیا

نکوهدگی دنیا

نوشیدنی دنیا

نهایت دنیا

نهایت خوشی

نیرنگ دنیا نیرنگ های دنیا

نیکبختان دنیا

نیکبخت ترین مردم

نیکبختی در سرای آخرت

وداع با دنیا

وسیله تباهی دین

هدف و نشانه‌ی حوادث

هلاکت نعمت‌های دنیا

میزان الحکمه: فصل پنجم

فهرست میزان الحکمه

اگر روزگار به زیان تو شد شکیبیا باش

اگر روزگار با تو بود سرمست شو

آخرت همیشگی

آیا دنیا جز لیسیدن انگشت است

آدمی در دنیا چگونه است

انواع کشت

آخرین پیامبری که وارد بهشت میشود

ارزش دنیا به اندازه پرپشه

آدم خردمند

آنچه از دنیا با خود میبرید اندک است

ص: 289

آنها که به دنیا دل بستند و برای آخرت آماده نشدند

اعتماد به دنیا

اگر آنچه من از دنیا میدانم شما بدانید

آنچه بعد از تو ماند از آن وارثان است

آینه عبرت

از دنیا بیش از اندازه نخواهید

آزمایش دنیا

باریدن ابر بلا

با همت ترین مردم

بدبختی و اندوهش به درازا کشید

بد سرایی است دنیا

برخورداران از دنیا دلهایشان گریان است

بزرگترین هم و غم تو

بزرگ شمردن دنیا

بنده دنیا

به دنیای فانی دل مبندید

بی ارزشی و پستی دنیا

بیایید دنیا را ببینید

بی رغبتی به دنیا

پاداش نیکی

پر ارج ترین مردم در دنیا

پرهیز از دنیا

پرهیز از خواهشهای دنیایی

پرهیز از دنیای بسیار فریبنده

پشت به دنیا

پیامبران و برگزیدگان خدا از آلوده شدن به دنیا رستند

ترسی از خدا که از نافرمانی او بازمان دارد

تلخی دنیا - شیرینی آخرت

توشه برای معاد

جانهای شما را بهایی جز بهشت نیست

ص: 290

جدایی از دنیا

جز از خرد نتوان کمک گرفت

جستن آنچه از دنیا که تو را اصلاح می کند

جلوه گری دنیا

چاله های بر سر راه

چهره روزگار

چیره شدن دنیا

حدیث معراج در مورد دنیا دوستی

حذر از شادی

حذر کن از این که چونان کودک باشی

حسرت بسیار

حکایت دنیا

حکایت من و دنیا

حلال و حرام دنیا

خدمت به دنیا - خدمت به دنیا

خدمت به خدا

خیر دنیا و آخرت

دارایی و فرزندان

دستیابی به آخرت با دنیا

دشمن دشمنان خدا

دل برکندن از دنیا

دل بستن به دنیا

دلها از نور بصیرت کور گشته است

دل خوشی به دنیا

دنیا اگر روی آورد فریب میدهد

دنیا برای جز خود آفریده شده است

دنیا به آب دریا ماند

دنیا به زودی از شما گرفته خواهد شد

دنیا به منزله تصویری است

دنیا به منزله ی لاشه ای بس گندیده

ص: 291

دنیا بی ارزشتر از استخوان خوک در دست جدامی

دنیا تابع دین

دنیا در نظر خردمندان

دنیا دوست برای دیگران جمع میکند

دنیا دوستی

دنیا دوستی

دنیا دوستی موجب طمعکاری میشود

دنیا دوستی موجب عذاب دردناک میشود

دنیا را بر من زندان مگردان

دنیا را رها کن

دنیا را چگونه دیدی؟

دنیا را چون بوته خار بدان

دنیا خواهی

دنیا سرای راستی

دنیا سرای نیکو

دنیا سرای مکار است

دنیا مانند زهر است

دنیا مانند لباس

دنیا نه سرای آرام گرفتن است نه جای ماندن

دنیا نوبتی است

دنیای بی ارزش تر از برگ درخت در دهان ملخ

دنیای تلخ تر از حنظل

دنیای سه طلاقه

دنیای ناچیزتر از آب بینی بز

دوری از دنیا

رأس فتنه ها

رها کردن دنیا

رهایی دنیا به خاطر دین

روایت عثمان بن مظعون

روزگار بدنها را می فرساید

ص: 292

روزگار دوروز است

زیان به آخرت

زیانبارترین کار

ساعت دنیا

سالم ماندن دنیا از اینکه آخرت گزند بیند

سرای حقیقی در ورای این دنیا است

سرای عافیت و سعادت

سفارش پیامبر در مورد قوت روزانه

شادی دنیا

شکوه از نیازمندی

شگفتیهای فراوان دنیا

شما را از دنیا برحذر می دارم

صبر بر طاعت خدا

عواقب غرق در دنیا شدن

عیبهای دنیاپرستان

فرجام ناگوار دنیا پرستان

فرزندان دنیا

کار برای خدا

کاروانی که در آبشخور فرود آمده

کرامت نفس

کسی که دنیا را آباد میکند

کلید و خزانه های دنیا

کوشش در طلب دنیا

لذتهای دنیا در هفت چیز است

ما برای دنیا آفریده نشده ایم

مایه ایمنی مایه هلاکت

مبادا فریب بخوری

متاع دنیا و آخرت در دل مؤمن

مردانی که دنیا آنان را خواست و آنان دنیا را نخواستند

مردم فرزندان دنیا هستند

ص: 293

منشأ همه آفت ها

مؤمن به دنیا را دیده عبرت مینگرد

نابودی آدمی

نام گذاری دنیا - نام گذاری آخرت

نصیب دنیا

نعمت شاد کننده

نکوهش دنیا

وای بر شوهران باقیمانده تو

وصله زدن کفش توسط حضرت علی علیه السلام

هدف تیر مرگ

هدیه سربچی بن زکریا به فاحشه ای

هر که تقوای خداوند پیشه کند قوی شود

هر که دوستدار ماندن است باید دلی شکبیا داشته باشد

دنیا و آخرت از محمدی ری شهری: فصل ششم

فهرست دنیا و آخرت

آرزو و هوای نفس

آرزوی دور و دراز

آسودگی در سرای نیستی

آیا دنیا جز مانند لقمه ای است؟

استواری دنیا

اعجاز در بیان حقیقت دنیا

اهل آخرت

اهل دنيا چه کسی است؟ اهل آخرت چه کسی است؟

این را همچون ماده الاغ به دور انداز

بازار کالای آخرت

پرهیزید از اینکه چون کودک باشی

برخورداران از دنیا

برو و شوهری جز من بجوی

بهترین شما

به هر کس 4 خصلت داده میشود

ص: 294

بی اعتباری به دنیا

پارچه ای کهنه میچاله در آتش افکنده

پارساترین مردم

پروا از خدا

پرهیز از دنیا دوستی

پسرانم کجایند

تجارت خانه دنیا

ترغیب به بی اعتنایی به مال و فرزندان

جامه ی بی ارزش

چشم روزگار

حذر از دنیا

حذر از دنیای مکار فریبکار

حکایت شما و حکایت دنیا

خدایا تو از حاجت هایم آگاهی

خودداری از حطام دنیا

خیر دنیا و آخرت

خیر دنیا و آخرت

خیری که شری در آن نیست

دانا کسی است که از دنیا گریزد

در تشویق به دل کردن از دنیا

در نکوهش دنیا

دنیا از آن کسی که ترک کند

دنیا جایگاه واقعی

دنیا چون سایه ناپایدار

دنیا چون مرغزاری است

دنیا را برایم زندان مگردان

دنیا را برایم زندان مگردان

دنیا را بوته ی خاردان

دنیا را رها کن

دنیا سرای فریبکار

ص: 295

دنیا سرای کیفر و زوال

دنیا سرای منافقان

دنیا سرای نیستی

دنیا مرکب مؤمن

دنیا مزرعه آخرت

دنیا مؤنث ادنی

دنیای پر مصیبت

دنیای حيله گر

دنیای مکار فریبکار

دوری از دنیا

روایت سلیمان بن داوود

روزگار سه روز است

زاهد به دنیا پند داده شد و پند گرفت

زاهد کسی است که دانست و عمل کرد

زنهار که زندگی دین شما را نفریبد

زهد به دنیا از سه حرف تشکیل شده است

زهد در دنیا

سرای نیستی

سراییی که برای ما گورها حفر شده

سرگرم به دنیا

سفارش به فرزند

سوار بر الاغی کند رو

سهم دنیا - سهم آخرت

شادی دنیا

شادی و غم دنیا

شش چیز است که به شش چیز نیاز دارد

شما در دنیا به سان کاروانی هستید

طریق احتیاط و هشیاری

عمر طولانی

عیبهای دنیا

ص: 296

غافلگیری مرگ

فرجام از آن پرهیزگاران است

فرجام پشیمانی

قدر و منزلت در هر دو سرا

کار برای دنیا به اندازه ماندنت

کاربرد کلمه دنیا

کالای دنیا

کسی که دنیایش سالم باشد

کسی که همتش آخرتش باشد

کوشش در دنیا

گزیدن دنیا بر آخرت

مردم سه دسته اند

مردم سه دسته اند

مصاحبت با عیسی بن مریم

مقام زاهدان

ناسازگاری خردها با هوسها

نامه به عمروعاص

نشانه هایی که تو را به پستی دنیا رهنمون می کند

وجود دنیا و آخرت

وصف دنیا

هر چیزی را به خشم آوری از تو نافرمانی می کند

هر که آرزو دارد تا ابد زندگی کند

هر که به دنیا پشت کند

هر که به دنیا دل ببندد دنیا مالک او می شود

هر که شش خصلت در او گرد آمده باشد

هر که مطلوبش دنیا باشد

همت زاهد

همه گان به سوی خدا بازگردانیده میشوند

میزان الحکمه: فصل هفتم

مقدمه

ص: 297

فهرست میزان الحکمه

آزادی از قید بندگی

آراستگی با بی رغبتی به دنیا

آسایش تن و جان

آسایش در دنیا گریزی

آغاز زهد

آنچه از دنیا به من داده ای

آنچه که در دست داری

آیه زهد

ارزش آخرت

ارزش آخرت

ارزش درهم و دینار

از آخت و نعمتها و عذاب دردناک بسیار یاد کن

از رزق مقدر چیزی کم نمیشود

استواری حکمت

اگر اهل دنیا عقل خود را به کار می بستند

اندکی شناخت

با کار دنیائی آخرت مخواه

بر طلب ناداشته برنیا

بزرگترین آسایش

بذر حکمت

بسندہ بہ کمتر قوت خود

بندگان صالح

بہ آنچه تو را داده ام خشنود باش

بہ بار نشستن حکمت

بہ هیچ چیز رفتنی دل مہند

بی اعتنایی بہ دنیا

بی اعتنایی بہ دنیا

بی رغبتان بہ دنیا

بی رغبت بہ دنیا

ص: 298

بی رغبت به دنیا امیدوار است

بی رغبتی انسان

بی رغبتی به حرام

پارساترین مردم

پوشیده داشتن زهد

پیامبران زاهدند

تا چیزی را نشناخته ای به آن زهد نورز

تجارت سوآور

ترجیح نافرجام آخرت بر محبت دنیا

تعلیم حکمت

تفسیر زهد

تمرین زهد

توصیف بهشت و دوزخ

جاری ساختن قضا بر دوستان

چهره ی مرگ

حقیقت زهد

حلاوت ایمان

خالص کردن اعمال

خداوند او را علم آموزد

خود آرایی دنیا

خوی پرهیزگاران

درجات زهد

در طلب دنیا آرام باش

دعای حضرت در مورد نشان دادن دنیا

دلت را با موعظه زنده گردان

دل از دنیا برکن

دل کندن از دنیا

دل کندن از دنیا

دلهای گریان

دنیای گریزان

ص: 299

دوراندیش ترین شما

دوری از حرام

دوری از سرای فریب

راه رسیدن به دانش

رغبت به دنیا غم و اندوه به بار می آورد

رغبت به دنیا کلید رنج است

رغبت نیکو

روی آوردن به سرای سلامت

رهایی از بدختی

ریشه ی دین

ریشه زهد

زاهدان دلها را برای آخرت خالی سازند

زاهد به دنیا کیست؟

زاهد فروتن است

زاهد هرگز نیازمند نشود

زهد به دنیا چیست؟

زهد چیست؟

زهد خویشنداری

زهد کلید در آخرت

زهد و بی رغبتی به دنیا

زهد ورزیدن به زرق و برق دنیا

زهد یک ثروت است

زیوری آراسته

شادی مکن

شالوده ی یقین

شکیبایی در مقابل حرام

شناخت عیب و نقص دنیا

صبورترین در برابر بلاها

فرمان به زهد

فروغ آمدن رحمت

ص: 300

کار برای آخرت

کار دشوار - کار آسان

کسی برای از دست رفته افسوس نخورد

کسی برگزیده اندوه نخورد

کسی که زیور دنیا را واگذارد

کمک به دین

کمیاب ترین پدیده ها

کلید درستی

کناره گیری از حلال کوتاه کردن آرزوها

کوری و بینایی گرفتار چنگال مرگ

گروه زاهدان

مردم سه گروهند

مشتاق به آخرت

معنای زهد

میوه ی دین

میوه ی زهد

ناچیز شدن مصیبت ها

نباید به آن دل بسته شد

نجوای خداوند با موسی

نزدیکی مرگ

نشانه دنیا گریزان

هر چه که آخرت را طلبد

هر که از دنیا دل برکند مصیبت ها بر او آسان شود

هرگاه دینتان سالم بود

هرگاه زاهد از مردم گریزان شد

هیچ کس حق را در بهتر از بی رغبتی به دنیا بدست نیاورد

یاور دین

یاد مرگ

ص: 301

غور الحکم: فصل هشتم

فهرست غور الحکم

آسان شدن رنج ها و مصیبتها آسودگی از بدبختی دنیا

اخلاص در اعمال

آغاز زهد

از آن مردمانی باشید که فنا و نیستی دنیا را شناخته

از زاهد بگریز

اساس زهد

اساس سخاوت

اگر به راستی به ماندن راغب هستید

اگر به شناخت خویش رسیده ای

باز داشتن خویش از آنچه در دست مردم است

بدان و بی خبر نباش که از تو غافل نیستند

برترین بخش آسایش دنیا

برترین عبادت

برترین فرمانبرداریهها

برترین مراتب ایمان

بر گذشته افسوس نخور - به آینده شادمان نباش

بزرگترین آسایش

بزرگترین چیزی که شناخته شده

بزرگترین مردن

بهای بهشت

بهترین مردم

بهره ای از بهشت برین ندارد

پایه ی یقین

پرهیز کن که مرگ بر تواید

پنهان کردن زهد

و هیچگاه برای دنیا آفریده نشده ای

ثمره ی دین

ص: 302

جلب محبت مردم

چگونه زهد ورزد کسی که قدر و ارزش آخرت را نشناخته است

حفظ دین

خود را به زهد وادار کردن

خوشا به حال بی رغبتان به دنیا

خوشنودی پروردگار

خوی انسانهای با اخلاص

خوی پرهیزگاران

درخت حکمت

درخت حکمت و فرزاندگی

دلپسته دنیا باشی نابود خواهی شد

دنیا سرای رفتن

دور اندیش ترین

رغبت داشتن در عقل

رغبت در دنیا

روی برگردانی از دنیا

رهایی در دنیا

ریشه و اساس دین

زاهدترین در دنیا

زهد انسان در آنچه فانی میشود

زهد توانگری است

زهد تو در چیزی باشد که از میان می‌رود

زهد در دنیا

زهد و بهشت برین

زهد و دوری از دنیا

زهد برای کسی که شتاب زوال دنیا را دانسته

زیور حکمت و فرزانیگی

سعادت و نیکبختی انسان

سود ندهد کسی که از آز و طمع خود را جدا نکرده

شایسته ترین مردم

ص: 303

شناخت مردم

عاقل و خردمند کسی است که زهد ورزد

غلبه نکند حرام بر صبر

فضیلت و برتری عقل

کسی که از دنیا کنده شده مصیبت ها بر او آسان گردد

کسی که در دنیا زهد ورزد دنیا از دستش نرود

کسی که دنیا را بشناسد زهد ورزد

کلید صلاح و شایستگی

کمک یار و یاور دین

کوتاه کردن آرزوها

گردآورنده و جامع دین

مصیبت و رنج لذت های دنیا

معامله ای سودآور

میوه ی زهد

میوه ی یقین

نازل شدن رحمت حق

نخواه هرچه را نداری تا آنچه داری تمام شود

نیازمند و فقیر نشود کسی که زهد ورزد

وسیله تحصیل علم

هرگاه زاهد از مردم گریخت او را بجوی

یقین بدانچه به جای میماند

بسمه تعالی

جَاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ

با اموال و جان های خود، در راه خدا جهاد نمایید، این برای شما بهتر است اگر بدانید.

(توبه : 41)

چند سالی است که مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه موفق به تولید نرم افزارهای تلفن همراه، کتاب خانه های دیجیتالی و عرضه آن به صورت رایگان شده است. این مرکز کاملاً مردمی بوده و با هدایا و نذورات و موقوفات و تخصیص سهم مبارک امام علیه السلام پشتیبانی می شود.

برای خدمت رسانی بیشتر شما هم می توانید در هر کجا که هستید به جمع افراد خیراندیش مرکز بپیوندید.

آیا می دانید هر پولی لایق خرج شدن در راه اهلبیت علیهم السلام نیست؟

و هر شخصی این توفیق را نخواهد داشت؟

به شما تبریک میگوئیم.

شماره کارت :

6104-3388-0008-7732

شماره حساب بانک ملت :

9586839652

شماره حساب شبا :

IR390120020000009586839652

به نام : (موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه)

مبالغ هدیه خود را واریز نمایید.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آواده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک 129/34 - طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: 03134490125

دفتر تهران: 021 - 88318722

بازرگانی و فروش: 09132000109

امور کاربران: 09132000109



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

گامی

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

